

# معلولان و انتخابات

به کوشش  
دفتر فرهنگ معلولین



دفتر فرهنگ معلولین  
مركز الثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center



دفتر فرهنگ معلولین  
دارالثقافة للمعوقین  
Handicap Cultural Center

## معلولان و انتخابات

به کوشش: دفتر فرهنگ معلولین

زیر نظر: محمد نوری

تاریخ: تابستان ۱۳۹۶

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴ تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲  
همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵ , info@handicapcenter.com , www.HandicapCenter.com

- هرگونه اخذ و اقتباس با اجازه کتبی از ناشر ممکن است.

## فهرست

۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	<b>فصل اول: پیشینه.....</b>
۱۳.....	دکتر محمد خزائلی نماینده مردم اراک.....
۲۱.....	دیگر مشاهیر.....
۶۴.....	پایان و نتیجه.....
۶۵.....	<b>فصل دوم: معرفی کاندیداهای دارای معلولیت در انتخابات ۹۶.....</b>
۶۷.....	اسماعیل ابوطالبی.....
۶۹.....	بهزاد اشتری.....
۷۱.....	محمدعلی افشاری.....
۷۳.....	بهرام برزگر.....
۷۶.....	لیلا بهرامی مگری.....
۸۱.....	محمدحسن پارسائیان.....
۸۲.....	غلامرضا تجدد محمد علیخانی.....
۸۴.....	حمیدرضا جعفریان.....
۸۸.....	حسن حسینلو.....
۸۹.....	سید صابر حسینی.....
۹۲.....	علیرضا حیدری رامشه.....
۹۵.....	رحمان دلاوری.....
۹۷.....	روح الله ذوقی احسان.....
۱۰۱.....	طاهره رضاپور کوشاهی.....
۱۰۵.....	کاظم رضایی.....
۱۰۷.....	محمود سلوکی.....
۱۰۹.....	محسن شریفی فهلیانی.....
۱۱۱.....	عباس شیرینی.....

۱۱۲.....	علی صابری .....
۱۱۵.....	حیدر صدقعلی .....
۱۱۶.....	محمد طهماسبی .....
۱۱۷.....	مرادحسین طهماسبی الفت آبادی .....
۱۱۸.....	اصغر عباسی .....
۱۲۰.....	علی اصغر عین القضاة .....
۱۲۲.....	مهدی قنبری موحد .....
۱۲۴.....	حسین کاردان .....
۱۲۵.....	علی کیانی .....
۱۲۷.....	محمدحسین معین .....
۱۲۹.....	قدرت الله ممبینی .....
۱۳۲.....	مسلم ویسی .....
۱۳۳.....	<b>فصل سوم: قانون حضور معلولان در انتخابات.....</b>
۱۳۵.....	پیشینه قانون شرکت نایبانیان در انتخابات.....
۱۳۶.....	آغاز تلاش های نمایندگان: آبان ۱۳۹۰.....
۱۳۶.....	طرح مجدد در مجلس نهم.....
۱۳۸.....	دیدگاه رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس.....
۱۳۹.....	دیدگاه کمیسیون بهداشت مجلس.....
۱۳۹.....	طرح قانونی شرکت نایبانیان در انتخابات در مجلس شورای اسلامی.....
۱۴۱.....	دیدگاه تشکل های معلولیتی.....
۱۴۳.....	رأی گیری مجدد.....
۱۴۵.....	انتقاد علی صابری از مصوبه جدید.....
۱۴۶.....	نقض حقوق اساسی نایبانیان.....
۱۴۸.....	دفاع از حقوق نایبانیان.....
۱۴۹.....	مگر نمایندگان مجلس با چشم تصمیم گیری می کنند.....
۱۴۹.....	نقض حقوق شهروندی با حذف نایبانیان از انتخابات مجلس.....
۱۵۰.....	تلاش مجدد برای طرح کاندیداتوری نایبانیان در مجلس.....
۱۵۱.....	نتیجه و پایان.....
۱۵۳.....	<b>فصل چهارم: گرایش و نظریه اسلام.....</b>
۱۵۵.....	نگرش اسلام به حقوق معلولان.....
۱۶۳.....	برابری و تبعیض.....
۱۶۵.....	حقوق معلولان در نهج البلاغه.....
۱۷۲.....	واقع گرایی.....

- 
- فصل پنجم: بازتاب‌های اجتماعی..... ۱۹۵
- گفت‌وگو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا..... ۱۹۷
- انعکاس انتخابات شوراهای در نگاه روزنامه‌ها..... ۲۰۱
- حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا..... ۲۰۶
- شورای شهر و حقوق معلولان..... ۲۱۰
- لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراهای..... ۲۱۱
- کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای مصداق بارز موفقیت توانمندسازی..... ۲۱۳
- انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا..... ۲۱۴



## مقدمه

معلولان اعمّ از نابینایان، ناشنوایان، فاقدان حس حرکتی و افراد دارای ضایعات نخاعی و خلاصه همه اقشار دارای نوعی معلولیت در یکصد سال اخیر در ایران، مسیر پر سنگلاخ و پر حادثه و کاملاً صعب العبور را طی کرده‌اند. در دوره قاجاریه و پیش از آن معلولان سواد خواندن و نوشتن نداشتند و از کوچک‌ترین حقوق و امتیازات اجتماعی بهره‌مند نبودند. فاقد مدرسه و نظام آموزش و پرورش؛ نظام حقوقی مصوب ویژه خودشان بوده و بدون در نظر گرفتن حقوق انسانی حتی از سوی نخبگان جامعه، آنان در وضعیت مادون زندگی انسانی زندگی می‌کردند. با اینکه متون دینی و آموزه‌های اسلامی در قرآن و احادیث، حقوق آنان را به رسمیت شناخته و از مدیریت اجتماعی خواستار تأمین زیست و زندگی کاملاً مطلوب انسانی برای آنان شده است.

از وقتی معلولان به این واقعیت پی بردند که خودشان باید به رفع موانع و ساختن وضعیت مطلوب جامعه‌شان بپردازند و به آموزه‌های قرآنی «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»<sup>۱</sup> توجه پیدا کردند؛ با پشتکار و تلاش خودشان توانستند مراحل صعود مدنی را مرحله به مرحله، پشت سر گذارند. نخستین مرحله سواددار شدن و فراگیری خواندن و نوشتن بود. بدون گذر از این مرحله، ورودشان به دنیای مدرن ممکن نبود؛ وقتی وارد مدنیت و حقوق‌گرایی و انسانیت‌خواهی می‌شدند که بتوانند القانات دیگران را متوجه شوند و بتوانند بایکدیگر تفهیم و تفاهم برقرار نمایند و یک جامعه مدنی هر چند کوچک تشکیل دهند. عنصر اولیه چنین جامعه‌ای سواد خواندن و نوشتن است. کسانی مثل مرحوم باغچه‌بان و مرحوم رشیدی تلاش بی‌محابا در سواددار کردن معلولان به خرج دادند.

پس از گذشتن از مرحله فراگیری خواندن و نوشتن، وارد تحصیلات متوسطه و همزمان وارد نهادهای مدنی اولیه مثل اشتغال و یافتن شغل و ورود در کسب و کار شدند. پس از چند سال تثبیت در مرحله میانی و ثبات در شغل و درآمدیابی و انتقال از طبقه ضعیف به طبقه متوسط جامعه، راه ورودشان به تحصیلات عالی و حرکت به طرف نهادهای عالی اجتماعی مثل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، تعاونی‌ها، تشکیل تشکل‌های مدنی و مراکز شغل و اشتغال برایشان هموار گردید.

چند دهه از ورودشان به این مرحله گذشت؛ تا اینکه تجربه جدید در جامعه هدف مطرح شد و آن ضرورت ورود معلولان به سطح مرجع جامعه است. معلولانی که مشاغلی مثل وکالت، استادی دانشگاه، مدیریت نهادهای مدنی را تجربه کرده بودند خود را محق می‌دانستند که جزء اقشار

---

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

تصمیم‌ساز کلان جامعه شوند و بتوانند برای نیازها و مشکلات خودشان در سطح کلان و ملی تصمیم‌سازی نمایند.

چون در این دوره نظریه‌هایی مطرح شده بود که مشکلات معلولان مرتفع نمی‌شود مگر اینکه خودشان در مناصب عالی اجتماعی حضور و عضویت پیدا کنند. قانون جامع معلولان ایران وقتی سامان خواهد یافت که خود معلولان در قوه مقننه حضور داشته باشند و با یادگیری در این جبهه بتوانند تصمیم‌گیری و نهایتاً تصویب کنند. همینطور شغل و اشتغال، درآمد و کسب و کار، فرهنگ و آموزش و پرورش و ده‌ها مشکل معلولان بر اساس این نظریه فقط با عضویت و حضور معلولان در مراکز عالی تصمیم‌گیری سامان‌دهی می‌گردد.

اما حضور آنان در قوه مجریه به عنوان رئیس جمهور یا معاونان ریاست جمهوری یا وزیران یا معاونان وزراء و در قوه مقننه و نهادهای همسو و وابسته به این قوه مثل شورای نگهبان یا در قوه قضائیه به دو شیوه امکان‌پذیر است: یا باید از بالا نصب شوند و یا توسط مردم انتخاب گردند.

منظور از نصب، تعیین توسط مقامات بالاتر مثل رهبری یا رئیس جمهور یا رئیس قوه قضائیه یا قوه مقننه است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین نصبی مشاهده نشده است. و مشاهده نشده نابینا یا ناشنوا یا معلول جسمی حرکتی برای منصبی، حکم داده شود. البته در مورد جانبازان مواردی بوده است ولی در مورد معلولان مادرزاد و حادثه‌ای سراغ نداریم. حداقل برای مناصب عالی سراغ نداریم اما برای مناصب رده چندم مواردی بوده است.

راه دوم انتخاب توسط مردم است. اغلب مردم وقتی رأی می‌دهند که کارایی و توانمندی فرد را دیده و تجربه کرده باشند. وقتی در سال ۱۳۴۲ مردم اراک به محمد خزائلی نابینا برای مجلس شورای ملی رأی دادند، در واقع توانایی‌های او را دیده بودند. او چندین جلد کتاب منتشر کرده و در زمینه‌های فرهنگی توانایی‌های مناسب و مقبول از خودش بروز داده بود.

بنابراین در دهه‌های اخیر معلولان به این نتیجه رسیدند که، رفع مشکلات مدنی آنان با حضور آنان در مراکز قدرت و در نهادهای اصلی تصمیم‌گیری امکان‌پذیر است. اما حضور آنان فقط از طریق انتخابات ممکن است، البته راه‌های دیگر هم هست که زمان‌بر و طولانی است. مثل طی کردن پروسه اداری و تلاش برای رسیدن به مدیریت‌های بالاتر. به هر حال به نظر می‌رسد مشارکت معلولان در انتخابات مهم‌ترین و سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راهی است که آنان را به مراکز اصلی قدرت نزدیک می‌کند.

اما با اینکه انتخابات نسبت به راه‌های دیگر برای معلولین مطلوب‌تر است ولی نیاز به آموزش و مطالعه تجارب گذشته دارد. در هر انتخابات چه انتخابات شوراهای یا مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری، ده‌ها معلول ثبت نام می‌کنند و بسیاری با اعتقاد می‌آیند و بسیار تلاش می‌کنند اما اغلب آنها موفق نمی‌شوند یک دلیل آن، فقدان آموزش و عدم انتقال تجارب گذشته به آنان است. به همین دلیل دفتر فرهنگ معلولین به فکر افتاد انتخابات گذشته را با محوریت معلولین مرور نماید. اما بررسی همه انتخابات از دوره مشروطیت تا کنون بسیار وقت‌گیر است. از این‌رو درصدد برآمد، افراد نامزد شده در همه انتخابات سال ۱۳۹۶ را شناسایی و فعلاً یک جلد کتاب درباره آنان آماده نماید. البته این مطالعه را بعداً ادامه خواهیم داد.



هدف و خط‌مشی ما از تألیف و انتشار این کتاب چند مطلب است:

۱- انتخابات به عنوان یک آزمون می‌تواند ارتباط و تعامل مردم و معلولین را نشان دهد. در این آزمون می‌توان به دیدگاه‌های مردم درباره معلولین پی برد و دانست مردم چه مقدار به معلولین باور دارند؟ عدم باورشان به چه دلیل و تابع چه متغیرهایی است؟ احترام و اعتقاد مردم به نامزدهای دارای معلولیت را چگونه می‌توان ترمیم کرد و ارتقا بخشید؟

به هر حال با مطالعه علمی انتخابات و روابط مردم و نامزدهای معلول می‌توان به تجارب و دستاوردهای سودمندی دست یافت و با به کارگیری آنها در انتخابات بعدی راه موفقیت اینان را گشود.

۲- ورود معلولین در دستگاه‌های عالی نظام چه مشکلاتی به همراه دارد و معلولین چگونه و با اتکاء بر چه داشته‌هایی می‌توانند موفق شوند؟

متأسفانه تجارب پیشین گردآوری نشده و به صورت مکتوب در نیامده است؟ این کتاب اولین تلاش در این حوزه است.

۳- بالاخره مشکلات معلولین مرتفع نمی‌شود مگر اینکه خودشان در دستگاه‌های نظام سیاسی و اجرایی حضور و اشتغال داشته باشند. این حضور فقط با رأی مردم ممکن است. اما یک معلول چکار کند و چه مسیری را طی نماید تا از صندوق رأی بتواند با موفقیت بیرون بیاید؟

۴- انتخابات متکی بر سه محور انسانی است: نامزد و منتخب؛ مردم انتخابات کننده؛ مسئولین و مدیران تصمیم‌گیر و مجری یا قانون‌گذار برای انتخابات و مؤثر در انتخابات.

موفقیت معلولین به عنوان نامزد اول و قبل از هر چیز به فرهنگ سازی نیاز دارد. یعنی اولاً خود

معلولین باید این اقدام را مهم و سرنوشت ساز بیندازند؛ مردم باید به کاندیداتوری معلولان احترام گذاشته و نگویند آدم نابینا یا ناشنوا یا ویلچری نمی‌تواند کار کند، برعکس خدمات و اهلیت و

صلاحیت آنان را دیده باشند، و بالاخره مدیران و مسئولین در بخش‌های مختلف توجیه شده باشند و این اقدام را مشروع و مقبول بدانند.

برای نمونه اگر به مردم گفته شود معلول توانایی کار و خدمت دارد و به همین دلیل رسول اکرم

صلی الله علیه و آله و سلم عبدالله بن ام مکتوم نابینا را به عنوان جانشین خود در شهر مدینه تعیین

می‌کرد و هر وقت می‌خواست برای امور نظامی از مدینه خارج شود امور شهر و مردم را به عبدالله

می‌سپرد و اگر زندگی‌نامه سفیران و پادشاهان و حتی انبیایی مثل حضرت یعقوب برای مردم و مسئولان گزارش گردد که با داشتن نوعی از معلولیت و ظایف خطیر اجتماعی را هم بر عهده

داشتند، بسیار مؤثر است.

۵- ورود معلولان در عرصه‌های انتخابات مدنی مشتمل بر تجارب گران‌سنگی است که معلولان از نسل‌های بعد با تکیه بر آنها می‌توانند به موفقیت برسند. این کتاب درصدد است این تجارب را جمع‌آوری به نسل‌های بعد منتقل کند.

۶- معلولان در طول تاریخ پروژه‌های بسیار داشته، خدمات و فعالیت‌گونگون انجام داده‌اند ولی مورخین به ثبت و نگهداری و گزارش آنها نپرداخته‌اند و مردم این زمان به دلیل در اختیار نداشتن آن گزارش‌ها، شناخت درستی از معلولین دوره‌های سابق ندارند. این کتاب درصدد است فعالیت

معلولین در حوزه انتخاب را گردآوری و چهره‌های معلولان نامزد و کاندیدا شده و فعال در عرصه انتخابات را به تاریخ معرفی کند.

این کتاب درصدد است اولاً ادله و مستندات دینی و ملی که انتخاب معلولین را مشروع می‌نماید، معرفی کند؛ دوم اینکه حضور معلولان در رأس نهادهای قدرت را در طول تاریخ نشان دهد؛ سوم کاندیداهای حاضر که در سال ۱۳۹۶ در ایران در جریان انتخابات مشارکت داشتند را معرفی می‌نماید. نظریات و آراء حقوقی مخالفان و موافقان را هم مطرح کند. هدف ما این است که مسیر و تجربه انتخاب معلولان را به صورت مکتوب در اختیار کاندیداهای نسل جدید قرار دهد. این کتاب از اردیبهشت ۹۶ مطرح و با تلاش‌های چند تن از کارمندان این دفتر به ویژه آقایان مسعود باقری و علی نوری و خانم مریم قاسمی که بعضاً در زمره افراد دارای معلولیت می‌باشند، به سامان رسیده است. مشخصاً فصل دوم توسط آقای باقری، فصل سوم و پنجم توسط خانم قاسمی و فصل‌های دیگر توسط آقای علی نوری تدوین و آماده شده است. از تمامی کسانی که با راهنمایی‌های خود به ارتقای این اثر کمک کردند تشکر می‌کنیم. به ویژه از حجت الاسلام والمسلمین آقای سید جواد شهرستانی زیدعزه که با راهنمایی و مساعدت، انجام این تحقیق را میسر نمودند تشکر می‌نماییم.

دفتر فرهنگ معلولین

# فصل اول پیشینه

هر چند حضور معلولان در سمت‌های بالای کشوری مسبوق به سابقه نیست و جریان فراگیر نداشته است. اما چند موردی که بوده لازم است به آن توجه شود و از گذشته درس آموزی گردد و از تجارب گذشته برای موفقیت در زمان حاضر بهره ببریم.

مهم‌ترین موردی که در تاریخ ایران و تاریخ معلولیت هست، انتخاب دکتر محمد خزائلی از حوزه انتخابی اراک برای مجلس شورای ملی بود. موارد اندک دیگری هم هست که تمام آنها را در این فصل می‌آورم.

پس از انقلاب اسلامی و حضور جانبازان در عرصه‌های اجتماعی - سیاسی، در هر انتخابات بعضی از آنان حضور داشتند؛ اما با عملی شدن قانون انتخابات شوراهای شهر و روستا، تعداد زیادی از معلولان حادثه‌ای و مادرزادی در شهرهای مختلف کاندیدا شدند. اما متأسفانه اطلاعات این حضور و نتایج آن جمع‌آوری و تحلیل نشده است. تصور کنید اگر از بیست سال قبل اسامی شرکت‌کنندگان، دیدگاه‌های آنها و نیز نتایج و عملکرد آنان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده بود، الآن انبوهی از تجارب را در اختیار داشتیم. اما متأسفانه این سرمایه عظیم از دست رفته است. اما ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است و لازم است به انتخابات حاضر توجه شود.

البته گردآوری اطلاعات از شهرهای مختلف کار راحت نیست و پروژه حاضر با زحمت فراوان انجام شده است. مهم این است که نهادهایی که باید قدر کار را بدانند و مشوق باشند، نه تنها اهمالی نداشته بلکه گاه مانع تراشی می‌کنند.

ابتدا در نظر داشتیم این فصل را در دو قسمت تدوین کنیم، یکی مدیران کلان اجتماعی در ایران از قرن نخست اسلامی تا آغاز مشروطیت؛ دوم دوره مشروطیت تا سال ۱۳۹۵. در ایران پادشاهان، وزیران، دیوانیان، قاضی‌ها و صدها منصب دار دیگر بوده که به رغم معلولیت، حوزه کاری خود را هم اداره کرده‌اند. نام‌های اینان بعضاً در تاریخ ثبت و ضبط شده است. به ویژه محتسب‌ها، قاضی‌ها و دیوانی‌های دارای معلولیت که کارشان به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان شورای شهر شباهت بیشتر دارد به فراوانی معلولیت داشته‌اند. و در هیچ دوره‌ای فقیهان و رهبران جامعه یا شریعتمداران به عدم مشروعیت آنان فتوا نداده‌اند.

بهر حال به دلیل گستردگی این دو قسمت یعنی از قرن نخست تا مشروطیت و از مشروطیت تا ۱۳۹۵ را در دو جلد کتاب بعداً منتشر خواهیم کرد. فقط یک مورد به نام دکتر محمد خزائلی را معرفی می‌کنیم.

## دکتر محمد خزائلی نماینده مردم اراک

دکتر محمد خزائلی دانشمند و محقق نابینای معاصر، فرزند محمدرضا به سال ۱۲۹۲ در کرهرود اراک متولد شد. در هجده ماهگی بر اثر ابتلا به بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. در آن زمان آموزش و پرورش در سراسر کشور مدارس ملی امروزی را نداشت، مکتب‌خانه‌ها به تعلیم و تعلم کودکان همت گماشته بودند. در این بین آنهایی از نعمت سواد بهره‌مند می‌شدند که خانواده متمکن داشته باشند.

وضعیت نابینایان بدتر از دیگران بود، آنها از مدارس خاص خودشان محروم بودند، باید در مکتب خانه‌ها، همراه با دیگران درس یاد می‌گرفتند یعنی تنها به حافظه خودشان باید تکیه می‌کردند. به همین دلیل محمد رهسپار مکتب‌خانه‌های قدیم شد. وی در هفت سالگی به مکتب شیخ حسین مدنی رفت. مدتی برای فراگرفتن قرآن نزد شیخ می‌رفت. ایشان در ۱۲ سالگی قرآن را کاملاً حفظ بود، چنانچه آیه‌ای برایش تلاوت می‌شد بلافاصله ادامه آن را قرائت می‌کرد. وی روزی به پدرش گفت: «آقای معلم قرآن را غلط می‌خواند!» شاید این اولین انتقاد او نسبت به محیط تعلیم و تربیت بود. پدرش متوجه شد که مکتب خانه جوابگوی خواسته پسرش نیست.

### تحصیل در مدارس دولتی

در آن زمان اولین مدرسه اراک به نام «مدرسه صمصامیه» تأسیس شد. پدر محمد تصمیم گرفت فرزندش را به این مدرسه جدید بفرستد، بنابراین محمد خزائلی که در سن ۱۶ سالگی بود وارد مدرسه جدید شد.

در مدت تحصیل درس‌ها را برایش می‌خواندند و او به لطف داشتن حافظه‌ای قوی آنها را یاد می‌گرفت. وی در دوران ابتدایی همیشه شاگرد ممتازی بود.

رفقای دوران تحصیل وی نقل می‌کنند: هنگامی که برای بازی و تفریح به بیرون شهر می‌رفتند از آنان درخواست می‌کرد که نوشته‌های روی سنگ قبرها را به وی نشان دهند و او با لمس کردن آنها با اشکال مختلف حروف فارسی آشنایی پیدا کرد. در دوره ابتدایی همیشه شاگرد اول بود و با وجود عدم بینایی با اشکال زیادی مواجه نشد و به اخذ مدرک پایه ششم ابتدایی با معدل ۲۰ نائل گردید.

تحصیلات متوسطه را در صمصامیه اراک ادامه داد ولی برای گذراندن پایه سوم متوسطه با مشکلات فراوانی مواجه شد. در این زمان بود که برای اولین بار فقدان بینایی خویش را بیشتر احساس کرد. امتحانات شفاهی دروس را با موفقیت گذراند ولی نابینایی، مانع از امکان شرکت وی در امتحانات کتبی می‌شد. از این رو در آن سال موفق به دریافت مدرک سوم متوسطه نشد.

ایشان به مدت دو سال به مکاتبه با مرکز مشغول بود تا اینکه «آقای شکیب» رئیس فرهنگ وقت اراک به تهران رفت و ترتیبی داد که محمد خزائلی بتواند با کمک منشی امتحانات کتبی را بگذراند. به این ترتیب معمایی بزرگ حل شد و از آن زمان، این شیوه امتحان برای همه نابینایان معمول گردید. برای همه در آن زمان عجیب بود که فرد نابینایی بتواند تحصیل کند، ولی محمد خزائلی اهل مبارزه با مشکلات بود و آنی از تلاش غفلت نمی‌کرد تا اینکه بالاخره به تهران رفت و در امتحانات متفرقه پایه ششم متوسطه شرکت کرد و در رشته ادبی در سراسر کشور رتبه اول را به دست آورد و به دریافت مدال علمی نائل گردید.

### آغاز رسمی فعالیت اجتماعی

محمد خزائلی در سال ۱۳۱۲ ش اولین فعالیت اجتماعی خود را ضمن ادامه تحصیل در دبیرستان، با تشکیل کلاس‌های درس در منزل آغاز نمود. در همین دوران بود که به یادگیری زبان فرانسه، خارج از محیط مدرسه نزد شخصی به نام ژوزف که از ارامنه جلفا و پدرش تاجر فرش بود، پرداخت. این معلم ابتدا الفبای زبان فرانسه را با کمک حروفی که از گچ و چوب درست کرده بود به وی یاد داد و سپس به تعلیم کتاب‌های مقدماتی فرانسه پرداخت.

روزی که محمد امتحان زبان فرانسه را در دبیرستان می‌گذرانید، طبق روال پیشین فقط یک نسخه سؤال از مرکز برای آن حوزه امتحانی ارسال شده بود. اگر ممتحنین می‌خواستند سؤالات را در جلسه عمومی قرائت کنند، آنگاه در دست منشی محمد نسخه‌ای از سؤالات نبود تا برایش بخواند و اگر عکس قضیه را انجام می‌دادند، سایر شاگردان از سؤالات مطلع نمی‌شدند. در این جا حافظه و هوش سرشار محمد مددکار همه شد، وی به ممتحنین پیشنهاد نمود که ابتدا یک مرتبه دیکته و ترجمه فرانسوی را برایش بخوانند و بعد سؤالات را برای امتحان سایر شاگردان ببرند، ممتحنین این کار را کردند و وی بدون اشتباه، مطالب قرائت شده را به منشی دیکته کرد و هجی نمود و نمره ۲۰ هم گرفت.

وی با این کار خود توانست وزارت فرهنگ را قانع کند که نابینایان هم می‌توانند تحصیلات منظم داشته باشند و امتحانات رسمی را مانند یک نفر بر جسته بینا بگذرانند.

### استخدام وزارت فرهنگ

به دست آوردن کار دولتی برای نابینایان، مشکل بزرگ‌تری بود که محمد خزائلی با آن مواجه گردید و مثل همیشه با تلاش و کوشش و نشان دادن لیاقت شخصی خود، در سال ۱۳۲۱ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به این ترتیب راه دیگری به روی نابینایان گشوده شد.

ایشان در دبستان‌های گلپایگان و خمین، و سپس در دبیرستان‌های اراک به تدریس پرداخت. در زمانی که معلم مدرسه «عظیمیه» اراک بود، وزیر فرهنگ وقت علی اصغر حکمت به اراک رفت و قرار شد معلمین هر کدام در مورد رشته و فن خود مطلبی را بیان کنند. وزیر فرهنگ از مدیر مدرسه پرسیدند معلم کلاس ششم کیست؟ مدیر، محمد خزائلی را معرفی نمود.

ایشان در حضور وزیر فرهنگ، هندسه را با ارائه اشکال هندسی به شاگردان تدریس نمود. نتیجه کار به قدری عالی بود که مورد توجه و تعجب وزیر فرهنگ قرار گرفت تا آنجا که مدال درجه اول علمی را به وی اعطا نمود.

محمد خزائلی در جوانی با هنر موسیقی آشنایی پیدا کرد و گهگاه نغمه‌هایی برای آرامش دل خود می‌نواخت. تا اینکه روزی در مجلس جشن و سروری حاضر بود، ساز را به دامن او نهادند و از او خواستند که بنوازد، این عمل برایش ناخوشایند بود، وی پس از اندکی تأمل، ساز را به کناری نهاد و از آن پس برای همیشه دست از نواختن برداشت.

### ازدواج

در یکی از کلاس‌های درس بود که محمد خزائلی عاشق یکی از شاگردان خود به نام صدیقه عظیمی عراقی شد. علی‌رغم آنکه این عشق دوجانبه بود ولی پدر و مادر دختر با این ازدواج مخالف بودند. بالاخره بعد از گذشت چند سال این ازدواج سر گرفت و در سال ۱۳۱۸ ش زندگی مشترکشان را

آغاز کردند. حالا دیگر همسرش کتاب‌ها را برایش می‌خواند و او مطالب را به حافظه‌اش می‌سپرد. ثمره این پیوند چهار پسر و چهار دختر می‌باشد. متأسفانه از همسر و فرزندانش اطلاعاتی به دست نیاوردیم، به امید روزی که زندگی نامه کاملی از دکتر خزائلی توسط خانواده‌اش تهیه و به جامعه ارائه گردد.

### تحصیلات دانشگاهی

محمد خزائلی که او را محمد نابغه لقب داده بودند، هیچ‌گاه در راه تحصیل علم از پای ننشست. ایشان در ضمن کار و تحمل مخارج زندگی به آموختن ادبیات عرب، فلسفه قدیم، عرفان، فقه و اصول، ملل و نحل، علم کلام و تاریخ اسلام پرداخت. آنگاه به تهران رفت و با وجود مشکلات فراوانی که در سر راهش بود در سال ۱۳۲۱ ش در کنکور دانشگاه شرکت کرد و قبول شد و در دانشکده معقول و منقول مشغول تحصیل شد. و سرانجام در سال ۱۳۲۴ ش موفق به اخذ درجه لیسانس با رتبه شاگرد اولی از دانشکده الهیات و نیز مفتخر به دریافت مدال علمی گردید. پس از آن بازهم در سال ۱۳۲۵ ش از دانشکده حقوق و در سال ۱۳۲۹ ش از دانشکده ادبیات به دریافت لیسانس توفیق یافت. در واقع محمد نابغه در مدت ۸ سال با تلاشی خستگی ناپذیرش موفق شد از سه دانشکده سه درجه لیسانس «ادبیات»، «حقوق»، و «الهیات» را با رتبه عالی اخذ کند و افتخاری برای جامعه نابینایان و شادی برای جامعه معلولین به وجود آورد.

این نابغه بزرگ با پشتکار عجیب و ذوق به تحصیل علم و دانش که در نهاد او منحصر به فرد بود، تحصیلات عالی خود را ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۳۲ ش در رشته ادبیات فارسی و در سال ۱۳۳۶ ش در رشته قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران درجه دکتری گرفت، وی تشنه علم بود که به عالی‌ترین درجه علمی دست یافت. و با این کارش به همه ثابت کرد که نابینایی، ناتوانی نیست. بلکه نابینایان هوشی مضاعف دارند که باید آن را به کار گیرند تا به موفقیت‌های عالی دست یابند. دکتر خزائلی به تصدیق اغلب دانشمندان و اهل فن، در زمینه علوم مذهبی، ادبیات عرب، معقول و منقول، تصوف، علم، تفسیر، حقوق اسلام و مذهب‌شناسی کم نظیر بود. به سه زبان عربی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و به زبان آلمانی نیز آشنا بود. می‌گویند ایشان اصول اولیه زبان انگلیسی را فقط در عرض دو هفته فرا گرفت.

### خدمات فرهنگی اجتماعی

محمد خزائلی در سال ۱۳۱۱ ش آموزشگاه خزائلی را در اراک تأسیس کرد و بعدها آموزشگاه‌های متعدد خزائلی را در تهران بنیان نهاد و تمام آنها را شخصاً مدیریت می‌کرد. او بنیانگذار اولین مدرسه شبانه در ایران است.

وی نه تنها به باسواد کردن افراد بینا سعی وافیه نمود بلکه از باسواد نمودن نابینایان نیز غافل نبود. او اولین کسی بود که «انجمن هدایت و حمایت نابینایان ایران» و سپس «آموزشگاه نابینایان بزرگسال» را تأسیس نمود و سهم خود را در باسواد کردن روشندان کشور تا سر حد امکان ایفا نمود. وی یک لحظه از تلاش در عرصه تعلیم و تربیت غافل نماند و به راستی عمر خود را در گرو تحصیل و تدریس علم و دانش نهاد.

در سال ۱۳۴۸ ش «مجله روشندل» را برای اشاعه اخبار مربوط به نابینایان ایران و جهان منتشر نمود. از مؤسسات نابینایان کشورهای سیلان، هندوستان، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، عربستان

سعودی، جمهوری دموکراتیک آلمان، روسیه و اسپانیا با هدف گسترش فعالیت‌های نابینایان ایران بازدید نمود. وی عضویت «کمیته اجرایی خاورمیانه» در «شورای ملی رفاه نابینایان»، «اتحادیه بین‌المللی نابینایان» و «کمیته اجرایی کنفرانس بین‌المللی تربیت مبتلابان به نقص بینایی» را بر عهده داشته است.

محمد خزائلی علاوه بر تدریس در آموزشگاه‌های خود، در مراکز آموزشی عالی کشور نیز به تدریس ادبیات فارسی اشتغال داشت.

### نماینده مردم اراک در مجلس

دکتر خزائلی در دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۶ ش در حوزه اراک برگزیده شد و به مجلس راه یافت. گوشه‌هایی از دو نطق ایشان را با رعایت اختصار می‌آوریم:

\* سخنرانی دکتر خزائلی در مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۱۱، سال ۱۳۴۶

آقای دکتر خزائلی که خود روشندل و نابینا بود درباره حقوق معلولین به ایراد سخن پرداخت: بنام خداوند قادر عالم سمیع بصیر، و با اجازه مقام ریاست و همکاران گرامی می‌خواهم به مناسبت هفته روشندان که امروز دومین روز آن است مطالبی درباره علت وجودی هفته روشندان گفتگو کنم و کمی همکاران گرامی را با وضع روحی و زندگی این طبقه مستعد و محروم که حرمان آنها قابل تدارک است و در تدارک آن مخصوصاً چشم امید به همکاران من دارند بیان کنم.

روشندان طبقه‌ای مستعد هستند بنا بر قانون روانشناسی هرگاه خداوند حسی را از کسی بگیرد حس‌های دیگر را جانشین آن قرار می‌دهد و این مطلب در روانشناسی مسلم شده و گویندگان ما به آن توجه داشته‌اند.

خدا گر ز حکمت ببندد دری ز رحمت گشاید در دیگری

لامسه جای بینائی را تا حد زیادی می‌گیرد منتهی عرض کردم نابینایان محروم و فراموش شده بودند زیرا حالات نفسانی آنها را کسی درک نمی‌کرد البته ما می‌دانیم در کشور ما پدر شعر، رودکی نابینا بود و باز می‌دانیم ابوالعلاء مَعری فیلسوف بزرگ عالم اسلام نابینا بود. از جانب دیگر می‌دانیم در هندوستان و یونان شعر و ادب با نابینایان شروع شده است.

من از همکاران عزیزم دعوت می‌کنم که به آموزشگاه نابینایان خردسال در وقت فرصتی تشریف بیاورند و از نزدیک کارهای آنها را ببینند، بیابید با هم همدستی کنیم و اینها را آموزش بدهیم، به آنها کار یاد بدهیم و آنها را در اجتماع بگیریم تا آنها از زندگی شرافتمندانه بهره‌مند شوند تا هم اتمام حجتی بر بینایان شده باشد و هم این طبقه مستعد محروم نماند.

ایشان لایحه‌ای به همین مجلس درباره نابینایان ارائه داده بود و گفت:

حوزه انتخابی بنده شهر اراک محروم است، بنده از شهر انتخابی و طبقه محروم نابینایان در مجلس سخن می‌گویم و از همکاران عزیزم خواهشمندم که با من کمال مساعدت را داشته باشند هر جا که عنوان شهرها مطرح است شهر اراک را به خاطر بیاورید و هر کجا که طبقات اجتماعی مطرح است طبقه فراموش شده نابینایان را در نظر داشته باشید.



\*\*دومین سخنرانی دکتر خزائلی در مجلس شورای ملی، دوره ۲۲، جلسه ۱۵۷، ۶ آذر ۱۳۴۸ بوده است. ایشان در صحن علنی به ایراد سخن درباره نابینایان و روشندان پرداخت.

بنام خدای بزرگ جهان آفرین و با اجازه مقام معظم ریاست و همکاران بسیار گرامی، چند دقیقه‌ای مزاحم اوقات شریفتان می‌شوم امروز روز وصل میان دو رویداد مقدس اسلامی است. دیروز سبط اکبر امام مجتبی مظهر صلح و صفا متولد شدند و در آن شب بنا به اشتهار روایات قرآن مجید کتاب آسمانی اسلام بر قلب پیغمبر اکرم نازل شد و تقارن دارد این دو رویداد با روز پایان هفته روشندان است. موقع را مغتنم می‌شمارم و هر سه رویداد را تبریک عرض می‌کنم و توفیق همه ملت را در پیروزی از نیات مقدس خواستارم. وقتی بنده در سفر سیلان، جهت شرکت در کنفرانس جهانی و بین‌المللی نابینایان بودم، در روز افتتاحیه، شخصی به نام دکتر ایزابل گرائت که خزانه‌دار این اتحادیه بود وقتی که خواست راجع به نابینایانی که راهنمای نابینایان هستند صحبت کند اول از ایران شروع کرد و از اینکه بنده در پارلمان ایران هستم ابراز خوشوقتی بسیار کرد. همکاران محترم، جامعه روشندان از ما می‌خواهد که روشندان را به جامعه بشناسانیم. خواست روشندان این است که جامعه بفهمد که در آنها چه استعدادهایی نهفته است و از چه استعدادهایی برخوردارند.

در جهان روشندان یک رویداد بزرگ اتفاق افتاد، از ۲۵ کشور جهان، نمایندگان روشندان برجسته، دور هم توانستند جمع بشوند و با هم توانستند تصمیماتی اتخاذ کنند و به خودشان و سرنوشتان بیاندیشند و واقعاً توفیقی بسیار عظیم است. همکاران محترم باید استعدادهای نابینایان و احتیاجات آنها را مورد مطالعه قرار بدهیم و احتیاجات آنها را به جامعه معرفی بکنیم تا به مشکلات نابینایان برسیم و بالاتر از همه رفع تبعیضاتی که به واسطه نابینایی وجود دارد بشود. البته خود بنده هم موقعی که می‌خواستم در مسابقات دانشجویی شرکت کنم به علت نابینائی مانع شدند. یک نفر امسال در قسمت دانشسرای عالی موفق شد ولی چون نابینا بود آن راه ندادند به علت اینکه آئین‌نامه دانشسرای عالی نابینایان را منع کرده و محروم می‌دارد. یک دوشیزه‌ای که الان آموزگار است بنام خانم صفاری که استعداد زیادی دارد چند سال پیش شرکت کرد و دوم شد ولی به او اجازه ندادند و حالاً سنش از ۲۵ گذشته و در کنکور طبق مقررات جدید در قسمت‌های دیگر او را نمی‌پذیرند و مطلب دیگر تبعیض سنی در کنکور است که به عقیده من امر خوبی نیست و منافات دارد با اینکه هرکس به تناسب استعداد خودش بهره‌ور بشود. تبعیض سن یا تبعیض به علت دیگر نباید مانع کار باشد.

در خاتمه امیدوارم به حمایت نمایندگان عزیز که مسلماً اصلی از اصول مرام نامه آنها کمک به معلولین است طرح‌هایی راجع به استخدام نابینایان و راجع به صرف بودجه درباره نابینایان بدهند. می‌دانید که من به کشور خودم، علاقمند هستم و راضی نیستم که یک شاهی از پول مملکت به هدر برود. من متعهد می‌شوم هر دیناری که خرج نابینایان می‌شود سه ساله، ده برابرش عاید مملکت بشود توفیق همه را از خداوند خواهانم از اینکه به عرایض بنده توجه فرمودید تشکر می‌کنم.

## تألیفات

- دکتر خزائلی در دوران خدمتش، افتخار دریافت دو قطعه مدال درجه اول و یک قطعه نشان درجه دوم علمی را داشته است.
- وی در مدت ۶۲ سال زندگی پرثمر خود، چندین کتاب ارزنده تألیف کرد که اغلب آنها در دانشگاه‌ها و مدارس علمیه تدریس می‌شود.
- تألیفات ایشان در چهار بخش تحت عناوین: رسالات، کتاب‌های درسی، سایر تألیفات، و آثار چاپ نشده به شرح ذیل است:
۱. ایشان رساله دکترای ادبیات خود را به روشنگری درباره «اعلام قرآن» اختصاص داد و اکنون این کتاب ارزنده از جمله کتاب‌های منبع و مأخذ تحقیقات قرآنی و اسلامی است.
  ۲. رساله دکترای حقوق او کتابی است به نام «مسئولیت مدنی کارفرما، ناشی از عمل کارگر» که این اثر پژوهشی نیز می‌تواند ملاک بسیاری از داوری‌های وزارت کار قرار گیرد.
  ۳. ایشان تألیف ارزنده دیگری به نام «احکام قرآن» دارد، این کتاب جامع، مقام آن را دارد که رهنمود راستین حکام شرع قرار گیرد.
  ۴. وی کتاب «فقه» را در شش جلد تدوین نموده است.
  ۵. «فلسفه اسلام» و ترجمه «معالم القریه فی الحکام الحسیه» از آثار دیگر اوست.
  - ۶ و ۷. او در گلستان و بوستان سعدی نیز عارفانه و محققانه سیر معنوی و علمی نموده و با تألیف دو جلد کتاب به نام‌های «شرح گلستان» و «شرح بوستان»، هرگونه معضل و مشکلی را که ادب دوستان در بیانات و سروده‌های سعدی داشته‌اند، رفع کرده و پرده ابهام و ایهام را از آن به کنار زده است.
  ۸. کتاب دیگری به نام «گل‌های ادب» در چهار جلد، تقدیم علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نموده است.
  ۹. کتاب «دستور زبان جاویدان» از آثار گرانقدر ایشان است.
  ۱۰. «خودآموز حکمت مشاء» یکی دیگر از تألیفات اوست که ترجمه‌ای بلیغ و رسا از «مقاصد الفلاسفه» امام محمد غزالی است.
  ۱۱. «المنتخب فی ادب العرب» برگزیده‌هایی زیبا از آثار ادب عرب است که با طبع لطیف و حساس خود آن را جمع نموده است.
  ۱۲. «نهج الادب» در صرف و نحو عربی را در شش جلد نوشت.
  ۱۳. «الاسلوب الحدود» برای مکالمه عربی را در دو جلد تألیف نمود.
  ۱۴. «منطق و مختصری از فلسفه شرق»؛
  ۱۵. «منطق نظری»؛
  ۱۶. «منطق عملی» این سه کتاب در رشته منطق است. که در حقیقت از راه دانش ثمربخش منطق، دریچه‌ای به باغ فلسفه گشوده است.
  ۱۷. «تاریخ مختصر فلسفه و زیبایی‌شناسی» زیبایی‌شناسی یکی از رشته‌های فلسفه است و این واقعیت را در کتاب که دکتر محمد خزائلی تدوین نموده است، می‌توان به نیکویی دریافت.
  ۱۸. «مختصر روانشناسی»، کتابی است کامل که همگان را با دانش روانشناسی آشنا می‌سازد.
  ۱۹. داستان‌های «دایانا و ونوس» در ادبیات یونان، روم، انگلیس و ایران یکی از آثار زیبای اوست.

۲۰. «بدیع و قافیه» را با همکاری دکتر حسن سادات ناصری تألیف نمود.
۲۱. کتاب «مختارات» را با یاری دکتر محمد خوانساری نوشت.
۲۲. «دستور جاویدان» را به مدد سید ضیاءالدین میرمیران تدوین کرد.
۲۳. «اسلوب الحدیث» را با کمک سید عبدالباقی تنکابنی به مشتاقان هدیه نموده است.
۲۴. کلید دانش‌ها
۲۵. تاریخ حقوق ملل
۲۶. تاریخ تحول نظرات فلسفی
۲۷. ترجمه «تحافته الفلاسفه» غزالی
۲۸. ترجمه «مفتاح العلوم» خوارزمی
۲۹. «فرهنگ اصطلاحات روانشناسی و فلسفی» با استفاده از فرهنگ‌های روانشناسی و فلسفی فرانسه و انگلیس را می‌توان نام برد.
- وی آثار مدون دیگری دارد که اکنون در کتابخانه‌ای که از او به یادگار مانده و به دانشگاه اصفهان هدیه شده موجود است.

#### فوت

دکتر محمد خزائلی نه تنها در راه نشر معارف دینی ایران و اسلام به راستی فعالیت می‌نمود، بلکه زندگانی و بهسازی و بهزیستی جامعه نایبانیان ایران را نیز مدنظر داشت. وی طی بیست سال متوالی که انجمن ملی هدایت و حمایت نایبانیان ایران را بنیاد نهاده بود و بعد منجر به تشکیل سازمان رفاه نایبانیان ایران شد، خدمتی همیشگی و مستدام در حق این گروه نمود و آنچه داشت برای آنان در طبق اخلاص نهاد و هدیه کرد. ایشان، در ۲۲ خردادماه ۱۳۵۳ پس از یک هفته اغما در سن ۶۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.<sup>۱</sup>

#### در پایان

دکتر خزائلی با اینکه نایبنا بود به عنوان نماینده مردم اراک بسیار نیکو درخشید و مردم اراک او را بسیار دوست می‌داشتند. علاوه بر اینها در عرصه فرهنگ و هنر و ایجاد مدارس نایبانیی و برای دیگر معلولین بسیار کوشا بود و خدمات زیادی داشته است. او در تربیت نسل جدید معلولین و در فرهنگ سازی مؤثر بوده است. به این دلایل او را برگزیدیم تا در این بخش معرفی کنیم البته معلولان دیگر هم بوده‌اند که بعد از مشروطیت کوشا و خلاق بوده‌اند.

۱. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، دوستان - ناهید، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۸۶؛ دانشنامه دانش گستر، به کوشش کامران فانی و دیگران، تهران، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۴۸۹؛ روزنامه اطلاعات، ۱۷ آبان ماه ۱۳۷۱، ص ۷؛ دکتر خزائلی، به کوشش قدرت الله عفتی، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱، ص ۷-۲۶؛ دانشوران روشندان، باقری بیدهدندی، قم، ۱۳۷۶، ص ۶۷.



## مشاهیر دارای معلولیت

معلولان در سمت‌ها و پست‌های عالی کشوری در ایران و دیگر کشورهای اسلامی گاه حضور داشته‌اند و به عنوان پادشاه یا وزیر و غیره به اداره امور پرداخته‌اند نمونه‌هایی مثل سلطان محمد خدابنده و احمد بن بابویه در تاریخ اسلام و ایران فراوان می‌باشند. مشخصات پادشاهان، وزیران و دیوان سالاران دارای معلولیت را صفدی در کتابش نکت الهمیان فی نکت العمیان معرفی کرده است. اما در دوره معاصر معلولانی بوده‌اند که توسط ورزشکاران یا تشکل‌های مدنی برای امور صنفی مثلاً برای مدیریت فدراسیون ورزشی معلولین قبل از ۱۳۵۷ انتخاب شده‌اند. نمونه بارز سید رضاقلی شهیدی ناشنوا است که با انتخاب تشکل‌های معلولان به مدیریت سازمان ملی رفاه ناشنوایان دست یافت.

متأسفانه تا کنون اینگونه فعالیت‌های معلولان کار پژوهشی نشده است ولی نشانگر موفقیت‌های آنان است. دفتر فرهنگ معلولین مشغول جمع‌آوری اسناد و مدارک برای تدوین کتابی در این باره است و قرار است دو جلد کتاب درباره شخصیت‌های فرهیخته و مدیر از قرن نخست اسلامی تا مشروطیت (یک جلد) تألیف و تقدیم کند. اکنون به عنوان نمونه، چند شخصیت دارای معلولیت در تاریخ ایران و اسلام را معرفی می‌کنیم. به ویژه شخصیت‌هایی که در قرآن دارای آسیب معرفی شده‌اند.

## حضرت شعیب

### نسب‌شناسی

شعیب پیامبر (ع) از فرزندان ابراهیم (ع) نه از فرزندان اسحاق و نه از فرزندان اسماعیل بود. نام پدرش مدین بن ابراهیم و مادرش از فرزندان لوط بود.<sup>۱</sup> نامش در فرهنگ یهود و عبری و نیز در تورات، یترون ثبت شده است.<sup>۲</sup> بعضی نام پدرش را نویب و مدین را پدر بزرگ او دانسته و نامش را به این صورت ثبت کرده‌اند: شعیب بن نویب بن مدین بن ابراهیم.<sup>۳</sup> ابراهیم پس از ساره همسری از کنعانیان گرفت. مدین از این همسر است.<sup>۴</sup> نامش در تورات یترون است ولی بعضی یترون (پدر زن موسی) تورات را همان شعیب ندانسته‌اند. نیز اینکه یترون همان پدر زن موسی است یا نه؟ اختلافی است.<sup>۵</sup>

### نابینایی

شعیب بر اساس اسناد و منابع قدیمی نابینا بود و نابینایی او در بسیاری از منابع تأیید شده است. صفدی (درگذشت ۷۶۴ق) او را در کنار یعقوب و اسحاق هر سه را نابینا می‌داند.<sup>۶</sup> هم‌اکنون کتاب تلفیح

۱. تاریخ بلغمی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. همان.

۳. تفسیر کشف الاسرار، ج ۷، ص ۱۴۷؛ نامش را به صورت‌های دیگر هم ثبت کرده‌اند. نک اعلام القرآن، ص ۴۸۸.

۴. همان.

۵. اعلام القرآن، ص ۴۸۸؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۳۲۱-۱۳۲۲؛ دایرةالمعارف تشیع، ج ۹، ص ۵۹۷.

۶. نکت الهمیان، ص ۴۲.

فهوم اهل الاثر ابن جوزی و از کتاب رأس مال النديم، ابوالعباس احمد بن علی بن بانه نقل کرده که آنها اسحاق، یعقوب و شعیب را نابینا می دانستند.<sup>۱</sup>

صفدی کتاب نکت الهمیان را درباره نابینایان نوشت و اطلاعات مختلف آنان را گردآوری و در این کتاب آورده است. در مقدمه، بخشی را به انبیاء نابینا اختصاص داده و سه تن از انبیاء یعنی شعیب، یعقوب و اسحاق را نابینا می داند. البته دیدگاه مخالف را هم آورده و می نویسد: قرآن به صراحت به نابینایی حضرت یعقوب می پردازد و می فرماید «ابيضت عيناه من الحزن» یعنی چشمان حضرت یعقوب به دلیل فراق یوسف، سفید شد. نیز در جای دیگر می فرماید فارتد بصیراً یعنی حضرت یعقوب با دیدن یوسف بینا شد. سفید شدن چشم و برگشت بینایی دلالت دارد که شخص قبلاً نابینا بوده است.<sup>۲</sup>

به نظر صفدی قاضی و هم نبی می تواند نابینا باشد، البته ایشان بیشتر به ادله نقلی اکتفاء کرده و وارد ادله عقلی نشده است. مهم ترین دلیل عقلی مطلبی است که در قرآن کریم ذکر شده است. قرآن می فرماید بر اثر کثرت گریه و تأثیری که فراق یوسف بر جسم یعقوب گذاشت، موجب شد چشمان او نابینا شود. چون یعقوب و دیگر انبیاء بشر هستند و بُعد جسمانی دارند و مثل دیگر انسان ها بیمار شده، در جنگ اگر تیر به بدن آنها اصابت می کرد، مجروح می شدند. کسانی که انبیاء را فاقد بیماری و آسیب جسمانی و ناتوانی در اعضاء و جوارح می دانند، در واقع باید انبیاء را از جنس بشر ندانند بلکه آنها را از جنس ملائکه و امثال آن بدانند. در صورتی که این دیدگاه برخلاف قرآن و روایات است. نکته مهم دیگر اینکه بیماری، نقص و مذموم نیست بلکه مثل دیگر رخدادهای این جهانی و طبیعت و جهان مادی از واقعیت های غیرقابل انکار است. بنابراین این نظر که بیماری را مذموم و مخالف شرافت و کرامت انبیاء می دانند، غلط است. شرافت و کرامت انبیاء به روح و عقل و آراء درست و الهی آنان است. اما بیماری یا آسیب جسمی آنان خلل و اشکالی در انسانیت و روان آنها وارد نمی کند. معلولیت مثل نابینایی هم نوعی بیماری است و برای همه انسان ها از جمله انبیاء طبیعی است. به همین دلیل قرآن کریم می فرماید حضرت یعقوب بر اثر کثرت ناراحتی و گریه، چشمانش سفید شد و آسیب دید. مثل هر انسان دیگر که اگر زیاد گریه کند، چشمانش آسیب دیده و بینایی اش ضعیف خواهد شد. منابعی که نابینایی حضرت شعیب را مطرح کرده بسیارند؛ مثل میبدی در تفسیر کشف الاسرار<sup>۳</sup> (ج ۷، ص ۱۴۷)؛ مولانا در دیوان شمس از این رخداد استفاده عرفانی کرده و آن را در قالب اشعار زیبا بیان نموده است.<sup>۴</sup> نیز تفسیر سوراآبادی<sup>۵</sup> و بعضی دیگر کثرت گریه شعیب به دلیل حُب و اشتیاق زیاد او به خداوند و معبودش موجب نابینایی او شد.<sup>۶</sup>

سید هاشم بحرانی از علمای سده ۱۲ ق در تفسیر البرهان چنین گزارش کرده است:  
ذیل آیه ۹۱ سوره هود (و انا لتراتک فینا ضعیفا) نوشته است: زیرا چشمان شعیب ضعیف شده بود.<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۳-۴.

۲. نکت الهمیان، ص ۴۲-۴۳.

۳. تفسیر کشف الاسرار، ج ۷، ص ۱۴۷.

۴. کلیات شمس یا دیوان کبیر، به کوشش فروزانفر، امیر کبیر، چاپ اول، ص ۶.

۵. اعلام القرآن، الشیستری، ص ۴۸۸.

۶. اعلام القرآن، ص ۴۸۸.

۷. ترجمه تفسیر روایی البرهان، ج ۵، ص ۲۱۱.

و ذیل آیه ۲۷ سوره قصص که نکاح دختر شعیب با موسی را مطرح می‌کند آورده است:

این بایویه از محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، از ابو حفص عمر بن یوسف بن سلیمان بن زینان، از قاسم بن ابراهیم رقی، از محمد بن احمد بن مهدی رقی، از عبدالرزاق، از مَعْمَر، از زُهَری، از انس روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: شعیب از حبّ خدا آن قدر گریست تا نابینا شد. پس خداوند بیناییش را به وی بازگرداند. باز هم آن قدر گریست تا نابینا شد و خدا بینایی وی را بازگرداند. بار چهارم خداوند به وی وحی کرد که: ای شعیب! این کار را تا کی می‌خواهی ادامه دهی؟ اگر این کار تو از شدت ترس از آتش است، آن را از تو برداشتم و اگر به شوق بهشت است، آن را به تو بخشیدم. عرض کرد: ای خدا و سرورم! تو خود می‌دانی که من نه از ترس آتش و نه به شوق بهشت گریستم. خداوند به وی فرمود: حال که چنین است، من کلیم خود موسی بن عمران را به خدمت تو می‌گمارم.<sup>۱</sup>

صاحب تفسیر البرهان این روایت را از کتاب علل الشرایع صدوق نقل کرده است.<sup>۲</sup>

#### دیدگاه علامه طباطبایی

علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر المیزان<sup>۳</sup> مبحثی به نابینایی شعیب اختصاص داده و روایات متعدد در این زمینه را آورده و بررسی کرده است. نخست روایت از شداد بن اوس به نقل از کتاب الدر المنثور است.

شداد از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرمود: شعیب(ع) از عشق به خدا آنقدر گریست تا کور شد و خدای تعالی دوباره چشمش را به او برگردانید و به وی وحی فرستاد: ای شعیب! این چه گریه‌ای است که می‌کنی؟ آیا از شوق به بهشت است و یا ترس از دوزخ؟ شعیب عرضه داشت: نه، ولیکن حبّ تو در دلم گره خورده، وقتی به تو نظر کنم دیگر باکی از آن ندارم که تو با من چه معامله‌ای خواهی کرد؟ پس خدای تعالی به وی وحی فرستاد که: ای شعیب! اگر این گفته تو حق باشد پس گوارا باد تو را لقای من، ای شعیب! به همین جهت من موسی بن عمران را خادم تو کردم با اینکه او حکیم و هم سخن من است.<sup>۴</sup>

چند نکته مهم در این روایت هست:

- ۱- زمان کور شدن و زمان شفا یافتن ذکر نشده است. اما از قرائن پیداست که به هنگام سکونت در مدین، نابینا شده است. با توجه به حوادث زندگی شعیب و اینکه مدین هلاک و نابود شد و او به ایکه کوچ کرد و نیز قرائن دیگر، احتمالاً در سنین میانسالی او بوده است.
- ۲- ازدواج موسی با دختر شعیب و داماد شعیب شدن و اینکه قرار شد مهرش ده سال خدمت و کار کند، همه اینها به اذن الهی و به دلیل نابینایی شعیب بوده است.

۱. همان، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. علل الشرایع، نسخ صدوق، ج ۱، ص ۷۴.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۰، ص ۵۶۵.

۴. الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۴۸.

چون شعیب نابینا بوده، موسی می‌پذیرد مساعدت کند. و اینکه دخترانش در ملاقات نخست با موسی، پدرشان را پیر سالخورده (شیخ کبیر) معرفی و توصیف کردند. قرینه بر نابینایی او می‌تواند باشد.

نیز در همان کتاب الدر المنثور آمده است که ابوالشیخ از علی بن ابیطالب روایت کرده که روزی در خطبه‌اش این آیه را که راجع به شعیب است تلاوت کرد که قوم او به او گفتند: «وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِينَا ضَعِيفًا» یعنی هر آینه تو را بین خودمان ضعیف می‌یابیم. آنگاه فرمود: شعیب (ع) نابینا شده بود، بدین جهت او را ضعیف شمرده و نسبت ضعف به او دادند؛ و در تفسیر جمله «وَلَوْلَا زَهْطُكَ» علی (ع) فرمود: «به خدایی سوگند که جز او معبودی نیست آنها از جلال و عظمت پروردگارشان هیچ پروایی نکرده‌اند و جز از قوم و عشیره از هیچ چیز هیبت نمی‌بردند.

در این روایت امام علی (ع) چند نکته هست:

۱- حضرت علی (ع) به عنوان بهترین مفسر قرآن کریم، آیه «وَإِنَّا لَنَرِيكَ فِينَا ضَعِيفًا»<sup>۱</sup> (یعنی قوم شعیب به او می‌گفتند ما تو را در جامعه خودمان ضعیف و ناتوان یافته‌ایم)، ضعیف در این آیه را از نگاه مخالفان شعیب ناتوانی به دلیل نابینایی می‌داند. یعنی حضرت علی (ع) می‌گوید: مشرکین و کفار بت‌پرست و مستکبر و ملاء (این صفاتی است که قرآن برای مخالفان شعیب برشمرده است) شعیب را ضعیف و ناتوان می‌دانستند چون نابینا بوده است.

مفهوم این سخن اینست که مؤمنین و پیروان شعیب و موحدین، شعیب را به دلیل نابینایی نباید ناتوان و ضعیف بدانند.

۲- تمامی آیه اینگونه است: قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا زَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزٌّ. مخالفان شعیب گفتند: ای شعیب آنچه می‌گویی ما نمی‌فهمیم در حالی که تو در این جامعه ضعیف هستی و اگر قبیله کوچک تو نبود هر آینه تو را سنگسار می‌کردیم و هرگز تو نزد ما عزت و اعتبار نداری.

حضرت علی (ع) عبارت «لَوْلَا زَهْطُكَ» را اینگونه تفسیر کرده است، مخالفان شعیب بر مبنای معیارهای جاهلی فکر می‌کردند و عظمت و هیبت یک شخص را در بزرگی قبیله و عشیره‌اش می‌دانستند.

بنابراین حضرت علی (ع) دو ملاکی که از طرف مخالفان شعیب به عنوان دو امتیاز و برتری مطرح می‌شد یعنی «نابینایی» و «قبیله یا گروه اندک پشتیبان» هر دو را نمی‌پذیرد.

در واقع از نظر معیارهای اصیل اسلامی، عظمت و اعتبار و عزت یک فرد به شخصیت، تفکر، انکاء بر خداوند و تقوایش است. زیرا خود شعیب در آیه بعد به صورت استفهامی می‌گوید آیا قبیله (پیروان) کوچک من با اینکه نزد خداوند عزیز و معتبراند، کوچک و ناتوان است؟ یا شما که اوامر خداوند قادر مطلق را کنار گذاشته‌اید و مهم‌ترین تکیه‌گاه خود را از دست داده‌اید قوی هستید؟

۳- مخالفان می‌گفتند چون تو نابینا هستی پس ناتوان هستی و ما سخن ناتوان نابینا را نمی‌فهمیم، هر چند سخنان بسیار (کثیراً) داری ولی به همان دلیلی که می‌گفتند، نمی‌خواستند آنها را درک کنند.



متأسفانه همیشه در طول تاریخ ملل و جوامع به سخنان کسانی که قدرت، ثروت، شهرت دارند و فاقد معلولیت هستند، توجه می‌کرده و گوش جان می‌سپرده‌اند؛ اما فرد نابینا با اینکه اخلاقیات نیکو، تفکر عالی و روابط اجتماعی مطلوب داشته، اما اهتمام و توجه چندانی به او نمی‌شده است. متأسفانه گاه امروز هم این روش ناپسند مشاهده می‌شود. با اینکه قرآن کریم به صراحت اینگونه برخوردها با نابینایان و دیگر معلولان را ناپسند می‌داند و محکوم می‌کند؛ حتی این شیوه را سنت مستکبرین در دوره شعیب می‌داند اما به دلیل عدم اطلاع مردم و فقدان فرهنگ‌سازی صحیح همواره این شیوه رواج داشته و دارد.

۴- این آیه به صراحت رفتار دو جبهه «حق طلب» و «گرفتار بطلان» را نشان می‌دهد. شعیب و پیروانش درصدد بودند با رفق و نرمی و مدارا و گفت‌وگو و سخن گفتن، اشراف کافر و مشرک را هدایت کنند ولی آنان شیوه خشونت و سنگسار را پیش کشیدند.

۵- در پایان آیه، مخالفان می‌گویند ای شعیب تو را عزیز و معتبر نمی‌دانیم چون تو نابینا و ناتوان و دوم نیروی انسانی اندک در اختیار داری. اما شعیب با منطق و استدلال قوی به آنان می‌گوید: عزت از آن من است. چون به خداوند متکی هستم،<sup>۱</sup> نیز در دیگر آیات اشاره می‌کند که: سرمایه حلال و پاک دارد،<sup>۲</sup> اهل نماز،<sup>۳</sup> رشادت و بردباری است؛<sup>۴</sup> دارای رزق و امکانات مطلوب است؛<sup>۵</sup> بر خداوند توکل دارد<sup>۶</sup> و سنت‌های تاریخی و قوانین اجتماعی علیه شما و طرفدار من است.<sup>۷</sup>

۶- کوچکی قبیله بعد از ضعیف دانستن آمده است، یعنی می‌توان احتمال داد مردم آن دوره بر این باور بودند که شعیب آدم نابینا و ناتوان است و دور او جمع نمی‌شدند. حداقل او را به عنوان رهبر قبول نمی‌کردند. مگر عده اندکی که خالصانه به او باور داشتند. در حادثه چوپانی دختران شعیب و برخورد موسی با آنها و اینکه گفتند مردم به ما اجازه نمی‌دهند گوسفندان خود را آب دهیم و صبر می‌کنیم در پایان از ته مانده، آب می‌دهیم. اینها نشانگر اینست که به حضرت شعیب توجه نمی‌کردند و به او کمک نمی‌نمودند و حتی برای آب دادن گوسفندان هم مشکل داشت.

وقتی موسی از دختران علت را می‌پرسد آنان هم می‌گویند پدری شیخ (مسن و سالخورده) داریم. البته سخنانی که از این شخص مسن در قرآن نقل شده، قوت و صلابت و منطق قوی دارد.

### رسالت و نبوت

شعیب بعد از یوسف بن یعقوب و قبل موسی بن عمران و معاصر ابراهیم خلیل‌الله به پیامبری مبعوث شد.<sup>۸</sup> گاه گفته شده او بعد از نوح و هود و صالح و لوط در سرزمین مدین برگزیده شد. «مدین» یا

۱. هود، آیه ۹۲.

۲. هود، آیه ۸۶.

۳. هود، آیه ۸۷.

۴. هود، آیه ۸۷.

۵. هود، آیه ۸۸.

۶. هود، آیه ۸۸.

۷. هود، آیه ۸۹.

۸. اعلام القرآن، الشبستری، ص ۴۸۸؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ص ۱۳۲۱.

«مدین شعیب» شهری در شرق خلیج عقبه است. شهر مدین نزدیک بحیره در ناحیه البلقاء در بیابان شام قرار داشته است. این شهر امروزه به نام «معان» معروف است.<sup>۱</sup> در سوره شعراء از آیات ۱۷۶ و ۱۷۷، معلوم می‌شود شعیب پیامبر اصحاب ایکه (درخت‌زار و بیشه) بوده است. به نظر می‌رسد شعیب نخست در مدین سکونت داشته ولی پس از هلاکت اهل مدین و نابودی شهر مدین، به طرف قوم ایکه رفت. ظاهراً شهری به نام ایکه هم بوده که نزدیک مدین قرار داشته است. این شهر امروزه به نام تبوک مشهور است.<sup>۲</sup>

پژوهشگران و مورخین درباره عمرش اختلاف دارند. بعضی معتقدند، ۲۴۲ سال زندگی کرد، کسانی هم عمرش را ۲۵۴ و ۴۰۰ سال نوشته‌اند. در مورد محل درگذشت و محل دفن او هم اختلاف است و این محل‌ها را به عنوان مدفن او معرفی کرده‌اند: مکه و نزدیک کعبه دفن شد؛ قبرش در حضر موت است؛ در فلسطین دهکده‌ای به نام حطین دفن شد؛ قبرش در شهر تستر از شهرهای ایران باستان است. بنابراین چهار محل برای دفنش گفته‌اند.

### شمایی از سیره شعیب

سیره حضرت شعیب از نظر قرآن کریم، شامل پنجاه سرفصل مهم فردی و اجتماعی است. این سرفصل‌ها را از آیات مختلف قرآن کریم استخراج و معرفی خواهیم کرد. شعیب به رغم نایبانی و به‌رغم نداشتن نیروی اجتماعی همراه و یاوران مطیع توانست تحولات ژرف اجتماعی پدید آورد. چون انسانی خود ساخته و با عزم و اراده بود. ویژگی‌ها و فعالیت‌های او را ذیل چند عنوان مدیریت؛ حقوق جامعه، اخلاقیات، ترویج فرهنگ توحیدی، اصلاحات، مبارزه با مفسدین معرفی کرده‌ام.

### مدیریت

- ۱- افزایش نیروی انسانی (وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ)<sup>۳</sup>
- ۲- برخورد منطقی و ملایم با مخالفان (قَالَ أَوْلُو كُنَّا كَارِهِينَ)<sup>۴</sup>
- ۳- مدیریت عقلانی جامعه و پرهیز از مدیریت استبدادی (وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)<sup>۵</sup>
- ۴- رسول امین (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)<sup>۶</sup>
- ۵- عدم دریافت مزد از مردم (مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ)<sup>۷</sup>
- ۶- توسعه فرهنگ تعاون و هم‌افزایی (لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ)<sup>۸</sup>
- ۷- دریافت پاداش الهی (إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ)<sup>۹</sup>
- ۸- دلسوزی برای مردم و خوف داشتن نسبت به عذاب فراگیر و هلاکت آنها (إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيْطٍ)<sup>۱</sup>

۱. اعلام القرآن، الشبستری، ص ۴۸۸.

۲. همان، ص ۴۸۱-۴۸۸.

۳. اعراف، آیه ۸۶.

۴. اعراف، آیه ۸۸.

۵. هود، آیه ۸۶.

۶. شعراء، آیه ۱۷۸.

۷. شعراء، آیه ۱۸۰.

۸. شعراء، آیه ۱۸۱.

۹. شعراء، آیه ۱۸۰.

## حقوق جامعه

- ۱- ابداع ترازو و پیمانانه جهت اجرای عدالت (فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ؛ لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ)<sup>۲</sup>
- ۲- سالم سازی اقتصاد و اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی (فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ؛ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ)<sup>۳</sup>
- ۳- اعطای حقوق اجتماعی (لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ)<sup>۴</sup>
- ۴- مبارزه با استثمار و غارت اموال مردم (لَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ)<sup>۵</sup>
- ۵- تأکید بر مال حلال و دسترنج و سود پاک (بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)<sup>۶</sup>
- ۶- داشتن رزق نیکوی آسمانی (رَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا)<sup>۷</sup>
- ۷- جلوگیری از کم فروشی (أَوْفُوا الْكَيْلَ)<sup>۸</sup>

## اخلاقیات

- ۱- نجات یافتگی (إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا؛ نَجَّيْنَا شُعَيْبًا)<sup>۹</sup>
- ۲- صادق بودن در قول و رفتار (قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ)<sup>۱۰</sup>
- ۳- مخالفت با ارتجاع و بازگشت به شرک (مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا)<sup>۱۱</sup>
- ۴- نصیحت و خیرخواهی برای مردم (نَصَحْتُ لَكُمْ)<sup>۱۲</sup>
- ۵- حلیم و رشید بودن شعیب (إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ)<sup>۱۳</sup>
- ۶- توفیق طلبی از خداوند (مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ)<sup>۱۴</sup>
- ۷- تکیه بر خداوند (عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ)<sup>۱۵</sup>
- ۸- بازگشت به خداوند (إِلَيْهِ أُنِيبُ)<sup>۱۶</sup>
- ۹- نقش سازنده نماز در پیروان شعیب (قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ)<sup>۱۷</sup>

۱. هود، آیه ۸۴

۲. اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۴.

۳. اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵؛ شعراء، آیه ۱۸۲.

۴. اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵؛ شعراء، آیه ۱۸۳.

۵. هود، آیه ۸۴.

۶. هود، آیه ۸۶.

۷. هود، آیه ۸۸.

۸. شعراء، آیه ۱۸۱.

۹. اعراف، آیه ۸۹؛ هود، آیه ۹۴.

۱۰. اعراف، آیه ۸۹.

۱۱. اعراف، آیه ۸۹.

۱۲. اعراف، آیه ۹۳.

۱۳. هود، آیه ۸۷.

۱۴. هود، آیه ۸۸.

۱۵. هود، آیه ۸۸.

۱۶. هود، آیه ۸۸.

۱۷. هود، آیه ۸۷.

- ۱۰- گسترش تقوا (قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛ فاتقوا الله)<sup>۱</sup>  
 ۱۱- گسترش اطاعت خداوند (أَطِيعُونَ)<sup>۲</sup>  
 ۱۲- متصف به صالح بودن (سَتَجِدُنِي مِنَ الصَّالِحِينَ)<sup>۳</sup>

### ترویج فرهنگ توحیدی

- ۱- فرستاده خداوند جهت هدایت اهالی مدین (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا)<sup>۴</sup>  
 ۲- دعوت مردم به توحید (قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ؛ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ)<sup>۵</sup>  
 ۳- داشتن معجزه و ارائه آن به عنوان بینه (فَدَّ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ)<sup>۶</sup>  
 ۴- گسترش فرهنگ ایمانی (ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)<sup>۷</sup>  
 ۵- ابلاغ رسالت پروردگار (لَقَدْ أُنزِلَتْكُمْ رِسَالَةٌ مِنْ رَبِّي)<sup>۸</sup>  
 ۶- داشتن بینه و منطق آسمانی (كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي)<sup>۹</sup>  
 ۷- گسترش فرهنگ توبه و استغفار (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ)<sup>۱۰</sup>  
 ۸- ترویج دین رحمانی (إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ)<sup>۱۱</sup>  
 ۹- مشمول رحمت الهی (بِرَحْمَةِ مِنَّا)<sup>۱۲</sup>  
 ۱۰- فرستاده خدا (كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ)<sup>۱۳</sup>

### اصلاحات

- ۱- جلوگیری از فساد مفسدین و گسترش اصلاحات (لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ)<sup>۱۴</sup>  
 ۲- مبارزه با موانع و دفاع از مؤمنان (لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ)<sup>۱۵</sup>  
 ۳- خسارت دادن در راه ایمان (إِنَّكُمْ إِذَا لَحَّاسِرُونَ)<sup>۱۶</sup>  
 ۴- خیرخواهی برای مردم (إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ)<sup>۱۷</sup>

۱. شعراء، آیه ۱۷۷.

۲. شعراء، آیه ۱۷۹.

۳. قصص، آیه ۲۷.

۴. اعراف، آیه ۸۵.

۵. همان؛ هود آیه ۸۴.

۶. همان.

۷. اعراف، آیه ۸۵.

۸. اعراف، آیه ۹۳.

۹. هود، آیه ۸۸.

۱۰. هود، آیه ۹۰.

۱۱. هود، آیه ۹۰.

۱۲. هود، آیه ۹۴.

۱۳. شعراء، آیه ۱۷۶.

۱۴. اعراف، آیه ۸۵؛ هود، آیه ۸۵؛ شعراء، آیه ۱۸۳.

۱۵. اعراف، آیه ۸۶.

۱۶. اعراف، آیه ۹۰.

۱۷. هود، آیه ۸۴.

- ۵- رهایی از هلاکت و عذاب الهی (لَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا)<sup>۱</sup>  
 ۶- آسان گیری در زندگی اجتماعی (وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ)<sup>۲</sup>  
 ۷- اصلاح طلبی (إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ؛ لَأَتَّبِعُنَا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا)  
**مبارزه با فاسدین**

- ۱- توجه دادن به سرانجام مفسدین و نابودی آنها (انظروا كيف كان عاقبة المفسدين)<sup>۳</sup>  
 ۲- مقاومت در برابر متکبرین و ملاء و تبعید و اخراج از سرزمین (قال الملائكة الذين استكبروا من قومهم  
 لنخرجنك يا شعيب...)<sup>۴</sup>  
 ۳- توکل بر خداوند در مسیر هدایت مردم و مبارزه با مستکبرین (على الله توكلنا)<sup>۵</sup>  
 ۴- عدم همراهی با مستکبرین و روی برگرداندن از آنها (فتوألوا عنهم)<sup>۶</sup>  
 ۵- تکذیب شعیب توسط مردم (فكذبوه؛ نظنك لمن الكاذبين)<sup>۷</sup>  
 ۶- دیوانه پنداشتن شعیب (أنت من المسخرين)<sup>۸</sup>

### حضرت اسحاق

اسحاق فرزند ابراهیم و ساره و برادر اسماعیل دارای چهره و شخصیت متفاوت در کتاب مقدس و قرآن کریم است. قرآن در هفده آیه، اسحاق را ذکر کرده و به ویژگی‌ها و کارکرد و شخصیت او پرداخته است. نکته منفی برای او در آیات قرآنی مشاهده نمی‌شود. در عوض حدود سی ویژگی مثبت برای او بیان شده است؛ مثل مقام امامت؛ شهرت فراگیر به دلیل خوش‌نامی در بین مردم؛ برخورداری از رحمت الهی؛ تداوم خط و راه ابراهیم؛ نزول وحی بر او؛ دارای ملت (ملة اسحاق). هر يك از این ویژگی‌ها می‌تواند زندگی و سرنوشت يك فرد را تعیین کند. از اینرو اسحاق به رغم نابینایی به بلندترین مدارج معنوی، دینی و اجتماعی رسید. قرآن کریم برای آحاد نابینایان این پیام را دارد که نابینایی مانع پیشرفت نیست. به شرط اینکه یاد خدا، راه خدا، شور و شوق و مجاهدت فراموش نشود. این فصل نخست اسحاق را در متون تاریخ اسلام و سپس در آیات قرآنی بررسی می‌کند.

### منابع تاریخی اسلام

تقریباً همه منابع تاریخ عمومی اسلام که در قرون سابق تألیف شده مثل الکامل و مروج الذهب، و نیز منابع سیره رسول خدا که در ابتدا به معرفی انبیاء الهی پرداخته‌اند، اسحاق را هم معرفی کرده‌اند. مطالب چند کتاب به عنوان نمونه گزارش می‌شود:

۱. هود، آیه ۹۴.
۲. قصص، آیه ۲۷.
۳. اعراف، آیه ۸۶.
۴. اعراف، آیه ۸۸.
۵. اعراف، آیه ۸۹.
۶. اعراف، آیه ۹۳.
۷. شعراء، آیه ۱۸۹ و ۱۸۶.
۸. شعراء، آیه ۱۸۵.

مروج الذهب از علی بن حسین مسعودی (۲۸۰-۳۴۵ق) ذیل ابراهیم و پیامبران بنی اسرائیل می‌نویسد: اسحاق پس از ابراهیم، رفقا دختر بتوایل را به زنی گرفت. او عیص و یعقوب را از يك شکم آورد. هنگام تولدشان، اسحاق شصت ساله بود که نابینا شد. اسحاق در یکصد و هشتاد و پنج سالگی قبض روح شد و در جوار پدرش خلیل به خاک رفت. محل گورشان در هیجده میل از بیت المقدس در مسجد ابراهیم است (ج ۱، ص ۳۹).

احمد بن ابی یحیی یعقوبی ملقب به ابن واضح (درگذشت ۲۸۴ق) در کتاب مشهور تاریخ یعقوبی می‌نویسد: پس از وفات ابراهیم در شام، اسحاق به جای او بود. و رفقا دختر بتوایل را به زنی گرفت. عیص و یعقوب از آنها در وقتی که اسحاق شصت ساله بود متولد شدند و در ۱۸۵ سالگی از دنیا رفت. پس از بچه‌دار شدن در وادی جادو ساکن شد و چشمانش از دیدن تار گشت (تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۸-۲۹). همین نکته را ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ق) در الکامل آورده است (ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷). کسانی که درباره نابینایان به عنوان يك جامعه مستقلاً تحقیق کرده‌اند به اسحاق و نابینایی او اشاره کرده‌اند. نخستین مؤلف و پژوهشگری که درباره معلولین کتاب مستقل نوشت جاحظ است. ابوعثمان عمرو بن بحر معروف به جاحظ (درگذشت ۲۵۵ق) کتابی به نام البرصان و العرجان و العمیان و الحولان درباره جذامی‌ها، معلولین حرکتی و نابیناها نوشت. این نخستین اثر درباره معلولین و نابیناها بود. در این کتاب از پیامبران نابینا و اسحاق یاد نشده است. نیز ابن قتیبه دینوری (درگذشت ۲۷۶ق) در کتاب المعارف يك فصل به نابیناها پرداخته ولی یادی از اسحاق نکرده است (نک نکت الهمیان، ص ۲). اما ابن جوزی (ابوالفرج عبدالرحمن، درگذشت ۵۹۷ق) در کتاب تلخیص فهوم اهل الاثر، فصلی به انبیای نابینا اختصاص داده و در آنجا اسحاق، یعقوب و شعیب را معرفی کرده است. صفدی (درگذشت ۷۶۴ق) در مقدمه کتاب مشهورش، نکت الهمیان و نکت العمیان، اسحاق را به عنوان نابینا معرفی کرده و او را عضوی از جامعه عمیان می‌داند (ص ۳). البته در قرآن سخن از نابینایی اسحاق به میان نیامده ولی در کتاب مقدس در سفر پیدایش در سطر اول چنین آمده است:

چون اسحاق پیر شد و چشمانش از دیدن تار گشته بود... (سفر پیدایش، ۲۷: ۱-۲۹). نابینایی او تا حدی بوده که پسرش یعقوب را نمی‌دید و به او گفت جلو بیا تا تو را لمس کنم (همان) اما با اینکه ۱۸۵ سال عمر کرده، چه زمانی نابینا شده و علل نابینایی او چه بوده، به وضوح مطلبی نمی‌یابیم. معمولاً از قراین می‌توان به تاریخ نابینا شدن او پی برد، از بعضی نوشته‌ها که زمان نابینایی را با زمان بچه‌دار شدن مقارن دانسته و زمان بچه‌دار شدن را شصت سالگی دانسته‌اند از اینرو می‌توان حدس زد، تاریخ نابینایی او شصت سالگی بوده است. بر اساس این سند حداقل دو سوم از عمرش یعنی ۱۲۰ سال از عمرش را نابینا بوده است. بعضی درباره اسحاق اینگونه نوشته‌اند: پس از سپری شدن ۱۳۷ سال اسحاق در حالی که پیر و نابینا شده بود، خواست از میان دو فرزندش یکی را به جانشینی انتخاب کند (دائرةالمعارف قرآن، ج ۳، ص ۱۸۶) یعنی حداقل در ۱۳۷ سالگی بینا بوده و ۵۰ سال بقیه زندگی‌اش را در نابینایی بوده است. این مدت به اندازه عمر يك انسان معمولی است. به هر حال از منابع مختلف می‌توان نتیجه‌گیری کرد چندین دهه از عمرش نابینا بوده است.

### اسحاق در قرآن کریم

هفده آیه‌ای که شامل اسحاق است به ترتیب نظم قرآن‌های کنونی، به اختصار بررسی می‌شود:

- بقره، ۱۳۳: باور اسحاق به توحید

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ  
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ  
فرزندان یعقوب به او گفتند ما خدای یکتای اسحاق را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم. این آیه  
گویای اینست که اسحاق به توحید باور داشته است.

- بقره، ۱۳۶: وحدت دعوت اسحاق و محمد(ص)

قُولُوا أَمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ  
بگوئید ما به خدا ایمان آورده ایم و آنچه به ما و به ... و اسحاق نازل شده است. مسلمانان خطاب به  
علمای یهود که دین خود را برتر می دانستند باید می گفتند تفاوتی بین ادیان الهی نیست و دعوت  
همه آنها یکی است.

- بقره، ۱۴۰: یهودی نبودن اسحاق

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ  
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ  
یا می گویید ابراهیم ... و اسحاق یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو شما بهتر می دانید یا خدا که آنان  
یهودی و نصرانی نبودند.

در دوره حضرت محمد(ص) رهبران یهود اصرار داشتند که ابراهیم، یعقوب و اسحاق تابع دین آنان  
بودند و از مسلمانان می خواستند آنان هم تابع دین آنها باشند. اما این آیه به صراحت می گوید اسحاق  
و دیگر انبیاء یهودی و نصرانی نبودند و شما به آنان تهمت می زنید(تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۴۰-  
۳۴۹).

- آل عمران، ۸۴: نزول آیات بر اسحاق

قُلْ أَمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ  
بگو به خدا و به آنچه بر ... و اسحاق نازل گردید ایمان آوردیم. این آیه تصریح دارد همانگونه که شریعت  
و آیات بر یعقوب، ابراهیم، موسی و عیسی نازل شده، به اسحاق هم نازل شده است (تفسیر نمونه،  
ج ۳، ص ۴۹۰).

- نساء، ۱۶۳: نزول وحی بر اسحاق

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَأْتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا  
به تو (محمد) وحی فرستادیم همانگونه که به نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط (بنی  
اسرائیل) و عیسی، ایوب، یونس، هارون و سلیمان وحی نمودیم.

یهود مدینه میان رسولان تفرقه می افکندند، خطاب به آنان می فرماید بین آنها فرقی نیست و بر همه  
وحی فرستاده ایم. تفسیر نمونه می گوید: احتمال دومی مطرح است و ممکن است مخاطب اعراب  
جاهلی باشد. به مشرکان و بت پرستان می فرماید چرا با محمد و آیین او مخالفت می کنید در حالی  
که همین وحی بر امت ها و رسولان گذشته نازل می شد و آنان هم مخالفتی نداشتند (تفسیر نمونه،  
ج ۴، ص ۲۱۲).

- انعام، ۸۴: هدایت یافتن اسحاق توسط خداوند  
 وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن دُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ  
 وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ  
 به ابراهیم، اسحاق و یعقوب (فرزند اسحاق) را اعطا کردیم، هر دو را هدایت کردیم. خداوند تأکید  
 می کند که فرزند پیامبر بودن فضیلت نیست بلکه باید ذاتاً پاک باشند. از اینرو می فرماید فرزندان  
 ابراهیم را هدایت کرده ایم (کلاً هدینا). شأن دیگر اسحاق در این آیه اینست که اسحاق ادامه دهنده  
 رسالت ابراهیم و میراث بان او است.

- هود، ۷۱: موجب شادی ابراهیم و همسرش  
 وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ  
 همسر ابراهیم در حالی که ایستاده بود پس از اینکه او را به فرزندى به نام اسحاق بشارت دادیم،  
 خندید و خوشحال شد.

اسحاق در زبان عبری به معنای خنده است (قاموس کتاب مقدس، ص ۵۳). برخی از پژوهشگران  
 مسلمان هم این آیه را دال بر همین معنا می دانند. یعنی اسحاق موجب سرور و شادی و خنده حداقل  
 پدر و مادرش، ابراهیم و ساره شده بود (دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۱۸۸). اما این خوشحالی  
 مطابق ضوابط الهی است و بدون ضابطه نیست؛ چون می فرماید بشارت دادیم. بشارت به خبر  
 مطلوب گفته می شود. یعنی شخصیت اسحاق و تولد او مطابق خواست و اراده خدا بود. به همین  
 دلیل ساره هم خوشحال شد و موجب خوشحالی ابراهیم هم شد (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۶۷ - ۱۷۰).

- هود، ۷۱: تداوم دهنده خط ابراهیم  
 وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ  
 پس از اینکه همسر ابراهیم از وجود فرزندى به نام اسحاق بشارت دادیم او خندید و از ولاء اسحاق  
 یعقوب به رسالت خواهد رسید.

در این آیه دوبار کلمه اسحق آمده است. يك دفعه موجب شادی ابراهیم و ساره شد و بار دوم می فرماید  
 و من وراء اسحق یعقوب. یعنی انبیاء به عنوان هدایتگران جوامع انسانی همواره حضور دارند. اسحق  
 تداوم بخش راه ابراهیم و یعقوب تداوم راه اسحق است (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۶۷ - ۱۷۱).

- یوسف، ۶: اتمام نعمت بر اسحاق  
 كَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى  
 أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ  
 و اینگونه پروردگارت تو (یوسف) را بر می گزیند و تعبیر خواب به تو می آموزاند و نعمتش را بر تو و آل  
 یعقوب کامل می کند همانطور که پیش تر بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد.  
 این آیه به صراحت تکمیل و تمام کردن نعمت بر اسحاق را گزارش می دهد. برخی تکمیل نعمت را دادن  
 نبوت و مقام رهبری جامعه می دانند (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۷ - ۳۱۰).

- یوسف، ۳۸: دارای ملت  
 وَاتَّبَعَتْ مَلَّةً أَبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللَّهِ مِن شَيْءٍ ذَلِكِ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا  
 وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ  
 من (یوسف) از آیین پدرانم، از ابراهیم، اسحاق و یعقوب پیروی می کنم.



یوسف پس از اینکه عزیر مصر برایش مشکلاتی ایجاد کرد و زندانی شد. خودش را به زندانیان اینگونه معرفی می‌کند: من تابع ملت پدرانم اسحاق و... هستم، برای خداوند شریک قائل نیستیم. ملت یعنی دین، البته راغب اصفهانی با اینکه چند تفاوت بین ملت و دین قائل شده ولی در ارکان و جوهره ملت و دین یکی است (مفردات راغب، ص ۴۹۲). ولی تفاوت‌ها و تمایزهای خاص ادیان با ملت بیان می‌شود؛ مثلاً گفته می‌شود ملة ابراهیم، ملة اسحق یعنی دین ویژه ابراهیم و مشخصات خاص آن. ملت اسحاق هم دینی با ویژگی خاص داشته است.

- ابراهیم، ۳۹: اسحاق هدیه خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

حمد خدای را که در سن پیری، اسحاق و اسماعیل را به من بخشید و هدیه کرد.

این آیه از قول حضرت ابراهیم نقل می‌کند که می‌گفت اینکه در سن پیری من و ساره بچه‌دار شدیم، همه موهوبه خداوند است. برخی سن ابراهیم را به هنگام زاده شدن اسماعیل، ۹۹ سال و به هنگام زاده شدن اسحاق ۱۱۲ سال می‌دانند (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۶۳-۳۶۴).

- مریم، ۴۹-۵۰: اسحاق عطیه الهی

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹) وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيمًا (۵۰)

یعنی همینکه ابراهیم از آنها و بت‌های آنان که به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم.

در این آیه اسحق هبه و عطیه خداوند به ابراهیم دانسته شده است. اما این بخش بدون دلیل نبوده بلکه پاداش بت شکنی ابراهیم است.

از این آیات دوبار فعل وهبنا (بخشیدیم، اهدا کردیم) به کار رفته است اما محتوای بخشش‌ها متفاوت است. در آیه ۴۹، اسحاق و یعقوب موهوب‌اند و آخذ بخشش، ابراهیم است، مورد بخشش هم خود اسحاق و یعقوب‌اند. اما در آیه ۵۰، موهب الیه (گیرنده بخشش) اسحاق و یعقوب و ابراهیم‌اند، موهوب و مورد بخشش رحمت الهی است. علامه طباطبایی، رحمت را تأیید به روح القدس یا رحمت امامت یا مطلق ولایت الهی می‌داند (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۸۱).

- مریم، ۴۹: انتصاب اسحاق به مقام نبوت.

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

یعنی به دلیل اجتناب ابراهیم از بت‌ها و بت پرستی، اسحاق و اسماعیل را به او بخشیدیم و هر یک را پیامبر قرار دادیم.

در این آیه دو امتیاز و شأن برای اسحاق در نظر گرفته شده است: یکی هبه بودن آن حضرت و موهوبه؛ دوم انتصاب اسحاق به مقام نبوت است.

هر دو مقام نتیجه مبارزه با شرک و بت پرستی است. این درس برای همه مردم به ویژه برای نابینایان در همه زمان‌ها و دوره‌ها مطرح است. اگر خداگرا شوند و به ارزش‌های خدایی برگردند و عمل کنند، مشرک ولو شرک خفی را کنار بگذارند و موحد باشند، خداوند، پاداش‌های بزرگی برای آنها در نظر می‌گیرد و اعطاء می‌کند.

- مریم، ۵۰: رحمت بودن اسحاق

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

یعنی بخشیدیم به آنان (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) از ذخائر رحمت الهی. در آیه ۴۹ فرمود ابراهیم از بت پرستی دوری نمود و خداوند را عبادت کرد، از اینرو به عنوان پاداش به او اسحاق و یعقوب اهدا شد. سپس فرمود ما آنان را به مقام نبوت هم برگزیدیم. در ادامه در این آیه می‌فرماید، از رحمت خود به آنان هبه کردیم و مکت و ثروت اعطا کردیم. منظور و مراد رحمت در اینجا چیست؟ علامه طباطبایی سه احتمال ذکر کرده است: تأیید به روح القدس، امامت و بالاخره مطلق ولایت الهی (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۸۱). هر کدام از اینها باشد، اسحاق به مقام بلندی رسیده است. و با این تصور که گفته می‌شود نابینایان نمی‌توانند به جایی برسند و توانایی لازم را ندارند، مخالفت جدی دارد چون به تأیید قرآن اسحاق نابینا به مدارج عالی رسید.

- مریم، ۵۰: شهرت نیک به اسحاق

وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

یعنی به اسحاق و یعقوب شهرت و آوازه ای بلند دادیم.

این آیه در ادامه آیه ۴۹ است که فرمود: ابراهیم از بت و بت پرستی دوری و احتراز نمود و غیر خدا را عبادت نکرد، به همین دلیل اسحاق و یعقوب را به او اهدا کردیم، دوم اینکه آنان را به منصب امامت برگزیدیم، سوم اینکه شهرت و آوازه فراگیر و صادقانه به آنها دادیم. بنابراین خداوند چهار پاداش مهم که هر کدام می‌تواند سرنوشت یک فرد و جامعه را دگرگون سازد، به اسحاق و یعقوب اعطا نموده است: اسحاق به عنوان عطیه الهی به ابراهیم بخشیده شد و سپس به مقام نبوت رسید؛ همه اینها از باب رحمت خداوند بوده است. یعنی خداوند اسحاق را خلق کرد و مقام نبوت داد تا رحمت برای مردم باشد؛ لسان صدق یا شهرت صادقانه و فراگیر به او داده شد. این مخالف با ذهنیتی است که نابینایان را منزوی و غیر کارآمد و غیر مشهور می‌داند. خداوند صرفاً می‌فرماید: نابینا می‌تواند شخصیت مشهور باشد بطوری که جامعه نامش را به نیکی یاد کند.

- انبیاء، ۷۲: صالح بودن اسحاق.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

یعنی به ابراهیم اسحاق و یعقوب بخشیدیم (تا ثواب کارش باشد) و هر یک از آنها را صالح قرار دادیم. در این آیه دو نکته است یکی اینکه اسحاق و یعقوب که به ابراهیم و هبه شده‌اند، نافلة هستند. یعنی ابراهیم اقدامات بزرگی انجام داده، و برای تشکر از او، پاداشی به او اعطاء شد که همان فرزنددار شدن در ایام پیری است. هر چه کار بزرگتر باشد، هدیه و پاداش هم باید بزرگ باشد. عمل ابراهیم بسیار بزرگ بوده چون بساط بت پرستی را نابود کرد، اهداء اسحاق به او به عنوان پاداش هم بزرگ است. نکته دوم صالح و نیکوکار بودن است. خداوند اسحاق را به مقام نیکوکاری منصوب کرد. این مقام عالی برای هر کس اتفاق نمی‌افتد (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۸).

- انبیاء، ۷۳: اسحاق از عابدین شد

وَجَعَلْنَا لَهُمْ أُتْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ. یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به مقام امامت رساندیم تا هدایتگر امر الهی باشند، و به آنها وحی فرستادیم تا خیرات را انجام داده، نماز بپا دارند و زکات بپردازند، و آنان برای ما از عابدین بودند. این آیه به چند شأن و ویژگی اسحاق اشاره می‌کند: امامت، هدایت، وحی، عابد و فعل خیرات. قبلاً هدایت و

نزول وحی به اسحاق توضیح داده شد (وحی بر اسحاق در نساء آیه ۱۶۳؛ هدایت اسحاق در انعام آیه ۸۴ توضیح داده شد). و اکنون به مقام عبادت اسحاق می‌پردازیم. اسحاق عابد و مطیع دستورات الهی بود؛ و دستورات دیگران را اطاعت نمی‌نمود.

- انبیاء، ۷۳: انتصاب به مقام امامت

وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا.

در ابتدای آیه می‌فرماید ابراهیم، اسحاق و یعقوب را به مقام امامت رساندیم. علامه طباطبایی این مقام را برای ابراهیم و ذریه او مهم دانسته، زیرا آنان علاوه بر تصرف تشریعی، تصرف تکوینی در نفوس هم پیدا کردند. آنان به خوبی می‌توانستند مردم را هدایت و رهبری کنند (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۲۸-۴۹۲).

- انبیاء، ۷۳: فعل خیرات

وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ.

ابراهیم، اسحاق و یعقوب علاوه بر رسیدن به امامت و مقامی که به آنان وحی می‌شد، فاعل خیرات یعنی نشردهنده و مبلغ و مروج نیکی‌ها و خوبی‌ها در جامعه هم بودند. برای نمونه: نماز و زکات را ترویج می‌کردند. این دو، نمونه‌ای از کارهای نیک آنان است.

- عنکبوت، ۲۷: داشتن کتاب و اجر دنیوی و اخروی

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ.

یعنی ما به ابراهیم، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و در دودمانش نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است.

چند نکته به عنوان ویژگی و شأن اسحاق بر می‌شمارد: عطیه الهی بودن به ابراهیم، اعطای نبوت، و کتاب، اجر دادن در دنیا و در آخرت از صالحین بودن.

این پنج ویژگی و اجر دنیوی در این آیه جدید است ولی بقیه را قبلاً بیان کرده است (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۵۲). خوش نامی (لسان صدق) که قبلاً بیان شد مصداقی از اجر دنیوی است.

- صافات، ۱۱۲-۱۱۳: برکت؛ دودمان نیکوکار و ظالم

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ، وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

ما به ابراهیم، اسحاق را به عنوان پیامبری صالح بشارت دادیم؛ او و اسحاق را برکت دادیم و از دودمان آنها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند.

چند نکته در این دو آیه مطرح است، فقط دو نکته جدید است و بقیه در آیات پیشین بود. برکت و ذریه دوگانه اسحاق در آیات پیشین نبود.

برکت اعطا شده به اسحاق عام است و شامل امور معنوی، مادی، مکتب و دین، زندگی و عمر انسان، اخلاق نیک می‌شود.

اما ذریه محسن و ظالم یعنی ویژگی‌ها و شأن‌هایی که خداوند به اسحاق داد به این معنا نیست که همه افراد ذریه او در آینده نیکوکار و صالح‌اند، بلکه هر کس با عمل و عقیده خود به مدارج عالی می‌رسد و

می‌تواند با عمل بد و زشت خود به اسفل سافلین برسد. از ذریه اسحاق یهود چنین شدند (تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۳۰-۱۳۱).

- ص، آیات ۴۵-۴۷: صاحب چشم بینا و دست نیرومند؛ خالص شدن، برگزیده و نیک.   
 وَأَذْكَرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ، إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذُكِّرَى الدَّارِ، وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ.

در این آیات پنج ویژگی برای اسحاق بر شمرده است: اسحاق را دارای دستان نیرومند و چشمان بصیر، خالص شدن از همه رجس‌ها و ناپاکی‌ها توسط خداوند و رسیدن به مقام خالص به طوری که هر کاری رانه برای سود دنیوی که به خاطر آخرت انجام می‌داد، ویژگی دیگر اسحاق برگزیده و از اختیار و نیکان بود. خداوند از بین هزاران نفر او را برگزید و بالاخره با همت و تلاش خودش و عنایت الهی از نیکان شد (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۰۶-۳۱۰).

### نتیجه

قرآن کریم جمعاً ۲۹ ویژگی برای اسحاق بر شمرده است. هر یک از اینها اهمیت بسیار دارد و می‌تواند سرنوشت یک فرد یا یک قوم را دگرگون سازد. اسحاق که بنابر اطلاعات تاریخی اکثر عمرش را نابینا بوده ولی قرآن کریم او را دارای بصیرت چشم دل می‌داند. یعنی بینایی فقط به داشتن حس بینایی نیست بلکه انسان با خودسازی و وصول به برکت و فیوضات الهی، توان تشخیص امور و بصیرت را خواهد داشت.

سرگذشت اسحاق برای نابینایان در این دوره بسیار عبرت آموز است و می‌توانند او را الگوی خود قرار دهند.

### مآخذ

مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴؛ المعجم المفهرس للكشف آيات القرآن، رضا کیان‌زاد، تهران، کیان کتاب، ۱۳۸۰؛ تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴؛ الکامل فی التاریخ، علی ابن ابی الکریم معروف به ابن اثیر، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵/ق ۱۹۶۵م؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، مقاله ابن جوزی، ص ۲۷۶؛ تلقیح فهوم اهل الاثر، ابن جوزیف لیدن، ۱۸۹۲م؛ دهلی، ۱۸۶۹م، دهلی، ۱۹۲۷م؛ نکت الهمیمان و نکت العمیمان، خلیل بن ایبک الصفدی، به کوشش احمد زکی، قاهره، ۱۳۳۹ق؛ کتاب مقدس، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۶۹م؛ دایرة المعارف قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، مقاله اسحاق؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، تهران، ناهید و دوستان، ۱۳۷۷، مقاله اسحاق؛ تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۵۳؛ قاموس کتاب مقدس، ترجمه مستر هاکس، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷؛ مفردات راغب، به کوشش ندیم مرعشلی، قم، اسماعیلیان، افست از چاپ دار الکتب العربی، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.

## حضرت ایوب

### هویت

درباره مشخصات شخصی حضرت ایوب اختلاف‌های بسیار وجود دارد. بعضی او را پیامبری از ذریه اسحاق نبی دانسته‌اند؛ در حالی که بعضی او را معاصر حضرت ابراهیم می‌دانند. بعضی از نسب شناسان، جد ششم او را، ابراهیم (ع) دانسته.<sup>۱</sup> و به آیه ۸۴ انعام که می‌فرماید «و من ذُرّیته داود و سلیمان و ایوب» اشاره می‌کنند. اکثراً ایوب را از انبیاء بنی اسرائیل نمی‌دانند. چون بنی اسرائیل از نسل یعقوب‌اند ولی ایوب از نسل برادر یعقوب، عیص است.<sup>۲</sup> مسعودی نامش را به این صورت ضبط کرده است: ایوب بن موس بن زراح بن رعوایل بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم.<sup>۳</sup>

اما در اینکه ایوب پیامبری بوده که علاوه بر مقام تبلیغ و ارشاد و راهنمایی، کتاب هم داشته و به اصطلاح اولوالعزم بوده، نیز در اینکه علاوه بر مقام نبوت پادشاهی هم داشته اختلاف است.<sup>۴</sup> در عهد عتیق با اینکه مفصلاً به ایوب پرداخته ولی به پیامبری او اشاره نشده است.<sup>۵</sup> مستر هاکس در قاموس کتاب مقدس نوشته است: جز قیا اولین دفعه نام ایوب را به کار برد. به نظر او، ایوب در شرق فلسطین در جایی به نام عوص زندگی می‌کرد.<sup>۶</sup>

اما در معنای این نام و نیز در ریشه لغوی آن اختلاف است. بعضی ایوب را اصالتاً عبری و اصل آن را ایوب یا یوباب می‌دانند. نیز بعضی معتقدند: ریشه عبری ایوب به معنای گریه است. و ایوب به کسی گفته می‌شد که فراوان گریه می‌کرده و اشک می‌ریخته است. مولانا هم درباره ایوب می‌گوید: من بهر مویبت صبری دادمت. یعنی خداوند به دلیل مویه‌های ایوب، به او صبر داد البته اگر این دیدگاه را بپذیریم، تناقضی پیدا می‌شود. از یک طرف گفته شده ایوب صابر و خوشنود به رضای حق بود و از طرف دیگر او را در مقابل مصائب و عارضه امراض و معلولیت، دائماً ناراحت و گریان می‌بود و اشک می‌ریخت. اینها مخالف علم و صبر است. از این رو نمی‌توان گفت ایوب صابر بوده و بر اثر صبرش به بزرگی و رحمت و بسیاری از محاسن رسیده ولی از طرف دیگر او را گریان و نالان در برابر مشکلات و معلولیت معرفی کرده‌اند. نیز اسمش ایوب به معنای گریان است.

این تناقض را می‌توان به دو صورت می‌توان حل کرد؛ یک راه حل این است که زاری در دوره نخست بیماری و از دست دادن اموال بوده ولی صبر و شکر در دوره زمانی دیگر بوده است. اما راه حل دوم این است که ریشه نام ایوب و معنای ایوب را گریه و زاری ندانست؛ بلکه ریشه لغوی ایوب را ایب و به معنای بازگشت‌کننده به سوی خداوند دانست. البته برخی ایب را عبری و برخی عربی و نقل شده به فرهنگ عبری می‌دانند. این معنا با توصیفی که در قرآن راجع به ایوب آمده و او را اؤاب یعنی

۱. روض الجنان، ج ۱۳، ص ۲۵۹؛ اعلام القرآن، ج ۲، ص ۴۸۷.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. مروج الذهب، مسعودی، ترجمه پاینده، ج ۱، ص ۴۰.

۴. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۰۷.

۵. کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب ایوب، ص ۷۸۵-۸۲۹.

۶. قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، ص ۱۴۶؛ لغت‌نامه دهخدا، ج ۳.

بازگشت کننده به خداوند معرفی کرده<sup>۱</sup>، سازگاری دارد. نیز بازگشت و بازگشت کننده با سرگذشت ایوب هم سازگاری بیشتر دارد. چون ایوب پس از سال های بیماری و صبر کردن، شکر خداوند را به جای آورد و از خداوند استمداد نمود تا سلامت پیدا کند.

همسر او با نام هایی چون الیا، لیا و رحمه (رحیمه) معرفی شده و او را دختر لوط یا دختر یعقوب دانسته اند. بعضی مادر او را، دختر لوط دانسته اند. پدر ایوب هم فردی متدین، خدا گرا و موحد و تابع آیین ابراهیم شمرده شده است.<sup>۲</sup>

### بیماری و آسیب جسمی

در قرآن مشکلات جسمی ایوب با دو واژه صُرٌّ و نُصِب بیان شده است. ایوب خطاب به خداوند می گوید:

«و ایوبُ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (سوره انبیا، آیه ۸۳)  
و نیز «وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (سوره ص، آیه ۴۱)  
بر اساس تفسیر نمونه، کلمه صُرٌّ (بر وزن حر) به هرگونه بدی و ناراحتی که به روح و جان یا جسم انسان برسد، و همچنین نقص عضو، از بین رفتن مال، مرگ عزیزان، پایمال شدن حیثیت، و مانند آن گفته می شود.<sup>۳</sup>

و بر اساس تفسیر المیزان، کلمه «ضر» - به ضم ضاد - به معنای خصوص بلاهایی است که مستقیماً به جسم آدمی می رسد، مانند مرض، و لاغری، و امثال آن. و کلمه «ضر» - به فتح ضاد - همه انواع بلاها را شامل می شود. و از ظاهر آیات بعدی برمی آید که مرادش از «نصب و عذاب» بد حالی و گرفتاری هایی است که در بدن او و در خانواده اش پیدا شد.<sup>۴</sup> و «نُصِب» به معنای رنج و سختی و بلا و شر است. پس ایوب (ع) مورد هجوم انواع بلاها قرار گرفت.<sup>۵</sup> و مبتلا به درد و رنج فراوان و طاقت فرسا و شدید شده بود.<sup>۶</sup> بعضی منابع بسیاری او را این گونه توصیف کرده اند: مبتلا به انواع بیماری های خبیث و بدخیم شده بود، به طوری که غیر از قلب و زبانش، عضو سالمی برای او باقی نمانده بود.<sup>۷</sup>

طبرسی گزارش کرده که: بعضی ها گفته اند: بیماری «ایوب» چنان شدت پیدا کرد که مردم از او دوری گزیدند و شیطان نیز به آنان وسوسه کرد که آن حضرت را پلید دانسته و از او بدشان آید. نیز به دلشان انداخت، ایوب را از شهر بیرون کنند؛ حتی اجازه نمی دادند همسرش به عنوان یگانه پرستارش نزد مردم برود. ایوب از این مسئله بسیار متأذی شد و در مناجات خود از بیماری سخت خود گلایه نکرد؛ بلکه از شیطنت شیطان که رابطه حضرت را با مردم قطع کرد و حضرت را از چشم مردم بیندازد، شکوه می کرد.<sup>۸</sup>

۱. سوره ص، آیه ۳۴.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۷۲۲.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۷۸.

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ذیل آیه ۸۳ سوره انبیا؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۷۲.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۱۷-۳۱۸.

۶. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۴۱ سوره ص، ج ۱۹، ص ۲۹۴.

۷. اعلام القرآن، التبیستری، ص ۱۶۴.

۸. مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۷۸؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۸.

این بلا و بیماری در تورات چنین وصف شده است که سر تا پای بدن حضرت دچار دمل‌های دردناک شود به گونه‌ای که ایوب (ع) از شدت درد و رنج به خودش می‌پیچد و مردم نیز به سبب عفونت‌های بدنش از وی دوری می‌کردند.<sup>۱</sup>

اما امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند که هیچ يك از ابتلائات ایوب (ع) عفونت پیدا نکرد، و بدبو نشد، و نیز صورتش زشت و زنده پیدا نگردید، و حتی ذره‌ای خون و یا چرک از بدنش بیرون نیامد، و احدی از دیدن او تنفر نیافت. مردم نسبت به مقام او نزد پروردگارش جاهل بودند، و نمی‌دانستند که خدای تعالی او را تأیید کرده، و به زودی فرجی در کارش ایجاد می‌کند. بر اساس تفسیر نور نیز بیماری و رنج وی مایه تنفّر مردم از او نبوده است، زیرا در این صورت، علاوه بر آنکه برخلاف قاعده لطف است، با بسیاری از روایات و تفاسیر، از جمله تفاسیر المیزان، تفسیر کبیر از فخر رازی، اطیب البیان، روض الجنان و روح الجنان از ابوالفتوح رازی و تفسیر نمونه نیز سازگار نیست.<sup>۲</sup> از نظر عقلی هم، تنفر و دوری مردم از حضرت ایوب با عقل انسان سازگار نیست.

پیامبر نباید به گونه‌ای باشد که نتوان به وی نزدیک شد و پیامبر همیشه جاذبه دارد.<sup>۳</sup> یعنی انبیاء مرجع و هدایتگر مردم‌اند و باید زمینه حضورشان در بین مردم فراهم باشد که این هدایت تحقق پذیرد. چنانچه این آیه هم همین نکته را می‌فرماید: پیامبر نباید چنان باشد که مردم از اطرافش پراکنده شوند: «فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»: یعنی در پرتو رحمت الهی برای آنها نرم و مهربان شدی که اگر خشن و سنگدل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).<sup>۴</sup>

از این گفته‌ها چنین بر می‌آید که دوری مردم از حضرت ایوب به خاطر نداشتن جاذبه و یا وضع ظاهری او نبوده بلکه به خاطر ضعف مالی حضرت و از دست دادن فرزندان و اقوامش بوده است، و این از کوته‌بینی مردم بوده که خودشان را از این رحمت الهی (حضور ایوب نبی) محروم کرده بودند. البته این مطلب که حضرت ایوب علاوه بر بیماری، فرزندان، ثروت و نعمت‌های زندگی را نیز از دست داده را می‌توان از واژه‌های نُصَب و ضَرَّ یعنی بلا و آسیب به دست آورد. هر چند این دو واژه در سوره انبیاء و ص آمده است، اما در روایات و نیز در تورات آمده است. از بین رفتن اموال و فرزندان به صراحت نتیجه اینکه از منظر قرآن، ایوب به نُصَب و ضَرَّ دچار شده و معنای عام این واژگان شامل هرگونه آسیب جسمی، مالی، خانوادگی و غیره می‌شود. از این رو حضرت آسیب‌مند و آسیب‌پذیر شده بود. بر اساس روایت تورات، شیطان نخست اموال و فرزندان و اقوامش را گرفت و هلاک ساخت، سپس جسمش را معیوب و بیمار نمود. از این رو وقتی جسمش معیوب شد، توانی برای اصلاح و مقابله برایش باقی نمانده بود. تعبیر و گزارش منابع از وضع جسمی حضرت ایوب متفاوت است. حمدالله مستوفی معتقد است جسم ایوب که آکنده از زخم‌ها و آسیب‌ها بود با ورود به چشمه یا عین

۱. عهد عتیق، کتاب ایوب، ص ۷۸۶-۷۸۷ (باب دوم).

۲. تفسیر نور، محسن قرائتی، ذیل سوره ص آیه ۴۱ و سوره انبیاء آیه ۸۳.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۸۱.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۳۰۳.

آیوبی درمان شد و معلولیتش از بین رفت چنانکه دیگر معلولین هم با رفتن به این چشمه، شفا پیدا می‌کنند.<sup>۱</sup>

اکثر منابع نُصَب و ضَرَّ را به گونه‌ای معنا کرده یا گزارش آنها از شرح وقایع و وضعیت جسمی ایوب به گونه‌ای است که نشان می‌دهد او بر اثر بیماری ناتوان و زمین‌گیر شده بود. این تعابیر مترادف و مرادف با معلولیت است. از این‌رو کسانی که نسبت به استفاده از واژه معلول برای حضرت ایوب حساسیت دارند، درست نیست. مهم این است که نباید به معلول بار منفی داد؛ معلول نوعی آسیب جسمی و نوعی بیماری است که بر هر انسانی حتی انبیاء ممکن است عارض گردد. حتی رسول اکرم محمد مصطفی (ص) بیمار می‌شد. اگر انسانی بیمار نشود و حد بالای بیماری که معلولیت است را نداشته باشد، انسان نیست بلکه فرشته و ملک است یعنی جسم ندارد. هر موجودی جسم داشته باشد، ماهیت و لازمه آن، عروض بیماری، پیری، گذر از مسیر تولد تا مرگ است.

### علت گرفتاری

در مورد علت بیماری و ناتوانی جسمی حضرت بین مفسرین و مورخین اختلاف هست و چند تحلیل گفته‌اند: گاهی سبب آن را پناه بردن ایوب به فرعون بر اثر قحطی در سرزمین شام گفته‌اند و اینکه در حضور فرعون به اعمال او اعتراض نکرده است. دلیل این افراد، آیه ۴۱ از سوره ص: «وَأَذْكُرُ عَبْدًا آيُوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» است. به نظر اینان چون ایوب مرتکب گناه ترک امر به معروف و نهی از منکر شده بود، به عذاب یعنی بیماری و ناتوانی مبتلا گشت. زیرا عذاب، جزای گناه است. نظر دیگر این است که عدم یاری مظلومی که از ایوب یاری خواسته بود یا مغرور شدن وی به مال فراوان را سبب گرفتاری اش گفته‌اند. اما دانشمندان معتزله و مفسران شیعه این دسته گزارش‌ها را برتتاییده و آن را برگرفته از تورات و اسرئیلیات دانسته‌اند. آنان در رد دیدگاه اول می‌گویند: بیماری حضرت مجازات گناه وی است و واژه عذاب در آیه ۴۱ سوره ص نیز به معنای مجازات نیست و هیچ دلیلی هم وجود ندارد که بیماری و گرفتاری‌های ایوب پیامد گناه او باشد. واژه «عذاب» در آیه ۴۱ از سوره ص: «أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» به معنای مجازات نیست، بلکه به معنای درد، تعب، رنج و ضرر است، برخلاف واژه «عقاب» که همواره به معنای مجازات است.<sup>۲</sup> در واقع عذاب در این آیه مترادف نُصَب و توضیحگر معنای آن است. نُصَب از ریشه ن ص ب یک بار در قرآن به کار رفته و به معنای تعب (رنج و آسیب) و انصبنی به معنای اتعبی است.<sup>۳</sup>

در عهد عتیق وجود دارد که: «اصحاب حضرت ایوب به وی گفتند: بگو ببینم تو چه گناه بزرگی کرده‌ای که این چنین مبتلا شده‌ای؟»<sup>۴</sup>.

اما طبق آنچه در روایات و تفاسیر اصیل اسلامی موجود است، بیماری ایوب به خاطر گناه یا کفر نعمت نبوده بلکه به خاطر شکر نعمت حضرت بوده است. ابلیس بر شاکری اش حسد ورزیده نزد خداوند عرضه داشت که عبادت و شکرگزاری ایوب به خاطر رفاه وی می‌باشد. پس اجازه تصرف در

۱. تاریخ گزیده، ص ۳۷.

۲. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۲، ص ۲۰۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۷۲۲.

۳. مفردات راغب ص ۵۱۵.

۴. کتاب مقدس، عهد عتیق، ص ۷۸۶ به بعد.



مال و فرزندان و جسم حضرت را خواست که ثابت کند که ایوب وقتی در کام مشکلات فرو رود دیگر شاکر نخواهد بود.

علامه طباطبایی روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده و حضرت فرموده که ابتلاء ایوب به خاطر شکرگزاری او نه عدم شکرگزاری بوده است.<sup>۱</sup>

ولی همه جا چشیدن سختی‌ها نشانه‌ی دوری از خدا نیست. گاهی اولیای خدا سخت‌ترین شرایط را تحمل می‌کنند، تا به نعمت الهی برسند. ایوب هم پس از گرفتاری و سختی و ناتوانی‌ها با زدن پا بر زمین چشمه آب خنک برایشان جاری شد و با شستشو و نوشیدن به رضای الهی رسید.<sup>۲</sup> در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر قمی نیز چنین آمده که: همیشه بلاها و مصائب جنبه کیفری و تنبیهی ندارد، بلکه گاهی برای اعطای درجه است و جنبه آزمایشی دارد. «مَسْنَى الضَّرِّ» (با توجه به اینکه انبیا معصوم هستند ناگواری‌ها به خاطر ارتکاب گناه و گوشمالی نیست).<sup>۳</sup>

بر اساس تفسیر نمونه شکوفایی استعدادها دلیل این رخداد است. بدین شکل که بدون آزمایش‌های سخت استعدادهای نهفته شکوفا نمی‌شوند. پس گاهی وجود این حوادث چه برای افراد عادی یا انبیا یک ضرورت است، ضرورت شکوفایی استعدادها.<sup>۴</sup>

در تفسیر المیزان روایتی پیرامون چرایی ابتلاء حضرت ایوب ذکر شده است که: امام صادق (ع) از پدرشان نقل کرده‌اند که اگر خدای تعالی او را به بلایی عظیم گرفتار کرد، بلایی که با آن در نظر مردم خوار و بی‌مقدار گردد، برای این بود که مردم درباره‌اش دعوی ربوبیت نکنند، و از مشاهده نعمت‌های عظیمی که خدا به وی ارزانی داشته، او را خدا نخوانند.<sup>۵</sup>

قرآن این حادثه را این‌گونه تحلیل کرده است: این اتفاق به واسطه رحمت خداوند بوده تا درس عبرتی برای صاحبان عقل و خرد و اهل هوش باشد. «رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرًا لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (سوره ص، آیه ۴۳)

این دلیل واضح و روشن این حادثه است که قرآن بیان کرده و تفاسیر مختلف از جمله مجمع‌البیان، اطبیب‌الطیبیان، المیزان، کشاف، نمونه و نور نیز همین علت را ذکر کرده‌اند.

پس دلیل این رخداد، درس عبرتی به همه انسان‌ها، اعم از سالم یا معلول و حتی عبادت‌کنندگان (ذکری للعبادین: آیه ۸۴ از سوره انبیا و ذکرِی لِأُولِي الْأَلْبَابِ: آیه ۴۳ از سوره ص) در همه اعصار و قرون است که صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمت‌های زندگی نتیجه‌اش فارغ آمدن بر مشکلات و کسب مقام والا در پیشگاه خداوند است؛ و اینکه فرزند آدم نباید از مشکلات خم به ابرو آورده و نه غرق در شادی‌ها، غافل از خداوند باشند. چرا که خارج از توان خداوندی نیست که هر لحظه حال‌ها را دگرگون کرده و قوی را ضعیف و ضعیف را قوی کند و کسی را از عرش بر فرش بنشاند

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۳-۲۹۷.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۴-۳۲۸.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۳-۲۹۷.

۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۷.

و دیگری را از فرش به عرش بکشاند. پس بدا به حال آنهایی که ضعیف را به خاطر فقرش ترک کرده و ثروتمند و قوی را به خاطر قوتش ستایش کنند.

پس سنت خداوندی این گونه است که به هنگام بروز مصیبت‌ها، صبر و شکیبایی موجب گشایش و آرامش است و در برابر مشقت و سختی‌ها باید صبور بود و نباید به سراغ یأس و دل‌مردگی رفت. سنت دیگر که در سرگذشت ایوب آموزنده است: اراده‌ی خداوند این گونه محقق می‌شود که از طریق سلسله علل انسان‌ها به ذلت یا قدرت می‌رسند. آیه «...تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُذَلُّ مِنْ تَشَاءٍ...» (آیه ۲۶ سوره آل عمران) گویای همین نکته است. یعنی خداوند هر که را بخواهد با فقر، مریضی، ثروت یا هر وسیله دیگری امتحان می‌کند، خواه پیامبر خودش باشد یا هر شخص دیگری. گاه کسی را با این امتحان بالا برده به سعادت می‌رساند و یا کسی را به شقاوت کشانده و غرق بدبختی می‌کند.

این مبحث ریشه در بحث مهم کلامی «قضا و قدر» دارد. ولی خلاصه آن این است که خداوند علت اصلی در بیماری یا معلولیت نیست بلکه علل مختلف دست به دست هم داده و موجب معلولیت می‌گردد.<sup>۱</sup>

### نقش شیطان

داستان ایوب گویای نکات مهمی است. یک نکته این است که معلولیت و مرض‌های حاد را خداوند به وجود نیاورده و منسوب به خداوند نیست. چون ایوب می‌گوید: انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب (سوره ص، آیه ۴۱)؛ یعنی شیطان در من بیماری و معلولیت و رنج به وجود آورده است. مشکلات را منسوب به شیطان کرده است. با اینکه حضرت ایوب به وضوح نصب و عذاب را به شیطان نسبت داده اما سؤالاتی پیش می‌آید:

۱- نقش شیطان در گرفتاری حضرت ایوب چه بوده است؟  
 ۲- همان‌طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های انبیاء عصمت آنهاست که طبیعتاً باید مانع سلطه شیطان بر انبیاء شود، اما چرا حضرت ایوب بیماری و مشکلات خود را به شیطان نسبت داده است؟

۳- از آنجا که بیماری هم علل طبیعی دارد و هم علل عادی، چگونه حضرت بیماری خود را هم به بعضی از عوامل طبیعی نسبت داده‌اند و هم به شیطان؟  
 متکلمین مسلمان از قدیم به این مبحث پرداخته‌اند که آیا شیطان در سرنوشت انبیاء راه دارد و اگر دارد تا چه اندازه. آنان در پاسخ پرسش‌های فوق گفته‌اند:

۱- بعضی احتمال داده‌اند که دخالت شیطان در بیماری و مشکلات حضرت ایوب به واسطه وسوسه‌های او بوده است که پیوسته خطاب به حضرت می‌گفته: تو نعمت‌های بزرگی داشتی و روزگاری بر تخت سلامت و صلابت و قوت نشسته و حال خوار و ذلیل گشته‌ای، خدایی که عبادتش می‌کردی، تو را فراموش کرده و به خویش رهایت ساخته است و دیگر به تو رحمت و موهبتی ندارد. تا بدین طریق حضرت را مسیر نورانی عبادت منحرف ساخته و به وادی ناسپاسی واردش کند.<sup>۲</sup>

۱. انسان و سرنوشت، ص ۵-۳۰.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۴۱ از سوره ص.

بعضی دیگر از تفاسیر از جمله المیزان و مجمع البیان نقش شیطان را وسوسه کردن مردم اطراف حضرت دانسته‌اند که از حضرت ایوب متنفر شده و وی را از شهرشان بیرون کنند و از او دوری گزینند.

۲- تفسیر المیزان به نقل از تفسیر کشاف گفته است که به هیچ وجه نمی‌توانیم این وجه را بپذیریم که خدا شیطان را بر انبیای خود مسلط کند تا هر جور دلش خواست آن حضرات را اذیت و آزار کند و دچار عذاب نماید و از این راه داغ دل خود را از آنان بستاند، چون اگر بنا باشد این کار نسبت به انبیاء جایز باشد، نسبت به پیروان انبیاء یعنی مردم صالح نیز جایز است، آن وقت رانده درگاه خدا هیچ مؤمن صالحی را از این انتقام خود سالم نمی‌گذارد، همه را بیچاره و هلاک می‌کند با اینکه در قرآن کریم مکرر آمده، که شیطان به غیر از وسوسه هیچ دخالت و تأثیر دیگر ندارد. لکن این اشکال زمخشری وارد نیست؛ برای اینکه آنچه در قرآن کریم از خصائص انبیاء و سایر معصومین شمرده شده، همانا عصمت است که به خاطر داشتن آن، از تأثیر شیطان در نفوسشان ایمن‌اند، و شیطان نمی‌تواند در دل‌های آنان وسوسه کند. و اما تأثیرش در بدن‌های انبیاء و یا اموال و اولاد و سایر متعلقات ایشان، به اینکه از این راه وسیله ناراحتی آنان را فراهم سازد، نه تنها هیچ دلیلی بر امتناع آن در دست نیست، بلکه دلیل بر امکان وقوع آن هست، و آن آیه شریفه *فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ وَمَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَدْكُرَهُ* (۲) می‌باشد که راجع است به داستان مسافرت موسی با همسفرش یوشع (ع) و یوشع به موسی می‌گوید: اگر ماهی را فراموش کردم این فراموشی کار شیطان بود، او بود که نگذاشت من به یاد ماهی بیفتم. پس از این آیه برمی‌آید که شیطان این‌گونه دخل و تصرف‌ها را در دل‌های معصومین دارد. و اما اینکه گفت: لازمه جواز و امکان مداخله شیطان در دل‌های انبیاء این است که در دل‌های پیروان انبیاء نیز دخل و تصرف بکند، در پاسخش گفته‌اند: این ملازمه را قبول نداریم، زیرا ما که می‌گوییم ممکن است شیطان چنین تصرف‌هایی در دل‌های معصومین بکند، معتقدیم که هر جا چنین تصرف‌هایی بکند به اذن خدا می‌کند، به این معنا که خدا جلوگیری نمی‌شود، چون مداخله شیطان را مطابق مصلحت می‌بیند، مثلاً می‌خواهد مقدار صبر و حوصله بنده‌اش معین شود، از آن گذشته این تصرف محدود و موقتی بوده و ترفیع حضرت را به دنبال داشته است. و لازمه این حرف این نیست که شیطان بدون مشیت و اذن خدا هر چه دلش خواست بکند و هر بلایی که خواست بر سر بندگان خدا بیاورد.<sup>۱</sup>

۳- پاسخ این سؤال را علامه طباطبایی چنین بیان کرده است که: این دو سبب یعنی شیطان و عوامل طبیعی، دو سبب در عرض هم نیستند، تا در يك مسبب جمع نشوند، و نشود مرض را به هر دو نسبت داد، بلکه دو سبب طولی‌اند. ممکن است گفته شود: اگر چنین استنادی ممکن باشد، ولی صرف امکان دلیل بر وقوع آن نمی‌شود، از کجا که شیطان چنین تأثیری در انسان‌ها داشته باشد که هر کس را خواست بیمار کند؟ در پاسخ گفته است: نه تنها دلیلی بر امتناع آن نداریم، بلکه آیه شریفه *«إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»* (سوره مائده / ۹۰). دلیل بر وقوع آن است، برای اینکه در این آیه، شراب و قمار و بت‌ها و ازالام را به شیطان نسبت داده و آن را عمل شیطان خوانده است.<sup>۲</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۱۸.

به هر حال فراوان از معلولین می‌شنویم که خداوند مرا به این معلولیت دچار ساخته است و تمامی مشکلات را گردن خداوند می‌اندازند. در حالی که ایوب مشکلات خود را به شیطان نسبت داده است. چون خداوند خیر، رحمت، نیکی و سعادت برای بنده اش می‌خواهد ولی شیطان شقاوت، بدبختی، مرض و معلولیت را به ارمغان می‌آورد.

### واکنش حضرت ایوب

در جمله «... انا وجدناه صابراً نعم العبد ائّه اواب». (سوره ص، آیه ۴۴) حضرت ایوب به سه وصف مهم توصیف شده است که در هر شخص باشد انسان کاملی است: ۱. مقام عبودیت ۲. صبر و شکیبایی و استقامت ۳. بازگشت پی در پی به سوی خدا.<sup>۱</sup>

### ۱. بندگی

خداوند در تجلیل و بزرگداشت «ایوب» او را به بندگی خود مفتخر ساخت و درباره او این تعبیر را به کار برد: (وَادْكُرْ عَبْدًا)

بندگی در جامعه انسانی و بین دو انسان به معنای بردگی، در بند، بسته بودن، دنباله رو، غلام و گوش به فرمان ارباب بودن است. اما در بندگی خداوند که یک طرف آن خداوند و طرف دیگر انسان است. یعنی عشق به خدا به عنوان کمال محض و منجی انسان داشتن، رکوع در برابر خداوند بی هیچ تفاخر و تکبر، یعنی دل بسته و تسلیم خداوند، تسلیمی اختیاری و تنها از سر عشق، تسلیم محضی که سراسر لذت است و بس. این بنده عاشقی است که جز خواست معشوقش را نمی‌خواهد، در برابر خواست خداوند در خودش اختیاری نمی‌بیند؛ برای رضایتش می‌گوید، برای رضایتش می‌پوشد، برای رضایتش کار می‌کند، برای رضایتش می‌خوابد و اینکه یکایک ثانیه‌های زندگی اش در سایه‌سار رضایت خداوند سپری می‌شوند. کمال تمام زیبایی‌ها را در وجود خداوند می‌بیند، جز او را خوب مطلق نمی‌داند، پیوسته و هر کجا و هر زمان با خدایش است و تابع امر او. این بنده وابستگی به معشوقش را در تک تک سلول‌های تنش احساس می‌کند، و جسم و جان خود را، دارایی خود را، خویشان و نزدیکان خود را و خلاصه هستی خود را در گرو وجود خداوند و متعلق به او می‌داند. اگر دارای ثروت باشد یا نباشد؛ قوم و خویشی داشته یا نداشته باشد؛ تمام اعضای تنش سالم باشد یا دردمند؛ ظاهری طبیعی یا غیرطبیعی داشته باشد؛ خلاصه انسان عابد همواره در مقام رضایت تام است. چرا که می‌داند نه مالک خود است و نه مالک چیز دیگری از این دنیای فانی، بلکه مالک حقیقی همان معبود است. پس کسی که به مقام بندگی حضرت حق نائل آید خود را چنان کودکی در آغوش گرم خداوند رها می‌کند و با تمام وجود به این ناخدای کشتی زندگی اعتماد کرده و سرسپرده امر او، به هر سو که خدایش برد خشنود است. حال اگر نعمتی را از کف دهد به عزایش نمی‌نشیند که هیچ، بلکه خواست خدا را بر خواست خود ترجیح می‌دهد. و حضرت ایوب (ع)، این شکیب مرد تاریخ، با وجود همه گرفتاری‌ها و مشکلاتشان پای در عرصه بندگی نهاده و از طرف خداوند میزبان این مقام عظیم قرار می‌گیرند.

در واقع بندگی خداوند، آزاد شدن از همه قیود و بردگی‌های انسان نسبت به انسان‌های دیگر؛ ساختن خویشتن در عرصه کمالات و تربیت نفس خویش و پرورش اخلاقیات نیک در ضمیر خود است.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۰.

## ۲. صبر

مفسران و قرآن پژوهان، ابتلای حضرت ایوب را بین هفت تا هیجده سال دانسته‌اند.<sup>۱</sup> بیمار نیاز به آرامش و تسلی خاطر دارد ولی نزدیکان و مردم دوره ایوب به جای ایجاد آرامش، یا او را ترک کردند و یا به شماتت و ملامت ایوب می‌پرداختند.<sup>۲</sup> حضرت ایوب در این دوران که اموال و ثروت و سلامت خود را از دست داد، دردی تازه به جانش افتاد و در میان تمام ناراحتی‌ها و رنج‌ها آنچه بیشتر روح ایوب را آزار می‌داد مسئله شماتت دشمنان بود.<sup>۳</sup>

پس دوستانش، این کوتاه فکران سطحی‌نگر، بی‌رحمانه زبان به شماتت و ملامت وی گشوده و زخم زبانش می‌زدند، زخمی بس التیام‌ناپذیر و دردآور. در آخر پراکنده شده و تنه‌ایش گذاشتند. حتی کسی نبود زیر شانه‌هایش را بگیرد و یا اینکه دردش را ببیند. اما هیچ‌یک از این ناملایمت‌های روزگار نتوانستند ایشان را به انحراف از مسیر حق بکشانند. آن پیامبر بزرگ خدا هرگز نه در مهر و لطف خدا ذره‌ای تردید کرد و نه از شکیبایی در برابر گرفتاری‌ها ذره‌ای تزلزل به خود راه داد.<sup>۴</sup> و برای عبور از این بحران صبر را برگزینند (اَنَا وَجَدْنَا صَابِرًا: سوره ص / آیه ۴۴).

پیداست که دعای او به درگاه خدا، و تقاضای دفع و سوسه‌های شیطان، و رنج و محنت و بیماری، منافات با مقام صبر و شکیبایی ندارد، آن هم بعد از هفت سال یا به روایتی هیجده سال با درد و بیماری و فقر و ناداری ساختن و تحمل کردن و شاکر بودن.<sup>۵</sup> و سرگرم عشق‌بازی با خدایش و بی‌تفاوت نسبت به تعریف و تحقیر و دوستی و دشمنی مردمان، بالاترین دلیری و جسارت را به خرج داده و خزان را به امید جوانه‌ای دوباره تحمل نمودند (اَنَا وَجَدْنَا صَابِرًا). اگرچه بیماری و مشکل روی خوشی ندارند اما برای دوستان خدا، درد خود عالمی دارد چنانکه حضرت با بودن با خدایش از درد و رنج تهی می‌شدند. زیرا عشق خداوندی برایشان مرهم زخم زبان‌ها بود و داشتنش جبران همه نداشتن‌ها. سال‌ها بر این منوال گذشت تا آنگاه که تنش از درد بیماری چو شمع می‌سوخت، و آنگاه که زمین تنگ و روزگار پریشان شده بود، آنگاه که سنگینی مشکلات ایوب پیامبر حتی رعشه بر تن کوه می‌انداخت و بی‌خردان اطرافش اما صحنه آزمون خداوند را ترک گفته و رهایش کردند، آنگاه که لحظاتی‌شان سخت تشنه باران رحمت خداوندی بودند، آنگاه که دردهای کهنه‌شان را مرهم نیاز بود، شاید هر شخص دیگر غیر از آن حضرت در آن آشفتگی دقیق، طوفان مصیبت تار و پودش را زیر و رو می‌کرد و چهار ستون بدنش زیر فشار مشکلات تا می‌خورد، حضرت اما فقط دست نیازشان را به سوی خداوند دراز کرده و فرمودند: پروردگارا به من رنج و عسرتی رسیده است و تو ارحم الراحمینی. (سوره انبیاء / ۸۳).

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۶.

۲. مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۵.

۳. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۵-۳۲۷؛ تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۶.

۴. تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۶۵.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۰.

حضرت حل مشکلات خود را با تعبیری بسیار مؤدبانه و خالی از هرگونه شکایت از خدا خواست.<sup>۱</sup> آنگاه که گفت: «پروردگارا! به من رنجی رسیده است، همانا تو ارحم الراحمینی». ایوب در جریان دعا کردنشان از تعبیری استفاده نکرده که بوی شکایت بدهد و حتی نمی‌گویند پروردگارا گرفتاری مرا برطرف کن، بلکه می‌گویند گرفتار مشکلاتی شده‌ام و تو ارحم الراحمینی، زیرا می‌داند که خداوند بزرگ است و رسم بزرگی را می‌داند؛ نیز در این آیه خدا را با صفتی خوانده که با نیازشان تناسب دارد. یعنی گفت: ارحم الراحمین. این گرفتار نشان از این دارد که حضرت به غیر درگاه حق یاری از خلق نمی‌خواهد و غیر پروردگار به دیگری امیدی ندارد (انت ارحم الراحمین: سوره انبیاء/ ۸۳).<sup>۲</sup>

### ۳. بازگشت کننده

سوره (ص) سه نفر از پیامبران بزرگ را به عنوان اواب توصیف کرده است: داود و سلیمان و ایوب، و در سوره ق آیه ۳۲ این وصف را برای همه بهشتیان ذکر کرده است، «هذا ما توعدون لکل اواب حفیظ». این تعبیرات نشان می‌دهد که مقام اوایین مقام والا و ارجمندی است، و هنگامی که به منابع لغت مراجعه می‌کنیم می‌بینیم اواب از ماده «اوب» «بر وزن قول» به معنی رجوع و بازگشت است. این رجوع و بازگشت با توجه به صیغه اواب که مبالغه است، دلالت بر تکرار و کثرت دارد. و اشاره به این است که اوایین در برابر عواملی که آنها را از خدا دور می‌سازد اعم از زرق و برق جهان ماده، یا وسوسه‌های نفس و شیاطین، حساسیت بسیار دارند، اگر لحظه‌ای دور شوند بلافاصله متذکر شده به سوی او باز می‌گردند، و اگر لحظه‌ای غافل گردند به یاد او می‌افتند و جبران می‌کنند.<sup>۳</sup> طبق این توصیف حضرت ایوب پیوسته مواظب اعمال خود بود. حتی در دوره بیماری، روح خود را به گونه‌ای پرورش داد که مطابق میل خداوند باشد.

بنابراین حضرت ایوب با وجود همه مصیبت‌ها در نهایت خداوند وی را بنده خطاب کرد؛ و بنده یعنی عاشق و در عالم عشق جای هیچ گله از معشوق نیست، وگرنه که آن عشق نیست. به قول حافظ:

لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ

عشق بازان چنین مستحق هجرانند

خزائلی و بعضی دیگر، وصف اواب که در قرآن آمده، ریشه عربی واژه ایوب می‌دانند. و گفته‌اند آیب اسم فاعل اوب و اواب صیغه مبالغه آن است و ایوب متناسب با این دو واژه در طول قرون به این صورت متداول شده است.<sup>۴</sup>

### اجابت دعا و شفا یافتن

دعای حضرت ایوب (ع) مستجاب شد (فاستجبنا...، سوره انبیاء/ ۸۴). سپس ندا آمد که «ارکض هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ: اینک در برابر دیدگانت چشمه‌ای است برای شستشوی بدن و دارای آبی سرد

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۸۳ سوره انبیاء.

۲. تفسیر نور، ذیل آیه ۸۳ سوره انبیاء.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۳۰۴.

۴. اعلام قرآن، ص ۲۳۴؛ دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۵، ص ۲۰۷.

و گوارا برای نوشیدن». (سوره ص، آیه ۴۲)؛ «ارکض» از ماده «رکض» (بر وزن مکث) به معنی کوبیدن پا بر زمین، و گاه به معنی دویدن آمده است، و در اینجا به معنی اول است.<sup>۱</sup> واژه «مغتسل» به مفهوم جایگاه شستشو آمده است، گرچه بعضی آن را به همان آبی که در آن شستشو می‌کنند نیز معنا کرده‌اند.<sup>۲</sup> گاه گفته شده معنای آیه چنین است: آبی پدید آمد، حضرت از آن نوشید و حمام کرد و شفا یافت؛ و یا اینکه چشمه‌ای جوشید و حضرت بهبود یافتند، در مفهوم آیه تفاوتی ایجاد نمی‌کند، اما معنی اول مورد تأیید اکثر تفاسیر از جمله المیزان و نمونه است. به نظر می‌رسد که در آیه چیزی حذف شده باشد و در اصل گویی این‌گونه است: پس او پای خود را بر زمین کوبید؛ و آنگاه چشمه‌ای جوشید. به باور برخی با کوبیدن پا بر زمین به خواست خدا دو چشمه جوشید که یکی از آن دو برای شستشوی بدن بهره‌گرفت و بهبود یافت و از دیگری آب سرد و گوارا نوشید.<sup>۳</sup>

در تفسیر المیزان چنین آمده است: در این جمله کلمه‌ای در تقدیر است و اصل آن این‌گونه است: «فاستجبنا له و قلنا اركض...» و سیاق آیه که سیاق امر است اشعار دارد بلکه کشف می‌کند از اینکه: آن جناب در آن موقع آن قدر از پا درآمده بود که قادر به ایستادن و راه رفتن با پای خود نبوده، و در سراپای بدن بیماری داشته، و خدای تعالی اول مرض پای او را شفا داده، و بعد چشمه‌ای در آنجا برایش جوشانده، و دستور داد که از آن چشمه حمام بگیرد، و بنوشد تا ظاهر و باطن بدنش از سایر مرض‌ها بهبودی یابد. و این مطالب، مورد تأیید روایات هم هست.

در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَاتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ...» (سوره انبیاء / ۸۴) آمده: یعنی خداوند همان فرزندان وی را که مرده بودند زنده کرد، چه آنهایی که قبل از گرفتاری حضرت مرده بودند، و چه آنها که در حال گرفتاری از دنیا رفته بودند. از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی «و مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ» سؤال شد که چگونه همانند آنان را نیز به ایوب داد؟ حضرت فرمود: خداوند از فرزندان او که قبلاً به مرگ طبیعی مرده بودند نیز به همراه کسانی که هلاک شده بودند، به او برگرداند.<sup>۴</sup> و خانواده او را سالم و با نشاط به او بازگردانیدیم. و مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ و خاندان و بستگان و همانند آنها را و ثروت از دست رفته‌اش را به او بازگردانیدیم و همه آنها را به صورت دو برابر افزایش دادیم.<sup>۵</sup>

در روایات آمده: تمامی کسان او به غیر از همسرش مردند و آن جناب به داغ همه فرزندانش مبتلا شده بود، و بعداً خدا همه را برایش زنده کرد، و آنان را مثل سابق به آن جناب بخشید.

بعضی گفته‌اند که فرزندان او در ایام ابتلا از او دوری کردند و خدا با بهبودی‌اش آنان را دوباره دورش جمع کرد، و همان فرزندان زن گرفتند و بچه‌دار شدند. پس معنای اینکه خدا فرزندان او را و مثل آنان را به وی بخشید همین است که آنان و فرزندان آنان را دوباره دورش جمع کرد.<sup>۶</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۲۹۶؛ نیز نک تفاسیر المیزان و مجمع‌البیان ذیل همین آیه.

۲. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۳۶۴.

۳. همان.

۴. ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۸۴ سوره انبیاء.

۵. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۳۶۴.

۶. ترجمه تفسیر المیزان، ذیل آیه ۸۴ سوره انبیاء.

همچنین در تفسیر جمله «آتیناه اهله و مثله معهم»، گفته شده که خداوند علاوه به فرزندان خودش، فرزندان دیگری نیز به او داد. بعضی نیز احتمال داده‌اند که خداوند فرزندان تازه و نوه‌هایی به ایوب داد که جای خالی فرزندان از دست رفته‌اش را پر کردند.<sup>۱</sup>

اما نکاتی که از این دو آیه (سوره انبیاء، آیه ۸۴ و سوره ص، آیه ۴۴) می‌توان آموخت، عبارت‌اند از: ۱- نتیجه بندگی خدا، بنده شدن حوادث است. همان‌طور که به محض اینکه حضرت خدایش را خواند، مشکلات و حوائج در برابر استقامت و امیدواری این شکیب مرد قد خم کرده و به زانو در آمدند.

۲- رابطه خاص حضرت ایوب با پروردگار در کنار موج مصیبت‌های وارد شده بر ایشان.

۳- لطف الهی بیش از درخواست بندگان است؛ چرا که حضرت ایوب فقط می‌گویند: پروردگارا به من بیماری ورنجی رسیده است و تو مهربان‌ترین مهربانانی. اما خداوند هم بیماری حضرت را شفاء می‌بخشد و هم اقوام و ثروت ایشان را به وی باز می‌گرداند.

خلاصه اینکه «انَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا: قطعاً در پی دشواری‌ها آسانی است» (سوره انشراح، آیه ۶). خداوند در قرآن با زبانی واضح و رسا با بندگان صحبت کرده است؛ فقط کافی است اندکی هشیار باشیم، به گفته‌هایش گوش جان بسپاریم، توکل کرده و به وعده‌هایش اعتماد کنیم تا همچون حضرت ایوب که جواب توکل و صبرش را گرفت و به مقام بندگی نائل آمد، ما هم اگر همین راه برویم، به آرامش حقیقی می‌رسیم.

بالاخره ایوب با صبوری و شکیبایی نه تنها عافیت و سلامت یافت بلکه به امکانات و دارایی‌های فراوان هم رسید. این درس بزرگی برای معلولین است.

### تدبیر حضرت ایوب

در رابطه با عهدی که در مورد همسر خود بسته بود، ایوب تدبیری اندیشید. نام همسر حضرت ایوب رحمت دختر افراییم فرزند یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (ع) بود.<sup>۲</sup> یا طبق برخی روایات دیگر نامش لیا و دختر یعقوب بود.<sup>۳</sup>

در قرآن هیچ نامی از همسر حضرت ایوب برده نشده است اما آیه: وَ حُدِّ بِدِكَ ضَعْفًا فَاصْرَبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ... یك مشت شاخه در دست بگیر و به او بزنی تا سوگند خود را نشکسته باشی (سوره ص / ۴۴) اشاره به تکلیف حضرت ایوب در رابطه با تصمیمی است که در مورد همسرش گرفته بوده است. و باز در قرآن علت این تصمیم حضرت ذکر نشده است.

اما در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر قمی آمده است که: همسر وفادار حضرت ایوب نزد مردم می‌رفت تا صدقه‌ای بگیرد، و طعامی برای ایوب تهیه کند و چون گیسوانی زیبا داشت، بدو گفتند: ما طعام به تو می‌دهیم به شرطی که گیسوانت را به ما بفروشی. رحمت از روی اضطرار و ناچاری و به منظور این که همسرش ایوب گرسنه نماند گیسوان خود را بفروخت.

ایوب چون دید گیسوان همسرش بریده شده قبل از اینکه از جریان بپرسد سوگند خورد که صد تازیانه به او بزند. و چون همسرش علت بریدن گیسوانش را شرح داد، ایوب (ع) نسبت به سوگندش اندوهگین شد.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۸۴ سوره انبیاء.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۵.

۳. تفسیر نور، ذیل آیات ۴۱ تا ۴۴ سوره ص.



عده‌ای در این مورد نوشته‌اند: آن بزرگوار به خاطر برخی کوتاهی‌های همسرش عهد کرده بود که پس از بازیافت سلامتی خویش یکصد تازیانه به او بزند. بعضی دیگر دلیل این تصمیم «ایوب» را دیر آمدن همسرش می‌دانند. همسرش از پی‌کاری روان شد و در بازگشت اندکی دیر آمد. آن بزرگوار که از فشار درد و رنج و تأخیر او ناراحت شده بود، سوگند یاد کرد که پس از بهبودی کامل یکصد تازیانه به او بزند. پس از بهبودی در این اندیشه بود که این تصمیم را عملی کند یا نه؟ که مهر و لطف خدا بر او فرود آمد و فرمان رسید که: وَ حُدِّ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَأَصْرِبُ بِهِ وَلَا تُحْنُثْ لَهُ عَمَلٌ كَافِيٌّ لَكَ فَافْعَلْ وَ كَفَىٰ لَكَ ذُنُوبًا وَ كَفَىٰ لَكَ إِثْمًا وَ كَفَىٰ لَكَ حَسْرَةً وَ كَفَىٰ لَكَ نَدَامَةً وَ كَفَىٰ لَكَ حَسْرَةً وَ كَفَىٰ لَكَ نَدَامَةً وَ كَفَىٰ لَكَ حَسْرَةً وَ كَفَىٰ لَكَ نَدَامَةً.<sup>۲</sup>

درست است که زدن یک دسته ساقه گندم یا چوب‌های خوشه خرما مصداق واقعی سوگند او نبوده است، ولی برای حفظ احترام نام خدا و عدم اشاعه قانون شکنی او این کار را انجام داد، و این تنها در موردی است که طرف مستحق عفو باشد و انسان می‌خواهد در عین عفو، حفظ ظاهر قانون را نیز بکند، وگرنه در مواردی که استحقاق عفو نباشد هرگز چنین کاری مجاز نیست.<sup>۳</sup> حال که حضرت ایوب در برابر انواع مصیبت‌ها بندگی کرد یا به بیان دیگر هوای ایمان خود را داشت تا مبدا از فراز آسمان‌ها و همسایگی خداوند به زمین آمده و از درگاهش دور شود، پس از بهبودی وی نیز خداوند این چنین هوای حضرت را داشت که در زمینه این تصمیم راه درست را به حضرت نشان داد. از این رو بنده شایسته خداوند، نه عهدی را شکست و نه به همسرش ظلمی کرد. خوشا آنان که تا این حد با خداوند دوست و رفیق باشند.

### درس‌ها و عبرت‌ها

از نظر قرآن، معلولیت سد راه ترقی انسان‌ها نیست؛ حتی خداوند معلولیت را مانع پیامبری نمی‌داند. اینکه خداوند فرد معلولی را به پیامبری برگزیده خود مایه درس‌آموزی است. نکات و عبرت‌های زیادی در سرگذشت ایوب در قرآن آمده است و مایه عبرت‌آموزی مسلمانان است. قرآن پس از بیان سرگذشت حضرت می‌فرماید این تذکری است برای اولی‌الالباب (خردمندان)؛ به پاره‌ای از این نکات اشاره می‌شود:

- ایوب از هدایت یافتگان است. (انعام، آیه ۸۴)
- ایوب از محسنین و نیکوکاران است. (انعام، آیه ۸۴)
- به ایوب وحی می‌شده است. (نساء، آیه ۱۶۳)
- ایوب هم‌ردیف ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، هارون و سلیمان است. (نساء، آیه ۱۶۳ و انعام، آیه ۸۴)
- بدبختی‌ها و مشکلات در زندگی انسان از جمله در زندگی ایوب منسوب به شیطان است. (سوره ص، آیه ۴۱)

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۳۲۸.

۲. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۳۶۴.

۳. تفسیر نور، ذیل آیه ۴۴ سوره ص.

- ایوب با تلاش شخصی خودش و بهره‌گیری از توانمندی‌های خود، نُصَب صُر و معلولیت را کنار زد و بی‌اثر ساخت. (سوره ص، آیه ۴۲)
- باید از خداوند برای رفع مشکلات ناشی از معلولیت طلب کمک نمود (انبیاء، آیه ۸۳)
- اجابت و پاسخ مثبت خداوند به درخواست ایوب (انبیاء، آیه ۸۴)
- رفع مشکلات و ناراحتی‌های ناشی از معلولیت پس از خدا گزایی ایوب. (انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب بر اثر معلولیت نه تنها فقیر و بیچاره نشد بلکه ثروتمند و صاحب امکانات فراوان گردید. (انبیاء، آیه ۸۴)
- سرگذشت ایوب را عبرتی برای بندگان و خردمندان دانسته است. (سوره انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب را بر اثر مرض و معلولیت از جامعه طرد کردند و مردم با او رفتار ناشایسته داشتند ولی او هرگز مردم را نفرین نکرد و بد مردم را نخواست.
- خداوند به او امر کرد که پا به زمین بکوبد و چشمه‌ای آب گرم برای شستشوی بدن بیمارش و چشمه‌ای آب سرد به او اعطا کرد. (سوره انبیاء، آیه ۸۴) یعنی او روی پای خودش بپا خواست و عافیت بازیافت.
- خداوند ایوب را به اواب یعنی بازگشت‌کننده به سوی خداوند (ص، آیه ۳۲)، صابر (ص، آیه ۴۴) و عبودیت (سوره انبیاء، آیه ۸۴).
- معلولیت منتسب به خداوند نیست بلکه ایوب می‌گوید شیطان مرا به بلایا دچار کرده است. (ص، آیه ۴۱)
- خداوند به ایوب کتاب، داوری و نبوت اعطاء کرد. (انعام، آیات ۸۹-۹۰)؛ حتی بر اساس برخی اسناد پادشاهی به او داد.
- داستان سرگذشت ایوب در سه فرهنگ اسلامی، یهودی و مسیحی مؤثر بوده است. به طوری که هم در قرآن به آن توجه شده و هم در تورات، رساله‌ای به نام ایوب هست. نیز در ادبیات فارسی مثل‌هایی مثل صبر ایوب، چشمه ایوبی، شراب ایوبی رواج دارد. ایوب نبی در بلاکشی و صبر و تحمل و یعقوب نبی هم در فراق و دوری از فرزندش و صبر در همه این فرهنگ‌ها اسوه و الگو شده‌اند.
- فرجام سخن**
- داستان حضرت ایوب (ع) حاکی از این است که همه انسان‌ها؛ اعم از معلول و غیر معلول، در همه دوره‌ها به تذکار نیاز دارند، که اگر به هر شکلی اوضاعشان تغییر کرد (به بدترین شکل یا بهترین شکل)، یاد خاطرشان باشد که غلام، برده و بندهٔ خدایند پس باید پذیرای تغییر و راضی به رضایش باشند (ذکری لأولی الالباب). و بدانند که حوادث وارده طبق مصلحت خداوندی است و حتماً حکمتی دارد.
- هدف از زندگی رسیدن به کمال است و اگر در شادی‌ها غرق باشیم و خدا را فراموش کنیم و یا غم‌زمانه، سایه‌ی ناامیدی بر زندگی مان بیافکند مسافتی به وسعت تمام عمر از کمال و مقام قرب الهی جا می‌مانیم. اما اگر هدفمان را درک کنیم و کیفیت و لذت عالم قرب را به کام خویش بچشیم، هیچ حادثه و گرفتاری و مسئله‌ای ما را از مسیر بندگی منحرف نمی‌سازد و واقعیتی که پیوسته جاری است، زندگی است. زندگی صحنه بازیگری است و پروردگار با همهٔ جبروتش کارگردان بازی ما، تلخی و شیرینی دوران بازیگری مان می‌گذرد، بازی ما اما محفوظ می‌ماند. و هنرمند، آنکه در این فرآیند با اجرای خویش محبوب کارگردان شود.

### حضرت یعقوب

یعقوب فرزند اسحاق، فرزند ابراهیم خلیل، علیه السلام، ملقب به اسرائیل است (آل عمران، ۹۳؛ مریم، ۵۸). این نام عربی و از ریشه «عقب» نیست، بلکه عبری است (جفری). فرزندان اسرائیل را که همان عبرانیان یا قوم یهود باشند «بنی اسرائیل» می‌نامند. بنی اسرائیل همان اسباط دوازده‌گانه‌اند که زاد و رود دوازده فرزند یعقوب هستند، و لذا یعقوب جدّ بنی اسرائیل است. برادر توأم عیسو، و مادرش دختر لوط(ع) بود. از انبیای عظام الهی است، و نام او در قرآن ۱۶ بار یاد شده و چند مورد نیز به او اشاره شده که مفصل‌ترین اشاره به او در داستان یوسف(ع) در سوره یوسف است. پس از درگذشت اسحاق(ع) به پیامبری رسید. شریعتی که تبلیغ می‌کرد همان شریعت ابراهیم(ع) بود و کتاب او هم همان صُحُف ابراهیم(ع) بود؛ و در قرآن به این مسئله اشاره شده است که یعقوب هنگام مرگ از فرزندان خود پرسید بعد از من چه کسی را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت، خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را خواهیم پرستید (بقره، ۱۳۳).

در قرآن دوازده بار اسم حضرت یعقوب آمده و در آیاتی هم به صورت ضمیر و اشاره مورد خطاب قرار گرفته است. از جمله در آیه ۸۴ سوره یوسف چنین آمده است:

وَابْيَضْتُ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٍ  
عینی چو کزیم شد (نابینا گردید) اما او هرگز کفران نمی‌کرد.

نویسندگان تفسیر نمونه و علامه طباطبایی ابیضت عیناه را به معنای کوری چشمان حضرت یعقوب تفسیر کرده‌اند. علامه طباطبایی آیه ۹۳ همین سوره را قرینه می‌داند که باید ابیضت عیناه را نابینا شدن چشمان حضرت یعقوب تفسیر کرد. زیرا یوسف می‌گوید:

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوْهَ عَلِيَّ وَجْهَ أَبِي يَأْتِ بِصِيرَا  
رومی صورت پدرم ببیندازید بینایی او باز می‌گردد.<sup>۱</sup>

یعقوب در شرایطی که راهنمایی جامعه را بر عهده داشت و مقام نبوت داشت حداقل چند سالی بر اثر فراق فرزندش یوسف نابینا شده بود.

### منابع

ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۱۱؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید-دوستان، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷۶؛ داستان پیامبران، حمید یزدان پرست، تهران، اطلاعات، ۱۳۹۰، ص ۳۲۰-۳۲۹؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دارالکتب، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۵۱-۵۵.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۳۲-۳۳۳ و ۳۱۸-۳۱۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۵۱-۵۲.

### سید نعمت الله

شیخ الاسلام خوزستان در دوره قاجار

سید نعمت الله (درگذشت حدود ۱۲۳۸ق)، فرزند سید عبدالهادی، عالم شیعی ایرانی و از نوادگان سید نعمت الله جزایری (درگذشت ۱۱۱۲ق) بود. در خدمت پدرش درس خواند و در سال‌هایی که محمدعلی میرزای دولت‌شاه قاجار حکومت خوزستان، لرستان و کرمانشاهان را داشت. سید نعمت الله شیخ الاسلام خوزستان بوده است (۱۲۸۱-۱۲۳۷ق). چون به بیماری کوری گرفتار بود از او به نام سید نعمت الله کر نیز یاد می‌کردند. میر عبداللطیف شوشتری درباره‌اش می‌گوید که: «سید نعمت الله سیدی بزرگ‌منش و عالی شأن و به قدر حوصله در تحصیل علم ممتاز اقران است. اما فکر بلندی مرتبه و جاه و تلاش منصب شیخ الاسلامی پیوسته در گریبان خیالش خار افکن است و تکاپوی در این وادی او را از غواصی بحر فضیلت باز داشته». از آثارش: ۱- فائق البیان در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» به فارسی در دو بخش که بخش یکم آن در تفسیر عدل و احسان و نیکی کردن در حق خویشان و نزدیکان و بخش دوم درباره منکر و فحشا و بغی است؛ ۲- حاشیه بر تمهید القواعد شهید ثانی؛ ۳- فریده الاصقاع که ترجمه سلوان المطاع محمد بن محمد بن ظفر اندلسی است. نسخه‌ای از این کتاب که در اخلاق است و مترجم آن را به نام محمدعلی میرزای دولت‌شاه کرده به شماره ۳۵۶۳ در کتابخانه دانشگاه نگهداری می‌شود؛ ۴- منتهی المطالب که ترجمه بغیة الطالب شیخ جعفر کاشف الغطاء (درگذشت ۱۲۲۸ق) می‌باشد.<sup>۱</sup>

### داود انطاکی

پزشک و حکیم

داود بن عمر طبیب انطاکی ملقب به «بصیر» در سال ۹۵۰ق متولد شد. با تلاش فراوان به مدارج علمی رسید و از مشاهیر اطباء و حکمای نامدار اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم قمری شد. او پیش از هفت سالگی قرآن مجید را حفظ کرد؛ در علوم ادبی به اکثر بلاد مصر و شامات سفر کرد؛ از حکمای هر دیاری فنی و از اطبای هر شهر تجربتی یاد گرفت و در تحصیل لغت یونانی نیز رنجی بسزا برد، تا آنکه ریاست اطبای زمان خود را به دست آورد و به دلیل کثرت ذکاوت، فطانت و بصیرت علوم متنوع را می‌دانست. مهارت‌های حیرت‌انگیز در معالجه و مداوای بیماران از وی دیده‌اند. با اینکه قوه بینایی نداشته و نابینا بوده، اما حافظه‌اش چنان قوت داشت که هر مطلبی را یک مرتبه می‌شنید تا آخر عمر از یادش نمی‌رفت. تألیفات وی را اینگونه فهرست کرده‌اند:

استقصاء العلل؛ لعیبة المحتاج در طب؛ النهجة؛ تذکره اولی الالباب و الجامع للعجب العجیب در طب؛ تزیین الاسواق و تفصیل الشواق العشاق؛ الدرّة المنتخبة فی الادویة المجرية؛ زنیة الطروس فی

۱. توان نامه، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۹۶.

احکام العقول و النفوس؛ شرح قصيدة النفس ابوعلی سینا؛ غایة المرام فی علم الکلام؛ النزهة الجهجة فی تشحید الاذهان و تعديل الامزجة.  
به مذهب شیعه گرایش داشت و گاه به نقد اهل سنت و جماعت پرداخته است. در سال هزار و پنج یا هشت یا نه قمری در مکه معظمه وفات یافت.<sup>۱</sup>

### منیره عیسی بن هندی

نماینده ویلچری مجلس شورا در بحرین

منیره اصالتاً مصری است و در قاهره متولد شده ولی سال‌ها است مقیم بحرین و دارای حجاب کامل است، خوب سخنرانی می‌کند و دارای فعالیت‌های بسیار و سرزنده و با امید به امور مردم رسیدگی می‌کند. دانش و خردورزی او مثال زدنی است.  
با ویلچر در مجلس شورای بحرین حاضر می‌شود و به دلیل کثرت مطالعات و معلومات، سخنانش مورد توجه است. از این‌رو بسیاری از روزنامه نگاران و نشریات کشورهای عربی از او گزارش و تصویر منتشر کرده‌اند.

منیره یک سال و نیم داشت که بر اثر فلج اطفال از ناحیه دو پا (ساق به پایین) فلج شد. خانواده‌اش همه کاری برای درمان او انجام دادند ولی نتیجه نگرفتند. سرنوشت این خانواده را از قاهره به بحرین کشاند و در بحرین اقامت گزیدند.

منیره با اتمام تحصیلات متوسطه با خود فکر کرد در رشته‌های مرتبط به معلولین و معلولیت مطالعه و تحقیق و تحصیل کند. از این‌رو در رشته‌های علم نفس؛ برنامه‌های ورزشی معلولین و تربیت ویژه معلولین تحصیل کرده و مدارکی اخذ کرده است.

تا کنون دارای این مناصب را بوده است: مدیر خدمات مهارت‌افزایی در وزارت توسعه؛ نماینده مردم در مجلس شورای قانون‌گذاری؛ نائب رئیس لجنه المرأه و الطفل، مدیر عامل نگهداری کودکان معلول.

او در این تشکل‌ها عضویت دارد: المنظمه العربیه للعربیه للمعاقین؛ المركز البحرینی للحراک الدولی؛ مجلس امناء المؤسسة الوطنیه لخدمات المعاقین؛ الجمعیه الخلیجیه للاعاقه؛ التأهیل الدولی؛ اللجنه الوطنیه لتفعيل العقد العربی للمعاقین.

او به شعر و ادبیات، قانونگذاری و خدمات برای معلولین علاقه دارد و در این عرصه‌ها فعال است. در نوامبر ۲۰۰۷ در همایش پارلمان‌های کشورهای خلیج فارس (للمؤتمر الاقلمی الثانی للبرلمانیات الخلیجیات) شرکت کرد و از حقوق زنان و حقوق معلولین دفاع نمود. او خواستار اهتمام دولت‌های منطقه و مردم به حقوق این دو قشر شد. در یکصد و پنجاه همایش بین‌المللی شرکت کرده و تجارب خود را به مشارکت گذاشته است.<sup>۲</sup>

۱. همان

۲. توان نامه، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۹.

### عبدالله بن ام مکتوم

عبدالله یا عمرو بن قیس بن زانده، از بنی عامر بن لؤی، صحابی، و مؤذن نابینای پیامبر اکرم. گفته‌اند که نام وی قبل از گرویدن به اسلام، حصین بود و پیامبر او را عبدالله نام نهاد. پدرش، دایی خدیجه همسر پیامبر بود و مادرش عاتکه بنت عبدالله بن عنکته بن عامر بن مخزوم نام داشت و کنیه‌اش ام مکتوم بود و عبدالله به وی منسوب شد. درباره تاریخ تولد، دوران جوانی و نیز چگونگی نابینایی ابن ام مکتوم آگاهی دقیقی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد که چشمان خود را در کودکی از دست داده بوده است. وی در اوایل بعثت در مکه حضور داشت. به اسلام نیز دل بستگی یافته بود چندان که از پیامبر، آنگاه که با برخی از سران قریش چون ولید بن مغیره سخن می‌گفت و امید داشت که به اسلام بگروند، خواست برایش قرآن بخواند. آیه «عَبَسَ وَتَوَلَّى، أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى» در حق وی فرود آمده است. ظاهراً وی اندکی پس از آن، اسلام آورد. گفته‌اند که ابن ام مکتوم و مصعب بن عمیر، نخستین کسانی بودند که به دستور پیامبر و برای ارشاد مردم یترب - قبل از هجرت - به آن شهر رفتند. اما برخی برآنند که وی اندکی پس از جنگ بدر به مدینه رفت و در «صُقَّه» مسجد مدینه مسکن گرفت و پیامبر سپس او را در خانه مخرمه بن نوفل فرود آورد.

ابن ام مکتوم نیز چون بلال، مؤذن پیامبر بود و رسول خدا چندان به وی اعتماد داشت که او را سیزده بار، از جمله در غزوات احد، خندق، بنی نضیر، بنی قریظه، به جای خود در مدینه برگمارد. پس از جنگ تبوک نیز آیه ۹۵ سوره نساء که در سرزنش کسانی که از رفتن به پیکار سرباز زده بودند، نازل شد و مجاهدان را بر راحت طلبان برتری نهاد، ابن ام مکتوم نابینا و دیگر ناتوانان را مستثنا ساخت: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ». با اینهمه، پس از آن در جنگها حاضر می‌شد و می‌گفت رایت جنگ به من دهید، چه نابینایم و نمی‌توانم بگریزم. گفته‌اند که ابن ام مکتوم در جنگ قادسیه حاضر بود و رایت سیاهی در دست داشت. سپس به مدینه بازگشت و همانجا درگذشت؛ و به روایتی در همان جنگ به قتل رسید. کسانی چون عبدالرحمان بن ابی لیلی و ابوزین اسدی از او روایت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ابن ام مکتوم از صحابه نامدار رسول خدا(ص) بود که به رغم نابینایی آثار و خدمات قابل توجهی از خود به یادگار نهاد. سمت‌های مهم از رسول خدا دریافت نمود. او نه از اقوام حضرت و نه از بزرگان قریش یا دیگر طوایف عرب بود تا به جهات سیاسی و مصالح ملی یا دینی بر کاری منصوب گردد؛ نه رسول خدا(ص) اهل زدوبندهای مرسوم در بین سیاستمداران و فرهنگ جاهلی بود تا بی‌جهت او را بر مقامی بگمارد؛ بلکه شخصیت عالی قدر و مؤثر و کاردانی ابن ام مکتوم موجب شد تا کارهای بزرگی به او سپرده شود.

مشاغل و سمت‌هایی مثل مؤذن صبح رسول خدا در آن زمان مثل رئیس ستاد تبلیغات یا وزیر فرهنگ و ارشاد در این زمان، یا جانشین رسول خدا به هنگام رفتن به جبهه و تدبیر امور مدنی مثل نخست وزیر در این زمان است. حال این پرسش مطرح است که در این دوره آیا مسلمانان و رهبران مسلمانان این آمادگی را دارند که یک نفر نابینای مطلق و کسی که موقعیت خاص در مناسبات و اقوام و قبائل ندارد و از اشراف یا اشراف زادگان نیست و از این نظر آدمی کاملاً معمولی محسوب می‌شود،

۱. توان نامه، آبان - بهمن ۱۳۹۲، ص ۶۶-۶۷.

به عنوان مدیر کل جامعه، مدبر جامعه، رئیس تبلیغات و امور فرهنگی جامعه انتخاب شود؟ پرسش دوم اینست که مسلمانانی که خود را تابع رسول خدا دانسته و حضرت را مقتدا و اسوه خویش می‌دانند به ویژه رهبران دینی مسلمانان، چرا تا کنون نابینایان شایسته را در مناصب کلان منصوب نکرده‌اند و به سیره حضرت اقتدا ننموده‌اند؟

### اسماء

#### دختر ابوبکر

اسماء دختر ابوبکر (عبدالله بن ابی قحافه)، ۲۷ سال پیش از هجرت به مدینه، در شهر مکه چشم به جهان گشود. در مکه رشد کرد و در جوانی با زبیر بن عوام ازدواج نمود. جزء بیست نفر نخستین اسلام آوردندگان به واسطه پدرش بود.

مهم‌ترین خدمت او به جامعه پویای اسلامی کمک به مخفی شدن رسول خدا (ص) و ابوبکر در غار، در راه مکه و مدینه و تأمین نیازمندی‌های آنان به ویژه خوراک آنان بود. نقش اسماء بیش از یک فرد مطلع بوده و در گمراه کردن تعقیب کنندگان مؤثر بود. ابن اثیر رخدادهای مربوط به هجرت را با تفصیل بیشتر گزارش کرده است. آنان سه روز در غار بودند. اسماء هر روز پس از تاریک شدن هوا برای آنان غذا می‌برد. رفتن به سمت غار هم به بهانه چراندن گوسفند بود.

قریش یکصد شتر و افراد فراوانی را مأمور یافتن رسول خدا و همراهانش کرده بود. فضای امنیتی شدید بر مسیر مکه به مدینه حاکم بود. گروهی به رهبری ابوجهل خانه‌های مکه را تفتیش می‌کردند وقتی به خانه ابوبکر رسیدند از اسماء پرسیدند، پدرت کجا است؟ اسماء گفت نمی‌دانم؛ ابوجهل سیلی محکمی به گونه اسماء زد.

نیز یکی از افتخارات اسماء این است که او را به «ذات النطاقین» لقب داده‌اند. نطق به معنای کمر بند و پیش‌بند است. چون پیش‌بند خود را دو قسمت کرد و غذای پیامبر را در آن بست و نزد حضرت برد.

بعداً با تغییر ارزش‌ها، ذات النطاقین که روزی افتخار بود، توسط شامیان و پیروان معاویه به عنوان لقب منفی و مذمت به کار می‌رفت و مثلاً پسر اسماء را فرزند ذات النطاقین می‌خواندند. اسماء چندی پس از هجرت رسول خدا، او هم به مدینه هجرت کرد. گاه درباره فعالیت‌های اجتماعی او مثل شرکت در جنگ یرموک همراه شوهرش زبیر در دوره خلافت عمر گزارش شده است. اما چندی بعد از زبیر جدا شد و تا آخر عمرش با فرزندانش زندگی می‌کرد. او تا سال ۷۳ق و حدود یکصدسال زندگی کرد. اما چند دهه آخر عمرش نابینا و ناتوان شده بود. دانشمندان رجالی اهل سنت، اسماء را راوی و محدث ثقه و مورد اطمینان دانسته‌اند. او روایات فراوانی نقل کرده است. راویان پرکاری مثل عباد بن عبدالله، عروه بن زبیر و فاطمه بنت منذر از او روایت نقل کرده‌اند. نیز در حوادث فرهنگی و اجتماعی سده اول و دوم هجری صاحب رأی بود و نقش داشت. او زنی فصیح بود و شعر می‌سرود. در رثاء شوهرش زبیر، مرثیه‌ای سروده که در منابع تاریخ

درج است. دانش‌های دیگری مثل تعبیر خواب می‌دانست و به دیگران آموزش می‌داد. آیه ۶ در سوره ممتحنه در شأن او نازل شده و اسماء را ضمناً عدالت پیشه و مقسط و غیرظالم به حقوق دیگران می‌خواند.

در مجموع با اینکه تقریباً یک سوم از عمرش را دچار معلولیت و ناتوانی و نابینایی بود ولی همواره در امور اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فعال بود. حتی زن بودن او مانع فعالیت‌های او نبود. از اینرو الگوی مناسبی برای توان‌خواهان و معلولین امروزی است.<sup>۱</sup>

### عبدالله بن عقیف ازدی نابینای ظلم ستیز

پس از حوادث کربلا ابن زیاد امر کرد مردم در مسجد کوفه اجتماع کنند؛ در جامع بزرگ کوفه جمعیت زیادی حاضر شدند، ابن زیاد منبر رفت و گفت: ستایش می‌کنم خداوند را که حق را آشکار کرد و امیرالمؤمنین یزید و حزب او را پیروز گردانید، و دروغ‌گوی فرزند دروغ‌گو را یا شیعیان و یارانش را کشت؟!

هیچ کس پاسخ او را نداد، ناگاه یک نابینا به نام عبدالله بن عقیف از جایش حرکت کرد و با صدای رسا گفت: ای فرزند مرجانه دروغ‌گو و فرزند دروغ‌گو تو هستی و پدرت بود و آن کس که تو را به این مقام منصوب کرده است، فرزندان پیغمبران را می‌کشید و مانند صدیقان سخن می‌گوید. تصور کنید در شرایطی که سپاه ابن زیاد مسرور از پیروزی است و اباعبدالله حسین (ع) و یارانش را شهید کرده‌اند و تمامی صداهای حق خواه را در سینه‌ها خفه کرده‌اند، دل شیر می‌خواهد که در مقابل مسئول همه حوادث ایستاد و با شجاعت سخن گفت.

ابن زیاد گفت: این کیست؟ عبدالله گفت: من هستم‌ای دشمن خدا، تو ذریه طاهره را می‌کشی و فرزندان پیغمبر (ص) را که خداوند فرموده آنها از هر نوع آلودگی پاک هستند، دشنام می‌دهی و گمان می‌کنی که مسلمان هستی، کجا هستند فرزندان مهاجر و انصار که از این ستمگر ملعون که پیغمبر آن‌ها را لعنت کرده است انتقام بگیرند.

ابن زیاد از سخنان او به خشم آمد و گفت: او را نزد من بیاورید، پاسبانان و پاسداران حرکت کردند او را دستگیر کنند، عبدالله شعار قبیله ازد «یا مبرور» را بر زبان جاری کرد در این هنگام گروهی از قبیله ازد برخاستند و او را از دست شرطه‌های ابن زیاد نجات دادند و به منزلش بردند، عبدالرحمان بن مخنف ازدی گفت: این چه کاری بود که کردی خود و عشیره‌ات را در معرض هلاکت قرار دادی. ابن زیاد گفت: از تو سؤالی نمی‌کنم و اینک مرگ را خواهی چشید، عبدالله گفت: من خداوند را سپاسگذار خواهم بود که مرا بکشی، همواره از خداوند آرزو داشتم که شهادت را روزی من کند، پیش از آنکه مادرت تو را بزاید و از خداوند خواسته بودم که ملعون‌ترین و مبعوض‌ترین بندگان مرا بکشد. هنگامی که دیدگانم نابینا شد از نعمت شهادت مأیوس شدم، ولی اکنون خداوند را سپاسگزارم که پس از یأس مرا به آرزویم رسانید، و دعای مرا اجابت فرمود، ابن زیاد دستور داد گردن عبدالله را زدند و جسد او را در محل کثیفی بدار آویختند.<sup>۲</sup>

۱. توان نامه، آبان - بهمن ۱۳۹۲، ص ۷۴.

۲. توان نامه، شهریور و مهر ۱۳۹۲، ص ۵۴.



**آل بویه، معزالدوله ابوالحسن (۳۰۳-۳۵۶ق)**

پادشاه قطع یک دست و چند انگشت

معزالدوله ابوالحسن احمد بن ابی شجاع آل بویه، در نبرد دی که میان وی و علی بن زنگی، معروف به علی گلوبه (در متون عربی، با کاف نوشته می‌شود) سر کرده قبایل کوفیچ و بلوچ رخ دارد، یک دست و چند انگشت احمد بریده شد و او از همین رو به «قطع» معروف گشت. اندکی بعد پسر بویه وارد بغداد شد (۱۹ دسامبر ۹۴۵م) و از سوی خلیفه لقب «معزالدوله» یافت. برادرانش علی و حسن نیز به ترتیب به «عمادالدوله» و «رکن الدوله» ملقب شدند و به دستور خلیفه القاب آنها بر سکه‌ها نقش گردید و معزالدوله شیعی مذهب، بر خلیفه عباسی چیرگی تمام یافت. ۱۲ روز بعد، خلیفه المستکفی را کور کرد و به زندان افکند و فضل بن مقتدر را به نام «المطیع الله» به خلافت نشاند و روزانه ۱۰۰ دینار مقرر برای او تعیین کرد.<sup>۱</sup>

**آلوسی، عبدالحمید (درگذشت ۱۳۲۴ق)**

ادیب و شاعر نابینا

عبدالحمید آلوسی، صوفی، ادیب و شاعر در خانواده آلوسی، در بغداد متولد شد. آلوس قریه‌ای است در عراق که در ساحل رود فرات واقع شده است و علما و ادبای زیادی از این قریه برخاسته‌اند. عبدالحمید آلوسی، در آستانه دو سالگی بینایی خود را در اثر ابتلا به آبله از دست داد. اما از حافظه‌ای بسیار قوی برخوردار بود. این انسان روشن ضمیر در اثر مقاومت در مقابل ناملایمات و ممارست در علم و کمال از لحاظ هوش و ذکاوت به انسانی فوق العاده تبدیل شد. او بیش از ۴۰ سال در خانه خود انزوا اختیار کرد و تنها برای نماز جمعه و اعیاد بیرون می‌آمد. مریدان به زیارتش می‌رفتند و از محضرش فیض می‌بردند. او در سال ۱۳۲۴ق درگذشت و در بغداد در مقبره جنید به خاک سپرده شد. از آثار او می‌توان از کتاب نثرالآلی فی شرح الامالی نام برد.<sup>۲</sup>

**ابراهیم شاه خلجی، رکن الدین (درگذشت ۶۹۵ق)**

سیاست‌مدار نابینا

وی پس از جلال الدین فیروز شاه به تخت در آمد. دوره پادشاهی او چند ماه نپایید و پسر عموبیش، علاء الدین خلجی وی را کور کرد و پادشاهی دهلی را به دست گرفت. شاهان این دودمان جملگی آئین اسلام می‌ورزیدند.<sup>۳</sup>

۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، ص ۶۳۳.

۲. ریحانة الادب، جلد ۱ و ۲، ص ۶۰.

۳. دائرةالمعارف نوانبغ، ص ۴۹.

### ابن ابی الیمان (۲۰۰-۲۸۴ق)

ادیب و زبان شناس نابینا

ابن ابی الیمان، ابوبشر یمان بن ابی الیمان بندنیجی، در سال ۲۰۰ق در شهر بندنیج به دنیا آمد. وی ادیب و زبان شناس ایرانی تبار مقیم عراق و نابینای مادرزاد بود. او به بغداد، سامرا و بصره سفر کرد و نزد ابن سکیت و ریاشی علم و ادب آموخت. ابن ابی الیمان در سال ۲۸۴ق در بغداد وفات یافت. او آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشته است. از جمله آثار او عبارت‌اند از: التعقبه، معانی الشعر و العروض.<sup>۱</sup>

### ابن بدوخ / بدوح (قرن ۶ق)

مفسر، محدث، شاعر و داروشناس نابینا

ابن بدوخ / بدوح، ابو جعفر عمر بن علی بن بدوخ قلعی، پزشک، مفسر، محدث، شاعر و داروشناس عرب، در مغرب متولد شد. به دمشق کوچ کرد و در آنجا عطاری پیشه کرد. سالیانی دراز زیست و سال‌های پایانی عمر را با نابینایی گذراند. برخی از آثارش عبارتند از: حاشیه بر قانون ابن سینا، شرح فصوص بقراط، ذخیره الالباء و اشعار.<sup>۲</sup>

### ابن حناط (درگذشت ۴۳۷ق)

پزشک و شاعر نابینا

ابن حناط ابوعبدالله محمد بن سلیمان رعینی قرطبی پزشک و شاعر اندلسی است. وی به علت بیماری چشم پس از چندی نابینا شد. چون پدرش گندم فروش بود به ابن حناط شهرت یافت. هزینه تحصیل او را بنی ذکوان از بزرگان قرطبه می‌پرداختند. ابن حناط، در سال‌های نخست سده پنجم اشعاری در ستایش علی و قاسم بن حمود حمودی سرود که در برخی از ابیات آن هواخواهی از خاندان علی ابن ابیطالب پیدا بود، اما معلوم نیست که او واقعاً از پیروان مذهب تشیع بوده باشد. پس از چندی کاتب هشام اموی (۴۱۸-۴۲۲ق) شد. در منطق به درجه استادی رسید. چون به بی‌دینی متهم گردید از آنجا به جزیره خضرا گریخت و به فرمانروای آنجا، محمد بن قاسم حمودی، پناهنده شد. او در سال ۴۳۷ق در جزیره خضرا دار فانی را وداع گفت. برخی از آثارش عبارت‌اند از: و شی العلم و حلی الکرام و الرساله المهر جانیه.<sup>۳</sup>

۱. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ص ۲۵۸.

۲. دائرة المعارف نوابغ، ص ۵۵-۵۶.

۳. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ص ۳۸۳.

### وجیه‌الدین ابوضیاء عبدالرحمان مشهور به ابن زیاد (۹۰۰-۹۷۵ق)

فقیه و مفتی، نابینا

ابن زیاد، وجیه‌الدین ابوضیاء عبدالرحمان، زبید، فقیه شافعی عرب، به مقاصره از تبار عک بن عدنان منسوب است. در زادگاهش برآمد. در فروع شافعی، در اعتقادات اشعری و در تصوف پیرو طریقه یافعی بود. حافظ قرآن بود. از محمد بن موسی ضجاعی، احمد مزجد و شاگردش صنیداوی حدیث شنید. نزد استادان دیگری چون وجیه‌الدین بن دبیع، غریب حنفی، جمال‌الدین یحیی قبیب و مفضل لحنی حدیث و سیر و تفسیر و اصول آموخت. در فقه و فتوی بلند آوازه بود. در ۹۶۴ نابینا شد، اما همچنان به تدریس، فتوی و تألیف ادامه می‌داد تا اینکه در سال ۹۷۵ ق درگذشت.<sup>۱</sup>

### محمد بن سعدان (۱۶۱-۲۳۱ق)

نحوی و قاری شیعی و نابینا

ابوجعفر محمد بن سعدان مشهور به ابن سعدان در سال ۱۶۱ ق در بغداد متولد شد. وی نحوی و قاری و پیرو مذهب تشیع بود. در نحو پیرو کوفیان و در قرائت از حمزه زیارت پیروی می‌کرد و قرائت ویژه‌ای عرضه کرد که رواج نیافت. از محمد بن سعد کاتب واقدی، عبدالله بن احمد بن حنبل و ابن مرزبان روایت کرد. وی نابینایان مادرزاد بود. آثارش عبارت‌اند از: الجامع، المجرد، کتاب القرائه و مختصر النحو.<sup>۲</sup>

### ابن سلامه، ابوالقاسم هبة الله (متولد ۴۱۰ق)

مفسر نابینا

ابوالقاسم هبة الله بن سلامه بن نصر بن علی مشهور به ابن سلامه، مفسر بغدادی از ابتدا نابینا بود. کرسی درس داشت و در مسجد منصور درس می‌گفت. محدث و راوی هم بود. علاوه بر تدریس، نویسنده آثاری مثل الناسخ و المنسوخ فی القرآن و الناسخ و المنسوخ فی الحدیث، المسائل المنثوره در نحو است. در بسط و توسعه علوم قرآن و تفسیر مؤثر بود.<sup>۳</sup>

### محمد بن عمر صالحی مشهور به ابن سلطان (۸۷۰-۹۵۰ق)

تاریخ نگار و مفتی شام و نابینا

۱. دائرة المعارف نوابع، ص ۶۰.

۲. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ص ۴۷۱.

۳. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ص ۴۷۶.

قطب الدین ابو عبداللّه محمد بن محمد بن عمر دمشقی صالحی مشهور به ابن سلطان، تاریخ نگار و مفتی شام در سال ۸۷۰ق در دمشق متولد و نزد استادانی چون ابن شحنه شریعت و قضاء آموخت. او حنفی مذهب بود و در مدرسه قضائیه ظاهریه و جامع اموی درس می‌گفت. در عهد سلطه ممالیک و حکومت اشرف قانصوه الغوری (۹۰۶-۹۲۲ق) قاضی القضاة (رئیس قوه قضاء) در مصر بود. در این سال‌ها بینایی خود را از دست داد. اما چنان خوش سیما بود که همه او را بینا می‌پنداشتند. ابن سلطان در میان دولتمردان نفوذ کلام داشت. مسئولان و مجریان امور از او استفتا می‌کردند. او از ترس نیرنگ آنان فتوای خود را می‌نگاشت. قطب‌الدین ابن سلطان در سال ۹۵۰ق در دمشق درگذشت. آثارش عبارت‌اند از: الجواهر المصنیه فی الحوال السطان محمد سلیم الفاتخ للبلاد العربیه، الفقد، البرق اللامع فی المنع من البرکه فی الجامع، تحریم الافیون، تشویق الساجد الی زیاره اشرف المساجد.<sup>۱</sup>

### ابن صهبان، ابو عمر حفص بن عمر (۱۵۰-۲۴۶ق)

مدرس قرآن و ادیب و نابینا

ابو عمر حفص بن عمر بن عبدالعزیز ابن صهبان، قرآن آموز و متخصص در ادبیات عرب بود و سال ۱۵۰ق در بغداد به دنیا آمد. با اینکه نابینا بود در طلب علم به سفر پرداخت و سرانجام در سامرا و ری ایران سکونت گزید. قرائت را از ابو عمر و بن‌علاء و کسایی آموخت و از آنان روایت می‌کرد. عربی را از ابومحمد یحیی بن مبارک یزدی فراگرفت و احمد بن حنبل از وی حدیث شنید. از آثارش می‌توان به قرأت النبی - اجزاء القرآن اشاره کرد. وی در سال ۲۴۶ق در رنبویه، از روستاهای ری درگذشت.<sup>۲</sup>

### محمد ابراهیم (۱۳۱۱-۱۳۸۹ق)

مفتی عربستان و دارای مناصب مختلف و نابینا

محمد ابراهیم مشهور به ابن عبداللطیف از خاندان شیخ محمد بن عبدالوهاب، در ۱۳۱۱ق در ریاض متولد شد. تحصیلات خود را در ریاض آغاز کرد و بیش از ۱۱ سال نداشت که بینایی خود را از دست داد. کسب دانش را تا حفظ قرآن و پژوهش در کتب و متون فراوان ادامه داد. مدتی به تدریس پرداخت. او هرگز مأیوس نشد و لحظه‌ای از آموختن و آموزش دادن فارغ نبود. پس از آن به مشاغل ریاست دادگستری، ریاست دانشگاه اسلامی مدینه، ریاست مجلس مؤسسان برای ارتباط میان کشورهای اسلامی و ریاست سازمان آموزش دختران سراسر کشور عربستان (۱۳۸۰ق) برگزیده شد. در ۱۳۷۳ق با همتی والا کتابخانه عمومی ریاض را احداث کرد و نزدیک پانزده هزار جلد کتاب چاپی و ۱۱۷ نسخه خطی در آن گرد آورد. محمد ابراهیم، در ۱۳۸۹ق پس از ۶۲ سال عمر پرثمر در ریاض

۱. دائرة المعارف نوابغ، ص ۶۲-۶۳.

۲. دائرة المعارف نوابغ، ص ۶۵.

وفات یافت. او مقام مفتی اعظم عربستان را نیز به عهده داشت. علاوه بر مسئولیت‌ها، نویسنده چند عنوان کتاب است.<sup>۱</sup>

### ابن فضلان، جمال‌الدین (۵۱۷-۵۹۵ق)

محدث و فقیه شافعی، نداشتن یک دست

جمال‌الدین ابوالقاسم یحیی بن علی بن فضل بن هبة‌الله بن برکه ابن فضلان، محدث و فقیه شافعی در سال ۵۱۷ق در بغداد به دنیا آمد. در زادگاهش نزد ابوالفضل بن عالمه قرآن آموخت. فقه را از ابومنصور سعد بن محمد بن زرار فراگرفت. دو بار به نیشابور سفر کرد و از ابوغالب احمد بن حسن بن ابوالقاسم اسماعیل بن سمرقندی، محمد بن عمر محمد بن ناصر، محمد بن یحیی، ابوحفص عمر بن احمد بن منصور صفار، ابوالاسعد هبه‌الرحمان بن عبدالواحد بن عبدالکریم قشیری و ابوعثمان اسماعیل بن عبدالرحمان بن سعید عصایدی حدیث شنید. وی در سفری از شتر به زمین افتاد و یک دستش را قطع کردند. در فقه تطبیقی شهرت داشت و به مناظره با فقیهان می‌پرداخت. چندی در مدرسه لوزیه بغداد تدریس می‌کرد. بعد از آن به مدرسه فخرالدوله بن مطلب رفت و کرسی درس مشهوری داشت. پیکر وی را در گورستان وردیه در سال ۵۹۵ق کنار پدرش به خاک سپردند. او از مشاهیر فقه شافعی است و در ششم از چهره‌های مشهور است.<sup>۲</sup>

### ابن مرزبان، ابومنصور (متولد ۳۰۰ق)

ادیب فلج دو دست

ابومنصور محمد بن سهل مشهور به ابن مرزبان بغدادی، وی را از مردم کرج ابی دلف در ناحیه جبال ایران می‌دانند. التذیم با وی معاصر بود و به نقل از کسی که ابن مرزبان را دیده بود، می‌گوید که: دست‌های وی فلج بوده است. ولی وی از هوش و درایت بسیاری بهره‌ور بود. علاوه بر تدریس نویسنده هم بوده است.<sup>۳</sup>

### ابن مقله بیضاوی، ابوعلی محمد (۲۷۲-۳۲۸ق)

وزیر، شاعر و مبتکر خط، بریده شدن دست و زبان

ابوعلی محمد بن حسین ابن مقله بیضاوی شیرازی، وزیر، شاعر و خوشنویس چند تن از خلفای عباسی بود. پدرش از مردم بیضاوی فارس بود که به بغداد کوچ کرد. محمد در زادگاهش نزد پدر به تحصیل علم و فراگیری خط کوفی پرداخت. او نه تنها در خوشنویسی یگانه عصر خویش بود، بلکه

۱. دائرةالمعارف نواغ، ص ۶۵-۶۶.

۲. دائرةالمعارف نواغ، ص ۶۸.

۳. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، ۷۱۹.

ابداع و اختراع چند نوع خط را به او نسبت می‌دهند بنا به روایت، او خط ثلث را از خط کوفی استخراج نموده، سپس نسخ، تعلیق، توقیع و رقاع را نیز اختراع کرد. او در اندک زمانی شهرت یافت و شهره خاص و عام گردید. خانه وی محل تجمع علاقه‌منداناش گردید که برای آموختن خط از شهرهای دور و نزدیک به دورش جمع می‌شدند. ابن مقله در زمان خود تمامی خطوط مذکور به خصوص خط نسخ را به مناسبت سهولت کتابت بسیار رواج داد.

وی به خدمات دیوانی پرداخت و پیش از سنه ۲۹۶ق در فارس تحصیل‌دار مالیات اراضی بود. ابوالحسن بن فرات وی را به خود نزدیک گردانید. از این پس کار ابن مقله بالا گرفت. ابن مقله در وزارت دوم ابن فرات (۳۰۴ق) با تنی چند در توطئه علیه وزیر شرکت جست. با آشکار شدن نقش او در توطئه، ابن فرات او را در بند کرد. همسر وی که از خانواده‌ای توانگر بود، با پرداخت مبلغ یک میلیون دینار او را از زندان آزاد کرد. در دوره دوم وزارت، علی بن عیسی (۳۱۵ق) متصدی صالح عامه شد. در سال ۳۱۶ق مقتدر، خلیفه عباسی، وی را به وزارت گمارد. یک سال بعد، خلیفه او را بر کنار کرد و به فارس فرستاد، در همین دوره سرپرستی دیوان مظالم و قضا را نیز به عهده داشت. ابن مقله، در برابر درازدستی و ستمی که خلیفه پیشه کرده بود با مخالفان وی همدلی کرده و در اندیشه فرو گرفتن خلیفه افتاد. اما خلیفه از قصد ابن مقله باخبر شد و وی به ناچار گریخت.

در ۳۲۰ق سرکردگان ترک سپاه، قاهر را از خلافت برداشته و راضی (۳۲۲ق) را بر جای او نشاندند. خلیفه جدید نیز ابن مقله را برای سومین بار به وزارت برگمارد. در سال ۳۲۴ق با توطئه و فتنه انگیزی، ابن رائق خلیفه را واداشت تا او را از وزارت بردارد. ابن رائق که هنوز از جانب وی آسوده خاطر نبود خلیفه را ناگزیر کرد تا او را دربند کرده دست راستش را از تنش جدا سازد. ابن مقله کوشید تا نظر خلیفه را برگرداند، اما توفیقی نیافت و دست وی که بیم آن می‌رفت با نوشته‌هایش به مردم آگاهی رسانیده و آشوبی برانگیزد، بریده شد.

ابن مقله از این پس کوشید با دست چپ به نوشتن ادامه دهد. وی تا آنجا پیش رفت که با باقیمانده دست راست خود نیز می‌نوشت. این کار میسر نبود جز با تلاش و کوشش ممارست. ابن مقله شعر را نیکو می‌سرود و در اشعار خود که در این دوره سروده از سرنوشت خود نالیده است.

اصلاحات وی در خط، آن را به صورت ابزاری مناسب برای نگارش درآورد. اسماعیل بن حمار، محمد بن اسماعیل بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال صابی، شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، حسن بن مرزبان سیرانی، احمد بن حسین غضاوی، ابن بواب و گروهی دیگر از شاگردان و پیروان وی بودند. چندی بعدی در زندان، زبان ابن مقله را به خاطر گفتن سخن حق بریدند و سرانجام به روایتی در سال ۳۲۸ یا ۳۳۰ق درگذشت.<sup>۱</sup>

### ابن میمون، عماره بن حمزه (۱۹۹-؟ق)

شاعر و کاتب، نابینا از یک چشم

۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۸۳-۶۸۵؛ دائرةالمعارف نوابع، ص ۷۰-۷۳.

عمار بن حمزه ابن میمون، شاعر و کاتب دستگاه دیوانی عباسیان از موالی عبدالله بن عباس، سفاح و ابوجعفر منصور بود. نزد منصور و مهدی عباسی جایگاهی بلند داشت و در بصره، فارس، اهواز، یمامه و بحرین حکومت راند. ابن میمون از یک چشم نابینا بود. در خدمت ابن مقفع درس خواند. مردی زبان‌آور، خودپسند و در عین حال، گشاده دست و بلند همت بود. به بدخوبی شهرت داشت. اما چون وی را بر گردن عباسیان حقی بود، جانیش را رعایت می‌کردند و حرمتش نگه داشتند. در کتابت استادی چیره دست بود و او را در بلاغت با استادانی چون ابن مقفع مقایسه می‌کردند. از جمله آثارش عبارتند از: دیوان الرسائل، الرسالة الماهنیه و رساله الخمیسی.<sup>۱</sup>

### ابوالجارود، عبدی همدانی خراسانی، زیاد بن ابی زیاد منذر (۱۵۰ق) مفسر قرآن و نابینا

زیاد بن ابی زیاد منذر بن جارود عبدی همدانی خراسانی، مکتبی به ابوالجارود و ابوالنجم، نخست از اصحاب حضرت باقر علیه السلام بلکه به نوشته بعضی از اصحاب حضرت امام سجّاد و صادق علیه السلام نیز بود؛ لکن تفسیر خود را که به قرآن مجید نوشته تنها از حضرت باقر علیه السلام روایت می‌نماید. اخیراً بعد از خروج زید بن علی بدو گرایید، از آن حضرت اعراض کرده و زیدی مذهب شد و همچنان که کور مادرزاد و بی‌بصر بوده، بی‌بصیرت هم گردید. فرقه جارودیه هم که به همین جهت به سر حویبه نیز موسوم و از شعب زیدیه هستند، بدو منسوب و اخبار بسیاری در ذمّ وی وارد است. در سال ۱۵۰ق و یا بعد از آن سال درگذشت.<sup>۲</sup>

### تیمور لنگ (۷۳۶-۸۰۷ق)

بنیانگذار سلسله تیموریان و دارای نقص در پا و دست

تیمور در ۲۵ شعبان ۷۶۳ق در شهری به نام گش یا سبز چشم متولد شد. در زمان تولد او آشفستگی و جنگ‌های فراوانی در ایران بود. سلطان ابوسعید آخرین ایلخان قدرتمند مغول از جهان رفت و مرگ او نشانه آشکار پایان عصر چنگیز بود. وقتی تیمور متولد شد در قسمت غربی اردوی جغتائیان فردی به نام قزان سلطان حکومت می‌کرد. حکومتش ستمگرانه بود و مردم زندگی سخت و بدی را می‌گذراندند. یکی از امیران به نام امیر قرغن شورش کرد و حکومت را به دست گرفت از آن پس هیچ‌گاه آرامش و امنیت به اردوگاه بازنگشت.

این جنگ تاریک‌ترین نقطه زندگی تیمور و تلخ‌ترین خاطره او را رقم زد و در همین جنگ یا در یکی از جنگ‌های منطقه‌ای در سیستان پاشنه پای راستش مجروح شد. پس از آن نمی‌توانست درست را برود و می‌لنگید. همین جراحت باعث شد که او را «تیمور لنگ» بنامند. غربی‌ها هم تیمور را به عنوان

۱. دائرةالمعارف نواع، ص ۷۵.

۲. ریحانة الادب، جلد ۷-۸، ص ۵۱-۵۰؛ دائرةالمعارف نواع، ص ۷۷.

«تامرلین» می‌شناسند؛ یعنی، «تیمور لنگ». هم کتف راستش مجروح شد و هم دو انگشت آخر دست راستش را از دست داد. خلاصه از قسمت راست بدن ناکار شد. تیمور پس از این جنگ همراه امیر حسین به نقطه صفر رسیدند. سرداران سمرقند نردبان ترقی تیمور شدند.

ابن عرب شاه یکی از مورخین عهد تیموری نوشته است که: تیمور مردی بلند بالا و قامتی کشیده داشت. چنان که گفתי از بازماندگان عمالقه است. (عملیق نام یکی از فرزندان نوح است و عمالیق و عمالقه، گروهی از فرزندان او را گویند).

سرش بزرگ، پیشانی‌اش بلند و رنگ چهره او سپید مایل به سرخی بود. اندام استوار، شانه‌های فراخ، دست و پای راستش شل و لنگ بود.

اندیشه‌ای رسا، هوشی شگرف، عرفی پایدار، سخت کوش و حافظ قرآن بود.

تیمور هرگاه که شهری یا کشوری را محاصره و قتل عام می‌کرد، هنرمندان را از طبقات دیگر جدا می‌ساخت و مانند غنائم جنگی و اسیران با خود می‌برد. اگر چه به آنها مهربانی و احترام می‌کرد، ولی در حقیقت به زور با آنها چنگ می‌انداخت. تیمور زبان‌های عربی، فارسی و ترکی را می‌دانست و در علم قرآن و فقه اسلامی آن قدر زبردست بود که هیچ مسلمان عالمی نمی‌توانست با او مباحثه کند. پس از آنکه مقبره تیمور ساخته شد، جسد او را به آنجا منتقل کردند. در همان هنگام که جسد تیمور را در سمرقند، در آرامگاه اختصاصی او به خاک می‌سپردند جنگ پنهان قدرت بین بازماندگان او به شدت آغاز شده بود. همین جنگ‌های جان‌نشان‌ش موجب شد که امپراتوری عظیم او به سرعت تمام فرو ریزد.<sup>۱</sup>

## پایان و نتیجه

شخصیت‌هایی که به اجمال معرفی شدند، نمونه‌هایی است که در تاریخ به فراوانی دیده می‌شوند. این افراد را معرفی کردیم تا عیناً نشان دهیم معلولین در طول تاریخ مناصب مهمی را به دست داشته و اقدامات بزرگی انجام داده‌اند. تیمور گورکانی بنیانگذار یک سلسله مهم و یک امپراتوری بود و معلولیت هم داشت. نتیجه اینکه معلولیت مانع تلاش و پیشرفت نیست.

۱. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۶، ص ۶۶۲-۶۷۰؛ دائرةالمعارف نوانغ، ص ۴۶۴-۴۶۶.



**فصل دوم**  
**معرفی کاندیداهای دارای معلولیت**  
**در انتخابات ۹۶**

متأسفانه اطلاعات همه معلولانی را که در فرمانداری‌های شهرهای کوچک و بزرگ برای دوپست مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستاها ثبت نام کرده بودند، منتشر نشده و در اختیار نیست. فقط معلولانی که در جراید عمومی اطلاعاتشان را منتشر کرده بودند یا با تماس‌های انفرادی اطلاعات خود را برای ما فرستادند، در اینجا معرفی می‌شوند.

اما از همه عزیزانی که اطلاعاتشان اینجا آمده، تقاضا و استدعا داریم اگر نواقصی در گزارش‌ها مشاهده می‌کنند، به ما خبر دهند و کامل و صحیح مطلب مورد نظر را برای ما بفرستند تا ویرایش و تصحیح کنیم. نیز کسانی که اطلاعات آنها اینجا نیامده زودتر اطلاعات خود را برای ما بفرستند تا در ویراست دوم اعمال کنیم.

اما افراد، اطلاعات خود را با ساختارهای مختلف برای ما فرستاده‌اند یا اطلاعات آنها با ساختارهای متنوع منتشر شده است، و ما برای حفظ اصالت این ساختارها، تلاش کردیم، به همان صورت اولیه اینجا منتشر شوند. فقط نظم مختصری به آن داده‌ایم. از این رو بعضی گزارش اول شخص و بعضی سوم شخص یا بعضی مصاحبه است، و ساختار آنها را تغییر نداده‌ایم.

برای هر کاندیدا، ابتدا اطلاعات مختصر و اولیه به عنوان معرفی اجمالی آمده و در ادامه اطلاعات تفصیلی به صورت گزارش یا مصاحبه آمده است.

لازم به تذکر است، به زحمت تلاش‌های فراوان و چند ماهه نتوانستیم اطلاعات همه افراد را گردآوری کنیم. زیرا همکاری نهادها و سازمان‌های متصدی امور انتخابات و امور معلولین ضعیف است و چون ارزش و اهمیت اینگونه کارها را نمی‌دانند، همکاری لازم را هم انجام نمی‌دهند.

**آمارها:** در زمانی که این کتاب مراحل آخر چاپ و نشر را طی می‌کرد یعنی در ۷ مردادماه ۹۶ خبری منتشر شد که آقای نحوی نژاد معاون توانبخشی سازمان بهزیستی و آقای ربیعی وزیر کار و رفاه با منتخبین شورای شهر و روستا دیدار داشته‌اند.

در متن خبری نحوی نژاد می‌گوید: منتخبین در پنجمین دوره انتخابات شورای شهر و روستا که در سال ۹۶ برگزار شد، ۱۷۴ نفر می‌باشند، چهل نفر از آنان شهرها و ۱۳۴ نفر آنان در روستاها انتخاب شده‌اند.

اصل این خبر تأمل برانگیز و از زوایای مختلف قابل بررسی است که بعداً به تحلیل آن می‌پردازیم. اما آمار حاضر نشانگر این است که فعالیت معلولان در روستاها وسیع‌تر است اما در این فصل به رغم تلاش‌های فراوان، اطلاعات سی نفر گردآوری شده است. البته فقط منتخبین شهر شناسایی و آورده شده‌اند. یعنی فاصله ما از آمار واقعی ده نفر است.

البته به دلایلی که بعداً تحلیل خواهیم کرد اطلاعات منتخبین روستاها را در این کتاب نیاورده‌ایم، چون جریان اطلاع روستایی در ایران هنوز فراگیر نیست و ما نتوانستیم به اطلاعات کاندیداهای روستایی دست پیدا کنیم. سازمان بهزیستی و وزارت کشور هم اطلاعات معلولین را منتشر نکرده‌اند.

## اسماعیل ابوطالبی

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی، از ناحیه دو پا

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۱۵ بهمن ماه ۱۳۶۵

تحصیلات: کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد قم

\*\*\*

این مصاحبه توسط روابط عمومی دفتر فرهنگ معلولین در زمستان ۱۳۹۶ انجام شده است.

- \* آیا جنابعالی سابقه ورزشی که منجر به کسب مقام در سطح استان قم و یا کشور و یا بین‌المللی شده باشد، در کارنامه خود دارید؟
  - بله چهار مقام قهرمانی کسب کرده‌ام. با توجه به معلولیت‌ام، داشتن این تعداد برای یک فرد ویلچری قابل توجه است.
- \* ابتدا بگویید در چه رشته‌ای فعالیت می‌کنید؟
  - رشته بسکتبال با ویلچر
- \* آیا در تیم استان قم عضویت دارید؟
  - بله، چند سالی است در تیم قم عضو هستیم.
- \* چند سال است که عضو تیم استان قم هستید؟
  - اینجانب ۱۳ سال است که در خدمت این تیم هستیم.
- \* اگر مقام‌هایی که آورده‌اید، گزارش و معرفی فرمایید، ممنون می‌شویم.
  - چهار مقام قهرمانی در تیم بسکتبال با ویلچر به نام تیم ایثار قم داشته‌ام. اینها در واقع به عنوان سوپر لیگ کشور بوده و دو نایب قهرمانی هم داشته‌ام.
- \* نایب قهرمانی‌ها در چه تیمی بوده است؟
  - در همان تیم ایثار قم و به عنوان سوپر لیگ بوده است. البته یک مقام سومی قهرمانی کشور با تیم استان و یک مقام سومی بین‌المللی با بسکتبال با ویلچر همین تیم ایثار قم هم داشته‌ام.
- \* خوب این مسابقات بین‌المللی در چه سال‌هایی و در کجاها برگزار شده است؟
  - پارسال در اصفهان بود.
- \* از چند کشور دنیا شرکت کرده بودند؟
  - گویا چهار تیم از باشگاه‌های ایران آمده بودند؛ همچنین از روسیه، قزاقستان و دیگر کشورها هم آمده بودند و در مسابقات شرکت داشتند.

- \* گویا این مسابقات به منظور خواهر خوانده‌ها با اصفهان برگزار شده بود. یعنی چند شهر تاریخی جهان که تا کنون با اصفهان توسط یونسکو خواهر خوانده شده‌اند.  
- همینطور است. شهرهایی که با اصفهان خواهر خوانده شده، تیم‌های را فرستاده بودند.  
\* شما توانستید مقام چندم را با تیم ایثار کسب کنید؟  
- مقام سوم را در این مسابقات به دست آوردم.  
\* آیا در رشته‌های دیگر در حوزه ورزش فعالیت دارید یا فقط در بسکتبال با ویلچر فعال هستید؟  
- در دو و میدانی هم فعالیت داشتم.  
\* در چه ماده‌ای فعالیت داشته‌اید و چه مقام‌هایی کسب کرده‌اید؟  
- در پرتاب وزنه و در نیزه فعالیت داشته‌ام ولی تا کنون مقام خاصی نداشته‌ام.  
\* در حوزه فعالیت‌های هنری مثل شعر، قصه‌نگاری و موسیقی هم فعالیت دارید؟  
- یکی دو سالی است که در رشته تئاتر کار می‌کنم و همراه با تئاتر کارهای قم، نمایش‌هایی داشته‌ایم.  
\* آیا در جشنواره‌ای جایی شرکت کرده یا مقامی یا لوح تقدیری آورده‌اید؟  
- نماینده مردم قم دکتر لاریجانی لطف کردند و از معلولان فعال در رشته‌های هنری از جمله تئاتر در دو نوبت تقدیر کردند و جوایز و هدایایی هم لطف کردند. نیز دو سال هم به عنوان نخبه استانی انتخاب شدم و هدایایی اهدا شد. همین جا لازم است از همه مسئولین که موجب دلگرمی هنرمندان معلول شدند، تشکر نمایم.  
\* گویا دو سال پشت سر هم یعنی ۹۳ و ۹۴، شما نخبه استانی در حوزه ورزش شناخته شدید و هدایایی تقدیم شد؟  
- بله، آقای دکتر لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده قم لطف کردند و لوح تقدیر دادند.  
\* در زمینه مهارت‌های کامپیوتر مثل ICDL چه نوع فعالیت‌هایی داشته‌اید؟  
- ICDL درجه دو را گرفته‌ام.  
\* شما همیشه فعال بوده‌اید و مجموعه فعالیت‌های خوبی در کارنامه خود دارید؛ هم اکنون که ثبت نام کرده‌اید و برای شورای شهر کاندیدا شده‌اید، اولاً چه طرح و برنامه‌ای برای اصلاح امور معلولان قم دارید؛ دوم با کمک و تشویق و حمایت چه افرادی می‌خواهید موفق شوید؟  
- اینجانب به اصرار دوستان ثبت نام کردم و خدا را شکر تأیید هم شدم و به پشتوانه مردم و دوستان و به ویژه معلولان استان قم، امیدوارم موفق شوم. اما در صورت موفقیت، طرح‌هایی دارم و در چارچوب وظایف شورای شهر برای اشتغال و مناسب‌سازی فکری کرده‌ام.

## بهزاد اشتری

حوزه انتخاباتی: تهران

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: ناشنوا

تاریخ تولد: ۱۳۴۷

تحصیلات: کاردانی برق - قدرت

\*\*\*

بهزاد در سال ۱۳۴۷ در شهر تهران در خانواده‌ای متوسط و فرهنگ دوست و معتقد متولد گردید. بهزاد که کودکی باهوش بود به علت ناشنوا بودن قادر به تکلم نبود. اما والدین بهزاد تمام همت خود را صرف آموزش وی نمودند، از این رو در سن ۴ سالگی به مرکز آموزشی شماره یک باغچه‌بان سپرده شد و به موازات آموزش علمی در منزل نیز با کوشش والدین فداکارش به فراگیری زبان اشاره و لب‌خوانی پرداخت. بالاخره این تلاش‌ها موجب شد و با نمرات درخشان، مقاطع مختلف تحصیلی را پشت سر گذارد. بهزاد دوره دبستان و راهنمایی را در مدرسه شماره یک باغچه‌بان و دوره متوسطه را در هنرستان فنی نظام مافی سپری نمود. او در سال‌های اخذ دیپلم و پس از آن، به آموزش تعداد زیادی از دانش‌آموزان در درس‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و عربی هم می‌پرداخت. همین علاقه زیاد به تدریس منجر به انتخاب شغل دبیری فنی در هنرستان‌های نظام مافی و سید جمال الدین اسدآبادی گردید. در همین اثنا بهزاد علاوه بر تدریس به ادامه تحصیل در مرکز آموزش عالی، آموزش‌کننده فنی انقلاب اسلامی تهران شماره ۳ (لویزان) گردید. نیز موفق به ورود به تحصیلات دانشگاهی شد و در سال ۱۳۷۱ از آن دانشگاه در رشته برق - قدرت در مقطع کاردانی فارغ التحصیل شد.

## خدمات

بهزاد در کنار تدریس برای ناشنوایان و تلاش برای تربیت ناشنوایان خدمات فراوانی هم داشته است. یکی از خدمات او تأسیس مؤسسه فرجام جام جم به عنوان مؤسسه فرهنگی و هنری و غیردولتی است. این مؤسسه را در ۱۳۸۱ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران تأسیس کرد. بخشی از فعالیت این مؤسسه، پژوهش در عرصه موضوعات ناشنوایان بود. فقدان مرکزی که طرح‌های تحقیقاتی مربوط به ناشنوایان را سامان دهد، از یک سو، و از دیگر سو نیاز به انجام طرح‌هایی که با تخصص و کارشناسی بتواند راه کارهای مناسب برای برطرف کردن مشکلات ناشنوایان در اختیار مسئولان ایرانی قرار دهد، مدیریت مؤسسه را به راه‌اندازی بخش پژوهش ترغیب کرد. هم‌اکنون در این بخش، چندین طرح کارشناسی شده و مؤسسه به تدریج درصدد فراهم آوردن زمینه اجرای آنهاست. این مؤسسه در ریزنی‌های متعدد و مطالعات مختلف به این نتیجه رسیده است که اولویت با انجام پژوهش‌های بنیادی، زیربنایی و مرجع در عرصه ناشنوایی است. از این رو، نخستین پروژه‌ای که راه‌اندازی کرد، تدوین دانشنامه ناشنوایان (دانا) است. هزینه‌های انجام این طرح را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخته است.

اهداف این مؤسسه عبارت‌اند از: یاری ناشنوایان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و هنری، آموزش ناشنوایان در مراحل مختلف، تا بتوانند عنصری فعال و پویا در سازندگی ایران باشند؛ مشاوره به ناشنوایان برای رفع مشکلات یا ارائه راهکارهای مناسب از سوی خود ناشنوایان تا سدهای راه ترقی آنان زدوده شده و راه پیشرفت هموار گردد؛ ارتقای ذوق هنری و خلاقیت ذهنی و رشد قدرت ابتکار؛ جلب استعدادهای ناشنوایان برای پژوهش در موضوعات گوناگون.

برای شناسایی بیشتر استعدادهای ناشنوایان و تمرکز فعالیت‌های آنان، نخستین اولویت برای مدیریت مؤسسه، برگزاری چند نمایشگاه بوده است. اولین نمایشگاه با موضوع کتاب، آثار هنری و محصولات فرهنگی ناشنوایان کشور را در ۱۳۸۱ در تهران ارائه کرد. بزرگداشت جبار باغچه‌بان، انگیزه اصلی برای برگزاری این نمایشگاه از سوی این مؤسسه بود.

این مؤسسه در عرصه آموزش نیز فعالیت‌هایی را آغاز کرده است. برای افزایش دانش و آگاهی و رشد مهارت‌های حرفه‌ای ناشنوایان تا حدی که بتوانند در عرصه‌های اجتماعی و مشاغل مطلوب جامعه جذب شوند، هم اکنون نیز در حال برنامه‌ریزی برای برگزاری کلاس‌های آموزشی است. کتابخانه و نگارخانه، امکان مناسبی برای ناشنوایان است تا از آخرین آثار علمی و ساخته‌های هنری آگاهی یابند. همچنین دیگران را با نمایش آثار خود، از خلاقیت هنری و علمی ناشنوایان آگاه سازند.

ایجاد زمینه‌های مناسب برای همکاری سازنده بین ناشنوایان در خط‌مشی مؤسسه گنجانده شده است. ناشنوایان هر چند از امکان طبیعی برای ارتباط محروم‌اند، ولی فرجام جام جم، با ایجاد همکاری و رابطه بین ناشنوایان، در صدد ترمیم این نقیصه و توسعه روابط عمومی ناشنوایان است. این مؤسسه برای ارتباط بیشتر با پژوهشگران، آموزگاران و دیگر علاقه‌مندان به فرهنگ ناشنوایی، پایگاهی در شبکه سراسری اینترنت ایجاد کرده است.<sup>۱</sup>

مؤسسه فرجام جام جم به دلیل عدم حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد در دولت هشتم تعطیل شد. ولی بهزاد فعالیت‌های خود را نه تنها تعطیل نکرد بلکه در عرصه فرهنگ مذهبی ناشنوایان فعالیت‌های خود را گسترش داده است.

بی‌آدم‌ها هم می‌توانند کرد. آفرینش یک کوچه  
پژوهش‌گرده آرزو روزگار / دکتر ضوابط راوندت‌ار

- طراحی و اجرای فضاهای شهری مناسب برای معلولان، سالمندان و کودکان
- اجرایی کردن راهکارهای ارتقاء سطح زندگی مردم شهر تهران به ویژه معلولان
- اصلاح حقوق و مقررات مربوط به عابر پیاده و پیاده راهها
- ساده و روان کردن مقررات اداری برای پاسخگویی سریع به شهروندان با استفاده از فناوری اطلاعات (IT)
- توسعه فرهنگسراها و فراهم نمودن زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی، هنری و آموزشی
- همکاری برای حفظ محیط زیست از طریق کاهش آلودگی و صرفه جویی در مصرف انرژی در شهر تهران
- تلاش در ایجاد توسعه پایدار در شهر تهران از طریق توسعه کاربرد فناوری‌های نوین در روند مطالعات، طراحی و اجرای پروژه‌های شهری
- تلاش برای دستیابی به مسکن ارزان قیمت برای آحاد مردم از طریق حمایت از انبوه‌سازی و ساخت و ساز صنعتی
- حمایت از تشکل‌های غیر دولتی (NGO)

بهزاد اشتری  
(ناشوا)  
تارود مستقل سومین دوره انتخابات  
فرماندهی فرهنگی شهر تهران  
کر. انتخاباتی: ۷۳۸۸

## محمدعلی افشاری

حوزه انتخاباتی: همدان  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 نام پدر: زیاد علی  
 تاریخ تولد: ۲ خرداد ماه ۱۳۵۷  
 تحصیلات: کارشناسی ارشد زیست تکوینی

\*\*\*

آقای افشاری از شخصیت‌های فعال و پر کار و خدوم شهر همدان است؛ با اینکه دارای معلولیت جسمی - حرکتی است ولی این مشکل، مانع تحصیلات و فعالیت‌های اجتماعی او نشده است. اکنون به اهم پیشرفت‌های او اشاره می‌کنم:

- ۱- دارای مدرک تحصیلی کارشناسی زیست‌شناسی عمومی از دانشگاه بوعلی سینا.
- ۲- دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد زیست تکوینی از دانشگاه آزاد.
- ۳- شاغل در آموزش و پرورش همدان به‌عنوان سرپرست آموزشی.
- ۴- رئیس هیئت مدیره جامعه معلولین استان همدان.
- ۵- مدیرعامل جامعه توانمندان فرهیخته همدان.
- ۶- عضو هیئت رئیسه هیئت ورزش‌های جانبازان و معلولین استان همدان.
- ۷- عضو شورای مرکزی تشکل‌های غیردولتی (NGO) استان همدان.
- ۸- مسئول اتاق فکر حوزه توانبخشی و حمایتی تشکل‌های غیردولتی استان همدان.
- ۹- عضو کمیسیون مناسب‌سازی استان همدان به‌عنوان نماینده معلولین. (استاندار)
- ۱۰- عضو کمیسیون مناسب‌سازی شهرستان همدان به‌عنوان نماینده معلولین. (فرمانداری)
- ۱۱- نماینده تشکل‌های حوزه معلولین همدان در سازمان بهزیستی کشور و استان همدان.

### اهداف شرکت در انتخابات پنجمین دوره شورای اسلامی شهر همدان

- ۱- پیگیری مسائل و مشکلات عمده شهری و همشهریان گرانقدر.
- ۲- مشارکت معلولین در آبادانی و رونق شهر همدان به‌عنوان قشر قابل توجه و مثمر ثمر.
- ۳- مشارکت معلولین در سیاست‌گذاری‌های کلان شهری و پیگیری و نظارت بر مصوبات.
- ۴- پیگیری، تصویب و نظارت بر اجرای حقوق نادیده گرفته شده معلولین در سطح شهر همدان.

### خلاصه‌ای از برنامه‌ها پس از حضور در شورای اسلامی شهر

- ۱- تشکیل کمیته‌های متعدد جهت تهیه، تصویب و اجرای طرح‌های خدماتی و رفاهی برای معلولین و افراد کم‌توان در سطح شهر همدان.
- ۲- برنامه‌ریزی جهت استفاده بهینه و قانونمند همشهریان عزیز از فضاهای فرهنگی و فرهنگسراها.

- ۳- برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های متعدد و متوالی در راستای فرهنگ سازی در حوزه‌های ترافیک، حقوق شهروندی، آداب شهروندی و ...
- ۴- برنامه‌ریزی جهت همکاری همه جانبه با تشکل‌های غیردولتی جهت بهره‌گیری از ظرفیت ایشان در مدیریت شهری.
- ۵- تصویب طرح‌های متعدد در حوزه‌های مختلف و برنامه‌ریزی جهت برون سپاری این طرح‌ها به تشکل‌های غیردولتی از جمله تشکل‌های جوانان.
- ۶- تشویق و ترغیب جوانان در قالب تشکل‌های غیردولتی و هیئت‌های مذهبی، ورزشی و... جهت استفاده و بهره‌برداری از فرهنگسراها.
- ۷- تصویب، حمایت و نظارت بر انجام کلیه برنامه‌های فرهنگی از جمله انتشار کتابچه، بروشور، فیلم کوتاه و... جهت فرهنگ‌سازی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه معلولین.
- ۸- ارتباط و همکاری بیشتر با مراکز مذهبی فرهنگی از جمله مساجد و حسینیه‌ها.
- ۹- حمایت از ایجاد اشتغال پایدار در سطح شهر همدان برای جوانان عزیز.
- ۱۰- حمایت از سرمایه‌گذاری در طرح‌های متعدد تولیدی، گردشگری، محیط زیست و...
- ۱۱- برنامه‌ریزی جهت مقابله با آلودگی شهر همدان.
- ۱۲- توجه ویژه و خاص به ورودی‌های شهر همدان جهت جلب گردشگر و کسب درآمد برای همدان.
- ۱۳- تشکیل کمیته‌های خاص برای ایجاد هماهنگی و همکاری مسئولین مرتبط با امور شهری همدان.
- ۱۴- تدوین و تصویب و نظارت بر اجرای طرح‌های جامع معماری و زیباسازی شهر همدان.
- ۱۵- تدوین و تصویب و اجرای طرح‌های مناسب‌سازی معابر عمومی و ساختمان‌های شهر همدان.
- ۱۶- تشکیل کمیته جهت بررسی مشکلات سطح شهر و همشهریان عزیز و ارائه راهکار به سازمان‌ها و ادارات جهت رفع این مسائل در شهر همدان.





## بهرام برزگر

حوزه انتخاباتی: تهران، ری و شمیرانات

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

نام پدر: اسماعیل

تاریخ تولد: ۱ شهریور ماه ۱۳۵۳

محل تولد: فاضل آباد گلستان

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی

آدرس سایت: [www.kamalaan.ir](http://www.kamalaan.ir)

\*\*\*

### سوابق تحصیلی

بهرام پس از طی تحصیلات متوسطه، با موفقیت به دانشگاه آزاد اسلامی شهیرزاد سمنان، در رشته حقوق راه یافت و مقطع کارشناسی را با موفقیت پشت سر گذاشت. سپس در دانشگاه آزاد اسلامی دامغان سمنان در رشته حقوق بین‌الملل عمومی پذیرفته شد و در مقطع کارشناسی ارشد، فارغ التحصیل گردید.

### سوابق اجرایی

فعالیت‌های مدنی و اجتماعی خود را از سال ۶۸ آغاز کرد. اهم فعالیت‌های او گزارش می‌شود:

- ۱) عضو فعال بسیج از سال ۱۳۶۸ تا کنون
- ۲) جانشین فرمانده گردان تکاور امام حسین علیه السلام

- مؤسسه آموزش عالی حکمت علوی، شروع فعالیت از ۳۰ فروردین ماه ۱۳۹۳ و همچنان ادامه دارد، به عنوان مشاور تحصیلی و ثبت نام.

- دانشگاه علمی کاربردی، شروع فعالیت از ۲۵ مردادماه ۹۴ تا ۲۵ مردادماه ۹۵ به عنوان مشاور حقوقی - اداری و توسعه گسترش.

- شماره ۳ استان گلستان دانشگاه علمی کاربردی، شروع فعالیت از ۲۲ مردادماه ۹۴ تا ۲۲ مردادماه ۹۵ به عنوان مشاوره توسعه و گسترش.

- شهرداری ورامین دانشگاه آزاد شهیرزاد سمنان، شروع فعالیت از سال ۲۸ تیرماه ۹۲ تا ۲۹ اسفند ماه ۹۴ نمایندگی ادامه دارد، به عنوان مسئول ثبت نام کمیته تبلیغات و نماینده تام‌الاختیار دانشگاه.

- گروه پوشاک اریکا، شروع فعالیت از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۱ به عنوان بازرس گروه تولیدی پوشاک اریکا (تنها برند ملی پوشاک بانوان).

- گروه پوشاک اریکا، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۰-۱۳۹۲ به عنوان مدیر گروه حقوقی پوشاک اریکا (تنها برند ملی پوشاک بانوان)

- دفتر حزب نیک اندیشان، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد، به عنوان مسئول حقوقی حزب نیک اندیشان اسلامی
- وزارت کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد، به عنوان دبیر دفتر سیاسی جمعیت و فرزندان شاهد و ایثارگران انقلاب اسلامی
- تهران شروع فعالیت از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد، به عنوان مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره مؤسسه حقوقی و بین‌المللی آوای عدالت کمالان در تهران.
- سازمان تعاون کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۵ و همچنان ادامه دارد، به عنوان عضو هیئت امنا و مشاور حقوقی مؤسسه خیریه نیک آفرینان غدیر و مجتمع توانبخشی امام علی علیه السلام
- سازمان وزارت صنعت و معدن استان تهران، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد، به عنوان ناظر افتخاری وزارت صنعت و معدن استان تهران
- سازمان بهزیستی کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ و همچنان ادامه دارد، به عنوان عضو انجمن معلولین نخبه کشور
- وزارت کشور، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ به عنوان ناظر انتخاباتی دوره دهم ریاست جمهوری
- وزارت کشور، شروع فعالیت از ۱۳۹۴ و همچنان ادامه دارد، به عنوان دبیر دفتر سیاسی جمعیت دانشجویی حامیان عدالت اسلامی
- جبهه ایستادگی ستاد انتخاباتی ریاست جمهوری، شروع فعالیت از سال ۱۳۹۲ به عنوان عضو شورای بازرسی جوانان و عضو کمیته فنی انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری
- عضویت در کارگروه‌ها، کمیسیون‌ها و مجامع تخصصی:**
- عضو شورای نخبگان بسیجی حقوقدانان سازمان بسیج حقوقدانان کشور
- نماینده بسیج حقوقدانان در کارگروه اقتصاد مقاومتی سپاه سیدالشهدا علیه السلام استان تهران
- مسئول حقوقی کارگروه تخصصی توسعه رفاه و اشتغال معلولین کشور (تشخیص مصلحت نظام)
- برخی از دوره‌های آموزشی برگزار شده تا کنون:**
- ۱- نشست حقوقی آنلاین به مدت ۴ ساعت با سازمان تجارت جهانی (WTO)
  - ۲- حضور در نشست تخصصی پژوهشکده مجازی سازمان بسیج حقوقدانان با همکاری مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان ۱۸ مردادماه ۹۴
  - ۳- شرکت در کارگاه آموزشی با موضوع نحوه قراردادهای تجاری بین‌الملل و داخلی و اخذ مدرک معتبر دانشگاهی (گواهی)
  - ۴- شرکت در دوره‌های آموزشی در پرتو نظارت فقهی مرجع عالیقدر جهان تشیع (حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی (دام ظلّه) در دانشگاه عدالت تهران و اخذ گواهی دوره آموزشی
- دوره آموزشی اقتصاد ۲۳ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت
  - دوره آموزشی تروریسم ۲۵ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت
  - دوره آموزشی زندان زدایی و حبس زدایی ۲۶ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت
  - دوره آموزشی رسانه و اطلاع‌رسانی ۲۳ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت
  - دوره آموزشی ایثار و شهادت ۲۲ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت
  - دوره آموزشی آموزش و پرورش ۲۴ آبان ماه ۹۵ دانشگاه عدالت

- ۵- اخذ گواهینامه پایان دوره آموزش کوتاه مدت  
۶- فن بیان و دفاع آئینی و نگارش و دفاعیه‌های حقوقی در دانشگاه علمی کاربردی ورامین ۵  
خرداد ماه ۹۴



## لیلا بهرامی مکری

حوزه انتخاباتی: ارومیه

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت:

نام پدر: محمدحسن

کارمند آموزش و پرورش و شاغل در قسمت تدریس در مدارس دولتی و غیردولتی ناحیه یک ارومیه.

عضو علی البدل شورای اسلامی شهر ارومیه

\*\*\*

خانم بهرامی ۱۷ سال سابقه تدریس و ۲۱ سال سابقه آموزشی دارد. سال‌ها در کانون آموزش شهید سلامت معاون اجرایی بود. عضو علی البدل شورای اسلامی شهر ارومیه در دوره چهارم بوده است. لیسانس جامعه‌شناسی از تهران و کارشناس ارشد روانشناسی عمومی از ارومیه را دارا می‌باشد. عضو انجمن روانشناسان است و تدریس درس جامعه‌شناسی، اقتصاد و روانشناسی در مدارس دولتی و غیردولتی ارومیه را بر عهده دارد.

یکی از اهدافش برای شرکت در شورای شهر ارومیه رسیدگی به وضعیت شهری و گسترش عدالت و توسعه امکانات شهری در کلیه مناطق شهری است.

با توجه به اشتغال در مناطق پایین و حاشیه‌ای شهر و آشنایی با مشکلات مردمان و دانش‌آموزان آن مناطق، خواهان تهیه امکانات برای آنها و تقسیم امکانات در نقاط مختلف شهر به طور مساوی است.

مسئله دیگری که در ارومیه و شهرهای به آن توجه نمی‌شود وضعیت تردد معلولان در سطح شهر است. و معلولان به عنوان قشر زیادی از جامعه شهری ما خانه نشین شده‌اند. طرح او به عنوان یک کاندیدا این است که امکانات حمل و نقل، تفریحی و ورزشی را برای این قشر جامعه که می‌توان گفت به عنوان شهروند درجه دو از لحاظ تقسیم امکانات شهری برای آنها محسوب می‌شوند، اختصاص بدهد. چون این افراد هیچ تفاوتی با شهروند درجه یک ندارند و نباید شهروند درجه یک و دو را داشته باشیم به خاطر اینکه یک فرد ناتوانی‌ای دارد.

نقش شوراها در تحقق شعار سال به فرموده مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۶ سال اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال است، شوراها نقش مهمی می‌توانند داشته باشند. در زمینه اشتغال‌زایی با توجه به اینکه شهری است که نزدیکی به مرزهای عراق و ترکیه دارد می‌تواند در زمینه‌های مختلف اشتغال‌زایی برای جوانان انجام دهند و تسهیلاتی را برای جوانان در نظر بگیرند و با ایجاد امکانات تفریحی و عمرانی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را جذب کنند و رونقی به تولیدات ارومیه بدهند و بالا رفتن تولیدات باعث افزایش اشتغال‌زایی در سطح شهر ارومیه خواهد شد و دیگر جوانان ما مجبور نیستند برای شغل به استان‌های اطراف و یا تهران مهاجرت داشته باشند. ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری که در ارومیه بسیار کم است نقش مهمی در اشتغال‌زایی دارند که نقش شوراها در این امر مهم است.

با ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری جذب گردشگر را از استان‌های اطراف و حتی کشورهای همسایه شوند و ایجاد اشتغال را داشته باشند.

\*\*\*

### مصاحبه

لیلا بهرامی مگری نامزد پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر ارومیه به ۱۶ سؤال تیتراژ اول در حوزه مدیریت شهری پاسخ گفت که مشروح آن از نظر می‌گذرد.

توضیح مهم: تمامی مصاحبه‌های انتخاباتی تیتراژ اول با کاندیداهای شورای شهر ارومیه به صورت مکتوب انجام شده بنابراین عین پاسخ‌های نامزدهای شورای شهر بدون هیچ دخل و تصرف از روی متن مکتوب آنان تایپ و منتشر شده تا شهروندان ضمن آشنایی با این افراد و برنامه‌هایشان با قلم کاندیداها نیز آشنا شوند.

\* خود را به صورت دقیق معرفی کرده و مختصری از سوابق مدیریتی، علمی، اجتماعی و سیاسی‌تان را بیان کنید؟

- لیلا بهرامی مگری هستم، فرهنگی و سابقه آموزشی در مدارس ارومیه به مدت ۱۷ سال تدریس و ۲۱ سال سابقه آموزشی در آموزش و پرورش آذربایجان غربی را دارم. عضو علی‌البدل شورای اسلامی شهر ارومیه در دوره چهارم، لیسانس جامعه‌شناسی از تهران و کارشناس ارشد روانشناسی عمومی از ارومیه را دارا می‌باشم. عضو انجمن روانشناسان می‌باشم. تدریس درس جامعه‌شناسی، اقتصاد و روانشناسی در مدارس دولتی و غیردولتی ارومیه را بر عهده دارم.

\* به کدام جناح سیاسی یا پایگاه فکری و اجتماعی وابسته هستید؟

- بنده مستقل هستم ولی پایبندی خاصی به فرمایشات حضرت امام خامنه‌ای دارم و در زمینه اجتماعی بیشتر در حوزه معلولان فعالیت دارم.

\* با توجه به مدرک و رشته تحصیلی خود چه تغییراتی را در حوزه مدیریت شهری ضروری می‌بینید؟

- توجه به ساختارهای شهری متناسب با فرهنگ مردم هر محله و شهر ضروری می‌باشد، توزیع عادلانه امکانات شهری در همه نقاط برخوردار و غیر برخوردار شهر امری مهم می‌باشد. توجه به وضعیت ناتوانان و کم‌توانان جسمی و ذهنی برای راحتی تردد آنها در شهر، ایجاد امکانات تفریحی (مثل پارک)، ورزشی، حمل و نقل برای افراد کم‌توان و مسن ضروری است.

\* در صورت انتخاب مردم، در شورای اسلامی شهر ارومیه بیشتر در چه زمینه‌هایی فعالیت خواهید کرد؟

- من در زمینه اجتماعی، فرهنگی و توجه به زنان سرپرست خانوار را در اولویت قرار می‌دهم، توجه به عدالت محوری در تقسیم امکانات شهری برای همه نقاط شهری مخصوصاً توجه به رفاه و آسایش قشر معلول شهر که به دلیل نبود امکانات خانه نشین شده‌اند.

\* چه نقدی به شورای شهر فعلی و ادوار چهارگانه آن دارید؟

- شورای فعلی در توجه به ساعت پل‌ها و فضای سبز شهری خوب عمل نموده‌اند ولی باز نسبت به مناطق محروم کار خاصی صورت نگرفته است یا توجهی به حمل و نقل شهری برای افراد مسن، نابینا، کم‌توان جسمی و ذهنی در همه ادوار گذشته چیزی ندیده‌ام.

\* طرح‌ها و ایده‌های خود به منظور ایجاد درآمد‌های پایدار شهرداری ارومیه را توضیح دهید؟

۱. تبدیل ارومیه به شهری برای جذب گردشگران مختلف داخل و خارج استان و حتی کشورهای مرزی اطراف، ۲. ایجاد مراکز تفریحی، ۳. ایجاد پاساژهای تجاری و جذب سرمایه گذاران داخل شهر و استان
- \* مهم‌ترین منابع درآمدی شهرداری ارومیه از کجا و چگونه باید باشد؟
- از اخذ عوارض شهرداری، ساخت و سازهای درون شهری، ایجاد مراکز تفریحی و گردشگری برای جذب گردشگران از شهرهای مختلف که خود کمک زیادی به جذب درآمد برای شهرداری دارد.
- \* چگونه می‌خواهید رکود بازار مسکن شهرداری ارومیه را حل کرده و درآمدهای شهرداری را افزایش دهید؟
- بحث رکود در بازار مسکن مسئله کلی است و مربوط به کل کشور می‌باشد. می‌توان از طریق ارائه تسهیلات به کسانی که مشغول ساخت و ساز هستند درصد رفع این مشکل برآمد.
- \* برنامه شما برای نوسازی ناوگان فرسوده حمل و نقل عمومی چیست؟
- حمل و نقل شهری تأثیر بسیار زیادی در حل و کم کردن مشکل ترافیک دارد. ناوگان حمل و نقل عمومی باید با توجه به رشد علم و تکنولوژی جدید تغییرات زیادی صورت گیرد و مخصوصاً مجهز به سیستم حمل معلولان در سطح شهر شود و آلودگی هوا به حداقل برسد.
- \* برنامه شما برای سامان بخشی سرمایه‌گذاری‌های موجود و افزایش آن چیست؟
- سرمایه‌گذاری‌ها باید در سطح عمرانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باشد البته با توجه به مقتضیات محلی هر محله و منطقه به بهترین نحو صورت گیرد.
- \* مهم‌ترین انتقاد شما به شهردار کنونی ارومیه چیست؟
- عدم توجه به نوسازی ناوگان حمل و نقل، عدم توجه به مسائل و مشکلات تردد معلولان در سطح شهر که منجر به خانه نشین شدن قشر زیادی از آنان شده است. عدم توجه به امکانات تفریحی برای کودکان و ایجاد شهربازی و مکان مختلف برای پارک کودک.
- \* توانمندسازی حاشیه نشینان شهر ارومیه با چه برنامه امکان‌پذیر است؟
- با توجه به تدریس خودم در مدارس محلات پایین شهر و بازتاب آن بر وضعیت دانش‌آموزان و مدارس پایین شهر، توجه ویژه‌ای لازم است. ایجاد تسهیلات برای این مناطق، اشتغال‌زایی برای جوانان این مناطق، دادن زمین و تسهیلات برای ساخت خانه‌ای آبرومند برای حاشیه نشین‌ها که مشکل آنها را خودم از نزدیک لمس کرده‌ام و دیده‌ام.
- \* مشخصاً برنامه شما برای افزایش گردشگر در شهر ارومیه چیست؟ مصداقی بیاورید.
- ایجاد مراکز تجاری در شهر ارومیه و جذب سرمایه‌داران برای مشارکت در این مراکز تجاری برای جذب تجار و گردشگران، ایجاد مراکز تفریحی، شهربازی‌های بزرگ و پیشرفته، برگزاری جنگ‌های شادی با توجه به فرهنگ مردم شهر برای افزایش گردشگران داخل و خارج استان، ایجاد تسهیلات برای گردشگران داخل و خارج استان.
- \* شهردار مورد انتخاب شما باید چه خصوصیتی داشته باشد؟
- مؤمن، مدیر، مدبر، عمل‌گرا، عدالت‌محور و بدون جناح‌بندی‌های سیاسی.
- \* چه مقدار پول و منابع مالی برای تبلیغات انتخاباتی خود در نظر گرفته‌اید؟
- حدود ده میلیون تومان.
- \* نقش شوراهای شهر و روستا در تحقق شعار سال (اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال) چیست؟

- طبق اصل یک‌صدم قانون اساسی کشور در تعریف شورای اسلامی شهر، برای پیشبرد اهداف اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و اقتصادی با توجه به مقتضیات محلی آن شهر، بخش، شهرستان و روستا می‌باشد. توجه به اشتغال‌زایی، تولید ملی که شوراهای اسلامی می‌توانند در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی آن را کاهش دهند.

\*\*\*

### درباره دیدگاه‌های خانم بهرامی

امکانات توسعه شهری باید به مساوات به همه قسمت‌ها تقسیم بشود با توجه به اینکه بنده سال‌هایی از خدمت‌م را در نواحی حاشیه‌نشین بدم و بیشتر مشکلاتشان را لمس کردم و ان‌شاء‌الله در صورت راه‌یابی به شورای شهر به مناطق حاشیه‌نشین توجه خاصی خواهم کرد.

به گزارش اطمینان‌نیوز، لیلا بهرامی مگری با حضور در دفتر اطمینان‌نیوز در مورد بیوگرافی خود گفت: اینجانب لیلا بهرامی مگری لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد روانشناسی از ارومیه را دارم.

وی در مورد سوابق اجرایش افزود: بنده دارای ۱۷ سال سابقه کار در آموزش و پرورش که دبیر جامعه‌شناسی و روانشناسی و اقتصاد در دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی، ۲۱ سال سابقه آموزشی در آموزش و پرورش را دارم.

وی در مورد هدفش از کاندیداتوری اظهار داشت: در دور چهارم کاندیدای شورای شهر ارومیه جز کاندید علی‌البدل شورای اسلامی شهر شدم و امسال هم تلاش خودم را با توکل بر خدا بیشتر می‌کنم.

خانم لیلا بهرامی مگری در مورد اهداف و برنامه‌هایش افزود: در تعریف شورای شهر بر اساس اصل یک‌صدم قانون اساسی شورای اسلامی شهر برای پیشبرد اهداف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عمرانی و با توجه به مقتضیات محلی هر محله، شهر یا روستا صورت می‌گیرد تا مشکلات مردم به گوش مسئولین برسد و بتوان مشکلات مردم را تا حدودی حل کرد، از جمله اهداف بنده با توجه به اینکه عضو اولیای دانش‌آموزان معلول مدرسه استثنایی عرصه تلاش ارومیه هستم و مدت ۱۵ سال است که مشکلات اینها را در سطح شهر احساس کردم به امید خدا بتوانم امکانات تفریحی ورزشی و آموزشی برای این قشر فراموش شده در جامعه را فراهم کنم. من باب مثال موزاییک‌های زرد که در پیاده‌روها نصب شده ولی فرهنگ استفاده از آنها در بین عموم مردم اطلاع‌رسانی نشده و نابینایان ما را دچار مشکل و خانه‌نشین کرده است قبل از اینکه یک زیرساختی را عوض کنیم باید فرهنگ و نحوه استفاده از آن را به مردم آموزش دهیم.

در مورد حاشیه‌نشینی و جذب گردشگر گفت: امکانات توسعه شهری باید به مساوات به همه قسمت‌ها تقسیم بشود با توجه به اینکه بنده سال‌هایی از خدمت‌م را در نواحی حاشیه‌نشین بدم و بیشتر مشکلاتشان را لمس کردم و ان‌شاء‌الله در صورت راه‌یابی به شورای شهر به مناطق حاشیه‌نشین توجه خاصی خواهم کرد. برای جذب گردشگر در سطح ارومیه شهری است که ویژگی‌های استراتژیکی خاصی دارد برای جذب گردشگران داخل استان و خارج استان و حتی خارج از کشور، که متأسفانه از این پتانسیل‌ها استفاده نمی‌کنیم و همچنین با کم‌آب شدن دریاچه ارومیه میزان

گردشگران کاهش پیدا کرده و باعث میزان بیکاری در بین جوانان شده است و لازم این است که توجه خاصی به این موضوع شود.

وی در مورد وابستگی به حزب و گروهی افزود: به هیچ حزب و گروهی وابسته نیستم و مستقل می باشم.

وی در مورد شعارش گفت: "شهر آباد، شهری بدون مانع است برای حمایت از قشر معلولین عزیز شعار انتخاباتی خود قرار داده ام. وی در آخر مصاحبه افزود: با توجه به نامگذاری امسال توسط مقام معظم رهبری به نام اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال، باید شورای اسلامی شهر در این راستا قدم های اساسی بردارد و در شرایط سخت اقتصاد مقامتی یعنی کمترین اتلاف را داشته باشیم و بتوانیم این شرایط سخت را با بهترین میزان بهره وری را بالا ببریم و بالا بردن تولیدات داخلی موجب اشتغال زایی می شود و ان شاء الله بتوانیم در این راستا قدم برداریم.<sup>۱</sup>



1. www.etminannews.ir



## محمدحسن پارسائیان

حوزه انتخاباتی: یزد

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: نابینا

نام پدر: مرتضی

تاریخ تولد: ۲۴ دی ماه ۱۳۴۰

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

\*\*\*

اینجانب از سال ۱۳۶۶ دبیر آموزش و پرورش می‌باشم. در زمینه حفظ قرآن فعال بوده و حافظ ۱۵ جزء قرآن هستم. از موفقیت‌های من در این زمینه مقام اول مسابقات حفظ ده جزء نابینایان، در مسابقاتی که در بوشهر برگزار می‌شد، می‌باشد. همچنین از مؤسسان و اعضای هیئت مدیره انجمن نابینایان یزد می‌باشم و در آموزشگاه نابینایان رسولیان هم فعالیت دارم. حامی و پشتیبان من در موفقیت‌هایم بعد از خدا همسر و فرزندانم می‌باشند.

## غلامرضا تجدد محمد علیخانی

حوزه انتخاباتی: قزوین  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: پای راست فلج کامل  
 نام پدر: محمد  
 تاریخ تولد: ۱ فروردین ماه ۱۳۵۱  
 تحصیلات: کارشناسی حقوق

\*\*\*

- \* آیا شما فعالیت اقتصادی دارید و در حوزه تخصصی رشته خودتان شاغل هستید؟  
 - بله، من وکیل پایه یک دادگستری هستم.  
 \* چند سال سابقه وکالت دارید؟  
 - هفده سال سابقه وکالت دارم.  
 \* در چه حوزه‌ای وکالت می‌کنید؟  
 - در ایران وکالت تخصصی نیست ولی بیشتر در زمینه حقوق خصوصی و املاک مشغول هستم.  
 \* غیر از فعالیت شغلی آیا در زمینه ورزش یا حفظ و قرائت قرآن کریم یا در امور هنری، فعالیت دارید؟  
 - فعالیت شغلی آنقدر وقت‌گیر است که وقتی برای کارهای دیگر نمی‌گذارد ولی با این حال به دلیل انگیزه‌های مذهبی و شخصی به صورت غیر حرفه‌ای در زمینه ورزش، هنر و قرآن فعالیت‌های شخصی دارم.  
 \* با مهارت‌های کامپیوتر مثل ICDL در چه یک و دو، فتوشاپ، گرافیک تا چه حد آشنایی دارید؟  
 - در حد معمولی هستم، چون باید کمی مسلط باشیم در رابطه با اینکه بتوانیم با سیستم‌های دادگستری قوه قضائیه برای پیگیری پرونده‌هایمان با سیستم CMS ارتباط داشته باشیم.  
 \* در حوزه‌های دیگر که فعالیت داشته‌اید بحث دیگری هم هست که به من بگویید که حائز اهمیت باشد؟  
 - بله، من دو دوره عضو هیئت مدیره کانون وکلای استان قزوین بوده‌ام. سال ۹۲ تا ۹۴ و سال ۹۴ تا الان و سه سال هم رئیس کانون وکلای دادگستری استان قزوین بوده‌ام.  
 \* آیا فعالیت فرهنگی در سطح جامعه یا در سطح استان داشته‌اید؟  
 - چون بیشتر فعالیت‌های من حقوقی است و مطالعه پرونده‌ها و دفاع موکلین بسیار وقت‌گیر است و فرصت برای فعالیت‌های فرهنگی تخصصی نمی‌ماند اما در راستای کارهای حقوقی‌ام، فعالیت فرهنگی هم داشته‌ام. لذا صدها مصاحبه و مقاله در روزنامه‌های استان قزوین از من چاپ شده است.  
 \* درباره مقالات که نوشته‌اید توضیح بدهید؟  
 - در روزنامه مقاله‌ها و صحبت‌ها و مصاحبه‌هایی که در رابطه با شغل وکالت هست و در استان قزوین انجام داده‌ام. عضو کمیسیون حقوقی اتحادیه سراسری وکلای ایران، عضو هفت نفر اصلی

- کمیسیون حقوقی وکلای سراسر کشور که به آن می‌گویند اسکودا (اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری ایران که مخففش می‌شود اسکودا).
- \* شما جزء هیئت هفت نفره هم هستید؟
- یک سال است عضو کمیسیون حقوقی‌شان هستم. نیز عضو انجمن ایرانی جرم‌شناسی شعبه قزوین هستم، بنا بر مصوبه انجمن ایرانی جرم‌شناسی تهران که زیر نظر آقای دکتر کوشا است. به عنوان دبیر کنوانسیون حقوق کودک استانداری قزوین هستم. و یکی دوتا دیگر هم هست که یادم نمی‌آید. یا حتی همان بحث جرم‌شناسی {یا مبادی که} عضو کلینیک حقوق شهروندی وزارت دادگستری شعبه قزوین هستم.
- \* در این مجموعه فعالیت‌هایی که دارید بیشتر چه کسانی مشوق شما بوده‌اند؟
- بیشتر معلولیت‌م مشوق من بوده است. یعنی آن چیزی که باعث شد انگیزه پیدا کنم این بود که این نقطه ضعف باعث شد که به فکر تقویت بقیه توانمندی‌هایم باشم. آن چیزی که باعث شد در اصل شناخت زوایای مختلف قابلیت‌های یک انسان را که اگر یک قابلیت را نداشته باشد قابلیت‌های دیگرش چقدر فرصت رشد دارند و می‌توانند مؤثر باشند.

## حمیدرضا جعفریان

حوزه انتخاباتی: تهران (شهر بهارستان)

نوع انتخاب: شورای شهر

(شهر گلستان از شهرستان بهارستان از توابع استان تهران)

نوع معلولیت: جسمی حرکتی، فلج پای چپ

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۳۰ شهریور ماه ۱۳۵۴

تحصیلات: کارشناسی روانشناسی عقب مانده ذهنی، کارشناسی ارشد روانشناسی کودکان استثنایی

\*\*\*

\* آیا در زمینه ورزش فعالیت داشته‌اید؟

- بنده رئیس هیئت ورزشی جانبازان و معلولین شهرستان‌های رباط کریم و بهارستان هستم و مربی وزنه‌برداری جانبازان و معلولین.

\* شما چند سال سابقه در حوزه کارهای اداری ریاست دارید؟

- بنده دوازده سال است که کارمند اداره بهزیستی شهرستان رباط کریم هستم. حوزه‌هایی که کار داشتم به عنوان مسئول دفتر ریاست اداره، به عنوان کارشناس مراکز غیردولتی امور خیریه و اشتغال، به عنوان معاون امور توانبخشی اداره، نفر اول و برتر کارشناس سازمان بهزیستی در کسب ۴۰ درصد از کل اعتبارات استان تهران برای ساخت مسکن معلولین طرح امداد مسکن در پوند ۵۰۰ مددجو را صاحبخانه کردم و کلید تقدیم کردم خدمتشان که لوح تقدیر از مدیرکل و رئیس اداره دارم.

\* فرمودید که مربی وزنه‌برداری هم هستید چند سال است که مربیگری وزنه‌برداری می‌کنید؟

- تقریباً ده سال است در این حوزه فعالیت دارم.

\* با تیم وزنه‌برداری‌تان چه مقام‌هایی آوردید؟

- آقای علی صادقی از دوستان و بچه محل‌های ما هستند که در باشگاه ما تمرین می‌کردند که الحمدلله الآن نام آور مقام پارالمپیک و جهان هستند البته الآن در تیم ملی وزنه می‌زنند و تعداد کثیری از مددجوها هستند توانبخشی که الآن به صورت مقدماتی زیر مجموعه ما کار می‌کنند. یکی از بهترین خدماتی که بنده حقیر توانستم ارائه بدهم در طول چهار سال تصدی خودم در پست شورای شهر است چون بنده در حال حاضر شورای شهر هستم در شهر گلستان. در ساخت بزرگ‌ترین مجموعه ورزشی جانبازان و معلولین در شهر گلستان در شهر سبزدشت برای اولین بار که اینجانب به عنوان نماینده جامعه هدف توانستم در بودجه شهرداری این مورد را بگنجانم و الحمدلله در شهرستان ما یعنی در استان تهران فکر کنم یک مجموعه بی‌نظیری باشد که تقریباً سه یا چهار ماه دیگر افتتاح می‌شود و ان‌شاءالله دعوت می‌کنیم تشریف بیاورید آنجا برای افتتاحیه‌اش. ۲۰۰ میلیون تومان پول پیشنهاد در بودجه سال ۹۵ و ۹۶ یعنی در هر

سال صد میلیون تومان برای خرید و تجهیز لوازم ورزشی جانبازان و معلولین که در طول دوره شورای شهر ادوار گذشته این طرح دو فوریتی بی سابقه بود که الحمدلله توانستم این طرح را مصوب بکنم و در بودجه شهرداری بگنجانم این قضیه را. عارضم محضران بیش از ده هزار متر مناسب سازی مختص جانبازان و معلولین در سطح شهر برای روشنندگی های عزیزان برای معلولین جسمی حرکتی

\* اینها همه در شهر بهارستان است؟

- همه اینها در شهر بهارستان شهر گلستان به عنوان خادمشان در شورای شهر این کارها را انجام داده ام. بالغ بر بیست میلیون تومان پول کمک به اداره بهزیستی شهرستان بهارستان برای خرید لوازم اداری { که شهرستان بود فاز غربی } فاقد امکانات بود من از شورای شهر توانستم برایشان بگیرم. بالغ بر صد تن آسفالت تو کف اداره بهزیستی و برای مناسب سازی اداره بهزیستی که پیمانکارها کرده بود و بنده توانستم در شورای شهر این را مصوب بکنم و کمک برسانم به اداره بهزیستی. طرح دو فوریتی برای خرید خودرو ون و مینی باس مختص جابجایی معلولین و جانبازان شهرستان خودم. بالغ بر پانزده مدرسه را مناسب سازی کردم برای بچه هایی که ضایعه نخاعی سینه ای و یا گردنی بودند و یا معلولین جسمی حرکتی بودند. تابلوی پارک ویژه جانبازان و معلولین در سطح شهر برای ادارات خدمت رسان که الآن نصب شده و معلولین به راحتی استفاده می کنند. عارضم محضران خیلی خدمات دیگر اگر بخواهم نام ببرم، بالغ بر پانزده مورد جهیزیه از محل ماده ۱۷ و یا کمک های مردمی که به هر حال اعتباری که بین مردم داشتیم به عنوان امین مردم توانستیم گدایی بکنیم از در خانه مردم که به خانواده های بی بضاعت بدهیم. بالغ بر ۳۰۰ یا ۴۰۰ مورد کمک هزینه معیشتی، درمانی، کمک هزینه فیزیوتراپی، کمک هزینه جهت تأمین دارو، پرداخت قبوض آب و برق که مراجعه می کنند به دفتر شورا و خیلی خدمات گسترده دیگری که من در طول خدمتم توانستم به این عزیزان ارائه بدهم. بازدیدهای رندومی به صورت دوره ای از منزل مددجویان و بررسی مشکلات آنها و پیگیری اش که یک تعداد از مشوقان عزیز را من توانستم در روز عسای سفید و مناسب های مختلف کمک های موردی برایشان تعیین بکنم که در جهت اشتغالشان رفع بشود مشکلاتشان. بازدیدهای دوره ای از خانواده معزز شهدا که فکر کنم این یک افتخاری برای بنده که به عنوان یک عضو شورای شهر تنها عضوی که از این خانواده های عزیز بنده تکریم کردم و شأن و منزلتشان را حفظ کردم. طرح دو فوریتی جامع و کلی به جهت رعایت قانون جامع حمایت از حقوق معلولین و دستور آن به شهردار وقت که رعایت بکند تمام قوانینی که مربوط به اصول شهرسازی معابر پیاده رو سازی ها حتی علائم راهنمایی و رانندگی مجهز به علائم صوتی بشود و تمام اداراتی که و یا ساختمان هایی که دارد تأسیس می شود و به عنوان یک نهاد عمومی محسوب می شود و زیر نظر شهرداری است دستور اکید دادم که بدون رعایت مناسب سازی پایان کار به آنها داده نشود به هیچ وجه مگر اینکه استانداردهای لازم معلولین و جانبازان رعایت شود و تأسیس ساختمان شورای شهر که مناسب سازی باشد با شرایط جانبازان و معلولین که در این شهر نبود و الحمدلله الآن به راحتی جانبازان و معلولین می توانند تکریم بشوند و به راحتی در دفتر شورا حضور داشته باشند و مشکلاتشان را مطرح کنند و خیلی خدمات دیگر که الآن نمی توانم به صورت تیتروار خدمتتان بگویم به هر حال ماه عسل چهار سال زحمت و تلاش

من در محل شورای شهر بوده که الحمدلله امروز پیش مردم عزیز سربلند هستیم به واسطه خدماتی که بدون کوچکترین چشمداشتی بر حسب وظیفه‌ای که بنده حقیر داشتم در این خصوص ارائه دادم.

\* در بحث مهارت‌های قرآنی فعالیتی داشته‌اید؟

- بنده مسئول هیئت مذهبی محبان علی هستم که اسناد و مدارک را اگر بخواهید از طریق تلگرام ارائه می‌دهم به عنوان مسئول هیئت مذهبی شهرستان مسئول هیئت محبان علی علیه‌السلام به صورت سیار هیئت ما فعالیت مذهبی در شهرمان دارد. شهر ما شهر عاشورایی‌ها در حقیقت محسوب می‌شود بالغ بر هزار و خورده‌ای هیئت مذهبی داریم ما در شهر که بنده هم الحمدلله سعادت غلامی دستگاه امام حسین را داشتم.

\* آیا مداح هستید؟

- مداح حرفه‌ای نیستم ولی هرگاه‌هایی به دعوت دوستان به قول معروف یک دکلمه‌ای یک ذکر از ائمه در هیئت‌های مذهبی ارائه می‌دهم. به صورت هفتگی در هیئتمان جلسات قرآنی داریم که به هر حال آنجا می‌آیند و قرآن تلاوت می‌شود و به واسطه آن عزاداری و به هر حال ضمن آن یاد شهدا و ائمه هست و مسئولیت حکم معاون جوانان بسیج شهدای بهزیستی به بنده تفویض شده و احکام اینها هست و اگر خواستید خدمتتان ارائه می‌دهم. بنده حقیر به مدت دوازده سال به عنوان عضو بسیج فعال ادارات در سطح شهر انجام وظیفه می‌کنم و خیلی مسئولیت‌های دیگر که به خودم افتخار می‌کنم. بالغ بر صد گواهینامه‌های دوره‌های کشوری و بین‌المللی دارم از اداره بهزیستی در زمینه‌های مختلف که حتی یکی از اعضای شورای شهر که الان دارند فعالیت می‌کنند یکی از این گواهینامه‌ها را ندارند و حتی یکی از این رزومه‌ها را.

\* در این مجموعه فعالیت‌هایی که داشته‌اید و بسیار هم پربار بوده چه کسی بیشتر مشوق شما بوده است؟

- بنده سال ۷۴ دیپلم گرفتم و با داماد خودمان یک تولیدی کوچک با وامی که از بهزیستی گرفتم تقریباً پانصد هزار تومان بود که به عنوان وام خوداشتغالی گرفتم و تولیدی با دامادمان مشارکت را شروع کردیم. به جهت اینکه به بهزیستی مراجعه می‌کردم و به خاطر شاید بیشتر وضعیت جسمی که داشتم این درد را احساس می‌کردم که به هم‌نوعان خود یک جوری خدمت کنم و به همین دلیل من بیشتر در حوزه کارهای اداری تا به حال بودم. از همان زمان هم به عنوان نماینده پیگیری مسکن معلولین در اداره بهزیستی به عنوان یکی از مددجوها و توانخواه‌ها با سازمان بهزیستی همکاری داشتم و این را خدمتتان عرض کنم که اداره بهزیستی شهرستان بهارستان زمینی که الان دارد ۶۰۰ متر سندش به نام بنده است که بنده از شورای شهر آن زمان در دوره سوم اخذ کردم به واسطه پیگیری‌های مکرری که داشتم. حتی شهرداری، من خودم عضو شورای شهر هستم و قوانین شهرداری را می‌دانم، زمین به نام بهزیستی نمی‌دهند آنها با حق مالکیت زمین واگذار می‌کنند ولی بنده با پیگیری‌هایی که داشتم توانستم سندش دانگ زمین را به نام بهزیستی بزنم که به هر حال جزء سرمایه‌های سازمان محسوب بشود و خدمات شایسته سازمان. ۶۰۰ متر دوباره از شهرداری نسیم شهر اکبرآباد گرفتم. مسئول املاک شهرداری آن زمان آقای آفرین بودند که ایشان بچه کم‌توان ذهنی داشتند وقتی دیدند من پیگیر هستم این موضوع را به احترام بنده به خاطر خدماتی که ارائه می‌دادم و پیگیری‌هایی که داشتم با این وضعیت جسمی،

با سند شش دانگ آنجا را به نام بهزیستی زدند فقط به خاطر بنده. و عارضم خدمت شما دو تا زمین هم برای ساخت مسکن معلولین در شهر گلستان که یک چیزی بالغ بر یک میلیارد الآن ارزش تومانی اش است برای ساخت مسکن معلولین گرفتم دو تا زمین با موقعیت بسیار عالی که ان شاء الله خیر هم پیدا می شود آنجا را بسازیم و تحویل خانواده های نیازمند بدهیم. عارضم خدمت شما که مشوق اصلی خودم بودم که واقعاً علاقه خاصی داشتم برای خدمت رسانی به هموعان خودم در سازمان بهزیستی. بنده در سال ۸۴ وارد سازمان بهزیستی شدم. یک روز، روز جهانی معلولین بود با همسر در منزل نشسته بودیم همسر گفت توکل به خدا برو در جشن شرکت کن شاید مسئولین را آنجا ببینی و بتوانی از آنها به قول معروف یک قول مساعد بگیری برای کار در بهزیستی. زمانی که بنده رفتم در ورزشگاه هفت تیر بود نزدیک بهزیستی کشور در پارک شهر. آنجا جشن جهانی معلولین بود. در آن جشن شرکت کردم و رئیس بهزیستی و وزیر رفاه را دیدم و درخواستی نوشتم و دادم. در آن درخواست به قول معروف تمام درد و مشکلاتم را گفتم و خدماتی که آن زمان به عنوان نماینده پیگیری مسکن معلولین بودم ارائه دادم، خدا را شاکرم و خدا را گواه می گیرم که همان لحظه دستور نامه مرا دادند به عنوان نیروی شرکتی وارد سازمان شدم یعنی از فردایش با دستور خود آقای دکتر {فقیه} وزیر بنده وارد سازمان بهزیستی شدم بدون هیچ گونه پارتی بازی بدون هیچ گونه باندبازی، فقط لطف خدا بود با یک نوشته آنجا رفتم و الحمدالله این کار هم انجام شد و محتاج کسی هم نبودم. به والله زمانی که دستور این نامه را گرفتم و در مسیری که برمی گشتم منزل همان لحظه عهد و پیمان با خدای خودم بستم که شأن و منزلت مددجویان سازمان همیشه حفظ بشود و هر کمکی که از دستم بر بیاید بتوانم به این عزیزان انجام بدهم که خدا را شاکرم زمانی که وارد سازمان شدم با دیپلم و امروز فوق لیسانس و امروز به عنوان امین مردم در شورای شهر و خیلی از مسئولیت های دیگری که اینها را همه را مدیون لطف خداوند و تلاش های خودم بودم و دعای خیر پدر و مادرم که همیشه پشت سر من بوده و دعای خیر مددجویان سازمان از زمانی که وارد سازمان شدم و ارائه خدمات می دهم. به والله شاید بگویم هشت هزار رأیی که من آوردم نزدیک پنج شش هزار از جامعه هدف سازمان بهزیستی بود که حتی من مورد مظان و اتهام قرار گرفتم که گفتند شما با این آقایان چکار کرده ای که تک تک فقط جعفریان می نویسند من را نیروی انتظامی خواست فرمانداری خواست گفت معلولین نابیناها ویلچری ها همه آمده اند به تو رأی می دهند این چییه. گفتم فقط یک جو محبت دیده اند یک جو معرفت دیده اند یک جواب سلام و علیک گرفتن دیده اند باهاشون درد دل کردن با گریه هایشان گریه کردن با خنده هایشان خندیدن. مردم چه می خواهند از ما جز یک ذره تکریم بشوند شأن و منزلتشان حفظ بشود چیز دیگری از ماها نمی خواهند. و الحمدالله کارنامه موفقی داشته ام و به استناد همین اندک ذخیره ای از صداقت و دیانتی که داشته ام نسبت به این مددجوها الحمدالله این توفیق را کسب کرده ام و به دعای خیر همین ها دوباره پا به عرصه انتخابات گذاشته ام ان شاء الله که خدمتگزار صادقی باشم چون واقعاً جامعه هدف سازمان بهزیستی نیاز دارد، نیاز دارد به نماینده ای که آنجا پیگیر اموراتشان باشد مشکلاتی که دارند.

## حسن حسینلو

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: قربانعلی

تاریخ تولد: ۱ شهریور ماه ۱۳۶۴

تحصیلات: کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه تهران، دانشجوی رشته تربیت بدنی گرایش جامعه شناسی ورزشی در مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران مرکز

\*\*\*

اینجانب در زمینه ورزش حدود ۱۴ سال می باشد که در رشته والیبال نشسته فعالیت دارم. در این رابطه قهرمانی جوانان کشور با تیم تهران در سال ۱۳۸۶ یا ۱۳۸۷، قهرمانی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۷، قهرمانی باشگاهی کشور با تیم استان قم در سال ۱۳۸۹، نایب قهرمانی کشور با تیم استان مرکزی در سال ۱۳۸۴، مقام سوم کشور با تیم تبریز، مقام دوم و سوم با تیم ذوب آهن اصفهان در سوپر لیگ، و دیگر عناوین از موفقیت های من در زمینه مسابقات کشوری می باشند. همچنین حضور در تیم ملی در سال های ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ و قهرمانی در مسابقات جهانی اسلوونی در سال ۱۳۸۵ از موفقیت های من در عرصه بین المللی می باشند. همچنین در این رابطه مدرک درجه یک مربیگری را نیز اخذ کرده ام.

انگیزه و پشتکار فردی عامل پیشرفت من در زمینه تحصیل و تشویق و حمایت های مربیان عامل موفقیت من در عرصه ورزش می باشد.





## سید صابر حسینی

حوزه انتخاباتی: یاسوج

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

نام پدر: سید علی رحم

تاریخ تولد: ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۹

تحصیلات: کارشناسی برق، دانشگاه نجف‌آباد اصفهان، دانشجوی رشته برق در مقطع

کارشناسی ارشد، دانشگاه بوشهر

مداح و فعال فرهنگی، فعال سیاسی، از اولاد امامزاده شاه قاسم(ع)

\*\*\*

\* با توجه به تحصیلاتتان آیا الآن جایی شاغل هستید؟

- متأسفانه نه، من تنها لیسانس و فوق لیسانس برق قدرت در استان هستم در بین معلولین، و خیلی مطالبه کردم، دفتر ریاست جمهوری، وزارت نیرو، حتی راهم ندادند بروم بالا. بهشان گفتم من ۱۲ ساعت در راه بودم تا رسیدم به ترمینال جنوب الآن هم آمده‌ام اینجا نزدیک ساعت ده یازده است اجازه ندادند صحبت کنم. در خود دفتر ریاست جمهوری گفتند اگر پارتی داری برو سر کار.

\* در زمینه ورزش فعالیتی داشته‌اید که به کسب مقام منجر شود؟

- کسب مقام منجر نشد، چون من تحصیل که می‌کردم یک مدتی می‌رفتیم والیبال نشسته ولی متأسفانه آنجا هم خودتان می‌دانید معلولین و جانبازان ورزششان در دست جانبازان بود. یک چند سالی ورزششان جدا شد ولی باز به دلیل تحصیلات من نتوانستم.

من فوق لیسانس دو مرتبه قبول شدم بهزیستی قم حاضر نشد به من خوابگاه بدهد وگرنه من الآن فوق لیسانس را تمام کرده بودم و دکترا داشتم می‌خواندم. بعد از فوق لیسانسی که قم قبول شدم و نتوانستم بروم به دلیل نداشتن خوابگاه، من امتحان حوزه دادم بهترین حوزه کشور قبول شدم. مصاحبه دادم من چون هم مداح بودم هم معلم قرآن بودم به غیر از مهندسی برق، دوازده سال کار تخصصی فرهنگی کردم. شاگرد آیت الله بهجت بودم درس اخلاق آیت الله مظاهری، زیر نظر بهترین شاگرد مدرسه شهید بهشتی آن زمان در قم بودم سه سال در درس یکی از بهترین اساتید حوزه می‌رفتم، به همین دلیل نماینده مجلس خبرگان حضرت آیت الله ملک حسینی ایشان از اقوام هم هستند تشویق کردن که ما برویم حوزه. من رفتم حوزه قبول هم شدم {نمره علمی آوردم} بهترین حوزه علمیه قم. اگر شما سؤال بپرسید آنهایی که دانشجویی می‌روند قم حوزه علمیه معصومیه بهترین حوزه علمیه است. من آنجا قبول شدم مصاحبه‌اش را قبول شدم اصلاً در مصاحبه گفتند مشت نمونه خروار است اصلاً نیاز نیست سؤال بپرسیم از اینها. بعد ما رفتیم گفتن چون شما معلول هستید این وهن اسلام است شما با این وضعیت لباس بپوشید. متأسفانه آیت‌الله

- ملک حسینی آنقدر ناراحت شد. هر کاری کردم گفتند پزشکی دست حوزه نیست یک چیزهایی اینجوری بافتند به هم.
- \* در حوزه فعالیت‌های هنری فعالیتی داشته‌اید؟
- فعالیت‌های هنری که مقام بیاورم نه، ولی یک مدتی است که در انجمن خوشنویسان الآن عضو هستم.
- \* پس انجمن خوشنویسان عضو بودید و خوشنویسی کار می‌کردید یک مدتی؟
- یک مدت خیلی کوتاهی، اما اینکه مدرک بگیرم نه.
- \* فرمودید فعالیت‌های قرآنی داشته‌اید معلم قرآن بودید و کار تدریس قرآن می‌کردید می‌شود توضیح بدهید چند سال در این حیطه فعالیت داشته‌اید؟
- یک سال و نیم زیر نظر یکی از اساتید قرآنی بودم. استاد صداقت. پس از یک سال و نیم معلم قرآن بچه‌های زیر شانزده سال شدم.
- \* در شهر یاسوج؟
- بله. باز آن هم مدرکش را نگرفتم. گفتند در حسینیه در مسجد کسان دیگری هستند خواستیم مدرکش را بگیریم باز مشغله تحصیل اجازه نداد که برویم طرف مدرک.
- \* بعد به جز این موضوع تدریس در حوزه‌های دیگر مثل حفظ قرآن قرائت قرآن یا تفسیر قرآن فعالیتی داشته‌اید که جایی شرکت بکنید مقامی بیاورید؟
- یک مقام سومی در بسیج آوردیم ولی هیچ کاری نکردند. در بحث دعا خوانی مقام اول شهرستان را آوردم.
- \* در دعا خوانی مقام اول شهرستان یاسوج را آوردید، مقام سومی که در بسیج آوردید چه بود؟
- قرائت مجلسی قرآن.
- \* در بسیج استان کهگیلویه و بویراحمد قرائت مجلسی سوم شدید؟
- بسیج شهرستان یاسوج. هیچکدام هم نه مقامی دادند و نه حکمی.
- \* در فعالیت‌های فرهنگی فرمودید مداح هستید، چند سال است که مداحی می‌کنید؟
- تقریباً ۱۲ سال.
- \* شاگرد کدام اساتید بودید؟
- ما اینجا اساتید آنجوری نداشتیم که شاگردش باشیم، ولی خوب در حوزه اصفهان و حوزه یاسوج و اطراف خیلی مداحی کرده‌ایم. الآن خوب خیلی مطرح هستیم تا حد زیادی، به همین دلیل مداح بودنمان خدا را شکر خیلی‌ها می‌شناسند در شهر.
- \* مهارت‌های کامپیوتر ICDL در چه یک و دو اینها را چطور؟
- اینها را گذرانده‌ام.
- \* در مجموعه فعالیت‌هایی که داشته‌اید بیشتر چه کسی مشوق شما بودند؟
- خدا پشتیبان است. در رشته برق تصمیم گرفته‌ام تا دکترا جلو بروم و در شرکت در انتخابات هم سبب سازی خدا بوده و امید دارم تا شاید تا ریاست جمهوری بروم و ادامه می‌دهم. اینکه بخواهم بنشینم نمی‌نشینم یعنی باید بشود. اگر شد شد، نشد هم ما تکلیفمان را انجام داده‌ایم.
- \* پس شما بیشتر لطف خدا شامل حالتان شده و تلاش و پیگیری‌های مستمر خودتان.

- واقعاً. البته یک چیز دیگر هم هست، من با همین لیسانس برق هم دوره تکنسین داروخانه را گذرانده‌ام و مدرکش را گرفته‌ام.


کاندید معلول شورای شهری که شش هزار معلول دارد

معلولانی که عده‌ای از آنها  
توان رای دادند  
ولی حق زندگی کردن دارند

**همیندس سید صابر حسینی**

دانشجوی کارشناسی ارشد برق  
مراح و فعال فرهنگی  
فعال سیاسی  
از اولاد امام زاده شاه قاسم (ع)

ساده‌انگیزی مندرس سید صابر حسینی  
کاندید شورای شریاسنج



## علیرضا حیدری رامشه

حوزه انتخاباتی: اصفهان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: بینایی

نام پدر: غلامرضا

تاریخ تولد: ۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۳، تهران

تحصیلات: کارشناسی روانشناسی، دانشگاه دولتی اصفهان، کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان

\*\*\*

- \* فعالیت‌ها تخصصی شما چیست و در چه حوزه‌ای اشتغال تخصصی دارید؟
- دبیر آموزش و پرورش هستم و در عرصه پرورش نیروی انسانی به ویژه معلولان تبحر و تجربه دارم.
- \* چند سال سابقه دبیری آموزش و پرورش دارید؟
- هشت سال سابقه دبیری در آموزش و پرورش اصفهان را دارم. مدیرعامل انجمن روشن بین یکی از انجمن‌های فعال در امور نابینایان استان اصفهان هستم.
- \* در این انجمن چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهید؟
- روشن بین یکی از انجمن‌های فعال در امور نابینایان استان و کشور است. ما فعالیت‌هایمان را در حیطه‌های اجتماعی و بحث مناسب‌سازی فعالیت‌هایی در حیطه اشتغال فعالیت‌های علمی و فرهنگی انجام می‌دهیم.
- \* چند سال است که این انجمن را تأسیس کرده‌اید و فعال هستید؟
- انجمن روشن بین قبلاً انجمن جوانان روشن بین بود و سال ۷۹ تأسیس شد. به موجب درخواست دوستان و احساس نیازی که پیش آمد این را سال ۹۴ به انجمن روشن بین تبدیل کردیم و مجوزش را از وزارت کشور گرفتیم یعنی تبدیل وضعیت.
- \* در ورزش آیا فعالیتی داشته‌اید؟
- بله، من جودوکار هستم. حدود ۱۳ سال است که جودو کار می‌کنم و دان ۳ جودو را دارم، بعد مدرک مربیگری درجه ۳ جودو را دارم.
- \* مقام‌هایی را که به دست آورده‌اید چیست؟
- دو مقام سومی کشوری را دارم، یک مقام قهرمانی استانی دارم، دو تا مقام سومی استانی هم دارم.
- \* مقام‌های سومی کشوری‌تان در چه مسابقاتی بوده است؟
- چون یک مدتی مسابقه نداده‌ام الآن خاطرم نیست دقیقاً چه مسابقاتی بوده باید حکم‌ها را نگاه کنم.
- \* در حوزه فعالیت‌های هنری مثل موسیقی و نمایش چه کاری انجام داده‌اید؟

- نه، فعالیت هنری به آن شکل متأسفانه. فقط ما در انجمن خودمان یکبار یک جشنواره موسیقی برای نابینایان دو سال جشنواره موسیقی برگزار کردیم.  
\* شما جزء برگزار کنندگان بودید؟
- بله اینجوری بوده. همان انجمن خودمان هم یک دوره مسابقات شطرنج هم برگزار کردیم یعنی مسابقاتی بود که افراد وقتی در این مسابقات شرکت می کردند مدرک می گرفتند. این مدرکی است که درجه شطرنج باز را در سطح کشور و در سطح جهان دقیقاً مشخص می کند و یک نوع کلاس است مثلاً طرف می آید می گوید درجه شطرنج من این است. حالا سواى آن مدال و حکمی که می گیرد درجه اش هم دقیقاً در بین بقیه شطرنج بازهای گروه خودش مشخص می شود.  
\* در حوزه فعالیت های قرآنی چطور حفظ قرائت تفسیر احکام؟
- در حوزه فعالیت های قرآنی هم نه متأسفانه، چون که خودم فعالیت عمده و شاخصی نداشته ام، انجمن هم با توجه به اینکه ما در اصفهان بنیاد فرهنگی قرآنی روشندان را داریم که تخصصی این مباحث را دنبال می کند ما دیگر خیلی وارد این مباحث نشدیم تا آنها بتوانند کارشان را بکنند.  
\* در حوزه مهارت های کامپیوتر چطور؟ ICDL در چه یک درجه دو اینها را اخذ مدرک کرده اید؟
- من دوره های کامپیوتر را به صورت شخصی گذرانده ام یعنی هیچ وقت دنبال این نبوده ام که بروم برایش مدرک بگیرم. من مهارت های کامپیوتر را در سطح ICDL و حتی بالاتر بلد هستم ولی هیچ وقت چون کاربردی نداشته برایم دنبال این نبوده ام که بروم مدرکش را بگیرم. مدرک ماساژ کاربر را هم دارم.  
\* ممکن است ماساژ کاربر را توضیح دهید؟
- دوره های ماساژ هست که افراد ماساژ درمانی را آموزش می بینند. این دوره ها را گذرانده ام و بالاترین مدرکش که مدرک کاربر است از سوی سازمان فنی حرفه ای دریافت کرده ام. یک دوره ۲۰۰ ساعته آموزش کارورزی بود که ما گذرانده ایم و بعد مدرکش را دریافت کردیم.  
\* در بحث فعالیت های فرهنگی اجتماعی به جز انجمن فعالیتی داشته اید؟
- من یک زمانی عضو انجمن علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی بودم در دوره دانشگاهی، دوره دانشگاهی عضو بسیج دانشگاه بودم. ولی بعد از دانشگاه دیگر نه، بعدش که وارد فضای کسب و کار و اینها شدیم فعالیتی که انجام دادم همین بحث انجمن روشن بین بوده و فعالیت در امور مربوط به نابینایان.  
\* حالا چه شد که تصمیم گرفتید کاندیدا بشوید؟
- با توجه به اینکه من الآن حدود تقریباً می شود گفت در بحث نابینایان حدود ۱۵ سال است که فعال هستم یعنی تقریباً از زمانی که وارد دانشگاه شدم در سال ۸۱ وارد حیطه فعالیت در امور مربوط به نابینایان و معلولین هم شدم، این ارتباط و فعالیت باعث شد که من به نوعی نسبت به مشکلات و مسائل معلولین و حالا معلولین بینایی به صورت اختصاصی آشنایی پیدا بکنم و همین طور بقیه افرادی که حالا شاید اگر چه معلول نبودند ولی مشکلاتی داشتند مثل مثلاً خانواده های بی سرپرست مثلاً جانبازان، وقتی برآورد کردم دیدم که این افراد به تنهایی یک پنجم یک ششم جامعه هستند، به این نتیجه رسیدم که بیایم و به صورت خیلی رسمی تری مسائل و مشکلات آنها را پیگیری بکنم. به خاطر همین وارد عرصه فعالیت های سیاسی شدم به عنوان

اولین بار در شورای شهر. البته در این دوره ای که ما شرکت کرده ایم در شورای شهر اصفهان یک مقدار مسائل و پیچیدگی های خاص خودش را داشت، از یک طرف تعداد کاندیداها را کاهش دادند یعنی ما در دوره قبل و دوره های قبل اصفهان ۲۱ نماینده شورای شهر داشت، حالا شده ۱۰ نماینده، و از طرفی هم تعداد کاندیداها بسیار زیاد و تبلیغاتی که انجام شده به قول معروف بسیار پر هزینه و با اشکال مختلف تبلیغ کرده اند. بنابراین یک مقدار احتمال رأی نیاوردن در این دوره خیلی به نظر وجود دارد نه تنها از جانب من حتی از جانب خیلی از افراد با سابقه. ولی به هر حال امیدوار هستیم که با تجاربی که به دست می آوریم در دوره های بعد بتوانیم نقاط ضعف را برطرف بکنیم و حاشیه امن تری در این حوزه ایجاد بشود.

\* در تمامی فعالیت هایی که پرسیدیم چه کسانی بیشتر مشوق شما بوده اند؟

- خانواده من مشوقم بوده اند و دوستان نزدیکم دوستانی که حالا هم در گروه نابینایان با هم دوست بودیم هم دوستان بینای من و نزدیکان به طور کلی، و یکی از چیزهایی که خیلی مشوق من بوده انگیزه ای که برای حل مشکلات داشتیم. خیلی وقت ها هست که یک نفر باید آدم را تشویق بکند، خیلی وقت ها هست که انسان وقتی که مشکلات را از نزدیک می بیند و به این نتیجه می رسد یعنی از یک طرف مشکلات را می بیند و از طرف دیگر ظرفیت ها را می بیند و خودش را در موقعیتی می داند که می تواند برای حل آن مشکلات با استفاده از ظرفیت هایی که وجود دارد تلاش بکند این خودش می شود یک انگیزه.



## رحمان دلاوری

حوزه انتخاباتی: استان مرکزی

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

نام پدر: ابوالفضل

سال تولد: ۱۳۵۹

محل تولد: دلیجان

تحصیلات: کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی

\*\*\*

رحمان پس از تحصیلات متوسطه در دانشگاه شیراز پذیرفته شد و در رشته مدیریت صنعتی در مقطع کارشناسی در سال ۱۳۸۲ فارغ التحصیل شد. سپس رشته مدیریت صنعتی، مقطع کارشناسی ارشد را در دانشگاه علامه طباطبائی تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۸۷ فارغ التحصیل شد.

### سوابق اجرایی

اهم سوابق اجرایی رحمان عبارت‌اند از:

- عضو هیئت تحریریه فصلنامه علمی - تخصصی مدیریت و حسابداری، دانشگاه شیراز، محل کار شیراز، شروع کار ۱۳۸۰، پایان کار ۱۳۸۲
- مشاور سیستم مدیریت کیفیت، شرکت تدبیر گستر، محل کار تهران، شروع کار ۱۳۸۲، پایان کار ۱۳۸۴
- ارزیاب وزارت نیرو (بر اساس مدل EFQM)، شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، محل کار تهران، شروع کار ۱۳۸۴، پایان کار ۱۳۸۴
- مشاور سیستم مدیریت کیفیت، سازمان گاز تهران بزرگ - آب و فاضلاب ایلام - مفتولی قزوین - فرودگاه شیراز و امام خمینی - مدیریت درمان اهواز، محل کار متمرکز در تهران، شروع کار ۱۳۸۴، پایان کار ۱۳۸۴
- مشاور تدوین برنامه پنج‌ساله و بودجه‌ریزی عملیاتی، شهرداری دلیجان، (شهرداری برتر پژوهش در سال ۱۳۸۹)، کمیجان، آشتیان و خنداب، محل کار دلیجان، شروع کار ۱۳۸۷
- عضو سخنگوی شورای اسلامی شهر دلیجان، شروع کار ۱۳۹۲، پایان کار ۱۳۹۶

### طرح‌های پژوهشی

- ارزیابی عملکرد واحدهای مستقل استراتژیک ITI، محل اجرای طرح: صنایع مخابرات راه دور ایران، طرف قرارداد: دانشگاه شیراز، سال اجرا: ۱۳۸۱
- ارزیابی فرآیند تولید کاشی و سرامیک، محل اجرای طرح: شرکت کاشی حافظ، طرف قرارداد: دانشگاه شیراز، سال اجرا: ۱۳۸۱

- ارزیابی کار و زمان خط تولید خودروی پژو سمند، محل اجرای طرح: شرکت ایران خودرو، طرف قرارداد: دانشگاه علامه طباطبائی، سال اجرا: ۱۳۸۲
- شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای مشتریان خدمات پس از فروش با استفاده از مدل سروکوآل، کانو QFD، محل اجرای طرح: شرکت بهمن خودرو، طرف قرارداد: دانشگاه علامه طباطبائی، سال اجرا: ۱۳۸۴
- تدوین برنامه استراتژیک (کتاب دلیران و توسعه)، محل اجرای طرح: شهرداری دلیران، سال اجرا: ۱۳۸۷
- مطالعه و اجرای بودجه‌ریزی عملیاتی، محل اجرای طرح: شهرداری دلیران، طرف قرارداد: دانشگاه قم، سال اجرا: ۱۳۸۹
- نقش سازمان مدیریت مقصد گردشگری (DMO) در توسعه پایدار گردشگری شهرستان دلیران (با بهره‌گیری از تجربیات کشورهای موفق در حوزه گردشگری)، محل اجرای طرح: دلیران، طرف قرارداد: پذیرفته شده در همایش توسعه پایدار شهرستان دلیران و همایش توسعه گردشگری خوانسار، سال اجرا: ۱۳۹۳

### سوابق تدریس

- دانشگاه پیام نور دلیران، موضوع تدریس: زبان تخصصی مدیریت - کنترل پروژه - مبانی مدیریت صنعتی، سال شروع: ۱۳۸۷

### توانایی‌ها و مهارت‌ها

آشنایی با نرم‌افزارهای Word , Excel , Access , Power Point , MS Project  
آشنایی با زبان انگلیسی در حد مطلوب



مدرس دانشگاه و کارشناس پژوهش شهرداری دلیران  
عضو چهارمین دوره شورای اسلامی شهر دلیران



## روح الله ذوقی احسان

حوزه انتخاباتی: قم

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

تاریخ تولد: ۱۳۵۹

تحصیلات: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

\*\*\*

در سال ۱۳۵۹ در خانواده مذهبی به دنیا آمد. در ۱۱ سالگی در نهضت سوادآموزی تحصیل را آغاز نموده و هم اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی می‌باشد. از ابتدای جوانی خود به فعالیت‌های اجتماعی و رفع مشکلات محرومین به ویژه معلولین پرداخت و برای این موضوع چند مؤسسه در حوزه جوانان و معلولین و همچنین در خصوص رفع مشکلات اشتغال شهروندان، تأسیس چند شرکت و کارمایی را در فعالیت‌های خود دارد و صدها نفر به واسطه این فعالیت‌ها مشغول به کار گردیده‌اند.

در حوزه معلولین نیز با ارائه خدمات ویژه تحولی ایجاد نمود که هزاران نفر از خدمات آن به خصوص در هیئت معلولین برخوردار گردیدند و در زمینه مناسب‌سازی نیز پیگیری ویژه‌ای را انجام داده و اقدامات مؤثری صورت گرفته از قبیل مناسب‌سازی پارک‌ها و ساختمان‌های اداری و ... . از جمله فعالیت‌های ایشان: راه‌اندازی مؤسسه مددکاری پرتو روشن زندگی و همچنین هیئت متوسلین به ائمه اطهار و شرکت خدمات پرتو ایرانیان می‌باشد.

### هدف‌های انتخاباتی

- توسعه فضای سبز، اماکن فرهنگی هنری، ورزشی مبلمان شهری در کلیه مناطق شهر
- هماهنگی با ارگان‌ها برای حل مشکلات از قبیل مسکن، اعتیاد، اشتغال و ...
- حمایت از هیئات مساجد، مؤسسات برای ارتقاء فرهنگ اجتماعی
- توسعه امور زیربنایی و تسریع در آبادی شهر و پروژه‌های شهری
- پیگیری و حل ترافیک، حمل و نقل و تسریع در خدمات شهری
- توسعه پایدار و جذب سرمایه برای افزایش رفاه اجتماعی
- پیگیری مناسب‌سازی سطح شهر و حمل و نقل عمومی

\*\*\*\*

مصاحبه<sup>۱</sup>

## سوادآموز معلولی که اراده‌ای فولادی دارد

در این گفت‌وگومی خوانیم: اولین کلمه و نخستین فرمان آخرین کتاب آسمانی، امر به خواندن است. چنین کتابی و چنان آیینی، مسلمانی را که نخواند و ننویسد، سرزنش می‌کند و این برای هرکس از کودک و پیر و جوان و زن و مرد در هر شرایط جسمی و بدنی واجب است. سوادآموزی به توفیق فرمان امام خمینی (ره) از یک حرکت محدود فرهنگی، به نهضتی فراگیر از روز هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ و از آن پس در شمار مقدس‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی درآمد. روح الله ذوقی احسان چهره موفق سوادآموزی استان قم است که معلولیت نتوانسته او را از مسیر آموختن منحرف کند و قرار گرفتن در مسیر آموختن و دانایی او را بعد از سوادآموزی، اخذ دیپلم، طی کردن دوره آکادمیک هم اکنون به عنوان یک چهره موفق و خدوم در بین افراد جامعه به خصوص معلولان قرار داده است. او از کودکی اش برایمان گفت، از آن آمپولی که به اشتباه تزریق و معلولیت زود هنگام و همیشگی که خیلی زود در زندگی به سراغش آمد. ولی با همه این مشکلات، اراده فولادی اش از او به عنوان یک چهره موفق ساخت. لذا جهت آشنای با این چهره موفق گفت‌وگویی صمیمی انجام داده‌ایم که در ذیل می‌آید:

\* ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

- اینجانب روح الله ذوقی احسان متولد سال ۱۳۵۳ هستم و در یکی از شهرهای همدان به دنیا آمده‌ام.

\* در خصوص اینکه چگونه از نهضت شروع کردید توضیح دهید؟

- بنده از ۱۱ سالگی به مدرسه رفتم و ۵ سال ابتدایی را طی دو سال به اتمام رساندم.

\* فرمودید که بعد از ۱۱ سالگی شروع به درس خواندن کردید، چرا از ۱۱ سالگی!؟

- بله - بنده هنوز یک سالم تمام نشده بود که بر اثر تزریق یک آمپول اشتباهی دچار معلولیت از دو پا شدم. علی‌رغم اینکه از دو پا معلول بودم ولی هنوز خودم تا ۷ سالگی این حس را نداشتم که معلول هستم وقتی که می‌خواستم در مدرسه ثبت نام کنم تازه فهمیدم که دچار معلولیت هستم.

\* چه چیزی باعث شد در همان هفت سالگی به مدرسه نروید؟

- من چون معلول بودم، آن زمان امکاناتی مانند ویلچر بسیار کم بود و رفت و آمد برایم سخت بود. خانواده‌ام با رفتن من به مدرسه موافقت نکردند با اینکه من کلی گریه کردم که به مدرسه بروم.

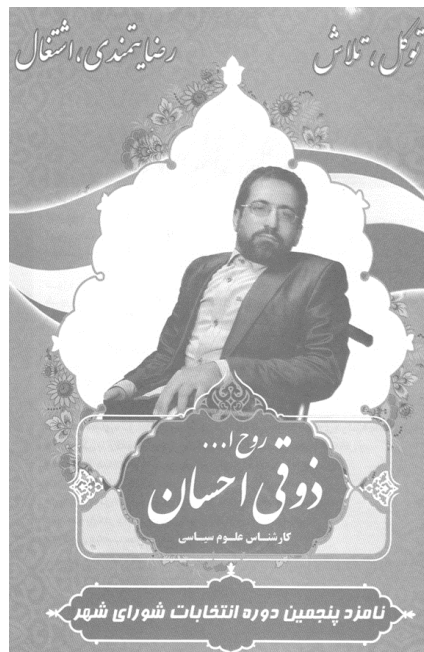
\* بعد از اینکه نتوانستید به مدرسه بروید چه اتفاقی افتاد؟

- در همان سال که موفق نشدم به مدرسه بروم با کمک یکی از همسایه‌ها قالی بافی را فراگرفتم و شروع به قالی بافی کردم تا اینکه وقتی ۱۱ سالم بود یکی از همسایه‌ها به من گفت شما که رفت و آمد برایتان سخت است چرا ویلچر تهیه نمی‌کنید و من در جواب گفتم پیدا کردن ویلچر برایم سخت است چرا که آن موقع ویلچر کمتر پیدا می‌شد. بالاخره با تلاش فراوان یک ویلچر خریدم و

۱. این مصاحبه به روش تبلیغی توسط عباس قاسمی میمند انجام شده و در روزنامه شاخه سبز، ۱۷ شهریور ۱۳۹۴ منتشر شده است.

- به دلیل علاقه‌ای که به درس خواندن داشتم تصمیم گرفتم در نهضت سوادآموزی ثبت نام نمایم و ادامه تحصیل بدهم.
- \* فرمودید که در ۷ سالگی نتوانستید علی‌رغم تمام علاقه‌ای که داشتید به مدرسه بروید، آن موقع چه احساسی داشتید؟
- بسیار ناراحت بودم و حسرت می‌خوردم چون بسیاری از هم‌سن و سالان خودم را به خصوص در بستگان می‌دیدم که به مدرسه می‌روند و من از این بابت حسرت می‌خوردم چون اشتیاق خاصی به مدرسه و درس خواندن داشتم، البته نه اینکه حسادت کنم این‌گونه نبود.
- \* کمی از دوران نهضت سوادآموزی بگوئید که شروع به درس خواندن نمودید؟
- ۵ سال ابتدایی را طی دو سال گذراندم و بعد از آن در مدرسه راهنمایی به صورت شبانه ثبت نام کردم و به تحصیل ادامه دادم در طی سه سال دوره راهنمایی با مشقت‌ها و مشکلات بسیاری از جمله رفت و آمد، ضعیفی چشم که متوجه نبودم و مشکلاتی از این قبیل مواجه بودم ولی همچنان با تلاش و جدیت درس را دنبال می‌کردم تا اینکه بعد از گذراندن دوره راهنمایی در دبیرستان ثبت نام کردم و اول دبیرستان را نیز خواندم ولی در دوم دبیرستان از من کارت پایان خدمت خواستند که من باید تکلیف پایان خدمتم را روشن می‌کردم تا بتوانم به تحصیل ادامه بدهم ولی چون زمان بر شد مجبور شدم دوم دبیرستان را غیرحضوری بخوانم. بالاخره بعد از سختی‌های فراوان که متحمل شدم در سال ۸۰ در رشته ریاضی فیزیک دیپلم گرفتم. و همان سال به دلیل اینکه رشته ریاضی فیزیک در قم نبود در دانشگاه آزاد در رشته علوم سیاسی شرکت کردم و در دانشگاه قبول شدم و طی سه سال مدرک لیسانس را گرفتم و در همین زمان مسئول یکی از انجمن‌های مربوط به مددجویان در قم شدم. بعد در کارشناسی ارشد نیز در همین رشته علوم سیاسی شرکت کردم و هم اکنون نیز در حال ارائه پایان نامه هستم.
- \* گفتید که طی مدت تحصیل با چالش‌ها و مشکلات بسیاری روبرو شدید، می‌شود به نمونه‌ای از آنها اشاره کنید؟
- بله، بنده به دلیل اینکه از دوپا معلول بودم و با ویلچر رفت و آمد می‌کردم با مشکلات عدیده‌ای در رفت و آمد مواجه می‌شدم. بعضی وقت‌ها در دبیرستان به دلیل طولانی بودن مسیر مدرسه تا منزل ساعت‌ها در مسیر بودم، از طرف دیگر چون کلاس‌ها که تشکیل می‌شد بیشتر باید پله را طی می‌کردم همین امر مشکلاتی را به مشکلات من می‌افزود، من گاهی مواقع برای رفتن به مدرسه و یا برگشتن به منزل در زیر باران خیس می‌شدم. در طول مسیر در مجموع مشکلات زیادی را متحمل می‌شدم ولی به فضل الهی این مشکلات نتوانست مانع تحصیل من شود.
- \* به نظرتان چه چیز سبب شد علی‌رغم همه محدودیت‌ها و مشکلات که داشتید همچنان ادامه تحصیل بدهید؟
- من از وقتی که متوجه معلولیت خود شدم همیشه به این فکر می‌کردم که باید تلاش کنم و به جایی برسم که بتوانم به افرادی که مثل بنده هستند کمک کنم و همیشه کمک و خدمت به جامعه به خصوص قشر معلول از اهدافم بود.
- \* آیا معلولیت خود را مانعی برای موفقیت و رسیدن به اهداف خود می‌دانستید؟
- نه بنده سعی کردم به خود بقبولانم که انسان در هر شرایطی اگر اراده و پشتکار داشته باشد می‌تواند موفق باشد.

- \* الآن در حال حاضر به چه کاری مشغول هستید؟
- در حال حاضر جهت خدمت به جامعه معلولان موسسه مددکاری پرتو روشن زندگی را راه اندازی کردم. هیئت متوسلین به ائمه اطهار و شرکت خدمات پرتو ایرانیان را نیز راه اندازی نمودم.
- \* فکر می کنید سواد و کسب علم تا چه حد توانسته در زندگی شما تأثیرگذار باشد؟
- کسب علم سبب رشد و ارتقاء بنده شده و اطلاعات عمومی ام نیز بالا رفته است و بنده با کسب علم و سواد آموزی به نوعی به کسانی که مثل بنده هستند و یا به کسانی که جامعه معلولان نگاه دیگری دارند توانستم ثابت کنم که اگر توکل به خداوند، اراده و پشتکار باشد همه چیز دست یافتنی و قابل کسب است.
- \* علت موفقیت خود را در چه می دانید؟
- توکل بر خدا و ائمه معصومین، دعای خیر پدر و مادر و اراده و پشتکاری که داشتم. بنده هر موقع که به مشکلی برخوردم به ائمه معصومین متوسل شدم.
- \* چه توصیه ای به بی سوادان و آنهایی که با سواد هستند دارید؟
- بنده به افراد بی سواد توصیه می کنم که در هر موقعیتی که هستند دنبال سواد بروند و به این باور برسند که می توانند. چرا که بیکار با سواد بهتر از بیکار بی سواد است و افراد با سواد نیز علم و سواد خود را از حالت شعاری به حالت عملی تبدیل نمایند.
- \* سخن پایانی؟
- بنده از مجموعه نهضت سواد آموزی که دغدغه های ریشه کن کردن بی سوادی را دارند به خاطر این اقدام تشکر می کنم.<sup>۱</sup>



۱. عباس قاسمی میمند، روزنامه شاخه سبز، ۱۷ شهریور ۱۳۹۴.

## طاهره رضاپور کویشاهی

حوزه انتخاباتی: رشت

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی حرکتی در رفتگی لگن در هردو پا

نام پدر: علی

سال تولد: ۶ فروردین ماه ۱۳۵۷

\*\*\*

طاهره به رغم معلولیت فردی کوشا و با هوش است و پس از تحصیلات متوسطه به دانشگاه راه یافت و مدارج لیسانس تا دکتری را طی کرد:

- لیسانس مهندسی کشاورزی گرایش گیاه پزشکی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت سال ۸۶
- فوق لیسانس مهندسی کشاورزی گرایش زراعت از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت سال ۹۱
- دکتری تخصصی زراعت گرایش اکولوژی گیاهان زراعی در دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان سال ۹۴
- امتحان جامع داده شد، معدل کل ریز نمرات دکتری تخصصی ۱۸/۲۵، در حال اجرای پایان نامه دکتری تخصصی در مرکز تحقیقات برنج کشور
- اثر باکتری‌های حل کننده فسفات و کود فسفره بر عملکرد لوبیای محلی گیلان، با نمره پایان نامه ۱۹/۷۵ (درجه عالی) در سال ۱۳۹۳، معدل کل ریز نمرات کارشناسی ارشد ۱۷/۷۷

### سوابق فعالیت‌ها و عضویت در سازمان‌ها

- دوره کارورزی بعد از اتمام دوره کارشناسی گیاه پزشکی در کلینیک گیاه پزشکی پدram ۶ ماه سال ۹۳
- کارشناس IPM همکاری با کلینیک گیاه پزشکی پدram وابسته به جهاد کشاورزی استان گیلان (قرارداد ۶ ماه) سال ۹۴
- کارشناس IPM همکاری با کلینیک گیاه پزشکی درمان پویش سبز وابسته به جهاد کشاورزی استان گیلان (قرارداد ۶ ماه) سال ۹۵
- همکاری با جهاد کشاورزی آستانه اشرفیه به عنوان کارشناس و مسئول گزارشات در سال ۹۶
- مدیر مسئول کلینیک گیاه پزشکی درمان پویش سبز آستانه اشرفیه در سال ۹۵
- نائب رئیس شورای کانون مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی سپاه قدس گیلان
- مسئول سازندگی و امور پیگیری طرح همگام با کشاورز در خشک بیچار و خمام ۹۶
- مربی طرح همگام با کشاورز در منطقه خشک بیچار ۹۶
- کارشناس پخش زنبور تریکوگراما مبارزه بیولوژیک علیه کرم ساقه خوار برنج در استان گیلان قرارداد دو ماه سال ۹۴/۹۵/۹۶

- همکاری با دهیار کفته رود جهت ترقی کشاورزان در مراحل کاشت داشت برداشت محصول به مدت ۶ ماه سال ۹۴/۹۵/۹۶
  - عضو نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
  - کارشناس طرح همگام با کشاورز بسیج مهندسين کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان سال ۹۴/۹۵
  - کارشناس در موسسه کاوشگران دانش بیکران
  - همکاری با دفتر فرهنگ دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در مسابقات سراسری قرآن و عترت ۲ ماه در سال ۹۲/۹۳/۹۴
  - داور و بازیکن با هیئت شطرنج استان گیلان و دارای حکم قهرمانی شطرنج در مسابقات شطرنج باشگاه خانه شطرنج
  - عضو تیم تنیس روی میز در سازمان بهزیستی و شرکت در مسابقات لیگ کشوری تنیس روی میز از سازمان بهزیستی به عنوان بازیکن در سال ۹۱ و در ورزش های یوگا، هیپنوتیزم، پرتاب نیزه، تیراندازی، شنا نیز مهارت دارم
  - همکاری با شورای هماهنگی دفاع از حقوق معلولان به مدت یک سال
  - همکاری با پروژه های دانشجویی ارشد در دانشگاه همکاری با دکتر محمدحسین انصاری
  - همکاری با پروژه های مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان همکاری با دکتر معرفت مصطفوی راد.
- مهارت های آموزشی و تخصصی**
- اخذ گواهی به مدت ۶۰ ساعت دوره آموزشی مربیگری حرفه ای PIT از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
  - اخذ گواهی به مدت ۳۰ ساعت دوره آموزشی آشنایی با طرز کار گیرنده های GPS از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
  - گواهی شرکت در کارگاه آشنایی با شیوه های تولید و چاپ مقاله های علمی در مجله های ISI به مدت ۶ ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت
  - گواهی شرکت در کارگاه اخلاق علمی و اخلاق حرفه ای به مدت ۲ ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت
  - گواهی شرکت در کارگاه اخلاق اصول و مبانی نگارش پایان نامه و انتشار مقاله های علمی به مدت ۴ ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی رشت
  - گواهینامه پایان دوره آموزش کامپیوتر از آموزشگاه نواب
  - گواهی تشخیص صلاحیت و رتبه بندی مهندسين مشاور حقیقی از سازمان مهندسی و کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
  - گواهی پروانه اشتغال از سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
  - رتبه بندی ۲ در نظام مهندسی کشاورزی
  - دارای گواهی آموزش طراحی فضای سبز
  - گواهی نامه چهارمین دوره توانمندسازی ویژه مسئولین و مدیران بسیج جامعه زنان و مسئولین اقشار

## فعالیت‌های علمی و فرهنگی

- مجله به زراعی کشاورزی، اثر برخی سویه‌های باکتری حل کننده فسفات بر عملکرد و خصوصیات زراعی مهم لوبیای محلی (*Phaseolus vulgaris* L) گیلان در مقادیر مختلف کود فسفره، ۱۳۹۳، پردیس- ابوریحان - دانشگاه تهران
- اولین همایش یافته‌های نوین در محیط زیست و اکوسیستم‌های زراعی، اثر سویه‌های باکتری سودوموناس و کود فسفره بر تجمع نیتروژن و فسفر و ماده خشک دانه و بافت-های لوبیا (*Phaseolus vulgaris* L)، ۱۳۹۳، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران
- اولین همایش یافته‌های نوین در محیط زیست و اکوسیستم‌های زراعی، اثر کودهای زیستی و شیمیایی بر عملکرد و برخی خصوصیات زراعی مهم لوبیای (*Phaseolus vulgaris* L) محلی گیلان، ۱۳۹۳، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران
- اولین همایش کشاورزی چند کارکردی، ضرورت کاربرد باکتری‌های حل کننده فسفات در راستای کاهش مصرف کودهای شیمیایی و آلاینده‌های زیست محیطی، ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی رشت
- هم‌اندیشی یک‌روزه توسعه تحقیقات زراعی و باغی گیلان، اثر متقابل نیتروژن و مقادیر گوگرد بر عملکرد دانه، پروتئین و اسیدهای چرب کلزا (*Brassica napus* L) زمستانه، ۱۳۹۳، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان گیلان
- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی شاخص‌های زراعی و عملکرد اسانس دو رقم گیاه دارویی ریحان تحت تأثیر تراکم و آرایش کاشت، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال کرج
- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، اثر متقابل منابع نیتروژن و مقادیر گوگرد بر شاخص‌های زراعی و عناصر غذایی در بذر کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج
- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی اثر کودهای ریز مغذی بر شاخص‌های زراعی ارقام کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج
- سیزدهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، اثر متقابل منابع نیتروژن و مقادیر گوگرد بر عملکرد دانه، پروتئین و اسیدهای چرب کلزای زمستانه، ۱۳۹۳، مؤسسه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر کرج
- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین‌المللی علوم زمین، Evaluation of Growth Stages and Important Agronomic Traits in Winter Rapeseed (*Brassica napus* L.) Varieties as Affected by Micronutrient Fertilizers in Arak, Iran، وزارت صنعت، معدن و تجارت
- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین‌المللی علوم زمین، The interaction effects between nitrogen sources and sulphur rates on seed quantitative and qualitative indices in winter rapeseed (*Brassica napus* L.)، وزارت صنعت، معدن و تجارت
- سی و دومین گردهمایی و نخستین کنگره تخصصی بین‌المللی علوم زمین، Evaluation of agronomic and seed qualitative traits in winter rapeseed (*Brassica napus* L.) varieties، وزارت صنعت، معدن و تجارت

- دومین کنگره بین‌المللی و چهاردهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی عملکرد دانه و ترکیب اسیدهای چرب روغن بادام زمینی در کشت مخلوط با ذرت تحت تأثیر سطوح مختلف نیتروژن varieties، ۱۳۹۵، دانشگاه گیلان

- دومین کنگره بین‌المللی و چهاردهمین کنگره ملی علوم زراعت و اصلاح نباتات ایران، ارزیابی مراحل رشد و برخی از خصوصیات فیزیولوژیک بادام زمینی و نسبت برابری در کشت مخلوط ذرت، ۱۳۹۵، دانشگاه گیلان





## کاظم رضایی

حوزه انتخاباتی: شهر تهران، ری، شمیرانات  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 کاندیدای پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران ری شمیرانات

\*\*\*

کاظم رضایی به رغم معلولیت جسمی، به دلیل خصلت‌های اخلاقی، پشتکار، ایمان و اعتقاد به موفقیت اجتماعی رسیده است. موفقیتی که شاید رسیدن به آن برای بسیاری از انسان‌های سالم و بی نقص سخت و یا غیر ممکن باشد. این موفقیت‌ها علاوه بر لطف پروردگار بی همتا، مرهون تلاش‌ها و مجاهدت‌ها، تیزهوشی، ابتکار و خلاقیت و تحصیل علم در مقاطع عالی او است. وی معتقد است معلولیت، محدودیت و محرومیت نیست و انسان‌ها متناسب با همت خویش، خود و جامعه را می‌سازند. باور دارد اگر همه چیز طبق روال همیشگی پیش برود، خود عین فاجعه است و باید با توسل به انسان‌های موفق، جامعه را به سمت موفقیت پیش برد. یادآور این حقیقت است که جامعه بزرگ و موفق را انسان‌های زیبا و قیافه‌های بزک کرده نمی‌سازند، جامعه بزرگ را اندیشه‌های بزرگ می‌سازند.

اینک مسئولیت خطیر و سنگین شورای شهر را به کسی بسپارید که همه مسئولیت‌های اجتماعی‌اش را به زیباترین شکل انجام داده و اکنون قصد دارد، تکالیفی که در قبال جامعه و شهروندان بر عهده دارد به نحو احسن ایفا نماید.

من با توجه به معلولیت جسمی، در نقطه ای از موفقیت اجتماعی قرار دارم که شاید رسیدن به این نقطه برای بسیاری از انسان‌های سالم و بی نقص سخت و یا غیر ممکن باشد. لذا کاملاً جامعه پیرامون خود را درک کرده و در جهت ارتقاء و تعالی هر چه بیشتر شهر و شهروندان عزیز و گرانقدر و ارزشمند از هر جنبه ای تلاش خواهم نمود.

♦ معلول جسمی و عضو جامعه معلولان  
 ♦ عضو انجمن کارآفرینان

کاندیدای  
 شورای شهر تهران

کاظم رضایی



### سوابق علمی و پژوهشی:

- کارشناس مترجمی زبان فرانسه و اسپانیولی
- کارشناس ارشد جامعه شناسی
- پذیرفته شده در دوره دکتری تخصصی جامعه شناسی علوم سیاسی
- مسلط به ۴ زبان زنده دنیا (فرانسه، انگلیسی، اسپانیولی، ترکی)
- کارشناس برنامه‌های تلویزیونی
- محقق و پژوهشگر در حوزه‌های اجتماعی و شهری و گردشگری
- محقق در حوزه چالش‌ها و معضلات اجتماعی معلولین

- محقق در حوزه حقوق شهروندی
- محقق در حوزه ایجاد اشتغال و کارآفرینی
- متخصص در مدیریت جهانگردی شهری و روستایی

#### سوابق اجتماعی و شغلی:

- معلول جسمی و عضو جامعه معلولان
- عضو انجمن کارآفرینان
- صاحب امتیاز و مدیریت دفتر خدمات مسافرتی و گردشگری آویژگان و مهتاب بال
- تکنسین طراحی و اجرای مکانیزه کردن سیستم‌های اداری
- مدیریت باشگاه فوتبال تیم پاس نوین با ۹ رده سنی در سطح آسیا ویزن
- مدیریت برگزاری رالی دوچرخه سواری
- برگزاری کنسرت‌های موسیقی، انجام امور فرهنگی و تهیه کنندگی برنامه‌های تلویزیونی
- انجام پروژه‌های مرمت جهت استفاده بهینه شهروندان از اماکن تاریخی در ۵ نقطه ایران (کاروانسرای شاه عباسی دامغان، کاروانسرای بزرگ میاندشت، قلعه چالستر، کاخ دزک، خانه آقائی زاده یزد).
- بازدید بیش از ۷۰ کشور دنیا و آشنایی با فرهنگ و رسوم این کشورها
- مبتکر طرح اشتغال برای بیش یک میلیون نفر
- کارشناس و مجری طرح‌های گردشگری با ۲۰ سال سابقه کار مفید در برگزاری تور در اقصاء نقاط دنیا
- مدیریت و هماهنگی بیش از ۶۰۰ هزار نفر تور، ظرف ۲۰ سال

کاظم رضایی این متن را خطاب به شهروندان و همشهری‌هایش نوشته است:  
شهروند گرامی:

- من یک جامعه شناس هستم و بر این باورم که همه ما از نا کارآمدی و عدم تخصص و سیاست زده بودن مدیران شهری رنج می‌بریم و این درد به پایان نمی‌رسد، مگر:
- اینکه مدیریت آن جامعه مبتنی بر سعی و خطا نباشد.
- که شهروندان آن به انجام کارهای صحیح و منظم و توأم با سلامتی مالی عادت کرده باشند.
- که حداقل سه و نیم درصد نرخ رشد اقتصادی داشته باشیم.
- که دستگاه‌های اجرایی آن با حقیقت مبتنی بر عقلانیت تحلیل کنند نه با تخیل.
- که شهروندان آن نگران آینده خود نباشند.
- که شأن و احترام و منزلت تولیدکننده از صاحب سمت بالاتر نباشد.
- که در آن شهروندان علاقه‌ای به داشتن سمت دولتی نداشته باشند، بلکه با فکر، همت و توانایی‌های خود زندگی کنند.
- که تکمیل پیچیده‌ترین طرح‌های عمرانی، بیش از ۳ سال به اطاله نیانجامد.
- که حداکثر هزینه‌های غذا و مسکن، ۳۵ درصد درآمد شهروندان باشد.
- که حفظ تعالی، شکوفایی وطن و کشور بر هر امر دیگری اولویت داشته باشد.

## محمود سلوکی

حوزه انتخاباتی: تهران، شهر جدید پردیس

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: کم بینا

نام پدر: مراد

تاریخ تولد: ۱ دی ماه ۱۳۶۱

تحصیلات: کارشناسی مهندسی برق قدرت، دانشگاه نوشیروانی بابل، کارشناسی ارشد مهندسی برق قدرت، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

\*\*\*

گفت‌وگویی حاضر به مدیریت روابط عمومی دفتر فرهنگ معلولین، با آقای محمود سلوکی انجام یافته است.

\* در بحث ورزش فعالیتی داشته‌اید که منجر به کسب مقام در سطح استان تهران و یا کشور شود؟  
- نه، ورزش نه در آن حد که حرفه‌ای باشد. ولی در حد نیازهای شخصی به ورزش می‌پردازم.  
\* آیا تا کنون فعالیت‌های هنری از قبیل خوانندگی، نوازندگی، نویسندگی، شعر، قصه، تئاتر داشته‌اید؟

- فقط فعالیت قرآنی داشته‌ام ولی در عرصه‌های هنری کاری نکرده‌ام.

\* فعالیت‌های قرآنی شما، در چه بخش‌هایی مثل حفظ قرآن، قرائت قرآن و تفسیر قرآن بوده است؟  
- در حفظ، مفاهیم، زبان‌آموزی کوشا بوده و فعالیت‌هایی داشته‌ام. پارسال تابستان در وزارت نیرو در کل کشور توانستم مقام برتر را بیاورم.

\* در شاخه حفظ چند جزء از قرآن را حفظ هستید؟

- در آنجا فقط مسابقات حفظ دو جزء بود و بیشتر نبود. همه کارمندهایی که می‌توانستند شرکت کنند، موظف به ارائه دو جزء بودند. البته من ده جزء حفظ بودم. ولی در عرضه سه جزء، جزء سه نفر برگزیده شدم.

\* آیا در بحث مفاهیم در مسابقه‌ای شرکت کرده‌اید که مقام آورده باشید؟

- در مسابقات همین وزارت نیرو در رشته زبان‌آموزی قرآن در سال ۱۳۹۴ مقام آوردم و دوم شدم.

\* آیا در مهارت‌های کامپیوتر ICDL، درجه یک یا درجه دو، دوره‌ای گذرانده‌اید؟

- بله همه مراحل مهارت‌آموزی کامپیوتر را فرا گرفته‌ام.

\* در فعالیت‌های فرهنگی چطور؟

- در بخش فرهنگی بسیج هم بسیج اداره و هم بسیج محل فعالیت داشته‌ام.

\* در این مجموعه فعالیت‌هایی که داشته‌اید، نیز در تحصیل کارشناسی ارشد، آیا کسی حامی شما بوده است؟

- بیشتر پشتکار خودم بوده است. من خودم الآن دارم نگاه می‌کنم واقعاً خیلی مشکلات و موانع داشته‌ام. به دلیل همین موانع هفت سال ترک تحصیل داشتم. هفت سال تحصیل را رها کردم. بعد از هفت سال در سال ۸۲ یا ۸۴ آادم پیش دانشگاهی را خواندم و کنکور هم خواندم و همان سال وارد دانشگاه شدم.

\* غیر از پشتکار، تلاش و پیگیری شخصی، آیا عوامل دیگر در زندگی شما مؤثر بوده‌اند؟  
- البته خانواده هم مهم است، ولی اراده و خواست فرد خود فرد مهم‌تر از هر عاملی است. به نظر من عواملی مثل توکل به خدا، محیط، استاد و مربی و دیگر عوامل در راستای اراده و مجاهدت‌های خود انسان باید تعریف شود. یعنی اگر این اراده و تلاش باشد، بقیه عوامل هم جواب می‌دهد ولی اگر خود انسان نخواهد، اگر دنیا هم جمع شوند و فشار بیاورند، حادثه‌ای رخ نمی‌دهد.



**مهندس  
محمودسلوکی**

فوق لیسانس مهندسی برق  
از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

عضو سازمان نظام مهندسی استان تهران

کارشناس ارشد مهندسی برق  
شرکت برق منطقه ای تهران

معلول نخه و مورد حمایت  
جامعه معلولان کشور

انجام پروژه‌های تحقیقاتی علمی و  
عملی در دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

**کاندیدای پانجمین دوره شورای اسلامی شهر پردیس**

### محسن شریفی فهلیانی

حوزه انتخاباتی: شیراز  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 نام پدر: مرحوم ناصر شریفی فهلیانی  
 تاریخ تولد: ۸ اسفند ماه ۱۳۵۵  
 تحصیلات: لیسانس مدیریت، لیسانس حقوق، فوق لیسانس حقوق خصوصی  
 لازم به توضیح است که پس از مصاحبه، ایشان به نفع کاندیدای دیگر از کاندیداتوری شورای شهر انصراف داد.

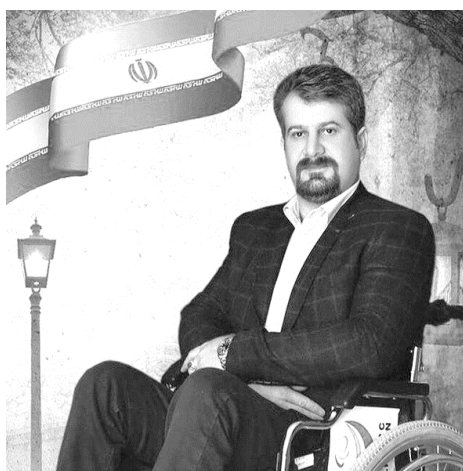
\*\*\*

محسن شریفی فهلیانی از سال ۸۰ تا ۸۵ درجه دار انتظامی پلیس فرودگاه بود و اواخر سال ۸۲ به این نتیجه رسید که باید درس خواند و از قافله عقب نیفتاد و شروع کرد به درس خواندن و کنکور دانشگاه آزاد شرکت کرد. همان سال یعنی سال ۸۴ شروع به تحصیل در مقطع لیسانس مدیریت دولتی کرد و هنوز این تحصیل تمام نشده بود علاقه مند به حقوق شد و دوباره در کنکور شرکت کرد و مهر سال ۸۷ ترم آخر کارشناسی مدیریت بود و هم دانشجوی کارشناسی حقوق که یک ترم مرخصی گرفته، و بهمن ماه ۸۷ لیسانس مدیریت را گرفت و سر کلاس حقوق نشست، اواسط این دوره یعنی زمستان ۸۹ در مسیر دانشگاه دچار سانحه شد و به معلولین پیوست، بعد از دو ترم مرخصی دوباره ادامه داد و در کنکور ارشد ۹۲ هم شرکت کرد و مهر ماه ۹۲ فارغ التحصیل کارشناسی حقوق شد و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، سال ۹۳ وارد شهرداری شیراز شد و الآن در پست کارشناس حقوقی فعالیت می کند.

#### مصاحبه

\* در زمینه معلولین سمت خاصی داشتید؟  
 - نزدیک یک سال هست که عضو هیئت امنای انجمن ضایعات نخاعی شیراز هستم.  
 \* در زمینه های ورزشی هنری یا موارد دیگر فعالیت دارید؟  
 - تیرانداز تپانچه هستم و در تیم تیراندازی جانبازان و معلولین فارس، البته اوایل برای تفریح بود چون علیرغم علاقه ام فرصتی نصیبم نشد تا بعد از معلولیت که برای سرگرمی شروع به این ورزش نمودم و سال گذشته تصمیم گرفتم فعالیتیم را حرفه ای کنم و توانستن عضو تیم فارس بشوم و به همراه دو تن دیگر از دوستان در رشته تیراندازی تپانچه مقام اول تیمی قهرمانی کشور را به دست بیاوریم و به همراه بقیه اعضای تیم که شامل تفنگ و تپانچه می شد کاپ قهرمانی کشور را هم به دست آوردیم.

من لر هستم و زاده شهرستان ممسنی و روستای فهلیان. در ضمن دو فرزند به نام های آقا آرمین و خانم فاطمه دارم ۱۴ و ۱۲ ساله.



## عباس شیری

حوزه انتخاباتی: ایلام  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 نام پدر: نصراله  
 تاریخ تولد: ۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۱  
 تحصیلات: کارشناسی مدیریت بازرگانی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی

\*\*\*

عباس شیری متولد ۱۳۵۱ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی مدیریت بازرگانی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی و بیش از سه دهه سابقه کار اجرایی، اداری و اجتماعی و عام المنفعه، همراه و همگام در معیت معتمدین و بزرگان شهر ایلام دارد.

## مسئولیت‌ها

- ۱- عضو هیئت رئیسه (تمام دوره چهارم) و رئیس شورای اسلامی شهر ایلام (هم اکنون)
- ۲- مؤسس و مدیرعامل مؤسسه خیریه بقیه الله (عج) ایلام از سال ۱۳۸۴ تا کنون (بزرگ‌ترین مرکز خیریه مردمی استان ایلام - حمایت از ایتام و فقرا و نیازمندان)
- ۳- عضو شورای اجرایی و هیئت مدیره جمعیت هلال احمر استان در دو دوره با رأی اعضاء جمعیت
- ۴- عضو انجمن حمایت از زندانیان
- ۵- عضو هیئت رئیسه ورزش‌های همگانی
- ۶- عضو جامعه خدوم بانکی کشور (کارمند بانک صادرات ایلام)
- ۷- اخذ هفتاد لوح تقدیر و سپاس از مسئولین عالی رتبه کشوری و استانی در عرصه‌های مختلف خدمت‌رسانی (دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریت شهری)
- ۸- مسئول هیئت امنای مسجد خاتم الانبیاء
- ۹- بیش از دو دهه عضو هیئت اجرایی ستاد انتخابات فرمانداری

## پیشرفت‌ها

- در رشته‌های مداحی، اذان و قرائت قرآن موفقیت‌هایی داشته است.
- در زمینه حفظ و مفاهیم قرآن مقام دوم را در سال‌های ۶۵ و ۶۶ به دست آورد.
- در سال ۶۶ در حفظ نهج البلاغه اول شد.
- در مسابقات بهزیستی در سال ۹۲ رشته ترتیل و اذان اول شد.
- در قصه نویسی سوم شد.



## علی صابری

حوزه انتخاباتی: تهران  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: نابینا  
 تاریخ تولد: پنجم تیر ماه سال ۱۳۵۲ در محله ۱۳ آبان تهران  
 تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و دانشجوی دکترای حقوق در دانشگاه هاروارد  
 مشغول به شغل وکالت و دارای دفتر وکالت در تهران  
 از کاندیداتوری این دوره انصراف دادند.

\*\*\*

علی صابری سیاستمدار اصلاح طلب، عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و عضو روشندل چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران است.  
 وی فعالیت‌های پیگیری نیز در زمینه حقوق معلولان دارد که عضویت در کمیته علمی مؤسسه استثنایی عصای سفید، عضویت در کمیته ۵ نفره تدوین پیش‌نویس قانون جامع حمایت از حقوق معلولین، عضویت در کمیته پیگیری و بهینه‌سازی قانون جامع حمایت از حقوق معلولین در سازمان بهزیستی، ریاست هیئت مدیره شبکه تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان کشور از آن جمله است.  
 صابری که از سال ۱۳۸۹ عضو شورای نخبگان حقوقی شهرداری تهران است در دوره چهارم انتخابات شورای شهر تهران به عنوان عضو علی‌البدل از فهرست اصلاح طلبان انتخاب شد. پس از انتصاب مسعود سلطانی‌فر به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی علی صابری جایگزین وی شد و به شورای شهر راه یافت.

### سوابق تحصیلی

- آغاز تحصیلات ابتدایی سال ۱۳۵۹، مدرسه شیخ محمد خیابانی (حضرت عبدالعظیم کنونی) شهرری، پایان دوره متوسطه سال ۱۳۶۹ مدرسه نابینایان شهید محبی.
- آغاز دوره کارشناسی حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه تهران با کسب رتبه دوم کنکور سراسری ۱۳۶۹.
- دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران سال ۱۳۷۳. موضوع پایان نامه: مسئولیت مدنی کارفرما در برابر اشخاص ثالث
- ورود به دوره دکترای حقوق خصوصی سال ۱۳۷۷ دانشگاه تهران. موضوع پایان نامه: مسئولیت مدنی کارفرما در برابر کارگر
- دانشجوی دکترای حقوق در دانشگاه هاروارد

### سوابق حرفه‌ای

- آغاز کارآموزی وکالت در کانون وکلای دادگستری مرکز سال ۱۳۷۸.
- اخذ پروانه وکالت پایه یک دادگستری ۹ آبان سال ۱۳۸۰ با رتبه ممتاز در آزمون اختبار.



- به عهده گرفتن وکالت پرونده خون‌های آلوده موسوم به هموفیلی‌ها از سال ۱۳۸۱ که تاکنون نیز ادامه دارد. در این پرونده از بالغ بر دو هزار نفر احقاق حق شده است و هزار نفر دیگر پرونده مفتوح دارند.

- برگزیده شدن به عنوان عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز اسفند ۱۳۹۰.

### فعالیت‌های علمی

- عضویت در کمیته علمی مؤسسه استثنایی عصای سفید که طرف مشورت یونسکو در خصوص معلولین در ایران است از سال ۱۳۷۷ تا سال ۱۳۸۰.

- شرکت در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر و معلولیت در سوئد ۲۰۰۶ میلادی و آخرین ویرایش کنوانسیون پیش‌گفته و اخذ گواهی‌نامه مربوطه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ و تلاش در جهت پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون که ظرف دو سال این امر به وقوع پیوست.

- شرکت در دوره‌های برگزار شده آموزش حقوق بشر برگزار شده در کانون وکلای دادگستری مرکز با همکاری یونسکو در سال ۱۳۸۶.

- همکاری با کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی به ویژه درباره حقوق معلولین از سال ۹۱ تاکنون.

- سخنرانی در نخستین همایش نقد قانون جامع حمایت از حقوق معلولین برگزار شده توسط انجمن دانشجویان و دانش‌آموختگان نابینا ۱۳۸۳ تهران.

- شرکت در میزگرد تخصصی حقوق معلولین برگزار شده توسط مؤسسه پژوهش‌های حقوقی شهر دانش اسفند، ۱۳۹۱.

- سخنرانی درباره حقوق شهروندی و مسئولیت مدنی با رویکرد به پرونده هموفیلی‌ها در دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دانشگاه اصفهان، جامعه اسلامی وکلای اصفهان و... از سال ۱۳۸۵ تاکنون.

- سخنرانی درباره حقوق شهروندی و خسارت معنوی اسفند ۱۳۹۰ مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران.

### فعالیت‌های اجتماعی

- فعالیت درباره پیشبرد حقوق معلولین از ۱۷ سالگی و همزمان با ورود به دانشگاه.

- عضویت در کمیته ۵ نفره تدوین پیش‌نویس قانون جامع حمایت از حقوق معلولین (به عنوان مشاور حقوقی) از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۳ (زمان تصویب قانون).

- پس از تصویب قانون جامع در سال ۱۳۸۳ سخنرانی درباره ویژگی‌های این قانون در دانشگاه‌های تبریز و شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۵ و مؤسسه شب چراغ شیراز سال ۱۳۸۶.

- همکاری با کمیسیون حقوق بشر اسلامی در زمینه حقوق معلولین و سخنرانی در شهرستان ساری سال ۱۳۸۶.

- عضویت در کمیته پیگیری و بهینه‌سازی قانون جامع حمایت از حقوق معلولین در سازمان بهزیستی کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون

- عضویت در کمیته راهبردی پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق انسانی افراد دارای معلولیت متشکله در سازمان‌های مردم‌نهاد از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷.
- برگزیده شدن به عنوان رئیس هیئت مدیره شبکه تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان کشور مهرماه ۱۳۹۱.
- عضویت در شورای نخبگان حقوقی شهرداری تهران از سال ۱۳۸۹ تاکنون.
- همکاری با خانه‌های سلامت و سرای محلات و فعالیت در راه‌اندازی بخش‌های معلولین به ویژه در منطقه ۱ شهرداری از سال ۱۳۸۹ تاکنون.
- چند دوره تدریس حقوق کودک حقوق بشر و معلولین و حقوق شهروندی به کارکنان بهزیستی استان تهران و نیز یک دوره تدریس کشوری از سال ۱۳۸۱ تاکنون.
- عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد معلولین مانند مؤسسه استثنایی عصای سفید، انجمن نابینایان ایران، انجمن باور، انجمن دفاع از حقوق معلولین و... از سال ۱۳۶۹ تاکنون.



## حیدر صدقعلی

حوزه انتخاباتی:

نوع انتخاب:

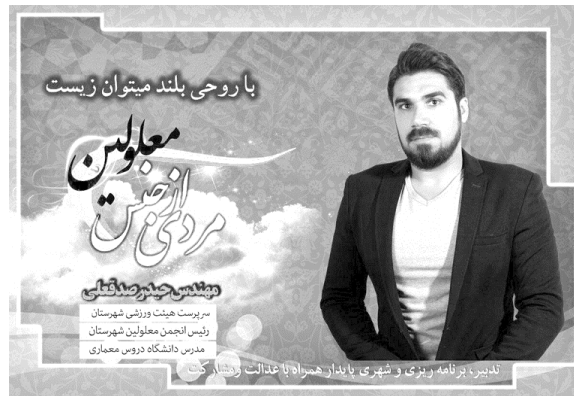
نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

تحصیلات:

سرپرست هیئت ورزشی شهرستان

رئیس انجمن معلولین شهرستان

مدرس دانشگاه دروس معماری



## محمد طهماسبی

حوزه انتخاباتی: مراغه  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 نام پدر: محمدباقر  
 تاریخ تولد: ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۷  
 تحصیلات: کارشناسی ارشد مدیریت دولتی

\*\*\*

مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۷، محمد طهماسبی در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان مراغه دیده به جهان گشود. در شانزده سالگی یعنی در سال ۱۳۷۳ به علت بیماری پای راست خود را از دست داد و معلول شد. اما این رخداد سرنوشت‌ساز در زندگی او تعیین کننده نبوده است. او به واسطه تعهد و صداقت در سال ۱۳۷۹ جذب دانشگاه پیام نور گردید. علاقه ذاتی ایشان در خدمت به هم‌نوعان و فعالیت‌های اجتماعی موجب گردید قبل از حصول مدارج عالی تحصیلی در سال ۱۳۸۲ به عنوان عضو هیئت مدیره جامعه معلولین شهرستان مراغه منصوب و پس از اخذ کارشناس حسابداری در سال ۱۳۸۳ و با عزم نهادینه موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی در سال ۱۳۹۳ گردید.

سوابق خدمتی، مردمداری و تلاش مستمر در مناسب‌سازی کهن شهر مراغه برای تمامی اقشار به خصوص قشر سالخوردگان، معلولین، ناشنویان و روشندان عزیز که به نوعی مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند به همراه عشق به توسعه شهری موجب گردیده تا به عنوان فردی متعهد، موفق، پرتلاش، خستگی ناپذیر و مهم‌تر اینکه انسانی محبوب و خوش آئینه در اذهان عمومی تجلی نماید. ایشان هم اکنون با ۱۶ سال سابقه اجرایی و مدیریتی ضمن داشتن مسئولیت امور مالی دانشگاه پیام نور شهرستان مراغه، به عنوان خادم قشر محروم از سال ۱۳۹۳ ریاست هیئت مدیر جامعه معلولین مراغه را نیز بر عهده دارد.



### بزرگانی محمد طهماسبی

مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در خانواده‌ای مذهبی در شهرستان مراغه دیده به جهان گشود و بواسطه تعهد و صداقت در سال ۱۳۷۹ با مدرک کارشناسی حسابداری جذب دانشگاه پیام نور مراغه گردید. قبل از حصول مدارج عالی تحصیلی در سال ۱۳۸۲ بعنوان عضو هیئت مدیره جامعه معلولین شهرستان مراغه منصوب و پس از اخذ کارشناسی حسابداری در سال ۱۳۸۳ و با عزم نهادینه در سال ۱۳۹۳ موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مدیریت دولتی گردید. ایشان هم اکنون با ۱۶ سال خدمت صادقانه و ساینه اجرایی و مدیریتی ضمن داشتن مسئولیت بعنوان خادم قشر محروم از سال ۱۳۹۳ ریاست هیئت مدیره جامعه معلولین مراغه را نیز بر عهده دارد.

## مرادحسین طهماسبی الفت آبادی

حوزه انتخاباتی: شهرستان نورآباد دلفان لرستان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

نام پدر: کاکامراد

تاریخ تولد: ۲ شهریور ماه ۱۳۵۷

تحصیلات: کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

\*\*\*

روابط عمومی دفتر فرهنگ معلولین با آقای مرادحسین طهماسبی مصاحبه‌ای انجام داده که

تقدیم می‌گردد:

\* آیا شما مشغول به فعالیت اقتصادی هستید؟ آیا در شغل خاصی شاغل هستید؟

\* آیا در حوزه ورزش فعالیتی داشته‌اید که مقامی آورده باشید؟

- در رشته‌های ورزشی ورود نداشته‌ام.

\* آیا فعالیت هنری داشته‌اید؟

- هنری هم نداشته‌ام.

\* آیا در زمینه‌های قرآنی مثل، حفظ و قرائت قرآن فعالیت و

مهارت‌آموزی داشته‌اید؟

- روخوانی قرآن داشته‌ام ولی مقامی کسب نکرده‌ام.

\* آیا مهارت‌های کامپیوتر را فرا گرفته‌اید؟

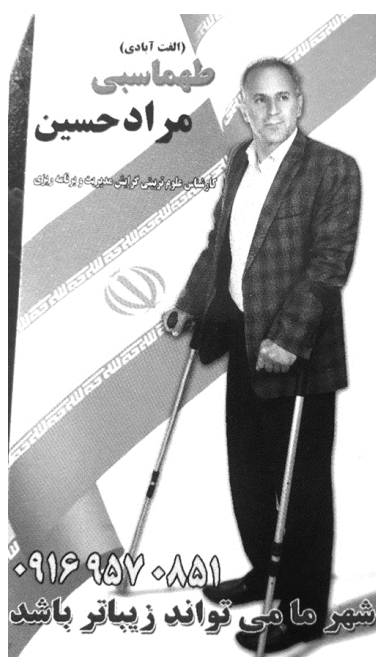
- فقط در حد IT و مقدمات بوده است.

\* بهر حال در لرستان متولد شده و در نورآباد فعالیت‌هایی

داشته‌اید، و برای شورای شهر کاندیدا شده‌اید چه کسانی

بیشتر حامی شما بوده‌اند؟

- با حمایت مردم آمده‌ام و ادامه می‌دهم.



## اصغر عباسی

حوزه انتخاباتی: شهرستان فریدونکنار، استان مازندران  
 نوع انتخاب: شورای روستای بزرگ بیشه محله  
 نوع معلولیت: جسمی حرکتی شدید  
 نام پدر: مسیب  
 تاریخ تولد: ۱۰ خرداد ماه ۱۳۵۳  
 تحصیلات: کاردانی علوم آزمایشگاهی، دانشگاه دولتی علوم پزشکی بابل

\*\*\*

این مصاحبه توسط روابط عمومی دفتر فرهنگ معلولین درباره زندگی آقای عباسی انجام شده است:

- \* الان شما جایی شاغل هستید در رابطه با رشته تحصیلی تان یا غیر مرتبط؟  
 - در رابطه رشته ام نه، ولی خوب شغلم آزاد است و سوپرمارکت دارم.
- \* در فعالیت های ورزشی حالا یا در سطح مدیریت و یا در سطح مسابقات اینها با تیم جایی شرکت کرده باشید مقامی آورده باشید در رشته خاصی چه در سطح استان و چه در سطح کشور فعالیتی داشته اید؟  
 - من هشت سال است که والیبال نشسته کار می کنم. پارسال هم در لیگ دسته یک کشوری بودیم. بعد خودم هم رئیس هیئت ورزشی جانبازان و معلولین شهرستان فریدونکنار هم هستم.  
 \* هشت سال است که با تیم والیبال نشسته هستید آیا مقامی آورده اید در سطح کشور به ما بگویید با تیم والیبال نشسته فریدونکنار؟  
 - فعلاً نه مقام نیاورده ایم. فقط در لیگ یک کشوری شرکت کرده ایم.
- \* چند سال است که رئیس هیئت ورزشی هستید؟  
 - من از مردادماه ۱۳۹۵ رئیس هیئت ورزشی هستم.
- \* در حوزه های مختلف، نویسندگی، خوانندگی، موسیقی، نقاشی چه فعالیت های هنری دارید؟  
 - نه هیچکدام از این برنامه ها را ندارم.
- \* کلاً فعالیت هنری ندارید؟  
 - نه. ورزشی دارم ولی هنری ندارم.
- \* فعالیت های قرآنی چطور قرائت قرآن حفظ قرآن تفسیر قرآن؟  
 - چنین فعالیت هایی نداشته ام.
- \* فعالیت های کامپیوتری چطور ICDL در چه یک در چه دو فتوشاپ برنامه نویسی اینها چطور؟  
 - در زمینه فتوشاپ و اینترنت چرا.
- \* مدارکش را دارید؟  
 - نه مدارکش را ندارم، ولی خوب بلد هستیم، وارد هستیم.

\* در این مجموعه فعالیت‌هایی که داشته‌اید چه کسی بیشتر مشوق شما بوده که توانسته‌اید الان کاندیدا بشوید و فعالیت‌های ورزشی و درستان اینها؟  
- مشوق به اصطلاح من زیاد نداشتم ولی خوب مادرم خدایا مرز خیلی کمکم می‌کرد.



## علی اصغر عین القضاة

حوزه انتخاباتی: تهران  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 نام پدر: حسین  
 تاریخ تولد: ۱۳۴۱ تهران  
 تحصیلات: لیسانس حقوق - فوق لیسانس حقوق عمومی - قبول علمی مقطع دکتری  
 از کاندیداتوری انصراف دادند.

\*\*\*

علی اصغر عین القضاة ویلچرنشین است ولی در عرصه امور اجتماعی و مدنی معلولین تهران همواره کوشا بوده است. فهرست اهمّ فعالیت‌های او به شرح زیر است.

### سوابق اجتماعی - فرهنگی

- مشاور معاونت اداری مالی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
- تألیف کتاب امام علی (ع)، عقلانیت و حکومت - چاپ بیست و پنجم
- خبرنگار روزنامه انتخاب (دفتر تبلیغات حوزه علمیه) با بیش از یک‌صد و ده مقاله اجتماعی و فرهنگی
- مدیر مسئول نشریه پویا ویژه توان یابان
- مشاور فرهنگی و اطلاع‌رسانی مدیرعامل سازمان حمل و نقل و ترافیک

### سوابق اجرایی و سیاسی

- عضو شورای مشورتی شهردار تهران در امور توان یابان (معلولین) و شهر دسترس‌پذیر
- عضو شورای راهبردی امور معلولین شهرداری تهران
- قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان شمیرانات
- فعال مدنی و زندانی سیاسی مسلمان قبل از انقلاب اسلامی (آزاده سیاسی و جانباز)
- افتخار حضور داوطلبانه در جبهه‌های دفاع مقدس
- فرمانده عملیات و گردان دریایی کمیته انقلاب اسلامی بندرعباس
- رئیس اداره طرح و برنامه گمرکات استان خراسان و رئیس گمرک مرزی
- نماینده تام‌الاختیار اداره صدور آرم طرح ترافیک شهرداری تهران
- عضو کمیته فرهنگی، آموزش و بازنگری قوانین و نظارت بر شورای حمل و نقل و ترافیک شهر تهران
- مشاور گزینشی شهرداری تهران



کاندیدای مورد ائتلاف انجمن‌های فعال در حوزه معلولین برای پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران - ۱۳۹۶



کاندیدای مورد ائتلاف انجمن‌های فعال در حوزه معلولین  
برای پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تهران ۱۳۹۶

## طی اشتر صبح القنات

متولد ۱۳۴۱ - تهران

سوابق تحصیلی:

- لیسانس حقوق - فوق لیسانس حقوق عمومی قبول - علمی مقطع دکتری

سوابق اجتماعی - فرهنگی:

- مشاور معاونت اداری مالی نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها
- مدیرمسئول نشریه پوشش ویژه توان یابان
- مشاور فرهنگی و اطلاع رسانی مدیرعامل سازمان حمل و نقل و ترافیک
- تألیف کتاب امام علی (ع)، عقلانیت و حکومت - چاپ بیست و پنجم
- خبرنگار روزنامه انتخاب (دفتر تبلیغات حوزه علمیه) با بیش از یکصد و ده مقاله اجتماعی و فرهنگی

سوابق اجرایی و سیاسی:

- عضو شورای مشورتی شهردار تهران در امور توان یابان (معلولین) و نهر دسترسی پذیر
- عضو شورای راهبردی امور معلولین شهرداری تهران
- قائم مقام بنیاد مستضعفان و جانبازان شمیرانات
- فعال مدنی و زندانی سیاسی مسلمان قبل از انقلاب اسلامی (آزاده سیاسی و جانباز)
- افتخار حضور داوطلبانه در جبهه های دفاع مقدس
- فرمانده عملیات و گردان دریایی کمیته انقلاب اسلامی بندرعباس
- رئیس اداره طرح و برنامه گمرکات استان خراسان و رئیس گمرک موزی
- نماینده تام الاختیار اداره صدور آرم طرح ترافیک شهرداری تهران
- عضو کمیته فرهنگی، آموزش و بازنگری قوانین و نظارت بر شورای حمل و نقل و ترافیک شهر تهران
- مشاور گزینشی شهرداری تهران

## مهدی قنبری موحد

حوزه انتخاباتی: زنجان  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 تاریخ تولد: ۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۱  
 تحصیلات: فوق لیسانس مدیریت تحول  
 وب سایت: [www.mghmovahed.blogfa.com](http://www.mghmovahed.blogfa.com)

\*\*\*

مهدی قنبری موحد از معلولان فعال زنجان است؛ به رغم معلولیت جسمی، فعالیت‌های گسترده مدنی برای معلولان از اقشار مختلف داشته که بعضی از مهم‌ترین آنها معرفی می‌شود.

### سوابق تحصیلی

- ۱- دیپلم ریاضی فیزیک
- ۲- لیسانس حسابداری
- ۳- فوق لیسانس مدیریت تحول
- ۴- دارای مدرک آموزشی مدیران از وزارت تعاون و کار

### سوابق اجرایی

- ۱- مدیرعامل جامعه معلولین استان زنجان
- ۲- رئیس هیئت مدیره جامعه معلولین استان زنجان
- ۳- عضو مجمع خیرین سلامت استان زنجان
- ۴- عضو توانبخشی شهرستان زنجان توسط فرماندار محترم ۵
- ۵- فرمانده پایگاه بسیج جعفر طیار استان زنجان
- ۶- عضو هیئت مدیره سهام عدالت استان زنجان
- ۷- عضو هیئت بازرس سهام عدالت استان زنجان به مدت دو دوره مالی
- ۸- مشاور مدیرکل بهزیستی استان زنجان
- ۹- مشاور شورای شهر زنجان
- ۱۰- عضو هیئت رئیسه مجمع هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد معلولین کشور
- ۱۱- عضو هیئت مؤسس شرکت تعاونی سهام عدالت استان زنجان و جامعه معلولین استان زنجان
- ۱۲- عضو شورای مرکزی جامعه اسلامی کارگران استان زنجان
- ۱۳- مشاور اجتماعی دکتر فریدون احمدی

### سوابق پژوهشی

ارائه پایان‌نامه با موضوع: تأثیر عدالت سازمانی، جو اخلاقی و طراحی مشاغل بر درک فشارهای عصبی ناشی از کار بین کارکنان شهرداری زنجان



مهندس  
همدی  
قشری  
محمد

سوابق اجرایی:

- ۱- مدیر عامل جامعه معلولین استان زنجان
- ۲- رئیس هیأت مدیره جامعه معلولین استان زنجان
- ۳- عضو مجمع خیرین سلامت استان زنجان
- ۴- عضو توانبخشی شهرستان زنجان توسط فرماندار محترم
- ۵- فرمانده پایگاه بسیج جعفر طبّار استان زنجان

## حسین کاردان

حوزه انتخاباتی: شهر ری  
نوع انتخاب: شورای شهر  
نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
تحصیلات: کارشناس ارشد نظارت بر طرح‌های ملی کشور

\*\*\*

### فعالیت‌ها

نایب رئیس هیئت مدیره انجمن قاصدان مهر زندگی  
فعال حقوق معلولین و کودکان اتیسم



## علی کیانی

حوزه انتخاباتی: نهاوند همدان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: نابینای مطلق

تاریخ تولد: ۲ مردادماه ۱۳۵۵

محل تولد: شهرستان نهاوند همدان

تحصیلات: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

\*\*\*

علی کیانی پس از تحصیلات متوسطه به دانشگاه راه یافت و در رشته حقوق مشغول شد. آنگاه کارشناسی حقوق خود را در سال ۱۳۸۱ از دانشگاه بوعلی سینا همدان دریافت کرد. سپس کارشناسی ارشد خود را در رشته حقوق خصوصی از دانشگاه آزاد دماوند گرفت. اما فعالیت‌ها و تلاش‌های فردی و اجتماعی او اینگونه است:

### توانمندی و مهارت‌ها در بخش دولتی

- ۱- کارشناس روابط کار
  - ۲- بازرسی تحقیق اداره کار
  - ۳- نماینده دولت در مراجع حل اختلاف اداره کار
  - ۴- نماینده اداره کار در دادگستری دیوان عدالت اداری و شوراهای تخصصی دیوان عدالت اداری
  - ۵- مشاور کارگر و کارفرما در اداره کار
  - ۶- مدرس قانون کار و تأمین اجتماعی وابسته به جهاد دانشگاهی (دانشگاه الزهرا(س))- تربیت معلم کرج و...
  - ۷- مدرس قانون کار و تأمین اجتماعی جهت مددجویان کمیته امداد شهرستان شهریار- شرکت‌های خدماتی کرج و...
  - ۸- دبیر آموزش پرورش استثنایی
  - ۹- مدرس قرآن در مدارس دولتی شهرستان نهاوند
  - ۱۰- کسب رتبه دوم مسابقات نهج البلاغه دانش‌آموزان کشوری
  - ۱۱- کسب عنوان جوان فرهنگی نمونه استان همدان
  - ۱۲- کسب عنوان برترین دانش‌آموز استثنایی کشور
  - ۱۳- گذراندن بیش از سیصد ساعت کلاس بدو ضمن خدمت در راستای قانون کار تأمین اجتماعی
  - ۱۴- مدرس کلاس‌های کارآفرینی
- مهارت‌ها در بخش خصوصی**
- ۱- وکیل پایه یک دادگستری

- ۲- وکالت در بیش از هفتصد پرونده در دادگستری - دیوان عالی کشور - دیوان عدالت اداری و ...
- ۳- وکالت در بیش از دویست پرونده در ارتباط با قانون کار و تأمین اجتماعی و کسب موفقیت در بیش از ۹۰ درصد پرونده های مذکور
- ۴- نماینده منتخب بیمه خدمات درمانی در شهرستان ملارد
- ۵- مشاور شرکت های وزان - ارس فولاد - داروسازی فارما گستر و ...
- ۶- آشنایی کامل با قوانین تلفن های همراه (همراه اول، ایرانسل، رایتل)
- ۷- مدیرعامل شرکت عرفان ارتباط کیانی (زمینه فعالیت: امور خدماتی)
- ۸- مدیر مرکز مشاوره شغلی و کاریابی غیردولتی ولیعصر
- ۹- مدیر دفتر پیشخوان دولت
- ۱۰- خدمت در عرصه جامعه هدف سازمان بهزیستی در امر اشتغال
- ۱۱- نماینده کمیته امداد در شهرداری در امور مشاوره، اشتغال، وام و ...

## محمدحسین معین

حوزه انتخاباتی: مشهد  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی، شدید  
 نام پدر: ابراهیم  
 تاریخ تولد: ۲۰ خرداد ماه ۱۳۶۴  
 تحصیلات: کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد قاینات، کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد نیشابور

\*\*\*

- این مصاحبه توسط روابط عمومی دفتر فرهنگ معلولین انجام شده است:
- \* تاکنون چند دوره برای شورای شهر کاندیدا شده‌اید؟  
 - همین دوره اولین دوره است.
- \* نتیجه چه شد، رأی آوردید؟  
 - خیر، رأی نیاوردم، ۲۲۱۰ رأی آوردم و در شهر مشهد نفر ۲۸۵ شدم در بین ۸۵۰ نفر. با ۵ درصد تبلیغات نسبت به بقیه این رأی را آوردم. به قاطعیت می‌گویم زیر ۵ درصد.
- \* در حوزه فعالیت‌های فرهنگی فعالیت دیگری داشته‌اید؟  
 - جمع‌آوری خاطرات جانبازان و معلولین ورزشکار، و ارائه آن به دفتر معاونت فرهنگی شهرداری مشهد.
- \* خوب این به صورت کتاب درآمده جزوه درآمده؟  
 - جزوه بوده، قرار بوده آنها به صورت کتاب دربیابورند. چون ما منبع مالی به آن صورت نداریم که این را کتابش بکنیم.
- \* در حوزه ورزش چه فعالیتی داشته‌اید؟  
 - کوه‌نوردی و زنه‌برداری، در رشته کوه‌نوردی شش قله را تا کنون صعود کرده‌ام: سبلان، دماوند، شیرکوه یزد، تفتان، دو مرتبه بینالود یکبار با گروه و یکبار هم سراسری، قله {کمند} که در مشهد هست.
- \* در رشته وزنه‌برداری چطور؟  
 - وزنه‌برداری مقام سوم استانی اسفند ماه ۹۵.
- \* در حوزه فعالیت‌های هنری مثلاً شعر، قصه، نقاشی، موسیقی فعالیتی داشتید؟  
 - سال ۸۴ از طریق توانیابان یک دوره موسیقی در رشته آرگ گذراندم.
- \* در جایی اجرای گروه نوازی تک‌نوازی کنسرتی نداشته‌اید؟  
 - به صورت مستقل نه. ولی به صورت گروهی چند جا داشته‌ایم. هم عضو گروه توان‌شیخ معلولین بودیم، آقای محمدی استادمان بودند که الان قاری قرآن بین‌المللی هستند. بعد به صورت گروه

سرود باز هم از طریق همان توانیابان برنامه‌هایی داشتیم. همان سال ۸۳-۸۴ یک مقدار سرمان خلوت بود فعالیت داشتیم.

\* آیا در رشته کامپیوتر، دوره‌های مختلف مهارت‌آموزی گذرانده‌اید؟

- بله، کامپیوتر را دوره اولش را و ICDL درجه دو و درجه یک را گذرانده‌ام.

\* در مجموعه فعالیت‌هایی که داشته‌اید، چه کسی بیشتر مشوق شما بوده، مخصوصاً دوره تحصیلتان را که تا دوره کارشناسی ارشد پیش رفته‌اید؟

- برای تحصیل برادرم بیشتر مشوقم بودند. نامش جواد است.

\* آیا در حوزه‌های دیگر هم فعالیت داشته‌اید؟

- در حوزه ورزش کوه‌نوردی مربی مان آقای علی اصغر میری. در ورزش وزنه‌برداری آقای سید

مجتبی حسینی. در قسمت فرهنگی خودم علاقه داشتم که فعالیت کنم

البته خودم یک NGO فرهنگی ورزشی دارم تشکیل می‌دهم به نام {سبز کوشان} ولی هنوز کارهای ثبت و شناسه ملی‌اش انجام نشده است.





## قدرت الله ممبینی

حوزه انتخاباتی: رامهرمز  
 نوع انتخاب: شورای شهر  
 نوع معلولیت: جسمی - حرکتی  
 تاریخ تولد: ۱ مردادماه ۱۳۵۸  
 تحصیلات: کارشناسی ارشد علوم اجتماعی شاخه جمعیت شناسی  
 (از کاندیداتوری انصراف داده است)

\*\*\*

قدرت الله ممبینی جوان فعالی است و به رغم معلولیت، فعالیت گسترده در عرصه معلولین داشته است. بخشی از فعالیت‌ها و تحصیلات او ذیلاً گزارش می‌شود:

### تحصیلات

- کارشناس برنامه‌ریزی شهری
- (ارائه پایان نامه طرح بهسازی و نوسازی شهر رامهرمز)
- کارشناسی ارشد علوم اجتماعی شاخه جمعیت شناسی
- گواهینامه بازار و اوراق بهادار از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان
- گواهینامه بازار بورس و بازار سرمایه از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان
- گواهینامه مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی از مجتمع عالی آموزشی و پژوهشی صنعت آب و برق خوزستان

### سوابق کاری

- رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی سهام عدالت شهرستان‌های رامهرمز و هفتکل از سال ۱۳۸۵ تاکنون.
- عضو اصلی هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری استان خوزستان.
- عضو اصلی هیئت مدیره اتحادیه تعاونی‌های سهام عدالت استان خوزستان.
- رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی و کارفرمایی توانبخشی مبتنی بر جامعه (CBR) استان خوزستان.
- عضو اصلی هیئت مدیره و خزانه‌دار انجمن کشوری توانبخشی مبتنی بر جامعه.
- مدیر مؤسسه خیریه کوشا جنوب رامهرمز با ۳۷۰ معلول تحت پوشش.

### مجری طرح‌های

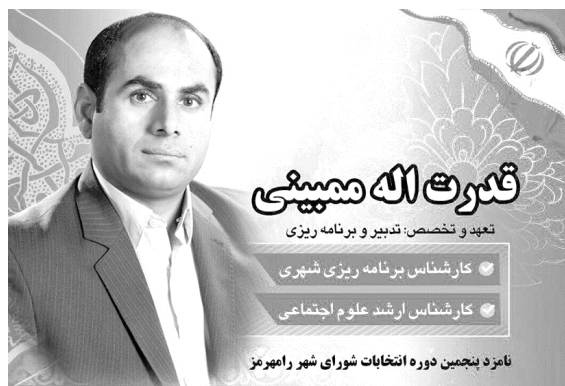
۱. طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه در شهر و روستا.
۲. اجرای طرح ساماندهی سالمندان.

۳. اجرای طرح مناسب‌سازی اماکن عمومی و اداری.
۴. اجرای طرح پیشگیری از تنبلی چشم.
۵. اجرای طرح‌های اجتماع محور.
۶. همکاری در اجرای طرح کمیسیون پزشکی.
- ✓ مدیر دفتر پیشخوان خدمات دولت واقع در خیابان امام نرسیده به میدان شهید ادهم.
- ✓ مؤسس و مدیرعامل تعاونی مسکن معلولین در قالب مسکن مهر با عضویت ۹۴ نفر.
- ✓ کارشناس و نماینده بهزیستی در اجرای طرح مناسب‌سازی اماکن عمومی و اداری ویژه جانبازان و معلولین در شهرستان.

#### عضویت در ستادهای

- سهام عدالت شهرستان
  - طرح CBR در شهر و روستاها
  - مناسب‌سازی اماکن عمومی اداری
  - ساماندهی بازنشستگان و سالمندان
  - ❖ رئیس هیئت مدیره و عضو انجمن معلولین شهرستان.
  - ❖ عضو هیئت ورزش‌های جانبازان و معلولین شهرستان
  - ❖ عضو کانون انجمن‌های صنفی و کارفرمایی استان خوزستان.
- اهداف و برنامه‌ها در راستای بهبود و توسعه خدمات شهری شهر رامهرمز**
- ✓ نظارت دقیق و مستمر بر فعالیت‌های مالی، خدماتی و اداری شهرداری
  - ✓ ارائه گزارش عملکرد هر سه ما یکبار به مردم و اصحاب رسانه
  - ✓ پیگیری برنامه‌ها و پروژه‌های نیمه کاره
  - ✓ ایجاد طرح‌ها و پروژه‌های اشتغال‌زا در حوزه اختیارات شورای شهر
  - ✓ بهبود مکانیزم‌های زیبا سازی شهری
  - ✓ توزیع عادلانه خدمات شهری در راستای محرومیت‌زدایی با اولویت مناطق محروم
  - ✓ بهبود و ارتقاء زیر ساخت‌های مورد نیاز تفریحی و گردشگری
  - ✓ ارتقاء امکانات و خدمات و زیر ساخت‌های تفریحی و رفاهی
  - ✓ بهبود و ارتقاء سرانه فضای سبز
  - ✓ ارتقاء تجهیزات و خدمات ایمنی و آتش نشانی شهری
  - ✓ ارتقاء کمیّت و کیفیت پارک‌های محلات
  - ✓ استقرار سیستم مدیریت بحران متناسب با استانداردهای شهری و ایجاد زیر ساخت‌های مورد نیاز
  - ✓ توسعه زیر ساخت‌های خدمات شهری با رویکرد اشتغال‌زایی و افزایش درآمد شهرداری
  - ✓ بهبود و توسعه فضاهای تفریحی، ورزشی جوانان
  - ✓ بهبود امکانات تفریحی، ورزشی بانوان در محلات و محیطی امن
  - ✓ بهبود و ساماندهی حمل و نقل شهری

- ✓ ایجاد بازارچه‌های محلات با کیفیت و تنوع محصولات و کنترل قیمت‌های مصوب در راستای ارائه خدمات مطلوب و توزیع عادلانه نیازهای مردم و کنترل و کاهش ترافیک شهری
- ✓ ساماندهی نخاله‌های ساختمانی
- ✓ ساماندهی اماکن تاریخی شهر رامهرمز در راستای ایجاد جذابیت‌های گردشگری و تفریحی
- ✓ توسعه و بهبود امکانات فرهنگی و هنری با ایجاد و حمایت مراکز فرهنگی نظیر تئاتر شهر، تئاتر خیابانی، کانون‌های موسیقی، اجرای موسیقی زنده جهت افزایش طراوت و روحیه شهروندی
- ✓ توسعه و بهسازی سرویس‌های بهداشتی عمومی شهر
- ✓ ایجاد و ساماندهی وسایل تفریحی آبی
- ✓ ایجاد پارک‌های مجهز جهت اسکان مسافران و میهمانان با امکانات مناسب نظیر حمام عمومی، محل اسکان، پارکینگ، مرکز خرید و ...
- ✓ تلاش جهت مناسب‌سازی اماکن عمومی و اداری ویژه معلولین و جانبازان جهت تردد در شهر
- ✓ ایمن‌سازی تجهیزات و امکانات خدمات شهری
- ✓ ساماندهی دست‌فروشان و متکدیان خیابانی پراکنده در شهر که منظره نامناسبی به شهر داده است
- ✓ ایجاد طرح‌های عام‌المنفعه
- ✓ ساماندهی پارکینگ‌های عمومی جهت کاهش بار ترافیک
- ✓ حمایت از تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه اختیارات شورای شهر
- ✓ جهت ایجاد و راه‌اندازی موارد فوق‌نیاز به شورای فعال و پرتلاش و خلاق با انتخاب شهرداری مدیر و متخصص در حوزه شهری که بتواند با جذب منابع حاصل از درصد اختصاصی از سهم نفت و مالیات یا سایر منابع استانی محقق گردد.



## مسلم ویسی

حوزه انتخاباتی: شهرستان بهبهان

نوع انتخاب: شورای شهر

نوع معلولیت: جسمی - حرکتی

نام پدر: ابراهیم

تاریخ تولد: ۳ آبان ماه ۱۳۶۲

تحصیلات: کارشناسی ارشد نرم افزار کامپیوتر

\*\*\*

مسلم ویسی، ساکن روستای کوتک از حومه شهرستان بهبهان است. معلولیت او، جسمی - حرکتی است. او از دو سالگی به علت بیماری فلج اطفال این معلولیت برای او پیش آمده است. فوق لیسانس کامپیوتر دارد و طراح سایت و برنامه نویس کامپیوتر است. یک شرکت خصوصی به نام ارجان وب دارد. در کنار کارش سردبیر ماهنامه پیرسیک به عنوان روزنامه محلی هست، سایت خبری به نام ارجان روز [www.arjanroz.ir](http://www.arjanroz.ir) دارد. آدرس سایت شرکتش [www.arjanweb.com](http://www.arjanweb.com) است. سردبیر رسانه خبری تحلیلی بهبهان (ارجان روز) است. مدیر روابط عمومی جامعه معلولین شهرستان بهبهان و مسئول اطلاع رسانی ستاد حمایت از حقوق معلولین شهرستان بهبهان هم می باشد. او کاندیدای شورای شهر بهبهان بوده و نزدیک به هزار رأی آورد، آخرین نفری که در شورای شهر بهبهان به عنوان نفر هفتم وارد شورا شد ۵۷۰۰ رأی آورد.



فصل سوم

**قانون حضور معلولان در انتخابات**

در دوره حیات رسول خدا محمد مصطفی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، بعضی از معلولین و نابینایان در پست‌های مهم اجتماعی انجام وظیفه می‌کردند. عبداللہ (یا عمرو) بن ام مکتوم به عنوان جانشین رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در مواقعی که حضرت برای امور جنگی از شهر خارج می‌شد، به رفع و فتق امور مردم می‌پرداخت و به جای رسول خدا امامت جماعت بود. نیز پیامبر او را به عنوان مؤذن صبحگاهی تعیین کرد.<sup>۱</sup> در روایات و آیات هیچ منعی صریح برای فعالیت مدنی معلولان وجود ندارد.

همچنین در تاریخ اسلام پادشاهان، وزراء و دیگر منصب‌دارانی بوده‌اند که دارای معلولیت نابینایی یا حرکتی هم بوده‌اند.<sup>۲</sup> از نظر عقلی هم دلیل خاصی برای عدم حضور معلولان در انتخابات وجود ندارد.

با این حال از سال ۱۳۹۰ این بحث در شورای اسلامی مطرح شد و هنوز ادامه دارد. در این فصل سیر مباحث، ادله و استدلال‌های موافقان و مخالفان گزارش می‌شود. ساختار این فصل تاریخی است و مباحث از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به ترتیب تاریخی گزارش می‌گردد.

---

۱. کتاب عبداللہ بن ام مکتوم، قدرت اللہ عفتی.

۲. صفدی در کتاب نکت العمیان، این افراد را تا قرن هفتم قمری رصد و شناسایی کرده است. این کتاب در دفتر فرهنگ معلولین به فارسی برگردان و منتشر شد.

## پیشینه قانون شرکت نابینایان در انتخابات

در قانون انتخابات مصوب آذرماه ۱۳۸۷ در بند ۶ ماده ۲۸، از جمله شرایط شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی را بینایی دانسته است.

بعدها بعضی نمایندگان اطلاعیه‌ای دادند و خواستار حذف کلمه بینایی از بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات شدند. البته چند اقدام در این زمینه انجام شد که به ترتیب و اجمالاً این اقدامات اینگونه است:

- در آبان ماه ۱۳۹۰، ۶۹ نماینده با عرضه طرح دو فوریتی در مجلس هشتم، خواستار امکان حضور نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان نامزد و کاندیدا شدند.  
- این طرح در صحن علنی مطرح و یک فوریت آن رأی نیاورد و در فهرست طرح‌های تک فوریتی قرار گرفت. ولی با اتمام عمر مجلس هشتم و آغاز مجلس نهم لزوماً باید مجدداً درخواست می‌شد.  
- در ۶ مهر ۱۳۹۲ تعدادی از نمایندگان طرحی به ریاست مجلس ارائه کردند و خواستار اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون شدند.

- در ۱۳ آذر ۱۳۹۲ این طرح در صحن علنی مطرح شد و با مخالفت اکثریت نمایندگان مواجه گردید و عدم شرکت نابینایان و کم بینایان در نامزدی انتخابات قانونی گردید.  
گزارش این جلسه:

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سیزدهم آذرماه جاری بررسی طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات شورای اسلامی را با آخرین اصلاحات که از سوی کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود در دستور کار قرار دادند.  
بر اساس این اصلاحیه کلمه "بینایی" از بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۷/۹/۷ و اصلاحات بعدی آن حذف و یک تبصره به این ماده واحده الحاق می‌شد.  
بر اساس این تبصره جانبازان و معلولان مشمول این بند نباید دارای نقصی که مانع استفاده از تجهیزات مکمل که رافع محدودیت نابینایی است، بوده و باید از ناحیه دست سالم باشند.  
نمایندگان به کلیات این طرح رأی ندادند و بر این اساس کاندیداتوری نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی با ۹۲ موافق، ۵۷ مخالف و ۱۴ رأی ممتنع از ۲۱۳ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس شورای اسلامی رأی نیاورد. ۵۰ نماینده حاضر در مجلس نیز در این رأی‌گیری شرکت نکردند.<sup>۱</sup>  
- نخبگان و مشاهیر معلولین و غیر معلولین با این مصوبه در ۱۳ آذر مخالفت کردند و آن را تبعیض فاحش دانستند.

- ۲۲ مهرماه ۹۴ طرح جدیدی در مجلس در صحن علنی مطرح شد و قرار شد نمایندگان روی قید سنی و امکان ثبت نام نابینایان برای مجلس شورای اسلامی بحث کنند و رأی‌گیری نمایند.

### آغاز تلاش‌های نمایندگان: آبان ۱۳۹۰

به منظور امکان کاندیداتوری نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۶۹ نماینده مجلس شورای اسلامی با ارائه طرحی دو فوریتی در مجلس هشتم، خواستار امکان حضور نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی شدند. این طرح در آبان ماه سال ۱۳۹۰ توسط ریاست مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، اما در صحن علنی، فوریت آن رأی نیاورد و پس از آن نیز به دلیل فرآیند طولانی بررسی طرح‌ها و لوایح در مجلس هشتم، نوبت بررسی به آن نرسید.<sup>۱</sup>

افرادی که درصدد طرح این موضوع در صحن علنی مجلس بودند، اعتقاد داشتند، ورود معلولان به عرصه‌های اجتماعی یک ضرورت است. اما منع قانونی برای حضور آنان وجود دارد. این نمایندگان موافق دیدگاه خود را گاه اینگونه در جراید مطرح کرده‌اند:

نهادهای مردمی حمایت از معلولان، خواستار رفع محدودیت‌های معلولان برای نمایندگی مجلس می‌باشند. زیرا در حال حاضر ۱۳ درصد از نمایندگان دنیا از معلولان هستند و جو و فضای جهانی در جهت حمایت از آنان است.

معلولیت یک ناتوانی جسمی است که خداوند از روی حکمت برای آدمی مقدر کرده اما در عین حال، درهای بسیاری از نبوغ و هوش را برای شخص معلول گشوده است.<sup>۲</sup>

بالاخره این بحث هم در تشکل‌ها و هم در جلسات فراکسیون همواره مطرح بود و همگان مترصد زمان مناسبی برای تصویب قانون مناسبی برای حضور معلولان در انتخابات بودند.

### طرح مجدد در مجلس نهم

طرح قانونی کردن حضور معلولان در انتخابات همانطور که گزارش شد در مجلس هشتم، فرصت نیافت و مجدداً در مجلس نهم مطرح شد.

پس از آغاز به کار مجلس نهم، هیئت رئیسه مجلس بر اساس ماده ۱۴۱ آیین‌نامه داخلی مجلس این طرح را در اختیار طراحان آن قرار داد تا در صورت تمایل برای مطرح کردن مجدد آن در مجلس، تقاضا ارائه دهند.

رئیس فراکسیون حمایت از معلولان در مجلس نهم در ادامه اظهار داشت: پس از مطرح شدن مجدد این طرح در مجلس، ۲۶ نماینده مجلس نهم با ارائه یک درخواست به هیئت رئیسه، تقاضای بررسی مجدد این طرح را خواستار شدند که این طرح تحت عنوان "اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی" در حال حاضر در دستور کار کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس قرار دارد که در صورت تصویب آن، نابینایان هم می‌توانند در رقابت‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی شرکت کنند و در صورت جلب اعتماد مردم، نماینده آنها در مجلس شورای اسلامی شوند.

1. [www.icana.ir](http://www.icana.ir) (شنبه ۶ مهرماه ۱۳۹۲)

2. [www.shamdani.ir](http://www.shamdani.ir).



در مقدمه این طرح آمده است: افراد نابینا و کم بینا از جمله گروه‌هایی هستند که با وجود برخوردار بودن از استعداد های شگرف از دستیابی به فرصت‌های شغلی و اجتماعی برابر با سایر آحاد جامعه محروم مانده‌اند. با توجه به بند ۹ اصل سوم قانون اساسی در رفع تبعیضات ناروا در شرایط عادی و برابری در حقوق سیاسی و اجتماعی برای همه شهروندان به ویژه معلولان نابینا و افراد کم بینا که با سایر معلولان ناشنوا و مبتلایان به اختلالات گفتاری قابل مقایسه نیستند و نظر به تجربه نمایندگی افراد نابینا و کم بینا در مجالس قانونگذاری دنیا به وضوح مبرهن است که این دسته افراد در صورت برخوردار بودن از شرایط نمایندگی و وجود فناوری‌های نوین و در دسترس امکان مطالعه قوانین و مقررات برای آن‌ها فراهم شده است.

یکی از مستندات مهم این طرح، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت بود که در ۱۳ آذر ۱۳۸۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود و حق معلولان در نامزدی انتخابات را تأیید کرده و برگزیده شدن نابینایان و افراد کم بینا برای مشارکت در زندگی سیاسی و عمومی به طور عام و راهیابی به مجلس قانونگذاری به طور خاص حمایت نموده است. لذا جهت رفع تبعیض مذکور طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات تقدیم گردید.

این طرح با عنوان اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات تهیه شده که بر اساس ماده واحده آن، عبارت بینایی از بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی با آخرین اصلاحات بعدی حذف می‌گردد.

در تبصره این ماده واحده نیز آمده است: جانبازان معزز و معلولان محترم مشمول این قانون به منظور بهره‌گیری از تجهیزات مکمل و رافع محدودیت نابینایی، نباید نقص عضو در دست داشته باشند.

نمایندگان مجلس در ذیل تبصره ماده واحده این طرح، در توضیحاتی آورده‌اند: طبق اعلام سازمان‌های بین‌المللی، تعداد نابینایان در کشور ما حدود ۵ در هزار یعنی تقریباً ۳۵۰ هزار نفر است. در حال حاضر نمایندگانی از این قشر محترم عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا هستند و وظایف نمایندگی خود را با موفقیت انجام می‌دهند و در داخل کشور تجهیزات مکمل و رافع محدودیت نابینایی تولید می‌شود و قابل استفاده و در دسترس جانبازان معزز، نابینا و معلولان محترم دارای این معلولیت است.

نظر مرکز پژوهش‌های مجلس را هم گرفته بودند. این مرکز با مراجعه به اطلاعات، تجهیزات و نیز مفاد کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق معلولان که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق شده است و نیز مطالعه این موضوع در سایر پارلمان‌های دنیا، "مثبت" اعلام شده است. در صورت تصویب این طرح، گروه هدف که دارای سایر شرایط نمایندگی باشند، امکان داوطلبی و نامزدی در انتخابات مجلس را پیدا خواهند کرد.

حداد عادل، فاطمه آلیا، سید علیرضا مرندي، حسینعلی شهبازی، فتح‌الله حسینی، مهرداد لاهوتی، سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، مجتبی رحماندوست، عبدالرضا عزیززی، علیرضا محبوب، رمضانعلی سبحانی‌فر، حسن تأمینی، محمدجواد نظری مهر، ابراهیم کارخانه‌ای، ایرج ندیمی، جواد سعدون‌زاده، مجید منصوری، منصور آرامی، مهناز بهمنی، لاله افتخاری، شهلا

میرگلوبیات، سکینه عمرانی، نیره اخوان بی طرف، حسن کامران، محمد فیروزی و حسین طلا نمایندگانی هستند که تقاضای بررسی مجدد این طرح را در مجلس نهم خواستار شده بودند.<sup>۱</sup>

### دیدگاه رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس

خانم فاطمه آلیا رئیس فراکسیون حمایت از حقوق معلولان مجلس از تلاش برای اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس خبر داد و گفت: با این اصلاح، نابینایان نیز امکان رقابت در انتخابات مجلس شورای اسلامی را به دست خواهند آورد.

فاطمه آلیا نماینده مردم تهران، ری، اسلامشهر و شمیرانات در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه نابینایان با درایت و تحصیل کرده زیادی در کشور وجود دارند، توضیح داد: در سال‌های دور در مجلس ایران، نمایندگان نابینا حضور داشتند و در حال حاضر نیز در مجلس نمایندگان کشورهای اروپایی نیز نمایندگان نابینا به چشم می‌خورند. بعد از ظهر فردا (۲۸ مهر) به پیشنهاد فراکسیون حمایت از حقوق معلولان قرار است تا اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور مجلس مورد بررسی قرار بگیرد. این طرح از مجلس هشتم به مجلس نهم رسید که با تصویب نهایی آن در کمیسیون شوراها و بعد از آن رأی آوردن در صحن علنی مجلس، نابینایان نیز شانس حضور در رقابت‌های انتخاباتی برای ورود به مجلس شورای اسلامی را خواهند داشت.

در کشور نابینایان تحصیل کرده و با تدبیری هستند که توانایی رسیدگی به مسائل نمایندگی را دارند و باید از توانمندی‌های آنان استفاده شود.

در صورت تصویب این طرح، نابینایان باید تحصیلاتی تا مقطع فوق لیسانس، همچون دیگر نمایندگان داشته باشند و علاوه بر آن باید از تجهیزات مخصوص نابینایان که از سوی مهندسان داخل کشور تهیه شده استفاده کنند.

مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین سازمان بهزیستی نیز نظر مثبتی به تصویب طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی دارند و امیدواریم طرح مذکور مورد اقبال نمایندگان قرار گیرد.

در اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است؛ قانونگذار در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی برای انتخاب شونده‌گان در زمان ثبت نام شرایطی را مقرر کرده است. از جمله این شرایط بر اساس بند ۶ ماده مذکور داشتن سلامت جسمی در حد بر خورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی است.

شرط مذکور باعث شده تا بسیاری از نابینایان که دارای شرایط مقرر در ماده ۲۸ هستند از این حق محروم شده و نتوانند نامزد نمایندگی مجلس شورای اسلامی شوند بر همین اساس نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را برای اصلاح بند مذکور و حذف شرط بینایی ارائه کردند.<sup>۲</sup>

1. [www.icana.ir](http://www.icana.ir) (۶ مهرماه ۱۳۹۲)

2. [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir) (۲۸ مهرماه ۱۳۹۲)

### دیدگاه کمیسیون بهداشت مجلس

عبدالرحمان رستمیان عضو هیئت رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، با اشاره به بررسی طرح اصلاح بند (۶) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که بر اساس این طرح امکان کاندیداتوری نایب‌نایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی فراهم خواهد شد، اظهار داشت: امکان کاندیداتوری نایب‌نایان در انتخابات مجلس، امروز در کمیسیون بهداشت مجلس بررسی شد و قرار شد که نایب‌نایان به شرط اینکه دو دستشان معلولیت نداشته باشد و حداقل یک دستشان معلول نباشد، می‌توانند در انتخابات مجلس کاندیدا شوند.

همچنین امروز مسئولین بهداشت و درمان سازمان بسیج در جلسه حضور یافتند و گزارشی از خدماتی که در بهداشت و درمان راهیان نور انجام می‌شود را ارائه دادند. دو نفر از اعضای کمیسیون بهداشت یعنی عابد فتاحی نماینده مردم ارومیه و شهلا میرگلویی نماینده مردم ساوه در مجلس از اعضای کمیسیون برای انتخاب به عنوان عضو ناظر در شورای عالی نظام پزشکی مشخص شدند. در جلسه امروز طرح اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفت و در مورد آن تصمیم قطعی گرفته نشد و این طرح به کارگروه اصل ۴۴ ارجاع شد.<sup>۱</sup>

### طرح قانونی شرکت نایب‌نایان در انتخابات در مجلس شورای اسلامی

امروز ۱۳ آذر ۱۳۹۲ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با کلیات طرح امکان کاندیداتوری نایب‌نایان و کم بینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مخالفت کردند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح امروز خود بررسی طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در دستور کار خود قرار دادند که بر اساس این طرح نایب‌نایان و کم بینایان امکان کاندیداتوری در انتخابات مجلس را پیدا می‌کردند.

پس از سخنان موافقین و مخالفین این طرح کلیات این طرح که روز گذشته در دستور قرار گرفته بود با ۹۲ رأی موافق، ۵۷ رأی مخالف و ۱۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۴ نماینده حاضر در صحن نتوانست رأی نمایندگان را به دست بیاورد و بر این اساس وکلای ملت با امکان کاندیداتوری نایب‌نایان و کم بینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مخالفت کردند.

حامد قادرمرزی نماینده قروه در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات این طرح، کار نمایندگان را سخت توصیف کرد و گفت: فعالیت در صحن مجلس، کمیسیون‌ها و سرکشی به حوزه‌های انتخابیه از وظایف سنگین است و آیا بر این اساس بهتر نیست به فکر حقوق شهروندی نایب‌نایان و کم بینایان باشیم؟

فاطمه آلیا نماینده تهران در مجلس نیز در موافقت با این طرح، حرف‌های مخالفین را مربوط به دهه‌های گذشته دانست و گفت: در حال حاضر امکانات و تجهیزاتی فراهم شده که نابینایان نیز می‌توانند با استفاده از این تجهیزات کار نمایندگی را مانند دیگران انجام دهند و سازمان بهزیستی نیز این تجهیزات را خریداری کرده است و اگر این طرح رأی بیاورد، می‌تواند این تجهیزات را در اختیار آنها قرار دهد.

در حال حاضر نیز عده‌ای از نابینایان عضو شوراهای اسلامی شهر و روستا و شوراهای اداری هستند و با تجهیزات جدید که خط بریل را به صوت تبدیل می‌کند می‌توانند وظایف خود را انجام دهند.

جواد هروی نماینده مردم قائنات در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس گفت: تصور بنده این است که با توجه به اینکه می‌خواهیم قانون تصویب کنیم، باید دقت عمل بیشتری داشته باشیم و راهکارهایی که موافقین و طراحان این طرح مطرح می‌کنند، سنجیده نیست. ما نمایندگان مجلس با تمام سعی و تلاش خود باز هم پیش مردم خجل هستیم. نمایندگی مجلس فقط قانونگذاری نیست. بنده تعجب می‌کنم از اصرار عزیزان در این مورد که معلولان چگونه می‌توانند از عهده این مسئولیت بر بیایند. این طرح رفع تبعیض نیست، بلکه عین تبعیض است و بنده ضمن احترامی که نسبت به همه معلولان و نابینایان دارم، درست نیست مسئولیت را از افرادی که سلامت کامل دارند، به عده‌ای که از سلامت کامل برخوردار نیستند بدهیم که با این کار توان و ظرفیت آنها به مخاطره و چالش کشیده می‌شود.

برخی قوانینی که در مجلس تصویب می‌کنیم خیلی عجولانه تصویب می‌شود؛ خواهش می‌کنم نسبت به این طرح نگاه دلجویی از معلولان نداشته باشید.

حجت‌الله خدایی سوری نماینده سلسله و دلفان در مجلس در موافقت با کلیات این طرح گفت: تجهیزاتی در کشور وجود دارد که می‌تواند در اختیار نابینایان قرار بگیرد و البته در این طرح به عنوان تبصره ذکر شده که نابینایانی بتوانند امکان کاندیداتوری پیدا کنند که امکان استفاده از دستان خود را داشته باشند و در حال حاضر ۳۵۰ هزار نفر در کشور وجود دارند که اینگونه هستند. نمایندگی مجلس پست انتصابی نیست، بلکه پست انتخابی است و در آخر این مردم هستند که باید تشخیص دهند به چه کسی رأی بدهند و یا رأی ندهند.

رجب رحمانی نماینده مردم تاکستان در مجلس شورای اسلامی در مخالفت با کلیات این طرح گفت: احترام به جانبازان با این مصوبه حل نمی‌شود. ما باید احترام به آنها را بیشتر کنیم، اما مسئولیت نمایندگی سنگین است و ما نیز اگر بخواهیم به مسئولیت خود واقعاً عمل کنیم، کم می‌آوریم، چرا که اگر بخواهیم مسئولیت نمایندگی را خوب انجام دهیم، باید پا به پای مسئولان اجرایی شهرستان‌ها بدویم و حتی آنها را به تحرک وا داریم. حتی مردم نیز برای حل مشکلات خود اغلب به نمایندگان مراجعه می‌کنند. پس یک نماینده باید فعال و پر جنب و جوش باشد. نمایندگی نظارت اجرایی است و یک نماینده نه فقط به حوزه انتخابیه خود، بلکه نسبت به کل کشور مسئول است.

مجتبی رحماندوست نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در موافقت با کلیات این طرح گفت: نابینایان نیز توانایی انجام مسئولیت نمایندگی مجلس را دارند و در صورت تصویب این قانون، یک قدم رو به جلو در عرصه قانونگذاری برداشته‌ایم. در حال حاضر تعداد زیادی از

نابینایان در مشاغل مختلف و دانشگاه‌ها فعال هستند و حتی برخی وظایف خود را بهتر از افراد سالم انجام می‌دهند.<sup>۱</sup>

### دیدگاه تشکلهای معلولیتی

در همین زمان چند تشکل اعلام موضع کردند و دیدگاه‌هایی را در مورد حضور معلولین در انتخابات مطرح نمودند.

حمیدرضا رضایی، رئیس هیئت مدیره انجمن نابینایان فارس درباره ممنوعیت حضور نابینایان در کاندیداتوری انتخابات مجلس شورای اسلامی به خبرنگار ایران سپید می‌گوید: اول اینکه کنوانسیون حقوق معلولان بر حضور اجتماعی معلولان در همه عرصه‌های اجتماعی تصریح کرده است؛ دوم اینکه حتی در کشورهای کمتر توسعه یافته هم نماینده نابینا در پارلمان وجود دارد و دلیل سوم اینکه امروز توانایی‌های علمی، مدیریتی و اجرایی نابینایان بر کسی پوشیده نیست. بنابر این دلایل می‌گوییم فرد نابینا هم به راحتی می‌تواند در مجلس حضور داشته باشد. دلیل چهارم را من اضافه می‌کنم. در ایامی که به وزرا، رأی اعتماد داده می‌شد، نمایندگانی از حوزه‌های مختلف صحبت کردند که مجموع صحبت‌های آنها این باور را در یک فرد نابینا به وجود می‌آورد که او هم می‌تواند بیاید و چه بسا حرف‌های منطقی‌تری داشته باشد. امروز در مقام مقایسه به لحاظ علمی و مدیریتی برخی از نمایندگان با بسیاری از نابینایان قابل مقایسه نیستند. حضور در مجلس حق ماست ما یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های این کشور هستیم و در بسیاری از کشورهای دنیا اقلیت‌های معلولیتی در پارلمان نماینده دارند. من از حد نمایندگی یک حوزه خاص، فراتر می‌روم و می‌گویم باید در مجلس حداقل دو کرسی خاص نابینایان در نظر گرفته شود و اینگونه نباشد که فرد نابینا با سایر نامزدها رقابت کند. اگر قرار بود نمایندگان مجلس این آگاهی را در مورد حقوق معلولان می‌داشتند و حقوق این افراد را به‌عنوان بخشی از ملت مورد توجه قرار می‌دادند تا حال این کار را کرده بودند. این بی‌توجهی، نشانه آگاه نبودن برخی از نمایندگان نسبت به نیازها و توانایی‌های بخشی از مردم است ما خود را محق می‌دانیم که نماینده‌ای در مجلس داشته باشیم. بر اساس جمعیت نابینایان باید کرسی‌های مشخصی به این گروه اختصاص داده شود و رأی‌گیری بین خود آنها انجام شود. برای حل این مشکل من فکر می‌کنم با توجه به کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از معلولان و با توجه به حضور نمایندگان نابینا در بسیاری از کشورها، این برای کشور ما یک ضایعه بزرگ است. اما این نباید تیر خلاصی به جامعه نابینایان باشد تا مایوس شوند. نابینایان و تشکلهای متعدد آنها در استان‌های مختلف اگر پیش‌تر آمده بودند و با نمایندگان استان‌های خود مذاکره و رایزنی کرده و آنها را از میزان توانایی نابینایان در ایران آگاه ساخته بودند یا الحاق به کنوانسیون را متذکر شده و نحوه حضور نابینایان در پارلمان کشورهای دیگر را توضیح داده بودند الان ما به جای تأسف خوردن، شادی می‌کردیم.<sup>۲</sup>

1. [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com) (۱۳ آذرماه ۱۳۹۲)

2. [www.iransepid.ir](http://www.iransepid.ir) (۲۷ آذرماه ۱۳۹۲)

روابط عمومی جامعه نابینایان و کم بینایان استان آذربایجان شرقی دیدگاه آقای نادر قاضی پور را ترویج کرده است. زیرا نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی پارلمان، طی اختطاری با استناد به اصل ۳ قانون اساسی گفت: بر طبق این اصل روشندان فارغ التحصیل مقطع دکترا می توانند یک نماینده در مجلس داشته باشند. برای همگان بهتر است که بتوانند از استعداد های نابینایان و معلولان استفاده کنند.<sup>۱</sup> در واقع آقای رضایی و آقای قاضی پور بر اساس حق اقلیت جامعه هدف، خواستار به رسمیت شناختن حق شرکت نابینایان در انتخابات را مطرح کرده اند.

### دیدگاه سید محمد موسوی و سهیل معینی

سید محمد موسوی رئیس هیئت مدیره کانون معلولین توانا روز جمعه در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی ایرنا درباره مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با نامزدی نابینایان تحلیل هایی مطرح کرد. وی ابتدا گفت: اگر مجلس شورای اسلامی محل اجتماع نمایندگان اقلیت جامعه است، چرا به این گروه اجازه داشتن نماینده در مجلس داده نمی شود.

اجازه ندادن شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به معلولان و جانبازانی که محدودیت بینایی دارند، تبعیض است و این تبعیض با آنچه در قانون اساسی آمده موافق نیست، تجدیدنظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در این رابطه لازم و ضروری دانست.

سهیل معینی مدیرعامل انجمن باور نیز با انتقاد از حذف طرح شرکت نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی گفت: این موضوع با حقوق شهروندی در تضاد است و ما سعی می کنیم مجدداً این موضوع را به مجلس ارائه دهیم.

وی در مورد حذف کلیات طرح حضور نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی یک روز بعد از روز جهانی معلول (۱۲ آذر) گفت: همزمان با انتشار منشور حقوق شهروندی از سوی رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس گامی مغایر با حذف کلیات این طرح برداشتند. نابینایان نسبت به این اقدام نمایندگان اعتراض شدیدی دارند، دو فوریت این طرح سال گذشته رد شده بود، اما امسال نمایندگان با کلیات آن مخالفت کردند.

نمایندگی در مجلس شورای اسلامی نیاز به تخصص، تجربه، درایت، تسلط به امور کشور و توانمندی در دفاع از حقوق ملت دارد و افرادی که مخالفت کرده و دلایلی مطرح کرده اند اما کدام یک از این امتیازات نیاز به بینایی دارد. هیچ جنبه ای از استدلال های نمایندگان پذیرفتنی نیست، شرکت در انتخابات به معنی ورود به مجلس نیست، بلکه این مردم هستند که فرد نابینا را به عنوان نماینده خود انتخاب می کنند و تصمیم نهایی را می گیرند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی نباید این حق را از نابینایان بگیرند و این موضوع یک تبعیض آشکار علیه حقوق نابینایان است چرا که فرد نابینا می تواند در انتخابات شورای شهر شرکت کند، اما در انتخابات مجلس نمی تواند. به نظر او این طرح را می توان مجدداً در شش ماه دیگر ارائه داد.<sup>۲</sup>

1. [www.nabinayan.ir](http://www.nabinayan.ir) (۱۴ آذرماه ۱۳۹۲)

2. [www.irna.ir](http://www.irna.ir) (۲۹ آذرماه ۱۳۹۲)

### تلاش‌های علی صابری

علی صابری عضو روشندل شورای اسلامی شهر تهران از زمان تصویب عدم حضور نابینایان برای نامزدی مجلس شورای اسلامی بسیار کوشید تا این مصوبه را فسخ کند و مصوبه جدید جایگزین آن گرداند.

او در ۲۱ اسفندماه ۹۳ گفت: امیدواریم موانع حضور معلولین در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مشکلات توانبخشی آنها در سطح کشور هرچه سریع‌تر پیگیری و رفع شود. نیز او در مراسم اهدا ۵۰۰ دستگاه ویلچر به معلولین شهر تهران که با همت شورای شهر تهران در بوستان ولایت برگزار شد، گفت: حوزه معلولین در شورای شهر تهران فعال بوده و در دوره چهارم شورای شهر تهران شاهد آن بودیم که دو تن از معلولین با آرای مردم توانستند وارد این شورا شوند. مسائل موردی معلولان و همچنین ملاقات آنها با اعضای شورای شهر همواره در شورا مورد پیگیری قرار گرفته و مصوبات خاصی برای معلولان تصویب شده است.<sup>۱</sup>

### رأی‌گیری مجدد

بالاخره بعد از فشارهای بسیار از جانب تشکل‌ها و نخبگان که عدم کاندیداتوری و نامزدی نابینایان خلاف همه ضوابط و نوعی تبعیض است، ریاست مجلس شورای اسلامی متقاعد شد مجدداً به اسم «شرایط کاندیداهای نمایندگی» وارد شود و رأی‌گیری شود.

نمایندگان مردم در خانه ملت شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تعیین تکلیف کردند که از جمله آن می‌توان به حذف قید سنی و عدم امکان ثبت نام نابینایان اشاره کرد و روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۹۴ بررسی و شور و رأی‌گیری انجام شد.

نمایندگان در نشست علنی چهارشنبه ۲۲ مهرماه مجلس شورای اسلامی، ضمن تعیین تکلیف شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی قانون قبلی این انتخابات را مبنی بر عدم امکان ثبت نام نابینایان به تصویب رساندند.

در این میان نمایندگان با ۱۲۹ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۴ نماینده حاضر در مجلس شورای اسلامی با ماده ۵ این طرح موافقت کردند.

بر این اساس قبلاً پحتی در کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور صورت گرفته بود که افراد نابینا می‌توانستند در انتخابات مجلس شورای اسلامی کاندیدا شوند اما قاسم جعفری به عنوان نماینده پیشنهاد دهنده حذف این کلمه گفت: گنجاندن این قید در قانون انتخابات احساسی است و ارزش خبری ندارد.

در ادامه حمید رسایی به عنوان مخالف پیشنهاد گفت: حذف قید نابینایان برای شرکت در انتخابات صحیح نیست فردا روز جهانی نابینایان است و ما نمایندگانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی داریم که به خوبی کارهای خود را انجام می‌دهند مانند نماینده‌هایی که در شورای شهر

1. www.isna.ir (۲۱ اسفندماه ۱۳۹۳)

حضور دارند با توجه به فناوری‌هایی که در بازار وجود دارد می‌توان این نواقص را پوشاند و نابینایی مانعی برای انجام کارها نمی‌شود.

همچنین غلامرضا کاتب به عنوان موافق پیشنهاد تصریح کرد: اگر قرار است نابینایان به عنوان کاندیدا در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند پس بر این اساس افراد کم شنوا و لال نیز می‌توانند در این انتخابات شرکت داشته باشند اگر قرار است با تصویب این قید به این افراد احترام گذاشته شود می‌توان در عرصه‌های مختلف دیگر به این افراد احترام گذاشته شود. اگر فناوری وجود دارد که می‌تواند نواقص نابینایان را بپوشاند قطعاً فناوری وجود دارد که بتواند نقایص افراد ناشنوا و لال را بپوشاند.

همچنین محمدرضا دهقان در اخطار قانون اساسی مطرح کرد که این قید که کمیسیون شوراها مبنی بر حضور افراد نابینا آورده است اخطار اصل ۷۵ قانون اساسی دارد و می‌تواند بار مالی برای کشور داشته باشد چون نیاز است که کتاب‌هایی با خط بریل برای این افراد چاپ شود. نمایندگان مجلس در ادامه با ۹۸ رأی موافق، ۵۲ رأی مخالف، ۱۵ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر در مجلس به پیشنهاد حذف قید حضور نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی مثبت دادند.

بر این اساس نمایندگان مجلس با ۱۰۰ رأی موافق، ۵۲ رأی مخالف، ۱۱ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر در مجلس به پیشنهاد حذف قید حضور افراد بالای ۷۵ سال در انتخابات مجلس شورای اسلامی رأی مثبت دادند.

در ماده ۲۸ این طرح قید شده است که انتخاب شوندگان هنگام ثبت نام باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. اعتقاد و التزام عملی به اسلام
  ۲. اعتقاد و التزام به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.
  ۳. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران.
  ۴. ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
  ۵. داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد و یا معادل آن.
  ۶. نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه.
  ۷. سلامت جسمی در حد بر خور داری از نعمت بینائی، شنوایی و گویایی.
  ۸. حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام.
- همچنین در تبصره ۱ این قانون آمده است که داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام، مذکور در بند (۱) مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند.

تبصره ۲ این قانون حذف شد.

و در تبصره ۳ ذکر شده است که هر دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی معادل یک مقطع تحصیلی فقط برای شرکت در انتخابات محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>



### انتقاد علی صابری از مصوبه جدید

آقای علی صابری عضو روشندل شورای شهر تهران درباره جلسه تصویب طرح جدید گفت: گفتار کاتب در شأن یک نماینده مجلس نبود و امید است خودشان عذرخواهی کنند. وی توضیح داد که: پیش از این بر اساس نظر کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی کشور، افراد نابینا می‌توانستند در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت کنند اما در جلسه علنی چهارشنبه (۲۲ مهرماه) مجلس شرایط ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی تعیین تکلیف شد و طبق آن قانون قبلی این انتخابات را مبنی بر عدم امکان ثبت نام نابینایان به تصویب رساندند.

او در واکنش به حذف حق عضویت نابینایان در انتخابات مجلس شورای اسلامی به خبرنگار پایتخت می‌گوید: بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات شرایط کاندیداتوری افراد را مشخص کرده است، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در دورانی که شعارهای حمایت از معلولین و جانبازان سر داده می‌شد، به تصویب رسید، اما افراد نابینا و ناشنوا را از حضور در انتخابات محروم ساخته است.

صابری با اشاره به اینکه تلاش‌های بسیاری برای اصلاح این منظور صورت گرفته است، می‌گوید: ایران به کنوانسیون حمایت از حقوق افراد معلول ملحق شده است و طبق ماده ۴ آن تعهداتی برای کشورهای عضو مبنی بر حذف قوانین تبعیض‌آمیز ایجاد شده است که قانون انتخابات مجلس یکی از همان قانون‌های تبعیض‌آمیز است که باید اصلاح شود.

فراکسیون حمایت از حقوق معلولین مجلس بارها تلاش کرده تا این مورد قانونی را اصلاح کند، اما متأسفانه دو سال گذشته نیز نمایندگان به این اصلاحیه رأی موافق ندادند و رفتاری توهین‌آمیز نسبت به نابینایان نشان دادند.

وی با یادآوری پاسخ توهین‌آمیز نماینده‌های مجلس نسبت به روشندان، گفت: دنیا را عقل اداره می‌کند و نه چشم، متأسفانه نمایندگان در روزی که در شهر کاشان همایش ملی جامعه بینا شهروند نابینا برگزار می‌شد با این اصلاحیه مجدداً مخالفت کردند.

صابری با گلایه نسبت به دلایل مخالفت و توهین نماینده مردم گرمسار و آرادان در مجلس نسبت به روشندان، می‌گوید: ایشان به شکل توهین‌آمیز استدلال‌هایی را مطرح نمودند که شکل گفتاری‌شان در شأن یک نماینده مجلس نبود و امید است تا پیش از شکل‌گیری کمپینی بر علیه این اظهارنظرها، خودشان عذرخواهی کنند.

عده‌ای از مردم در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل چشم‌های خود را از دست دادند تا این نظام باقی بماند و افرادی امثال آقای کاتب نماینده مجلس آن شود، حال وی معتقد است که چشم‌ندارها نمی‌توانند نماینده مجلس شوند، این در حالی است که نمونه‌ای از این افراد در شوراهای شهر حضور فعالی دارند.

موافقت نمایندگان مجلس با حضور افراد نابینا در انتخابات مجلس هیچ الزامی برای حضور افراد نابینا در برنداشت چرا که این مردم هستند که نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنند ولی با این شیوه اصلاحی قانون، مجلس به حقوق نابینایان احترام نگذاشت.

گفتنی است غلامرضا کاتب نماینده مردم گرمسار و آرادان در مجلس به عنوان موافق حذف نابینایان برای کاندیداتوری انتخابات مجلس و در سخنانی توهین‌آمیز گفته است: «چه فرقی می‌کند

بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهترم باشه کسی که لال باشه بیاد تو مجلس، حداقل چالش درست نکنه و دردسر هم برای ما درست نکنه»، در واقع اگر فناوری وجود داشته باشد که بتواند نواقص نابینایان را بیپوشاند قطعاً فناوری وجود دارد که بتواند نقایص افراد ناشنوا و لال را هم بیپوشاند. دهقان هم یکی از اعضای هیئت رئیسه مجلس انتخاب افراد نابینا به عنوان نماینده مجلس را به دلیل داشتن بار مالی نادرست تلقی کرد.<sup>۱</sup>

### ادبیات توهین آمیز برخی نمایندگان مجلس درباره نابینایان

علی صابری عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای اسلامی شهر تهران در جریان یکصد و نود و هفتمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۲ مهرماه اصلاح بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس را در دستور کار داشت، اظهار کرد: در این بند به موضوع امکان حضور نابینایان در مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. ادبیاتی که مخالفان حضور نابینایان در مجلس به کار بردند توهین آمیز و ضد کرامت انسانی بود به نحوی که شرم دارم آن جملات را تکرار کنم.

این عضو شورای شهر با بیان اینکه بحث بنده در این موضوع به هیچ وجه سیاسی نیست گفت: کاتب نماینده گرمسار و همین طور غلامرضا دهقان از جمله کسانی بودند که ادبیات زشتی به کار بردند و استدلال آنها نیز سست و بی پایه بود اما حجت الاسلام رسایی به عنوان موافق سخن گفت و ما از او تشکر کردیم.

به گفته این عضو حقوقدان شورای شهر تهران قانون نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هرگونه رفتار خلاف شئون نمایندگی قابل شکایت و گزارش دهی در مجلس است و از این رو مراتب اعتراض شورا به این رفتار اعلام می شود. در پایان گفت: مجتبی شاکری و دیگر شاکری ها در جبهه چشم خود را از دست دادند تا امثال شما اکنون بتوانید در مجلس حضور داشته باشید.<sup>۲</sup>

### نقض حقوق اساسی نابینایان

در نقد از حوادث و مذاکراتی که در جلسه روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه در مجلس شورای اسلامی گذشت آقای سهیل معینی مدیرعامل و عضو هیئت مدیره تشکل های نابینایان و کم بینایان کشور مقاله زیر را منتشر کرده است:

روز چهارشنبه ۲۲ مهرماه، درست یک روز قبل از روز جهانی نابینایان که منطبق با انگیزه اختصاص این مناسبت جهانی است شاهد اعلام اخباری خوش در مورد بهبود زندگی شهروندان نابینا و کم بینا در همه کشورها هستیم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حرکتی ناباورانه نه تنها قاصد خبری خوش برای بیش از پانصد هزار نفر نابینا و کم بینای ایران عزیزمان نبودند بلکه اقدام به تصویب امکان پذیر نبودن نامزدی نابینایان و کم بینایان برای نمایندگی مجلس کردند. گذشته از این مصوبه که نقض حقوق اساسی تحصیل کرده ترین گروه دارای معلولیت کشور است و آنها را از یکی از اصلی ترین حقوق سیاسی شهروندی خود یعنی حق انتخاب شدن برای نهادهای تصمیم گیر کشور

1. www.paytakhtpress.ir (۲۵ مهر ۱۳۹۴)

2. www.tasnimnews.com (۲۸ مهرماه ۱۳۹۴)

محروم می‌کند، ادبیات برخی نمایندگان خانه ملت قلوب صدها هزار نفر از شهروندان نابینا و کم بینا را به شدت جریحه‌دار کرد.

از جمله می‌توان به سخنان آقای غلامرضا کاتب نماینده محترم گرمسار در دفاع از پیشنهاد حذف قید حضور نابینایان در مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در دفاع از این پیشنهاد این‌گونه سخن گفت: «چه فرقی می‌کند بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهتر هم باشد کسی که لال باشد وارد مجلس شود، حداقل چالش درست نکند و در دسر هم برای ما درست نکند» به نقل از خبر آنلاین. آیا اینگونه ادبیات با شأن نمایندگی ملت منطبق است؟! آیا این عبارات توهین به شأن و کرامت شهروندان دارای معلولیت کشور نیست؟ گذشته از محتوای این مصوبه که از نظر حقوقی نیز دارای چالش‌های جدی است به طور آشکار نسبت به توانمندی هزاران شهروند نابینا و کم بینا که با مدارک عالی تحصیلی مانند دکتری و کارشناسی ارشد در بسیاری از پست‌های مدیریتی کشور از جمله نمایندگی شورای اسلامی شهر تهران توهین‌آمیز تلقی نمی‌شود؟

آقای غلامرضا دهقان نماینده محترم دیگر مجلس در دفاع از پیشنهاد حذف حضور نابینایان در مجلس شورای اسلامی که اتفاقاً در کمیسیون تخصصی شوراها و پس از بررسی‌های کارشناسی به تأیید رسید با استناد غلط به اصل ۷۵ قانون اساسی و دادن اخطار قانون اساسی می‌گویند چون حضور نابینایان در مجلس مستلزم چاپ کتب بریل برای این افراد و لذا تحمیل بار مالی است حضور آنان در خانه ملت مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی است. در این مورد باید متذکر شد؛ اولاً حضور نابینایان در مجلس با وجود فناوری‌های نوین که دسترسی به متون را از طریق رایانه برای نابینایان کاملاً امکان‌پذیر می‌کند نیازی به چاپ کتب بریل و بار مالی اضافی ندارد؛ ثانیاً انجام خدمت نمایندگی مجلس مستلزم هزینه‌هایی است که تأمین این هزینه‌ها برای همه نمایندگان پیش‌بینی شده است و امری که بخواهد بار مالی اضافه بر عرف نمایندگی به مجلس و کشور تحمیل کند، محسوب نمی‌شود.

جا دارد از آن دسته از نمایندگان مجلس که از حقوق مسلم نابینایان و کم بینایان برای امکان نامزدی نمایندگی خانه ملت دفاع کردند، تشکر کنیم.

از نمایندگان موافق با پیشنهاد حذف امکان نامزدی نابینایان برای مجلس باید پرسید آیا انجام وظیفه خطیر نمایندگی خانه ملت نیاز به خرد، تخصص و قدرت دفاع از حقوق موکلان را دارد یا چشم بینا؟!

مهم‌تر از آن امکان نامزدی نابینایان برای نمایندگی مجلس به معنای الزام حضور آنان نیست بلکه امکان می‌دهد مردم در انتخاب افراد ذی‌صلاح برای دفاع از حقوق خود امکان انتخاب نابینایان فرهیخته کشور را نیز پیدا کنند و اگر مردم به این تشخیص رسیدند آیا باید در برابر این انتخاب موانعی غیرموجه ایجاد کرد؟!

سخنان جناب آقای کاتب نه تنها دفاعی منطقی از پیشنهاد حذف امکان حضور نابینایان در مجلس نبود، بلکه آشکارا به همه شهروندان دارای معلولیت توهین تلقی می‌شود. آیا جا نداشت و ندارد هیئت رئیسه محترم مجلس از ادای ادبیات غیرمؤدبانه نسبت به گروهی کثیر از شهروندان ممانعت کند؟ از فراکسیون حمایت از حقوق معلولان در مجلس که در این روزها با استدلال ارائه ندادن خدمات به معلولان کشور - که در بسیاری از موارد بازمانده از دولت‌های قبلی و ریشه‌ای

درازمدت دارد - درصدد استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است می‌پرسیم آیا جا نداشت و ندارد که از حقوق معلولان به ویژه تحصیلکرده‌ترین آنان در مجلس دفاع کنید و اجازه ندهید در صحن علنی مجلس این‌گونه شأن شهروندان معلول خدشه‌دار شود؟!

بیباید دفاع از حقوق شهروندان معلول را خوراکی برای بازی‌ها و رقابت‌های سیاسی جناحی نکنیم. از نظر حقوقی نیز منع نابینایان برای نامزدی مجلس نقض ماده ۲۹ پیمان‌نامه جهانی حقوق معلولان است که توسط مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۸۷ به تصویب رسیده و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز آن را امضا کرده است. در گزارش دولت به دبیرخانه این پیمان‌نامه نیز بر رعایت حقوق اساسی شهروندان معلول برای انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی انتخابات کشور تأکید شده است.

شهروندان نابینا و کم بینای کشور انتظار نداشتند در آستانه روز جهانی نابینایان حقوق و شأن آنان در خانه ملت نادیده گرفته شود. به حکم اعتقادات دینی، باورهای اخلاقی و انسانی عمیق جامعه ما همه انسان‌ها در برابر قانون مساوی‌اند و توهین به حقوق و شأن شهروندی مردم ما به هیچ شکل قابل پذیرش و توجیه نیست. حداقل انتظار این شهروندان از نمایندگان محترم خانه ملت عذرخواهی در این خصوص، التیام احساسات و کرامت جریحه‌دار شده نابینایان و کم بینایان و بازنگری در مصوبه‌ای است که حقوق اساسی این شهروندان را منطبق با قانون اساسی، قانون جامع حمایت از معلولان، پیمان‌نامه جهانی حقوق افراد معلول و اعتقادات معنوی جامعه ما نقض می‌کند.<sup>۱</sup>

### دفاع از حقوق نابینایان

در انتقاد از گفته‌ها و اظهارنظرهای آقای کاتب و دیگران در مجلس شورای اسلامی در ۲۲ مهرماه مطلب زیر در سایت خبر آنلاین منتشر شده است.

یک‌بار دیگر نمایندگان مجلس با ثبت نام افراد نابینا در انتخابات مجلس مخالفت کردند. اما این بار یکی از نمایندگان در مجلس که به عنوان مخالف صحبت می‌کرد گفت که «چه فرقی می‌کند بین بینایی و شنوایی، البته شاید بهتر هم باشد کسی که لال باشد وارد مجلس شود، حداقل چالش درست نکند و در دسر هم برای ما درست نکند.»

ترجیح می‌دهم با یک بیت از سعدی شروع کنم که می‌فرماید: دیده را فایده آن است که بهتر ببیند. البته به این معنی نیست که از محیط عقلانیت بیرون بیایم و وارد محیط احساسی شوم. متأسفانه نابینایی و ناشنوایی روز چهارشنبه در مجلس، مبنای توهین‌های برخی افراد قرار گرفت. حرف‌هایی که برازنده کسی نیست.

بدون اینکه وارد بحث‌های حقوقی این اتفاق شوم چند توصیه به آقای کاتب دارم و امیدوارم این توصیه‌ها را بخوانند. سرمربی انگلیس در کشوری که اسلام هم ندارند در مورد معلولیت گفته بود که معلولیت افراد به دلیل گناهانی است که پدر و مادر و نیاکان آنها انجام داده‌اند. افکار عمومی در آن ایام به حدی به گفته‌های این فرد اعتراض کردند و فشار آوردند که بحث در مسیر درستی قرار گرفت و او مجبور به عذرخواهی شد.

1. www.iran-newspaper.com (۲۹ مهرماه ۱۳۹۴)

یک مورد دیگر برای کاپیتان تیم ملی انگلستان و چلسی پیش آمد و او اتومبیل خود را در جایگاه مخصوص معلولان پارک کرده بود و این موضوع در کنار فساد اخلاقی که داشت باعث واکنش‌هایی از سوی جامعه شد و این موارد بارها برای فوتبالیست‌ها و هنرمندان پیش آمد و اعتراضات جامعه را برانگیخته است.

این اتفاق برای هنرمندان و ورزشکاران هم صورت خوشی ندارد چه برسد به کسی که نماینده مجلس است و اگر این اتفاق در انگلستان و دیگر کشورها می‌افتاد، آقای کاتب وادار به استعفا می‌شد اما در کشور ما، این اتفاق معمولاً نمی‌افتد.

ما کسانی را داریم که در ۸ سال دفاع مقدس چشمانشان را در جبهه‌های جنگ از دست دادند تا این آقا به نمایندگی برسد. این اظهارنظر ایشان توهین به شعور مردم است و همین مردم قضاوت خواهند کرد که چه کسانی استحقاق نمایندگی را دارند؟

رفتار این نماینده مجلس نه در ماهیت که حق نایب‌ان را برای حضور در مجلس نمی‌پذیرد، بدتر از آن در شکل که معلولان و نایب‌ان را دست‌آویز مضحکه قرار می‌دهد پسندیده نیست و فکر می‌کنم که اطلاعات و تصورات آقای کاتب مربوط به ۱۰۰ سال پیش است.<sup>۱</sup>

### مگر نمایندگان مجلس با چشم تصمیم‌گیری می‌کنند

محمدعلی محسنی رئیس انجمن فیزیوتراپی ایران و مشاور عالی سازمان بهزیستی ظهر امروز در مراسم افتتاح مجهزترین مرکز فیزیوتراپی ویژه معلولان در استان قزوین اظهار داشت: تخصیص ۳ درصد سهمیه استخدام‌ها به افراد دارای معلولیت راهکاری مطلوب به منظور رفع معضل اشتغال این قشر است.

وی از مخالفت نمایندگان مجلس با کاندیداتوری نایب‌ان در انتخابات مجلس ابراز تأسف کرد و گفت: مگر نمایندگان مجلس با چشم، تصمیم‌گیری می‌کنند که نایب‌ان در این زمینه محدودیت دارند. نایب‌ان در توانمندی و استعداد نه تنها چیزی از سایرین کمتر ندارند بلکه از بسیاری افراد بالاتر نیز هستند.<sup>۲</sup>

### نقض حقوق شهروندی با حذف نایب‌ان از انتخابات مجلس

امروز ۲۴ مهرماه ۱۳۹۵ به عنوان روز جهانی عصای سفید، روزی ویژه برای دیده شدن و اهمیت دادن به نایب‌ان و کم‌بینان است. روشندلانی که به لطف کم‌کاری‌های قانون و مسئولان از بسیاری از مصادیق حقوق شهروندی محروم هستند. با همه محرومیت‌ها بسیاری از افراد با آسیب‌های بینایی به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابند. به سراغ یکی از همین افراد موفق از جامعه با آسیب بینایی رفتیم، فردی که با تلاش‌های بسیار، امروز حقوقدان و استاد دانشگاه شده و در امور حقوق شهروندی هم دستی بر آتش دارد.

1. www.khabaronline.ir (۲۴ مهرماه ۱۳۹۴)

2. www.tasnimnews.com (۲۵ فروردین ۱۳۹۵)

ناصر سرگران استاد دانشگاه، حقوقدان و عضو کمیته فنی کنگره حقوق شهروندی در این گفتگو در خصوص وضعیت حقوقی نایبانیان در جامعه گفت: در جامعه‌ای که زندگی می‌کنیم، اقلیت‌هایی هستند که به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت‌های هر کشور از جمله کشور ما محسوب می‌شوند و آن هم معلولان هستند. یکی از این معلولیت‌ها مختص افراد با آسیب بینایی است که با توجه به اینکه دارای نیازهای خاص خود هستند، برای آنها حقوق ویژه در کنار حقوق کلی که هر شهروند به موجب شهروند بودن دارد، پیش‌بینی شده است. ضرورت توجهی که باید نسبت به این اقلیت‌ها وجود داشته باشد، ریشه در نیازهایی است که دارند.

وی با بیان یکی از موارد نقض حقوق شهروندی نایبانیان گفت: در رابطه با حق انتخاب شدن نایبانیان به عنوان نماینده مجلس است که در سال ۱۳۸۷ در قانون انتخابات مجلس بند ۶ ماده ۲۸، این قانون در شرایط انتخاب شونده‌گان آمده است که افراد دارای آسیب بینایی و شنوایی حق شرکت به عنوان کاندیدای نمایندگی مجلس را ندارند.

این استاد حقوق افزود: این ممنوعیت در حالی انجام می‌شود که هیچ فردی بنا به هیچ دلیلی از هیچ حقوقی از جمله حقوق سیاسی نباید منع شود. از طرف نمایندگان مجلس قبل، این مسئله اصلاح بند شش ماده ۲۸ قانون انتخابات در دستور کار قرار گرفت متأسفانه در صحن علنی مجلس اصلاح این بند که اجازه می‌داد افراد با آسیب بینایی به مجلس راه پیدا کنند به تصویب نرسید. امیدواریم این مسئله در لایحه اصلاحی دیده شود و یا در لایحه‌ای مستقل در مجلس جدید طرح بشود چرا که حضور افراد با آسیب بینایی در شورای شهر دیده شده است اما در انتخابات مجلس حق حضور ندارند.

وی در خصوص حمایت‌های قانونی از جامعه نایبانیان و کم بینانیان گفت: در کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت، بخشی از پشتوانه‌های حقوقی به معلولیت ناشی از بینایی بر می‌گردد. در قانون سال ۸۳ حمایت از معلولان، حمایت‌هایی لحاظ شد اما دارای نواقص اجرایی بود. در رابطه با این قانون در چند سال اخیر، لایحه اصلاحی به مجلس ارسال شد و در فروردین ماه امسال نیز شورای نگهبان این طرح را رد و دوباره به مجلس بازگشت تا ایرادات آن رفع شود.<sup>۱</sup>

### تلاش مجدد برای طرح کاندیداتوری نایبانیان در مجلس

عبدالرحیم تاج‌الدین مدیرکل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ارسال مجدد طرح کاندیداتوری نایبانیان در مجلس شورای اسلامی خبر داد و گفت: با توجه به کنوانسیون حقوق معلولان مصوب آذر ۸۷ و متعهد شدن ایران به اجرای مفاد آن، طبق ماده ۲۹ کنوانسیون انتخاب کردن و انتخاب شدن حق مسلم همه افراد معلول است و قطعاً این حق شامل آن دسته از افراد معلول است که از نظر ذهنی قادر به تصمیم‌گیری و اثرگذاری باشند.

بر اساس گزارش روابط عمومی وزارت کار و رفاه اجتماعی، وی ادامه داد: بر این اساس مجدداً طرح اصلاح بند ۶ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و پیشنهاد حذف کلمه بینایی از شرایط فرد منتخب به دفتر امور مجلس وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارسال شد.<sup>۲</sup>

1. www.Mehrnews.com (۲۴ مهرماه ۱۳۹۵)

2. www.asriran.com (۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۵)

### نتیجه و پایان

هنوز بعضی حقوقدانان و نمایانان نخبه نا امید نشده و امیدوار هستند قانون کاندیداتوری نمایانان برای مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد و رأی بیاورد. از این رو در تلاش هستند و در جلسات مختلف به روحیه دادن عموم مردم می پردازند. به هر حال این رخداد که چند سال بسیاری از وقت و سرمایه و انرژی جامعه هدف و کشور را گرفت برای نمایانان و نیز برای کل معلولیت نوعی شکست روحی و سازمانی محسوب می شد. اما جالب اینکه رهبران این جریان کنار نکشیده اند و با تجربه آموزی از این شکست، مشغول برنامه ریزی برای اقدام جدید می باشند.





فصل چهارم  
گرایش و نظریه اسلام

قرآن کریم، روایات و سخنان معصومین علیهم السلام و نیز واقعیت‌های تاریخی نشانگر ممنوعیت و عدم حضور معلولان در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی است. اگر جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام مسافرت حضرت برای جنگ‌ها، یک نفر نابینا بوده و اگر نابینایی امامت جماعت را بر عهده داشته و اگر نابینا یا افلیجی کرسی رهنبری یک کشور اسلامی را بر عهده داشته و فقیهان هم نه تنها او را غیر مشروع ندانسته بلکه او را تأیید کرده‌اند، اگر همه این واقعیت‌ها هست، چرا بعضی به نام دین و اسلام، با حضور معلولین در عرصه‌های اجتماعی مخالفت می‌نمایند؟

به نظر می‌رسد علت اصلی عدم فرهنگ سازی، فقدان شناخت اسلام واقعی، عدم آگاهی مردم حتی بزرگان و مشاهیر از رخدادها و از فرهنگ قرآنی و حدیثی است.

دفتر فرهنگ معلولین به توصیه جناب آقای سید جواد شهرستانی از بدو تأسیس درصدد تألیف و عرضه آثاری درباره مسائل معلولین در فرهنگ اسلامی است. به همین دلیل تا کنون حدود بیست کتاب درباره موضوع معلولیت و معلولان در قرآن تألیف و منتشر کرده است.

اما این فصل به اجمال و فشرده دیدگاه اسلام درباره نقش و جایگاه و حضور اجتماعی معلولان را بیان می‌کند.

## نگرش اسلام به حقوق معلولان

معلولین از بارزترین و مهم‌ترین اقشار مطرح در حقوق بشر هستند و چتر حقوق بشر از هر جهت شامل آنان باید بشود. کمیسیون حقوق بشر اسلامی و جناب ضیائی‌فر به همین دلیل به معلولین و حقوق آنان عنایت ویژه دارند و برای اولین بار جلسه کارگاهی برای بررسی حقوق توان‌خواهان در سی‌ام بهمن ماه ۹۲ برگزار کردند. هدف این نشست، آشنا نمودن مدعوین با ابعاد حقوق اینان بود. مدعوین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در رشته حقوق بودند. استادان در چند برنامه از ساعت ۸ صبح تا ۷ بعدازظهر، هر کدام جنبه‌ای از حقوق توان‌خواهان را واری و بررسی نمودند. مدیر دفتر فرهنگ معلولین، آقای محمد نوری از جمله استادانی بود که باید به بررسی حقوق معلولین در متون اسلامی می‌پرداخت. خلاصه متن حاضر در این جلسه مطرح شد.

وضعیت کنونی معلولین در جهان اسلام و بالأخص در ایران به گونه‌ای است که نسبت به تعداد و جمعیت آنها، کمبودها و نواقص بسیار است. بر اساس آمارهای عرضه شده بیش از ۱۲ درصد از جامعه ما را معلولین تشکیل می‌دهند یعنی بیش از هشت میلیون از جمعیت ایران، به نوعی معلولیت دارند. منظور معلولیت‌هایی است که منشأ مادرزادی یا بر اثر تصادف یا بیماری است و جانبازان جنگ از قلمرو ما فعلاً بیرون هستند. تصور بفرمایید جمعیتی بیش از هشت میلیونی داریم ولی نظام حقوقی کارآمد ندارند، اشتغال فراگیر ندارند، نظام بیمه و خدمات جامع ندارند، آینده آنان نامعلوم است و ده‌ها نوع نواقص دیگر پیش روی جامعه معلولین است. قابل توجه اینکه دبیر کل سازمان ملل متحد آقای بانکی مون هفته گذشته اعلام کرد یک میلیارد معلول در جهان هست<sup>۱</sup>. در ارتباط با این مشکلات دو فرضیه هست.

باور عده‌ای این است که ریشه همه این نقایص عدم حمایت شریعت و دین است. اما فرضیه دومی هست که دین دفاعیات از معلولین دارد ولی مسلمانان همتی برای شناخت متون دینی در ارتباط با معلولین نداشته‌اند.

کلیات و قضایایی که در متون درج شده می‌تواند مبنا و اساس استنباط‌های فقهی و تدوین قوانین موضوعه باشد. در مسائل و موضوعات دیگر هم از چند روایت و آیه احکام بسیار استنباط شده است. در اینجا تلاش می‌کنیم قضایای دینی، آیات و روایاتی که در دفاع از معلولین و تکریم معلولین وارد شد، معرفی و بررسی کنیم. چون احترام معلولین و تکریم آنان زیر بنایی‌ترین مسئله است. اگر حقوقدانان، فقهاء و مدیران باور به محترم بودن معلولین داشته باشند قطعاً در وظایف خود کوتاهی نمی‌کنند.

**نگرش جوامع و متفکران:** مناسب است ابتدا نگاهی به نگرش جوامع نسبت به معلولین در عصر ظهور اسلام داشته باشیم. از گذشته‌های دور نگرش و نگاه مردم به معلولین منفی بوده است. افراد معلول را به دیده نحوست و بدیمنی و شوم می‌نگریستند؛ معلول را فرزند شیطان، ثمره و فرزند گناه، دارای روح خبیثه می‌دانستند. در این باره اساطیر در فرهنگ باستان رواج دارد. دوراه کار همواره مطرح بوده است:

۱. رسانه‌های همگانی، ۲۵ بهمن ماه ۱۳۹۲.

الف: نابود کردن معلول

ب: محتاج ترحم و مراقبت دائمی

در یونان باستان کودکان معلول را در رودخانه می افکندند. ارسطو می گوید معلولین حق حیات ندارند (این نکته را در کتاب معروف سیاست گفته است). افلاطون می گوید معلولین در جامعه آرمانی و پویا جایی ندارند. در قرون وسطی معلولین را به دلیل اینکه فکر می کردند دارای روح شیطانی و پلشت هستند در آتش می سوزاندند. حتی در دوره جدید، داروین، معلول را به دلیل بقای اصلح یا بقای اکمل، ناقص و نابود شونده می داند.

بالاخره همه نظام های اجتماعی و اخلاقی که بشر ساخته نه تنها جایگاهی برای معلول در نظر نمی گرفتند بلکه معلول را محکوم به نابودی و دارای سرنوشت هلاکت پذیر می دانند.

تنها انبیاء و صالحان به ویژه اسلام، منادی احترام و تکریم معلولین بوده و آنها را انسان های باشرف و صالح می دانسته اند. درست است معلول یک حس یا یک عضو ندارد ولی انسان است و به جای آن حواس و استعداد های دیگر او قوی تر است.

**طبقه بندی متون اسلامی:** اسلام تفاوتی بین انسان ها قائل نشده و همه را فرزندان آدم و بدون تمایز و تفاوت دانسته است. متونی که به معلولین پرداخته به سه دسته عمده قابل تقسیم اند:

الف: آیات قرآن

ب: روایات

ج: متون تاریخی بیانگر سنت و رویه معصومین (ع)

در وقت اندک نمی توان به همه اینها رسید و فقط به آیات آن هم به اجمال می پردازم. اما آیات قرآنی که احترام به معلولین و کرامت آنان را مطرح کرده اند به چند گروه قابل دسته بندی می باشند. گاه این آیات را در بیست گروه دسته بندی و بررسی کرده اند. چند دسته از آیات را اجمالاً عرض می کنم:

### ۱- تعریف معلول

در مثل ها و ادبیات عامیانه مردم در بین ایرانیان و عرب ها هست که به کافر یا به انسان خطا کار یا متهم یا قاتل کور، نابینا، اعمی، معاق و معلول گفته می شود. با اینکه چشم و بینایی دارد و بدنش سالم است. در قرآن هم همین نکته پذیرفته شده است. یعنی کور و معلول واقعی و حقیقی را نداشتن چشم و فقدان بینایی نمی داند بلکه اینگونه افراد با مردمان دیگر برابر هستند بلکه کسانی که ایمان و بصیرت ندارند کور واقعی اند.

افلم یسیروا فی الأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (سوره حج آیه ۴۶)

چندین آیه در قرآن هست که می فرماید کسانی که برای حل مشکلات مردم تلاش و حرکت نمی کنند، در واقع مشلول و معلول حرکتی هستند ولی فردی که یک پا ندارد ولی در راه خدا و برای سعادت و بهورزی مردم دائم در تلاش و حرکت است، این فرد را نمی توان شل و اعرج نامید بلکه این فرد از هر نظر مساوی با دیگران است.

قرآن صراحتاً می فرماید عده ای زیادی از مردم که در جهنم هستند: لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف ۱۷۹)

کسانی چشم، گوش و بدن سالم دارند ولی از مرتبه انسانیت سقوط کرده اند چون غفلت دارند. یعنی واقعیت‌ها و حقایق را نمی‌فهمند و به راه اشتباه رفته‌اند.

به هر حال نخستین دسته از آیات که کم هم نیست، آیاتی که مردمی که اعضاء و جوارحی مثل چشم، گوش، دست و پا ندارند، معلول نمی‌داند یا حداقل معلول حقیقی نمی‌داند و می‌گوید اینها مثل دیگران هستند بلکه معلول واقعی را کسانی معرفی می‌کند که فاقد انسانیت‌اند، ظالم‌اند، غافل‌اند، از کمک به مردم دریغ ورزیده‌اند و از سیر در راه حق ابا دارند.

#### ۲- آیات گروه دوم: عدم تمایز و تبعیض ذاتی بین انسان‌ها

از نظر قرآن همگان و عموم انسان برابر و تساوی ذاتی دارند و تنها ملاک تمایز و برتری تقوی است. آیه معروف انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم (حجرات ۱۳) گویای اینست که اختلافات مردم ذاتی نیست و برتری به تقوا است. از این رو معلول و سالم تفاوت و افتراق ذاتی با هم ندارند. در حقوق، در فرصت‌ها و امکانات اجتماعی و آموزشی یکسان می‌باشند. چه بسا معلولی که به دلیل داشتن محاسن اخلاقی از افراد عادی برتری دارد.

#### ۳- آیات گروه سوم: مسئولیت همگانی

از نظر قرآن معلول و غیر معلول، نابینا، ناشنوا و شنوا همه مسئولیت دارند و متعهدند در راه خدا تلاش کنند و برای سعادت جامعه خود بکوشند. خداوند می‌فرماید همه مسلمانان باید از خداوند اطاعت کنند و نیز از رسول خدا (ص) اطاعت کنند و اعمی، اعرج و مریض نمی‌توانند بگویند به دلیل مشکل جسمی، از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی کنند.

لیس علی الاعمی حرّ و لاعلی الاعرج و لاعلی المریض حرّ و من یطع الله و رسوله (فتح ۱۷)

#### ۴- آیات گروه چهارم: تأمین امنیت روانی و اجتماعی برای معلولین

اذیت مادی یا معنوی معلولین در قرآن نهی شده است. تحقیر و مسخره کردن و سنگ انداختن به آنان که متأسفانه بسیار در جامعه ما رواج دارد از نظر قرآن مردود است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ تَا آخِر آيَة (حجرات ۱۱)

رسول الله (ص) فرمود: ان الله يعذب الذين يعذبون الناس في الدنيا (صحيح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۴۲۶)

آیات و روایات در این زمینه فراوان است و خلاصه همه آنها اینست که همانطور که مردم عادی در بازار و محل کار و محل تحصیل تردد دارند و کسی مزاحم آنها نیست معلولین هم باید چنین باشند. متأسفانه هم اکنون دائم معلولین مورد آزار و بی‌احترامی قرار می‌گیرند.

چند پروژه تحقیقاتی درباره این واقعیت که چرا معلولین در عرصه جامعه حضور ندارند اجرا شده است. حضور معلولین در اماکن عمومی در کشورهای اروپایی و پیشرفته چشمگیر است؛ در خیابان‌های لندن یا پارک‌های پاریس، معلولین فراوان مشاهده می‌شوند. ولی در ایران به ندرت به معلول برخورد می‌شود. با اینکه تقریباً از هر ده نفر یک نفر معلول باید دیده شود. علت اصلی عدم حضور آنان، نداشتن امنیت و بی‌حرمتی به آنان است. در شهر قم بارها مشاهده شده بچه‌ها به معلولین سنگ انداخته و آنها را مسخره کرده‌اند یا راننده تاکسی بی‌احترامی کرده است.

### سوره عبس و تولی

شاه بیت و احساسی‌ترین و حساس‌ترین آیات مدافع معلولین، ده آیه نخست سوره عبس است. گاه این سوره به همین دلیل اعمی نامیده‌اند. آهنگ این سوره بسیار زیبا است.

فردی نابینا به نام عبدالله بن ام مکتوم پسران پسران جای حضرت رسول (ص) را پیدا می‌کند و به سراغ حضرت می‌آید و درصدد پرسیدن، چند سؤال شرعی بوده است در حالی که رسول خدا با جمعی از بزرگان و اشراف مشغول گفتگو بود، عبدالله بن ام مکتوم وارد شد، سلام گفت، و با سروصدا می‌خواست خود را به حضار معرفی کند.

یکی از اهل جلسه از او رو برگرداند و چهره در هم کشید و حالت ناراحتی به خود گرفت. ولی عبدالله چون نابینا بود و هیچکدام از این حالت‌ها را ندید، مجدداً صدا می‌زد و خواهان پاسخ رسول خدا (ص) بود. در این هنگام آیات نخست این سوره نازل شد. درباره شأن نزول و فردی که رو برگرداند، اختلاف است. اهل سنت رسول خدا و شیعیان خلیفه سوم، یا فرد دیگری را ذکر کرده‌اند. البته همه، روی اینکه نابینایی به جلسه اشراف وارد شده و اشراف و بزرگان به او بهاء ندادند و احترام او را پاس نداشته و به او بی‌توجهی کردند، اتفاق نظر دارند.

خداوند در دفاع از این فرد نابینا می‌فرماید:

ای کسانی‌که رو بر می‌گردانید و به نابینای تازه وارد بی‌توجهی می‌کنید، و چهره در هم می‌کشید و حالت عبوس به خود می‌گیرید. شما چه می‌فهمید او مزکی و پاک و آگاه است. البته این حادثه برایش سودمند است و بر آگاهی او می‌افزاید.

اما شما که خود را اشراف و مستغنی و سرمایه‌دار و پول‌دار می‌دانید به قول علامه طباطبایی در ترجمه آیه اما من استغنی اما تویی که توانگری خود را به رخ مردم می‌کشی و فکر می‌کنی متصدی او و مسئول او هستی در حالی که چنین نیست.

او که شتابان به سوی شما آمده در حالی که خدا ترس و متقی و با خشیت است ولی شما در تغافل هستید و خود را به غفلت می‌زنید گویا او را ندیده‌اید.

این ده آیه بسیار زیبا و آموزنده است. یکی از سران کلیسا در بیروت در جلسه‌ای که برای معلولین بود پس از توضیح این آیات می‌گفت اگر فقط ما این چند آیه را داشتیم همه معلولین را به سوی خودمان جذب می‌کردیم ولی مسلمانان این همه دُرهای گران‌بها دارند ولی معرفی و استفاده نمی‌کنند.

فارغ از مباحث علمی زیادی که درباره این ده آیه در تفاسیر مفصلاً به آنها پرداخته‌اند و بیشتر آنها را در کتاب سوره روشندان آمده است. آیات خیلی روشن و واضح و گویا به ضرورت تکریم و احترام به معلولین و روشندان پرداخته است. خلاصه اینکه چند نکته مهم در این آیات هست:

الف) احترام و توجه به معلولین لازم و ضروری است. بین امور بسیار مهم که رسول خدا مشغول سامان‌دهی به آنها بوده، توجه به خواسته یک معلول مقدم و ارجح است. بزرگان با رسول خدا جلسه مهمی داشتند و مشغول بحث‌های مهم درباره اسلام و مسلمین بودند، از طرف دیگر یک نابینا آمده و خواستار توجه جمع یا خواهان سؤالاتی از رسول خدا است. خداوند می‌فرماید به دومی اهمیت بده و این را مقدم بشمار.

می‌توان این نکته را به عرصه‌های اجتماعی تعمیم داد؛ یعنی اگر امر دایر باشد بین تبلیغات و صرف هزینه‌های میلیاردی برای تبلیغ در زمینه اسلام و رسیدگی به امور معلولین، آیا باید از امور معلولین عبس و تولی داشت یا امور معلولین واجب‌تر است؟

حقوقدانان و مدیران اجتماعی وقتی تزاخم و تعارض بین امور عمومی و امور معلولین را مشاهده می‌کنند به نظر می‌رسد بر اساس این آیات باید امور معلولین را مقدم بشمارند. البته هم اکنون برعکس است در همه زمینه‌ها از امور معلولین عبس و تولی می‌شود؛ و جامعه اسلامی و نظام اسلامی از این قشر روی برگردانده است.

حقوق ماهانه دریافتی یک معلول در کشورهای اروپایی حداقل ۷ هزار یورو است یعنی حدود ۲۵ میلیون تومان است، در ایران چقدر است بعضی از آنها را بهزیستی حقوق ماهانه ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان می‌دهد. این مبلغ کرایه ماشین آنها برای رفتن و دریافت آن مبلغ نیست.

عبدالله بن ام مکتوم پس از اینکه آن احترام و تکریم الهی را عیناً مشاهده کرد تبدیل به انسان خلاق شد که خدمات بزرگی به فرهنگ اسلامی کرده است. زندگی‌نامه او در منابع مثل الطبقات الکبری ابن سعد آمده است. احادیث فراوانی از طریق او نقل شده است. اروپا که به نابیناها حقوق می‌دهد و به آنها توجه می‌کند نتیجه آن مشارکت و حضور معلولین در امور مختلف و تلاش برای پیشبرد امور است. به همین دلیل افراد معلول رقم بسیار بالایی به اقتصاد ملی این کشورها کمک کرده‌اند. اختراعات بسیاری توسط معلولین بوده است مثلاً برق را ادیسون ناشنوا اختراع کرد.

به هر حال ثمره و نتیجه احترام به معلولین، برکت‌های فراوان دارد که در همین آیات هم آمده است. (ب) از آیات سوره عبس و تولی درس می‌گیریم که اگر کسی یا کسانی معلولین را تحقیر کردند، به آنان بی‌توجهی نمودند، دولت، مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دفتر فرهنگ معلولین یا هر گروه و شخص دیگر باشد فرقی نمی‌کند مسلمانان و وظیفه دارند با عتاب با او برخورد کنند، توبیخ کنند، و مثلاً بگویند: چرا کمیسیون حقوق بشر تاکنون هیچ اقدامی درباره معلولین انجام نداده؛ چرا هنوز حقوق معلولین، بیمه معلولین، تحصیل، اشتغال و ده‌ها مشکل آنان حل نشده است؟

چرا کنوانسیون حقوق معلولین در دسامبر ۲۰۰۶ (بهار ۱۳۸۶) در سازمان ملل تصویب شد، حتی کشورهایی مانند مصر و سودان ظرف سه روز آن را پذیرفتند و دولت این کشورها دستورالعمل اجرایی صادر کرد. اما در ایران ۳۰ ماه بعد امضاء و پذیرفته شد یعنی در مهر ۱۳۸۸. بعد از پذیرش هنوز آیین‌نامه‌های اجرایی آن در زمینه‌های مختلف تدوین نشده و این میثاق‌نامه بین‌المللی در ایران هنوز شکل اجرایی و حتی حقوقی به خود نگرفته است.

درس‌های دیگری از این سوره می‌توان آموخت که در کتاب سوره روش‌اندلان مطرح شده است.

#### سرگذشت حضرت ایوب (ع)

حضرت ایوب (س) را قرآن به گونه‌ای زیبا و عبرت‌آموز مطرح کرده است. قرآن از حضرت ایوب چهار بار در چهار سوره نام برده و او را از نسل ابراهیم و از انبیاء معرفی کرده است. حضرت ایوب مشکلات جسمی داشت و به قول امروزی‌ها معلول بود. قرآن معلولیت او را اینگونه بیان می‌کند:

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (سوره انبیاء آیه ۸۳)

واذکر عبدنا ایوب اذ نادى ربه انى مسنى الشيطان بنصب و عذاب (ص ۴۱)

ضُر و نُصَب در تفاسیر به نقص عضو، بیماری لاعلاج یا صعب العلاج و معلولیت تعبیر و تفسیر شده است. ایوب با اینکه پیامبر بود معلولیت داشت. ایوب سال‌های زیادی از عمرش را با درد و عذاب سپری کرد اما واکنش او صبر و عبودیت بود. **إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ** (سوره ص، آیه ۴۴) به خاطر استقامت و صبوری و تحمل، دعایش مستجاب شد و خداوند او را عافیت و سلامتی بخشید و به ثروت زیاد و مکننت فراوان دست یافت. به هر حال از نظر قرآن معلولیت سد راه ترقی انسان نیست حتی مانع پیامبری هم نیست. چون ایوب پیامبری بود که حدود بیست سال از عمرش را معلول بود. با این حال نکات و عبرت‌هایی درباره ایوب ذکر کرده که عبارت‌اند از:

- ایوب از هدایت یافتگان است. (انعام، آیه ۸۴)
- ایوب از محسنین و نیکوکاران است. (انعام، آیه ۸۴)
- به ایوب وحی می‌شده است. (نساء، آیه ۱۶۳)
- ایوب هم ردیف ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، هارون و سلیمان است. (نساء، آیه ۱۶۳ و انعام، آیه ۸۴)
- بدبختی‌ها و مشکلات در زندگی انسان از جمله در زندگی ایوب منسوب به شیطان است. (سوره ص، آیه ۴۱)
- ایوب با تلاش شخصی خودش و بهره‌گیری از توانمندی‌های خود، ضُر و معلولیت را کنار زد و بی‌اثر ساخت. (سوره ص، آیه ۴۲)
- او از خداوند برای رفع مشکلات ناشی از معلولیت طلب کمک نمود (انبیاء، آیه ۸۳)
- اجابت و پاسخ مثبت خداوند به درخواست ایوب (انبیاء، آیه ۸۴)
- رفع مشکلات و ناراحتی‌های ناشی از معلولیت پس از خداگرایی ایوب. (انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب بر اثر معلولیت نه تنها فقیر و بیچاره نشد بلکه ثروتمند و صاحب امکانات فراوان گردید. (انبیاء، آیه ۸۴)
- سرگذشت ایوب را عبرتی برای بندگان و خردمندان دانسته است. (سوره انبیاء، آیه ۸۴)
- ایوب را بر اثر مرض و معلولیت از جامعه طرد کردند و مردم با او رفتار ناشایسته داشتند ولی او هرگز مردم را نفرین نکرد و بد مردم را نخواست.
- خداوند به او امر کرد که پا به زمین بکوبد و چشمه‌ای آب گرم برای شستشوی بدن بیمارش و چشمه‌ای آب سرد به او اعطا کرد. (سوره انبیاء، آیه ۸۴) یعنی او روی پای خودش بپا خواست و عافیت بازیافت.
- خداوند ایوب را به اَوَّاب یعنی بازگشت‌کننده به خداوند (ص، آیه ۳۲)، صابر (ص، آیه ۴۴) و دارای عبودیت معرفی کرد (سوره انبیاء، آیه ۸۴).
- معلولیت منتسب به خداوند نیست بلکه ایوب می‌گوید شیطان مرا به بلایا دچار کرده است. (ص، آیه ۴۱)

- خداوند به ایوب کتاب، داور و نبوت اعطاء کرد. (انعام، آیات ۸۹-۹۰)

داستان سرگذشت ایوب در سه فرهنگ اسلامی، یهودی و مسیحی مؤثر بوده است. بطوری که هم در قرآن به آن توجه شده و هم در تورات، رساله‌ای به نام ایوب هست. نیز در ادبیات فارسی مثل‌هایی مثل صبر ایوب، چشمه ایوبی، شراب ایوبی رواج دارد. ایوب نبی در بلاکشی و صبر و تحمل و یعقوب نبی هم در فراق و دوری از فرزندش و صبر در همه این فرهنگ‌ها اسوه و الگو شده‌اند.



خلاصه اینکه سرگذشت حضرت ایوب در قرآن اینست که او با تلاش با صبر و با درایت بر مشکلات معلولیت فائق آمد و به امکانات بزرگی دست یافت.

مولانا جلال الدین رومی درباره حضرت ایوب چنین سروده است:  
 آن یکی اندر بلا ایوب وار / و آن دگر در صابری یعقوب وار  
 هفت سال ایوب با صبر و رضا / در بلا خوش بود با ضیف خدا  
 تا چو وا گردد بلای سخت رو / پیش حق گوید بصد گون شکر او  
 کز محبت با من محبوب گش / رو نکرد ایوب یک لحظه ترش  
 از وفا و خجالت علم خدا / بود چون شیر و عسل او با بلا  
 گفت حق ایوب را در مکرمت / من بهر مویت صبری دادمت  
 او شد تسلیم او ایوب وار / کی اسیرم هر چه می خواهی بیار  
 مرغ آبی غرق دریای عسل / عین ایوبی شراب و مغتسل  
 که بدو ایوب از پا تا بفرق / پاک شد از رنج ها چون نور شرق

#### وضعیت حقوقی معلولین

تا اینجا اهم آیات قرآن در ارتباط با توجه و احترام به معلولین مطرح شد. اما می خواهیم این ذهنیت را در ارتباط با کنوانسیون جهانی حقوق معلولین (مصوب سازمان ملل متحد دسامبر ۲۰۰۶ / بهار ۱۳۸۶) بررسی کنیم. این کنوانسیون مانیفست و راهنمای جامعه معلولین است و دارای ۵۰ ماده اصلی و ۱۸ ماده الحاقی است. مهم ترین ویژگی آن تأکید بر کرامت ذاتی معلولین است. ولی تعبیر آن بسیار ضعیف تر از تعبیرهای قرآنی است.

این کنوانسیون پس از تصویب در بهار ۱۳۸۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، به همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ابلاغ شد تا نظر خود را بدهند. اما دولت با داشتن گنجینه ای از آموزه های اسلامی مدافع حقوق معلولین و کانون جامع حمایت از معلولین مصوب سال ۱۳۸۳ و آیات و روایات فراوان، این میثاق نامه جهانی را تا ۲/۵ سال بعد امضاء نکرد. تا بالاخره در مهر ۱۳۸۸ رسماً این تعهدنامه بین المللی را پذیرفت. اما نکته مهم اینست که:

اولاً نهادهای مردمی معلولین اعتراض های جدی به روش بررسی و شیوه پیوستن به این کنوانسیون و دیگر کنوانسیون های بین المللی دارند. با اینکه معلولین و نهادهای معلولیتی می توانند آراء و نظریات اساسی و راهبردی بدهند ولی کلاً از آنها مخفی نگاه داشته شده؛ از آنان خواسته نمی شود نظر بدهند و آنان را به مشارکت دعوت نمی کنند. این نوعی کم لطفی و بی احترامی به آنان است و به قول قرآن روی برگرداندن نسبت به آنان است.

نکته دوم در خود این کنوانسیون هست که دولت های عضو می توانند اطلاعات بدهند، دیدگاه جامعه خودشان را منعکس کنند. دولت جمهوری اسلامی حداقل می توانست تفسیر علامه طباطبایی از سوره عبس را به انگلیسی ترجمه و ارسال کند. یعنی آیات و روایات و سیره نبوی که بهترین آموزه ها را در زمینه تکریم و احترام معلولین دارد مطرح نشده، اما مجدداً سازمان ملل در حال تکمیل اطلاعات برای تکمیل کنوانسیون جامع تر است.

گویا چند سال آینده کنوانسیون جامع تر مطرح خواهد شد. دفتر فرهنگ معلولین آمادگی دارد با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی متنی را آماده کند و برای سازمان ملل بفرستند متنی که چهره

واقعی اسلام و قرآن کریم را در زمینه تکریم معلولین نشان می‌دهد. این معرفی نامه با عملکرد مسلمانان در رده‌های مختلف و دولت مردان تمایز می‌یابد. یعنی چهره واقعی و حقیقی قرآن و اسلام را به جهان معرفی کنیم تا این ذهنیت دنیا که ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی را نماینده اسلام می‌دانند تصحیح شود.

خلاصه بحث بنده اینست که معلولین از نگاه قرآن افرادی هستند که فقط فاقد یک عضو یا یک حس می‌باشند، ولی در اصل انسانیت و در دارا بودن خلاقیت و در اینکه می‌توانند اقدامات بزرگ و سازنده‌ای داشته باشند تفاوتی با دیگران ندارند. از این‌رو باید مثل دیگران از مواهب اجتماعی، از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌مند شوند.

در چند ماه گذشته قانونی تصویب شده که نابینا نمی‌تواند برای نمایندگی مجلس شورا ثبت نام کند، قانون مصوب داریم که فرد معلول هر چند معلولیت در چند انگشت داشته باشد، نمی‌تواند به حوزه علمیه راه یابد و قوانین دیگر که تماماً با روح آیات قرآن در تعارض جدی است. وظیفه حقوقدانان است که تکلیف جامعه را روشن کنند. حضرت رسول (ص) به نابینای مطلق مسئولیت‌های مهم مثل اداره شهر مدینه به عنوان پایتخت ام‌القرای جهان اسلام می‌سپرد. از این‌رو مصوبه‌های فوق هم با آیات قرآن و هم با سنت نبوی در تعارض است. کمیسیون حقوق بشر اسلامی می‌تواند این تعارض را مطرح و راه کار درست را معرفی نماید.

### برابری و تبعیض

برابری، مساوات و عدالت یکی از اصول مهم همه مکاتب در همه دوره‌ها از جمله اسلام و در دوره جدید حقوق بشر است. برابری و نابرابری مفاهیمی قدیمی هستند و شامل برابری حقوقی، برابری سیاسی، برابری اقتصادی و برابری اجتماعی می‌باشند. این مفهوم دارای ابعاد مختلف و متنوع است. وقتی شهروندان فارغ از ویژگی‌های فردی خویش نظیر نژاد، جنسیت، مذهب یا طبقه اجتماعی تحت سیطره نظام حقوقی واحدی قرار گیرند و در شرایط مشابه شهروندان از حقوق و تکالیف یکسانی برخوردار می‌شوند؛ این نظام در تمامی روابط دوجانبه حکومت و جامعه مدنی تجلی می‌یابد. حکومت مدرن جامعه‌ای برابر را رهبری می‌کند (برابری سیاسی) و اعضای این جامعه باید به گونه‌ای برابر مطیع قدرت عمومی باشند (برابری مدنی) بدیهی است که واسطه این روابط، دیالکتیک قانون است که به مثابه خواست عمومی در جامعه حکم فرما است. به بیان دیگر این مردم هستند که خود با وضع قوانین برابری خویش را تضمین می‌نمایند. اما از منظر جامعه‌شناسی حقوق، برابری باید در چارچوب یکی از کارکردهای حقوق قرار گیرد.

کارکرد مورد بحث در اواخر دهه ۶۵ میلادی مطرح شد و به موجب آن حقوق به تنظیم رفتارهای اجتماعی و شهروندان می‌پردازد تا به غایت خویش نزدیک شود. در غرب، آنتی‌ها نخستین مردمی بودند که در قرن چهارم پیش از میلاد به این مفهوم پرداختند. افلاطون بر مبنای سلسله مراتب طبیعی موجود برابری را در دو شکل هندسی و برابری حسابی مطرح نمود. ارسطو نیز نخستین بار مفهوم برابری سیاسی را به کار برد. بدین معنا که تمامی شهروندان می‌توانند در کار حکومت شرکت نمایند. سپس در حقوق رم، برابری در مقابل قانون به وجود آمد بدون اینکه به مفهوم مشارکت سیاسی اشاره شود. اما در آثار ژان ژاک روسو به ویژه قرارداد اجتماعی بود که مفهوم آرمانی رنگ باخته و به قلمروی حقوق راه یافت. پس از انقلاب کبیر فرانسه این اصل در ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه سال ۱۷۸۹ تجلی یافت. این ماده انسان‌ها را در بهره‌مندی از حقوق، آزاد و برابر می‌داند. در قرون جدید برابری در دیدگاه‌های مکاتب نوین جنبه‌های دیگر یافت.<sup>۱</sup>

برابری در اندیشه دین مبین اسلام یکی از اصول بنیادین محسوب می‌شود. بر این اساس، در اندیشه و حیانی اسلام، انسان‌ها با یکدیگر برابر هستند و هر گونه تفاوت و تبعیض میان آنها ممنوع است. در اندیشه دینی مبنای اصلی اصل برابری، کرامت ذاتی انسان‌ها و منشأ واحد خلقت انسان‌ها است و بنابراین چون انسان‌ها همگی روح خدایی دارند با هم برابر می‌باشند. در این گفتار به بررسی برابری در قرآن کریم و نیز نهج البلاغه می‌پردازیم.

#### برابری در قرآن کریم

برابری، فکری بلند و عمیق در اسلام است. بررسی این موضوع در قرآن کریم که اولین و اساسی‌ترین منبع افکار و اصول اسلامی است خالی از لطف نمی‌باشد. قرآن درباره این موضوع بسیار صریح و با تأکید سخن گفته است. گرچه قرآن در تمام موضوعات زیبا و نافذ سخن گفته ولی درباره

۱. ویژه، محمدرضا، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، مجله حقوق/اساسی، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹.

پاره‌ای از مسائل مهم عنایت و توجه خاصی مبذول داشته که برابری از آن جمله است. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

۱- ای مردم! در برابر خدایتان که همه شما را از یک فرد (یک پدر) آفریده، پرهیزکاری پیشه کنید.<sup>۱</sup>  
 ۲- ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به شکل دسته‌ها و قبیله‌هایتان درآوردیم تا بتوانید همدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما در نزد خدا با تقوی‌ترین شما است.<sup>۲</sup>  
 در این دو آیه تأکید شده، همه افراد بشر فرزندان یک پدر و مادرند و از یک ریشه و اصلند و بر آنها جز روش برادری و وحدت و یکپارچگی نمی‌تواند حاکم باشد. در آیات دیگری، مسئله برادری و وحدت به تعبیر «یا بنی آدم» بیان شده و با این خطاب که به عموم انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها است تأکید شده که همه فرزندان یک پدر و مادرند.

در آیه دیگری از قرآن کریم چنین می‌خوانیم: «الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء...» همه انسان‌ها از هر نژاد و با هر نوع خصیصه مادی و معنوی، از دو انسان مرد و زن آفریده شده‌اند و نخستین مرد و زن که پدر و مادر همه انسان‌ها هستند، از نوع و طبیعت مشابه آفریده شده‌اند.<sup>۳</sup>

برابری در قرآن کریم، به این معنا است که همه انسان‌ها ارزش یکسانی دارند و باید با همه به شیوه‌ای برابر رفتار کرد. زیرا همه به حکم انسانیت برابری دارند و بر یکدیگر برتری ندارند و همه شهروندان در نزد قانون و از لحاظ حقوق و آزادی‌ها با هم یکسان هستند.<sup>۴</sup>

#### برابری در نهج البلاغه و اندیشه پیشوایان دینی

نهج البلاغه نیز به عنوان مهم‌ترین کتاب در اسلام حاوی نکات بدیعی در خصوص اصل برابری است. در خصوص برابری امام علی (ع) گفتارهای صریح و روشنی وجود دارد که در عهدنامه‌های خویش به فرمانداران، زمامداران و والیان به آن اشاره و تأکید گردیده است. از جمله در نامه خود به محمد ابن ابی بکر که در آغاز سال ۳۷ هجری او را به فرمانداری مصر برگزیده است، می‌فرماید:  
 «با مردم فروتن، نرم خو و مهربان، گشاده‌رو و خندان باش و در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.»

۱. سوره نساء، آیه ۱.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۳. سوره نساء، آیه ۱.

۴. بخشایش اردستانی، احمد، دشتی، فرزانه، «مردم سالاری در حکومت دینی»، فصلنامه پژوهش نامه علوی، شماره ۸،

۱۳۹۲، ۶۲.

### حقوق معلولان در نهج البلاغه

امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر سی بند حقوقی برای معلولین شمرده و حاکمیت را موظف به اجرای این حقوق می‌داند. از این حقوق، چند مورد از آنها در مورد مساوات و تبعیض و برابری است. اکنون به طرح این موارد می‌پردازم. امام می‌فرماید:

#### ضرورت مساوات و اجرای عدالت بین همه معلولان

فان للاقصى منهم مثل الذی للادنى. تبعیض ممنوع است و با آنان به مساوات رفتار کن؛ زیرا دورترین آن‌ها مثل نزدیک‌ترین آن‌ها است. هر آنچه به آنان تعلق می‌گیرد و حقوقی که به آنان می‌خواهی بدهی، دور و نزدیک، خودی و غیر خودی ندارد. در ادامه حضرت خواستار رعایت حقوق همگان شده است.

#### رعایت حقوق تمامی مددجویان بدون تبعیض

وکلأ قد استرعیت حقه. حقوق همه مددجویان باید مراعات گردد.

حضرت از واژه استرعیت در باب استفعال استفاده کرده و گویا درصدد بیان این نکته است که ای مالک تو به عنوان مدیر ارشد جامعه باید از همه مدیران تحت فرمانت رعایت حقوق مددجویان را مطالبه کنی و پیگیری نمایی. صرفاً یک دستور نباشد بلکه پیگیری و مطالبه جزء برنامه رعایت حقوق است. مهم این است که در این بند، حضرت کل و تمامی مددجویان را مشمول رعایت حق دانسته است. یعنی نفرموده فقط مسلمانان یا فقط طرفداران امامت یا فقط کسانی که فلان خصوصیت را دارند. بلکه فرمود کل و همه مددجویان بدون تبعیض باید حقوق‌شان مراعات گردد.<sup>۱</sup>

#### ممنوعیت تضییع حقوق مددجویان به بهانه اجرای کارهای اولویت‌دار

فانک لا تغدر بتضییع الصغیر لاحکامک الكثير المهم. انجام کارهای زیاد و مهم عذر برای ضایع کردن حقوق بیچارگان نمی‌تواند باشد.

مدیران نپرداختن به امور مددجویان متعلق به ا فشار پایین جامعه را این گونه توجیه می‌کنند: کار زیاد یا کار مهم و اولویت‌دار، مانع از رسیدگی به امور آنان بود و معذور هستیم. اما حضرت می‌فرماید این استدلال پذیرفته نیست و اجرای کارهای کثیر و مهم عذرآور نمی‌باشد و از مسئولیت استاندار برای رسیدگی به امور مددجویان دون پایه نمی‌کاهد. زیرا موجب تضییع حق آنان و کرامت انسان‌های مددخواه و نیازمند مساعدت می‌گردد. حضرت نمی‌فرماید تعضییع مال یا تضییع آبرو یا تضییع زندگی آن‌ها می‌شود؛ بلکه می‌فرماید «تضییع الصغیر» یعنی عدم رسیدگی به بهانه رسیدگی به امور مهم و زیاد، موجب از هستی ساقط شدن قشر صغیر است و همه چیز خود را از دست می‌دهند.

برخی از نسخه‌های چاپی مثل نهج البلاغه صبحی صالح اینگونه آمده است:

فانک لا تغدر بتضییع التافة، و معنای آن اینگونه می‌شود همانا مجاز نیستی با تحقیر خود را ضایع کنی. یعنی حضرت پیش از این به مالک اشتر درباره غرور و تکبر هشدار داد و الآن درباره خود کوچک بینی و حقارت پیشگی، هشدار می‌دهد. حاکمی بیش از حد خودش را کوچک می‌نماید، ابهت خود

۱. منشور حقوق معلولین، محمد نوری، ص ۱۲.

را از دست می‌دهد. در نتیجه افراد فرصت‌طلب از این وضع سوء استفاده می‌کنند. از این‌رو در چنین جامعه‌ای حقوق معلولین تضییع می‌گردد.

ادامه سخن حضرت که فرمود: لأحكام الكثير المهم را می‌توان اینگونه تفسیر نمود: حاکم برای تحکیم جایگاه خود در جامعه باید کارهای مهم بسیار انجام دهد. با اجرای طرح‌های مهم و ابتکاری مردم به استواری، اقتدار و استحکام قدرت حاکم پی برده و او را شایسته این مقام می‌دانند. معلولین در اینگونه جامعه می‌توانند به نیازها و حقوق خود برسند.<sup>۱</sup>

### عدم رفتار با غرور و نخوت با معلولین و تعامل انسانی با آنان

و لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لَهُمْ. به معلولین فخر نفروش و از سر کبر و نخوت، از آنان روی بر مگردان. یکی از حقوق معلولین این است که جامعه، به ویژه مسئولین رفتار عادی و انسانی با آنان داشته باشند. به دلیل نداشتن بینایی یا فلج بودن آنان را تحقیر نکنند و با آنان با کبر و نخوت برخورد ننمایند. گویا حضرت این سخنش را از قرآن کریم اقتباس کرده است. در سوره لقمان از وصایا و توصیه‌های لقمان به پسرش، این است: لا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ و لا تَمْشِ مَرِحاً اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كَلَّ مَخْتَارٍ فَخُورٍ (آیه ۱۸ سوره لقمان). چهره از مردم بر مگردان و در زمین خرامان راه نرو، همانا خداوند انسان‌های خودپسند و متکبر را دوست نمی‌دارد.

قرآن کریم می‌فرماید هنگامی که نایبانی آمد، کسی با چهره عبوس روی برگرداند (عبس و تولى ان جاءه الاعمى، سوره عبس، آیات ۱ و ۲) در ادامه این رفتار را به شدت مذمت کرده است. در منطق قرآنی و در فرهنگ الهی، نایبنا و کلاً معلولین کرامت دارند و کسی حق ندارد از آن‌ها رو برگرداند.<sup>۲</sup>

### ضرورت احترام متواضعانه نسبت به مددجویان

و تواضع لله یرفعك الله. به خاطر خدا تواضع کن تا خداوند تو را رفعت دهد. حضرت تواضع حاکم را با رفعت و بزرگی او در ارتباط قرار داده است. حاکمی که نسبت به مردم و مددجویان تواضع داشته باشد، مقام رفیع و مقبولیت گسترده پیدا خواهد کرد. بر عکس حاکمی که تکبر داشته و نسبت به مردم متکبر و مستبد باشد، جلال و شکوه هم پیدا نمی‌کند. در حدیث معروف آمده: من استبد برأیه هلک یعنی کسی که مستبد و خودرأی باشد و به افکار عمومی احترام نگذارد نابود می‌شود. زیرا اقتدار و قدرت واقعی در جامعه است، حاکم با نزدیک شدن به جامعه و احترام به اقشار اجتماعی، از قدرت و اقتدار لایزال مردمی بهره‌مند می‌گردد، مردم هم به او یاری رسانده و در دل‌های مردم نفوذ یافته و مردم با همه وجود در سختی‌ها و بحران‌ها یاور او خواهند بود. بنابراین وظیفه دو طرف حاکمیت و مددجویان در این قطعه از سخن حضرت این است که حاکم متواضع باشد نه به صورت ظاهری و برای فریب مردم بلکه واقعاً و از سر عشق و اخلاص به مردم؛ مددجویان هم در رفعت حاکم نقش‌آفرین باشند.

### امکانات و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را در اختیار مددجویان گذاشتن

و اُخْفِصْ جِنَاحَكَ لِلضَّعْفَاءِ. بال‌های خود را برای ضعیفان پهن کن.  
بال پهن کردن به دو جور تفسیر شده است:

۱. همان، ص ۱۳-۱۴.

۲. همان، ص ۱۴.

استعاره از فروتنی در برابر ناتوانان توان خواه است. این کاربرد اخلاقی است. در تفسیر دوم، بال کنایه از رشد و توسعه و ترقی است. یعنی امکانات و ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار حاکم است، نباید آن‌ها را به اقویاء، پولدارها و ثروتمندان بدهد بلکه حاکم باید فرصت‌ها و امکانات اقتصادی و اجتماعی را به مددجویان ضعیف بسپارد. پهن کردن بال، کنایه از اعطای امکانات و فرصت‌ها آن هم با تواضع و فروتنی است. این کاربرد حقوقی است.

### نیاز جامعه به حضور اجتماعی و مساعدت آنان

و أَرْبِهِمُ الی ذلک منک حاجةً. به مددجویان نشان بده به این برنامه نیازمندی. به نظر حضرت، حاکم با تواضع و سپردن امکانات و فرصت‌ها به مددجویان کارش تمام نمی‌شود بلکه باید برنامه فرهنگ‌سازی اقناعی و اطلاع‌رسانی هم داشته باشد. باید به مددجویان تفهیم کند حکومت به مددجویان نیاز دارد؛ چون آنان سرمایه اجتماعی هستند و با مشارکت در جامعه موجب پیشرفت و ترقی خواهند شد.

### رسیدگی به امور معلولین منزوی و دور از دسترس

و تَقْفُدُ امْرُؤَ مَنْ لَا یَصِلُ الَیْکَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَقْتَحِمُهُ الْعِیُونَ وَ تَحْقِرُهُ الرِّجَالُ. امور معلولینی را که در خواست‌های آن‌ها به تو نمی‌رسد، رسیدگی کن؛ زیرا اینان از چشمان پنهان‌اند یا به دلیل تحقیر، کنار رفته‌اند.

مدیران فقط نسبت به مراجعه کنندگان و کسانی که در فهرست ثبت شده‌اند رسیدگی می‌کنند. اما معلولینی هستند که در حاشیه‌اند؛ اساساً نمی‌دانند کسی و تشکیلاتی برای رسیدگی به امور آنان هست یا مددجویانی هستند که به هر دلیل تحقیر شده و آنان را کنار گذاشته‌اند یا در بازداشت هستند یا به بهانه سوء سابقه، حذف شده‌اند؛ همه اینان مصداق سخن حضرت می‌باشند و به حاکم امر می‌فرماید که باید به امور آنان رسیدگی کنی.

### رسیدگی ویژه به افراد دارای معلولیت شدید

و تَعَهَّدُ اهلَ الْیُثْمِ وَ الرِّمَانَةِ وَ الرِّقَّةَ فِی السِّنِّ مِمَّنْ لَا حِیْلَةَ لَهُ وَ لَا یُنْصَبُ لِمَسْأَلَةِ نَفْسِهِ. نسبت به افراد دارای معلولیت‌های شدید یعنی زمین‌گیرها، کهنسالان و آسیب‌مندان درمانده متعهد باش. چون آنان بیچارگانی هستند که خواسته‌های شخصی خود را هم نمی‌توانند برآورده سازند. وظیفه‌شناسی، تعهد و قبول مسئولیت در منطق حضرت جایگاه خاص دارد. وقتی به افراد دارای معلولیت شدید می‌رسد، می‌فرماید متولی جامعه حتماً باید وظیفه شناس باشد. اهل الیثم یعنی افرادی که به دلیل حادثه و قطع عضو یا نابینا شدن یا از دست دادن پدر و مادر جزء «طبقه آسیب‌مند» جامعه شده‌اند؛ زمانه یعنی افرادی که به دلیل ناتوانی و معلولیت شدید زمین‌گیر شده‌اند؛ و بالآخره الرقّة فی السن یعنی کسانی که به دلیل کهنسالی و سن زیاد، توان تحرک ندارند. این سه دسته را حضرت به طور ویژه رسیدگی کرده و حقوق ویژه برای آنان بر می‌شمارد. زیرا اینان چون توان اجابت خواسته‌های شخصی خود را ندارند، حاکمیت باید برای آنان برنامه و تدبیر ویژه داشته باشد. سازمان بهزیستی با اجرای «طرح رسیدگی در خانه» در واقع درصدد اجرای همین فرمان است.

### ضرورت استقرار آنان در جایگاه مناسب حالشان با حقوق مکفی

و وَضَعَهُمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَاتِهِمْ وَحَقُوقِهِمْ، فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخَلَّصُ بِصَدَقِ النِّيَّاتِ. با تأمین نیازهای ضروری و حقوق اولیه مددجویان، وضعیت آنان را تثبیت کن؛ خلوص این اعمال بستگی به صداقت و نیت پاک تو دارد.

معلولان با تأمین نیازها و حقوقشان در جایگاه و مواضع واقعی شان قرار می گیرند؛ به شرط اینکه مددکاران، اندیشه و نیت صادقانه داشته باشند. اما اگر نیت استفاده ابزاری از معلولان در میان باشد، نمی توان آن را در جایگاه درست نشانند؛ چون اموال و امکاناتی که حق معلولان است به آن ها صحیح داده نمی شود.

### تأسیس اداره‌ای برای مددجویان زیر نظر حاکم

و اجعل لذوی الحاجات منك قسماً تَفَرَّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصِك. برای افراد دارای معلولیت (ذوی الحاجات) یک بخش اداری دایر کن و شخصی را از جانب خودت بر آن منصوب کن. به نظر حضرت، حق معلولین است که در ساختار اداری، دیوانی و اجرایی کشور، یک سازمان ویژه معلولین تأسیس شود و نماینده عالی ترین مقام در رأس این سازمان حضور داشته باشد. مالک اشتر به عنوان عالی ترین مقام در مصر باید چنین سازمانی را تأسیس و شخصی از معتمدین خودش را در رأس آن بگمارد. این فرمان دلالت دارد به اینکه، سخنان امام صرفاً اخلاقی نیست و حتماً باید اجرایی شود. و برای اجرایی کردن آن باید ساز و کارهای لازم را فراهم آورد.

حضرت نکات ریز ولی پرمعنایی در این عبارات به کار برده است. واژه «منک» یعنی متولی باید تشکل معلولین را خودش ایجاد کند و در واقع زیر نظر خودش باشد، به دیگران یا به سازمان های زیر مجموعه‌ای دولت نسپارد.

گویا سازمان بهزیستی بر اساس همین دستورات حضرت تأسیس شده است. و در قانون جدید حمایت از معلولان هم همین نکته مورد توجه است.

### تشکیل جلسات عمومی گفت‌وگو و مناظره

و تجلس لهم مجلساً عاماً. نشست عمومی با آن ها داشته باش.

حضرت به مالک اشتر می فرماید: توبه عنوان متولی و استاندار در کنار معلولین مصر بنشین و با آنان نشست عمومی و فراگیر داشته باش. یعنی حق افراد دارای معلولیت است که استاندار و متولی امور با آن ها تشکیل جلسه دهد به درد و دل آن ها گوش بسپارد، سخنان آنان را بشنود و به خواسته های آن ها رسیدگی کند. جلسه خصوصی و نشست های دو نفره با معلولین داشتن هدف امام نیست بلکه تأکید به تشکیل جلسه عمومی دارد. در گفت‌وگوی عمومی، تضارب آراء پدید می آید، نقد و انتقاد می شود، معارفه و شناخت یکدیگر و بالاخره هم افزایی و رشد پدید می آید. معلولان به دلیل روان شناسی خاصی که دارند، نیاز مبرم به گفت‌وگو و جلسات عمومی دارند. اساساً این تدبیر به یک شیوه درمانی و سازندگی برای آنان است.

کسانی مثل عبدالله ابن ام مکتوم نابینا در آن دوره حضور داشتند. اینان نخبگان جامعه بودند و نشستن با این افراد، در واقع استفاده از تجارب و دیدگاه های آن ها بود. از این رو جلسه داشتن با معلولین فقط با هدف رسیدگی به نیازمندی های آن ها نبوده بلکه تأثیرهای این چنین هم داشته است. در نسخه دیگر این فرمان به این صورت آمده است: ثم تَأْتِنُ لَهُمْ عَلَيْهِمْ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِساً. یعنی اجازه بام عام دادن به آنان خواهی داد و با آنان در مجلس خواهی نشست (تحف العقول، ص ۲۸۶).



واژه عام که بعد از مجلس در نسخه صبحی صالح آمده همان تأذن لهم علیک است و این دو یک معنا دارند. از این رو در هر دو نسخه معنا یکی است.

### فروتنی در مجلس عمومی مددجویان و سپردن جلسه به آنان

فتتواضع فیہ لله الذی خلقک. در مجلس معلولین به خاطر خدایی که تو را آفریده، تواضع کن. فردی مثل مالک اشتر که خداوند او را در کمال صحت و با بدنی کامل آفریده، نباید نسبت به کسانی که نقصی مثل فقدان حس بینایی دارند، غرور و تکبر داشته باشد. چون معلولین هر چند فاقد حسی هستند ولی جنبه‌های دیگر جسمی آنان قوی‌تر است. نابینایان گرچه فاقد حس بینایی هستند ولی در لمس و در شنوایی و در حافظه از انسان‌های عادی برتر می‌باشند. حضرت می‌فرماید: ای مالک به خاطر اینکه خداوند تو را کامل آفریده، نسبت به افراد دارای معلولیت تکبر و غرور نداشته باش بلکه تواضع نما. بنابراین از جمله حقوق معلولین تواضع متولی و مدیران ارشد نسبت به آنان است.

تواضع یعنی انسان خود را برتر و بالاتر از دیگران نبیند و دیگران را کوچک و خوار نشمارد. اصلی‌ترین مشکل معلولین در همین نکته است. افراد عادی و بعضی از مدیران جامعه در سخن یا در رفتار یا در عمل آنان را کوچک شمرده و تحقیر کرده‌اند. کوچک شمردن معلولین زمینه‌ساز تبعیض علیه آنان می‌شود و بسیاری از مشکلات از همین جا نشئت می‌گیرد.

اما مصداق تواضع در اینجا یعنی در جلسه عمومی، یک تاز و متکلم وحده نباشد؛ اجازه بدهند حضار هم مشارکت داشته و سخن بگویند. تریبون و میکروفن را به آنان بسپارد و خودش مستمع باشد. نیز آداب مباحثه را رعایت کند. اگر کسی انتقادی مطرح کرد و حتی به رئیس دولت پر خاش نمود، او را تهدید نکند، اجازه دهد حرفش را بزند و بعد با استدلال و منطق پاسخ بدهد. البته معلولین هم با ادب و اخلاق نیک با رئیس برخورد کنند. فرصت طلبی نکرده و هر آنچه در دل دارند بر سر رئیس بریزند. اما در نسخه دیگر این فرمان اینگونه آمده است: تتواضعُ فیہ لله الذی رفعک (تحف العقول، ص ۲۸۶). یعنی به جای خلقک، رفعک آمده است.

### دسترسی آسان مددجویان به مسئولین دولتی با حذف نگرهبانان

وتَقَعُدْ عَنْهُمْ جندک واعوانک من احراسک وشرطک. پاسداران، پاسبان‌ها، سربازان، نزدیکان و یاران خود را از سر راه آنها دور کن.

حق معلولین است تا با متولی و مدیران ارشد جامعه بدون ترس و لرز ارتباط داشته باشند. معلولین که توانایی آسیب رساندن به کسی را ندارند، از این رو به هنگام ارتباط با مقامات نیازی به نیروهای امنیتی و انتظامی نیست. از این رو معلولین باید بتوانند با مقامات ارتباط ساده و سازنده داشته باشند و مسئولین هم باید شرایط مناسبات پویا را فراهم آورند.

### لزوم برپایی جلسات آبرومند جهت مراجعات مددجویان یا مواجهه رئیس با آنان با آغوش باز

تَخَفُّصُ لَهُمْ فی مجلسک ذلک جناحک و تلینُ لَهُمْ کنفک فی مراجعتک و وجهک. جلسه‌ای فاخر برای آنان تشکیل می‌دهی و به هنگام مواجهه با آنان یا مراجعه به تو، با نرم‌خویی آنان را در آغوش می‌کشی.

تخفص لهم جناحک مثل آیه اخفض لهما جناح، اصطلاح و به معنی اقدام و عملی همراه با فروتنی است. تلین لهم کنفک نیز اصطلاح و به معنای برخورد با مخاطب با نرمی است. یعنی وقتی

مددجویان به تو مراجعه کردند و با آنان مواجهه پیدا کردی، در گفتار و رفتار خشونت نخواهی داشت بلکه مدارا، تواضع و نرمی خواهی داشت.

تخفص لهم جناحک در اصل به معنای گشودن و پهن کردن بال‌ها و کنایه از برخورد محبت‌آمیز است. تلین لهم کنفک به معنای در آغوش کشیدن و کنایه از نشان دادن علاقه و دوستی به مخاطب با برخورد ملایم و نرم با او است. خلاصه حضرت از چند اصطلاح و تعبیر استفاده کرده تا ضرورت تشکیل جلسات آن‌چنانی فاخر را بفهماند. جلساتی که مدیر باید امکانات خود را مثل بال بگستراند تا مددجویان با اطمینان در کنار ریاست قرار گیرند. رئیس هم با آغوش باز و لین از آنان استقبال نماید. حضرت با این تعبیر درصدد بیان روابط نزدیک مددجویان و مددکاران و علاقه‌های دو طرف به هم بوده است.

### تحمل رفتار غیر متعارف مددجویان و عدم برخورد امنیتی و قضایی با آنان

ثُمَّ احتمل الخرق منهم و العی. درشتی و سخنان غیر مطلوب معلولین را تحمل کن. معلولین به دلیل فشارهای روحی و روانی ناشی از مشکلات گاه عرصه بر آنها تنگ شده و رفتارهای غیر متعارف یا سخنان خلاف عادت و درشت از آنها بروز می‌کند. آیا باید آنان را محاکمه و مجازات کرد یا باید با آنان به تسامح رفتار نمود؟ امام به مسئولین امور دستور داده که رفتار و سخنان درشت و غیر مطلوب آنان را تحمل کرده و آنان را مجازات ننمایند. هر چند در جاهای دیگر از معلولین هم خواسته شده ادب و نزاکت و محسنات اخلاقی را رعایت کنند. به هر حال از حقوق معلولین این است که رفتارهای غیر متعارف آنان عفو و بخشیده شده و متولیان قضایی و مسئولین انتظامی باید نسبت به آنان گذشت داشته و با رأفت و رحمت با آنان برخورد نمایند.

### روابط مددجوها و مددکاران بدون خشونت و استبداد

و نَحَّ عنهم الضیق والانف. دور کن از معلولین استبداد و خشونت را. به نظر حضرت دو آفت استبداد و خشونت آثار منفی بسیار در پی دارد و به مالک دستور می‌دهد این آفات را از جامعه و فرهنگ معلولین بزداید. متولی و حاکم اگر به جای باز کردن فضا و آزادی دادن به مردم و اجرای شیوه‌های تساهلی و تسامحی، فضای جامعه را ضیق و بسته کند، مردم را زیر انواع فشارهای امنیتی و پلیسی نگه دارد و به روش خشونت‌آمیز با مردم رفتار نماید، نخبگان از این جامعه کوچ خواهند کرد، ابتکار و خلاقیت متفکران نابود خواهد شد، شادی و امید به زندگی و روحیه امیدواری از بین می‌رود و خلاصه ده‌ها پیامد منفی خواهد داشت. به نظر حضرت، حق معلولین است که در جامعه‌ای آزاد و با طراوت و به دور از خشونت زندگی کنند و متولی جامعه وظیفه دارد چنین شرایطی را برای آنان فراهم آورد.

حضرت در ادامه می‌فرماید: یبسط الله علیک بذلک اکناف رحمته و یوجب لک ثواب طاعته. یعنی در جامعه بدون خشونت و استبداد و ظلم، در رحمت‌های الهی باز شده و در همه جای آن رفاه و پیشرفت بسط پیدا می‌کند. همچنین فرهنگ دینی و اطاعت از دستورات الهی تحقق می‌یابد.

### سرویس‌دهی و خدمات‌رسانی به شیوه انسانی و کریمانه

فَأَعْطِ مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئاً. آن چه می‌دهی، با بزرگ‌منشی اعطا کن.

حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید تو به عنوان استاندار مصر، به مددجویان، اموال از خوراکی، پوشاکی و دیگر مایحتاج زندگی اعطا خواهی کرد، این‌ها را با چهره عبوس و با غرغر کردن و با سختی اعطا نکن بلکه هر آن چه اعطا می‌کنی باید به شیوه کریمانه و بزرگوارانانه اعطا نمایی. امام

شیوه ایده آل خدمات‌رسانی به معلولین را در این بند بیان کرده است. امام قبلاً وظایفی مثل پرداخت حقوق از بیت‌المال، سرویس‌دهی ارزاق و خوراک و غیره را به دوش متولی جامعه گذاشت. اکنون می‌فرماید این‌ها را باید بدون تحقیر کردن و به روش کاملاً بزرگوارانه و کرامت‌انسانی مددجویان انجام بدهی.<sup>۱</sup>

روایتی از امام صادق علیه السلام دلالت دارد که رنگ، نژاد، علم و تخصص، لیاقت و شایستگی‌ها و حتی فضایل معنوی هیچ‌یک بهره‌مندی بیشتر فرد یا گروه و حزبی را از امکانات و سرمایه‌های عمومی موجه نمی‌سازد.

حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به طلحه و زبیر که خواستار سهم بیشتری از بیت‌المال شده و این افزون‌طلبی را به سابقه‌شان در اسلام و قرابت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مدلل نمودند فرمودند: «در این امور، سابقه اسلام و قرابت با پیامبر، من بر شما مقدم هستم ولی به خدا سوگند که سهم من به عنوان رئیس حکومت با آن همه امتیازات با سهم این کارگر در برخورداری از امکانات عمومی برابر است.»<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۴-۲۵.

۲. احمدی، سید جواد، «معیار عدالت توزیعی و نسبت آن با انصاف و برابری با تأکید بر اخلاق حکومتی امام علی (ع)»، پژوهشنامه/اخلاق، شماره ۱۸، ۱۳۹۱، ص ۶۵.

## واقع گرایی

گاه ایجاد برابری مثبت به همگان عین ظلم است، مثلاً اگر نسبت به خردسالان و افراد مسن به بهانه برابری یک گونه برخورد گردد قطعاً ظلم به خردسالان است. همینطور اگر به نام مساوات و عدالت افراد مریض یا پیرزنان را با افراد توانمند و جوان و سالم یکسان گرفته شوند، برای نمونه پیرزنان و جوانان وقتی وارد اتوبوس می شوند به پیران جا نداد و گفت مساوات در این است که هر کس وارد شد اولویت دارد، اینگونه رویه‌ها نوعی ظلم است و لازم است هر قشر و گروه به اقتضای شرایط و اقتضائاتی که دارد، سهم و امتیاز دریافت کند. گاه از این مسئله به واقع گرایی در تخصیص امکانات و توزیع فرصت‌ها یاد می‌شود و گاه آن را تبعیض مثبت می‌نامند.

لازم است نسبت به معلولین هم واقعیت و اقتضائات آنها در نظر گرفته شود و قانون انتخابات نسبت به معلولین بر این اساس نوشته شود. برای اینکه معلولان به حقشان برسند به این عوامل باید توجه داشت:

- ۱- به کارگیری روش متفاوت افراد ناتوان و معلولان.
  - ۲- اعمال انواع بیمه‌ها برای افراد دارای معلولیت.
  - ۳- به رسمیت شناختن آداب و عقاید مذهبی و دینی برای پیروان یک مذهب و دین و به رسمیت شناختن آداب و رسوم فرهنگ یک ملت برای متعلقین آن ملت.
  - ۴- توجه به اقتضائات و واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی هر قشر از جامعه مثل معلولان.
- قانون انتخابات ایران اعم از شوراهای شهر و روستا یا مجلس شورای اسلامی همانطور که برای اقلیت‌های دینی بر اساس تبعیض مثبت، امتیاز قائل شده و یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان هر کدام نماینده خاص خود را دارند، اقشار اجتماعی و فرهنگی مثل معلولان هم باید هر یک نماینده خاص خود را داشته باشند. مثلاً ناشنویان یک نماینده، نابینایان یک نماینده، ذهنی‌ها یک نماینده و حرکتی‌ها هم یک نماینده در مجلس شورا داشته باشند. یا به لحاظ جمعیت آنها تعداد نمایندگانشان تعیین گردد.
- تمامی نظام‌های حقوقی و در تمام کشورهای پیشرفته، تبعیض مثبت مورد توجه است و به آن عمل می‌شود. برخی نمایندگان در جریان طرح قانون حضور نابینایان برای نامزدی می‌گفتند چنین مسئله‌ای موجب تبعیض است، در واقع نسبت به این نوع تبعیض آگاهی ندارند.

## تاریخ اسلام

واقعیت این است که پادشاهان، وزیران، امیران، قضاة، والیان و افراد دیگر در ده‌ها پست بالای دولتی در تاریخ اسلام بوده‌اند که معلولیت هم داشته‌اند. از طرفی فقیهان بزرگی در آن دوره‌ها می‌زیسته‌اند ولی هیچکدام نگفته‌اند ولایت داری، رهبری شما باطل است. مگر در همین دوره رهبر معظم جمهوری اسلامی بر اثر انفجار بمب جانباز نشد و یک دست ایشان از کار افتاده است ولی در مورد مشروعیت رهبری و اداره کشور هیچ یک از فقیهان موجود در عصر حاضر مطلبی نگفته‌اند بلکه همواره ایشان را تأیید کرده‌اند.

اینجا گزیده‌ای بسیار مختصر از صدها شخصیت مقام‌دار ولی دارای معلولیت را معرفی می‌کنیم.

## ابراهیم بن جعفر، نابینا

او را امیرالمؤمنین، ابواسحاق المتقی لله فرزند مقتدر بن معتضد هم خوانده‌اند. وی در سال ۲۹۷ق متولد شد و در سال ۳۲۹ق پس از برادرش «الراضی بالله» جانشین وی شد و تا سال ۳۳۳ق به عنوان والی، خلافت کرد. سپس او را از خلافت برکنار کردند و چشمانش را از حدقه بیرون آوردند؛ ولی در قید حیات ماند.

خوش اندام، سیمین تن، سرخ موی و چشم آبی بود؛ نیز او را صالح و متدین و با نماز و روزه فراوان توصیف کرده‌اند. لب به شراب نمی‌زد. سرانجام در سال ۳۵۷ق در زندان از دنیا رفت. خلافتش سه سال و یازده ماه بیشتر نبود و پس از گذشت بیست و پنج سال از برکناری، دار دنیا را وداع گفت. به دلیل شورش «ترکان» روزگار بر او تیره و تار شد تا جایی که به «رقه» گریخت. «اخشید» والی مصر در «رقه» با او ملاقات کرد و هدایای بسیاری تقدیمش نمود و از بلاهایی که ترکان، به سرش آورده بودند به ناله و شکایت پرداخت و وی را ترغیب نمود که با او به مصر برود. «المتقی» گفت: چگونه می‌توانم در گوشه‌ای از دنیا اقامت گزینم در حالی که عراق ناف و مرکز ثقل دنیا و سرچشمه و مقر خلافت است؟!<sup>۱</sup>

سپس وقتی با خواص خود مشورت نمود به او گفتند: نظر ما این است که با اخشید به مصر بروی تا از دست این‌ها راحت شوی. گفت: چگونه خوش آیند شماست که ما بتوانیم با کسان و افراد غریبی که از احسان ما بی بهره بوده‌اند زندگی کنیم در حالی که به چشم دیدید خواص ما که همواره بهره‌مند از احسان ما بودند - تا دیدند عده‌ای بر ما مسلط شدند - چگونه با ما رفتار کردند؟ با این اوصاف پس حال ما چگونه خواهد بود در دیار قومی که معتقدند ما را از چنگال خطر نجات داده‌اند؟ پس از آنکه «توزون» امیر ترکان به «متقی» نوشت و از او خواست به بغداد برود و قسم یاد کرد، به او خدعه نخواهد زد و بغداد را برایش به گونه‌ای مثال زدن آیین بست و چادرها و خیمه‌های شگفت‌انگیزی در سر راهش برپا کرد، وی به سمت بغداد حرکت نمود. اما هنگامی که به «سندیه» کنار نهر عیسی رسید، «توزون» دستگیرش کرد و چشمانش را از حدقه بیرون آورد و خود با «المستکفی» بیعت کرد و در همان آیین به بغداد وارد شد به گونه‌ای مردم از این کار بسیار شگفت‌زده شدند. چشم‌هایمان را میله گداخته کشیدند، ولی ما از درد چشم ناله و شکایت نکردیم. مانند گرگ بر ما تاختند در حالی که ما شیر بودیم و آنها گوسفند؟ چگونه فریفته و مغرور می‌شود کسی که جای ما نشسته و دست ما بسته است؟

«المستکفی» دیگر فریب «توزون» را نخورد تا اینکه چشمانش را از حدقه بیرون آورد و او را به قتل رساند. اما «معزالدوله بویه» بر او هجوم نمود و از مقام برکنارش کرد و چشمانش را از حدقه بیرون کشید که تفصیل آن در زندگی «المستکفی» به نام عبدالله بن علی خواهد آمد.<sup>۱</sup>

## أحمد بن الحسن، الناصر لدين الله، نابینا

۱. نکت الهمیان فی نکت العمیان، الصفدی، ص ۷۷-۷۸.

أحمد بن الحسن، أمير المؤمنين، الناصر لدين الله، أبو العباس، بن الامام المستضيء بن الامام المستنجد، در روز دوشنبه دهم رجب سال ۵۵۳ق متولد شد. در اول ذيقعه سال ۵۷۵ق برایش بيعت گرفته شد. در آخر ماه رمضان سال ۶۲۲ق از دنیا رفت. دوران خلافت او چهل و هفت سال به طول انجامید.

سفید روی بود و ترکی صورت. نمکین چشم بود و روشن پیشانی. بینی عقابی بود و کشیده رخسار. ریش قرمز بود و رقیق المحاسن. بر نقش انگشتر و مهرش نوشته شده بود: رجایی من الله عفوہ.

أبو الحسين عبد الحق يوسفی و أبو الحسن علی بن عساكر و بطحائي و شهدة و گروه دیگری به او اجازه نقل حدیث دادند. او نیز به گروهی از بزرگان، اجازه نقل حدیث داد، لذا در دوره او حدیث می‌گفتند و در این امر با یکدیگر رقابت می‌کردند. پدرش المستضيء از او می‌ترسید، لذا او را بازداشت کرد و به سمت برادرش ابي منصور تمایل پیدا کرد. در این گیر و دار ابن العطار و أكثر دولت مردان و «بنفشاهمسر المستضيء و المجد بن صاحب، با ابو منصور بودند و تعداد کمی با الناصر. سپس وقتی با ناصر بيعت شد، ابن العطار را دستگیر کرد و او را به «ممالیک» تحویل داد که بعد از هفت روز، مرده آن بیرون آورده شد و در بازار روی زمین کشانده شد. اما المجدین صاحب، قدرتی به دست آورد و طغیان کرد تا سرانجام کشته شد. موفق عبد اللطيف گفته است: ناصر، جوانی سرخوش بود و در او شور جوانی وجود داشت. بیشتر شب‌ها، در جاده‌ها و بازارها را می‌گشت و مردم از هیبت دیدارش می‌ترسیدند.

مذهب تشیع با ابن صاحب، بروز یافت و با هلاکت او خاموش شد. سپس تسنن افراطی ظهور پیدا کرد و مدتی بعد از بین رفت. جوانمردی، رخ نمود. مسافر خانه، و حمام الهادی نمود یافت. مردم در این امور زبردست شدند. بزرگان و پادشاهان به حضورش شرفیاب می‌شدند. به ملک عادل و پسرانش لباس فتوت که در زمان وی مرسوم شد پوشانند. همچنین به شهاب الدین غوری پادشاه غزنه و الهند و به حاکم کیش و أتابک سعد، حاکم شیراز و الظاهر حاکم حلب، جامه فتوت پوشانند. از سلطان طغرل بیمناک بودند و بین آن‌ها چندین جنگ در گرفت. آخر کار از سلطان تکش خوارزمشاه برای جنگ با او دعوت کردند. وی در ری با او رویارویی کرد و سرش را برید و به بغداد فرستاد. ناصر قبلاً برای ولایتعهدی فرزند بزرگش خطبه خوانده بود ولی بعد از آنکه از وی به مسأله‌ای پی برد، بر او تنگ گرفت و برادرش را به جای او تعیین کرد و ابونصر را وادار نمود که بر عدم صلاحیت خودش، شهادت دهد و بگوید ولایتعهدی را واگذار کرده است.

ناصر در طول زندگی اش همواره در عزت و سربلندی زندگی کرد. دشمنان را سرکوب و بر پادشاهان غلبه می‌یافت و هرگز مورد ستم واقع نشد. متمردان و آشوبگران را سرکوب و مخالفان را نابود می‌ساخت. به امر حکومت و پادشاهی و مصالح آن توجه و اهتمام بسیار داشت. چیزی از امور بزرگ و کوچک مردم، بر او مخفی نبود. جاسوسانش، در تمامی نقاط، اخبار و احوال آشکار و پنهان حاکمان و پادشاهان را به او می‌رساندند.

وی چاره ورزی‌های مرموز و زیرکانه و مکرهای پنهانی داشت که کسی متوجه آن‌ها نمی‌شد. بین پادشاهانی که دشمن هم بودند، دوستی و بین پادشاهانی که دوست هم بودند، به گونه‌ای دشمنی ایجاد می‌کرد که خود آن‌ها هم متوجه نمی‌شدند.

زمانی که پیک حاکم مازندران وارد بغداد شد، هر بامداد برگه‌ای از اخبار کارهایی که در شب انجام داده بود برایش می‌آوردند. وی با اینکه در پنهان کردن کارهایش بسیار دقت به خرج می‌داد، باز برگه‌ای به او می‌رسید و از کارهایش خبر می‌داد.

یک شب با زنی که از در مخفی بر او وارد شده بود خلوت کرد، ولی به هنگام صبح برگه‌ای به دستش رسید که در آن نوشته شده بود: بر روی شما لحافی بود که نقش فیل بر آن بود! وی متحیر و متعجب شد و در حالی از بغداد بیرون رفت که برایش تردیدی نمانده بود که امام ناصر، علم غیب می‌داند. چون امامیه معتقد بودند که امام معصوم از آنچه در شکم زن باردار و پشت دیوار است، اطلاع دارد.

فرستاده خوارزم شاه همراه با یک نامه مخفی و مهر و موم شده وارد شد. به او گفته شد برگرد، زیرا ما از آنچه که آورده‌ای بر آن مطلع هستیم. او برگشت در حالی که گمان می‌کرد آن‌ها علم غیب می‌دانند.

از مأموران اطلاعاتی، به ناصر خبر رسید که مردی ایستاده بود و سربازان در قدرت و شدت باران و سرما، به شوشتر می‌رفتند. مرد گفت: از خدا می‌خواهم کسی به من خبر دهد که این سپاهیان، پنهانی کجا می‌روند و در عوض یکصد ضربه چوب به من بزنند. چشمان خبرچین پیوسته مراقب آن مرد گوینده بود تا اینکه آن مرد از ترس فراخوانده شدن، به محل استقرار خود رفت. ناصر فوراً دستور داد که وزیر او را فراخواند و یکصد ضربه چوب به او بزند و هنگامی که ضربات به انجام رسید، به او خبر دهد که لشکریان به کجا می‌روند.

پس از آنکه وزیر، آن مرد را زد و او نمی‌دانست برای چی کتک خورده است، وزیر فراموش کرد به او خبر دهد که ارتشیان به کجا می‌روند. کمی از آن مکان دور شده بود که وزیر، آن مطلب را به یاد آورد. بی‌درنگ گفت که او را برگردانید. مرد با ترس از افزایش مجازات برگشت. هنگامی که رسید، وزیر به او گفت: سرورم امیرمؤمنان که صلوات خدا بر او باد! فرمان داده بود که پس از مجازاتت به تو بگوییم که لشکر به کجا می‌رود. لشکر به شوشتر می‌رود. مرد گفت: «لا کُتِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ سَلَامَةٌ» خداوند سرنوشت آن‌ها را سلامت قرار ندهد! (نه، خداوند سرنوشتشان را سلامت قرار دهد). حاضران خندیدند و خبر به گوش ناصر رسید. گفت: به خاطر سخن دلکش و جالب و بجای او، رفتار بدش بخشیده می‌شود. و به تعداد ضربات چوبی که به او زده شد، یکصد دینار به وی داده شود.

حکایت‌های دلکش و عجیب و غریبی از این دست، از او نقل شده است. وی در مواقع بخشش می‌بخشید و از فقر نمی‌ترسید.

مردی نزد او آمد و همراه خود یک طوطی از هند آورده بود که قل هو الله احد می‌خواند صبح متوجه شد طوطی‌اش مرده است. خادم نزد او آمد که طوطی را ببرد. مرد گریه‌کنان گفت: همین امشب مرد. خادم گفت: از مرگش آگاه بودیم. به گمانت بابت آن چقدر می‌توانستی بگیری؟ گفت: پانصد دینار. گفت: بیا این پانصد دینار را بگیر. او از وقتی که از هند بیرون آمدی از حالت آگاه بود. ظهیر کارزونی در تاریخش گفته است: شیخ شمس‌الدین ذهبی گفت و به من هم اجازه گفتنش را داد که ناصر در اواسط خلافتش تصمیم گرفت خلافت را ترک کند و خود را وقف عبادت نماید. ابن ضحاک در خصوص آن، نامه‌ای نوشت که برای سران خوانده شد. وی برای فقیران، کاروانسرای بنا کرد و اتاقی برای خودش در کنار آن در نظر گرفت و به آن مکان، رفت و آمد می‌کرد و در محافل

صوفیان حاضر می‌شد. برایش لباس‌های بسیاری به طرز لباس صوفیان دوخته شد. شیخ شمس الدین گفت: سپس خسته شد و همه آن‌ها را رها کرد. خدایش او را بیخشاید. ابن نجار گفت: وی پادشاهی از پادشاهان بود که هیچ یک از خلفای پیشین او چنین مُلک و دولتی به دست نیاوردند. در اندلس و چین خطبه به نامش خواندند. او شیر بنی عباس بود. به او گفته شد که شخصی به خلافت یزید معتقد است. او را حاضر کرد تا مجازاتش کند. به او گفته شد: آیا شما قائل به صحت خلافت یزید هستی؟ گفت: من می‌گویم که امام با ارتکاب فسق، عزل نمی‌شود. دستور داد آزادش کنند و از او دست برداشت و از مجادله کردن در حق پرهیز کرد. امیر ناصر خدمتکاری داشت به نام «یُمن» که نامه‌ای عتاب‌آمیز برایش نوشت. امیر زیر آن نوشت: «بِمَنْ يُمْنُ يُمْنُ ثَمَنٌ ثَمَنٌ ثَمَنٌ ثَمَنٌ». یُمن به چه کسی منت می‌گذارد؟ بهای یُمن هشت یک یک هشتم است. آورده‌اند که خدمتکار جواب امیر را باز گرداند و در زیر آن نوشته بود: «يَمْنُ يَمْنُ بِمَنْ ثَمَنٌ يَمْنُ ثَمَنٌ ثَمَنٌ» یُمن بر کسی منت گذاشته است که بهای یُمن را یک هشتم بها، ارزش گذاری کرده است.

شمس الدین جزری گفت: پدرم برایم نقل کرد که از وزیر مؤید الدین بن علقمی شنیدم که وقتی در کسوت استادی بود می‌گفت: آبی که امام ناصر از آن می‌نوشید، آبی بود که به وسیله چهار پایان از بالای هفت فرسخی بغداد آورده می‌شد. هفت بار آن را می‌جوشاندند و هر روز یک بار باید می‌جوشید. سپس به مدت هفت روز در ظرف‌ها می‌گذاشتند تا ته نشین شود سپس از آن می‌نوشید؟ وی بعد از آن تا هنگام مرگ به بیمار سه مرتبه از آن می‌نوشاند تا سر آلتشان باز شود و سنگ از آن خارج گردد. موفق گفت: اما بیماری مرگش، سهو و فراموشی بود که شش ماه به طول انجامید و هیچ کس از رعایا از واقعیت حال او با خبر نشد. بیماری‌اش حتی از وزیر و خانواده خودش پنهان ماند. کنیزی داشت که خودش به او خط و نوشتن را آموخته بود. و او مانند خط خودش می‌نوشت. به همین سبب زیر نامه‌ها را با مشورت ملکه امضا می‌کرد. هنگامی که از دنیا رفت، مردم با پسرش «ابو نصر» بیعت کردند و لقب «الظاهر بامرالله» به او داده شد.

ابن اثیر گفته است: ناصر به مدت سه سال به طور کلی از حرکت باز ماند. یکی از چشمانش از دست رفته بود و در آخر عمر، بیست روز به اسهال خونی مبتلا شد. در هنگام بیماری‌اش ذره‌ای از رسومی را که ایجاد کرده بود، رها نکرد و بد اخلاقی و بد رفتاری می‌کرد. در دوران حکومت او، عراق خراب شد. و اهالی آن در دیار مختلف پراکنده شدند. اموال و املاکشان را گرفت مصادره کرد. کاری که می‌کرد ضد آن را هم انجام می‌داد.

ابو مظفر بن جوزی گفته است: بینایی خلیفه در اواخر عمرش کم شد. حتی گفته شده که کاملاً نابینا شد. خادمش «رشیق»، مدتی بر خلافت استیلا یافت و از جانب او، نامه‌ها را امضا می‌کرد.<sup>۱</sup>

### احمد بن المختار، نابینا

احمد بن المختار بن عبید بن جَبْر بن سلیمان، ابوالعباس، بن ابوالفتح ابن اُحی معروف به مهذب الدوله. احمد و پدرش از جمله اُمرای بطیحه به شمار رفتند. وی اشعار بسیاری سروده است. به بغداد هجرت کرد و در آنجا به مدح مُسترشد و مستظهر و المقترفی لأمرالله پرداخت. وی سرانجام در سال



۴۸ق درگذشت. فرزندی داشت که از دنیا رفت و او آنقدر بر فرزندش گریه کرد تا یکی از چشمانش کور شد سپس چشم دیگرش نیز نابینا گردید. وی در شکایت از روزگار چنین می‌گوید: گویا روزگار سوگند یاد کرده است که هیچ با هم بودن دو تا را نبیند، لذا فرزندم را گرفت و مرا تنها گذاشت و همین مصیبتی که بر روح و جان وارد کرد، او را کفایت نکرد، به همین جهت توان دیدن دو چشم را هم نداشت و به آن‌ها آسیب رساند.<sup>۱</sup>

### اسحاق بن فاروت بک، نابینا

سلطان شاه فرزند فاروت بک، فرزند داود بن سلجوق، فرزند دقاق بن سلجوق، پدرش فاروت بک برادر الب ارسلان بود. زمانی که الب ارسلان از دنیا رفت، فاروت بک در کرمان بود. وی از عمان در فصل زمستان از راه دریا به راه افتاد. و از اینکه کسی در رسیدن به ری از او پیشی بگیرد ترس داشت. زیرا الب ارسلان فرزندش ملک شاه را بعد از خودش به پادشاهی منصوب کرده بود. فاروت بک سپاهی با خود داشت که بالغ بر دو هزار سوارکار و چهار هزار پیاده نظام، بود. خبر به ملک شاه رسید. ملک شاه و وزیرش نظام الملک، از قلعه ری پانصد هزار دینار و پنج هزار لباس و سلاح برداشتند و از ری خارج شدند. و پیش از آنکه فاروت بک به هدف خود یعنی ترکمن‌ها برسد، بر او پیشی گرفتند و به آن‌ها رسیدند. در آنجا بین سپاهیان جنگ درگرفت و در پی آن، فاروت بک گریخت و فرزندانش را اسیر کردند.

فردای آن روز جاسوسی نزد ملک شاه آمد و گفت: عمویت به همراه یک فرزندش در فلان روستاست. کسی را به همراه من بفرست تا دستگیرش کنیم. ملک شاه خود به سوی او رفت. فاروت در حالیکه در غل و زنجیر بود، پیاده به نزد ملک شاه برده شد. به نشانه احترام، به زمین اشاره کرد و دست ملک شاه را بوسید. ملک شاه به فاروت گفت: ای عمو! چطوری؟ چه کسی تو را به سختی انداخته است؟ آیا از این کارت شرم نکردی؟ برادرت می‌میرد و تو بر عزایش نمی‌نشینی و کفن یا پارچه‌ای بر مزارش نمی‌فرستی، در حالی که غریبه‌ها در حزن و اندوه او هستند. خداوند نتیجه عمل زشتت را به تو نشان داد. گفت: من قصدی نداشتم، سپاهیانم برایم نامه نوشتند و من برای انجام قضای الهی آمدم.

سپس فاروت بک را در غل و زنجیر به همدان بردند و روز چهارشنبه سوم شعبان سال ۴۶۵ق به قتل رسید. مردیک چشم ارمنی، از دون پایه‌های دربار، با یک چله محکم او را خفه کرد. سپس ملک شاه فرزندانش او را با دامادش ابراهیم بن بنال، فراخواند و میل گذاخته بر چشمانشان کشید.

سپس سلطان شاه اسحاق فرزند فاروت بک که مورد نظر این بحث است در حالیکه از برادرانش بزرگ‌تر و بزرگوارتر بود و تازه پشت لب‌هایش سبز شده بود. نوجوان بود پیش آمد و برادرانش را یکی پس از دیگری در آغوش کشید و بوسید و گفت: این قضای الهی است پس بی‌تابی نکنید، چرا که مرگ برای همه است، آنگاه بر چشمان او و بقیه میل کشیده شد و دو نفر از آنان از دنیا رفتند.

در سال ۴۶۵ق سلطان شاه در همدان دستگیر شد. وی با برخی از دست‌اندرکاران زندان نقشه‌ای کشید و به کرمان پیکی فرستاد و تقاضای اسب کرد. هنگام رسیدن اسب‌ها، سقف را شکافتند و با

۱. همان، ص ۱۰۷-۱۰۸.

طنابی او و برادرش را بالا کشیدند و سوار اسب شدند و گریختند و هیچ کس هم آن‌ها دنبال نکرد. آنها رفتند تا به کرمان رسیدند و کاخ پدرشان را گرفتند و در آن مستقر شدند. مردم هم از این کار خوشنود گردیدند. سلطان شاه جای پدر قرار گرفت و همه بر آن متفق القول شدند.

در جمادی الاولی، خبر آن به عموی او ملک شاه رسید. سپاهیان ملک شاه بر وزیرش نظام الملک شورش کردند و خواستار اموال شدند تا اینکه اموال موجود در خزائن تمام شد. سلطان شاه همچنان در آن منطقه به پادشاهی بلا منازع خود ادامه داد. سلطان شاه اموال بسیاری جمع‌آوری کرد و برای تشریف به مکه و شکرگزاری جهت نجاتش عازم مکه شد. وی همچنان در همان حال حکمرانی کرد تا اینکه سال ۴۷۶ ق از دنیا رفت. مادرش هدایای بسیاری برای سلطان شاه آورد. وی او را گرامی داشت و برادرش را جای خود قرار داد.<sup>۱</sup>

#### أبْدُغْدِي الأَمِير علاء الدين، نابینا

أبْدُغْدِي الأَمِير علاء الدين الركنی، نابینای زاهد، ناظر اوقاف قدس شریف و الخلیل علیه السلام بود. بناهای بزرگ و کاروانسرا و مانند آن‌ها را، بسیار ایجاد کرد. آثار حسنه و ماندگاری در قدس و شهر الخلیل و مدینه منوره به یادگار گذاشت. وی در سیرت و منش و اخلاق یکی از زیباترین‌ها و بهترین‌ها بود. در دوران او به اوقاف، جان تازه دمیده شد. اجاره اوقاف دو برابر شد. وی در میان مردم شهرت پیدا کرد. از نابغه‌های جهان به شمار می‌رفت. در موردش گفته شده که گرمابه‌ای را در شهر ابراهیم خلیل علیه السلام طراحی کرد و پایه‌ها و اساس بنا را خودش با دستانش ترسیم کرد و نقشه آن را با آهک برای معماران بر روی زمین پاشید. به اسب و زاد و ولد آن علاقه بسیار داشت. هرگاه اسبی از اسبانش در بین خیل عظیمی از اسب‌ها در برابرش می‌گذشتند، آن را می‌شناخت و می‌گفت: این اسب من است. وی در سال ۶۹۳ ق در قدس شریف به رحمت خدا رفت. مردم دمشق برایش نماز میت غائب به جا آوردند.<sup>۲</sup>

#### بیجار، امیر حسام الدين اللاوی الرومی، نابینا

بیجار، امیر حسام الدين لاوی رومی، فرزند بختیار. در سرزمین‌های روم، داری کاخ و خدم و حشم بود. در اواخر حکومت ظاهری‌ها، به سرزمین‌های مسلمانان مهاجرت کرد. حج به جا آورد و اموال بسیاری انفاق کرد. سپس بازگشت و در خانه‌اش خانه نشین شد و فرمانروایی را ترک کرد. شیخ قطب‌الدین الیونینی گفته است: سنش چند سال از صد گذشت و چشمانش کور شد. وی در سال ۶۸۱ ق وفات یافت.<sup>۳</sup>

#### بیبغاء، الاشرقی الامیر سیف الدی، نابینا

۱. همان، ص ۱۱۲. ۱۱۰.

۲. همان، ص ۱۱۶.

۳. همان، ص ۱۲۴.

بَبِئُغَاء، الاشرافی الامیر سیف الدین، به نظر می‌رسد پس از ۷۲۰ق، زمانی نماینده حاکم و امیر کرک در سوریه بود. سپس از آنجا برکنار شد و روانه دمشق گردید. آماده لشکرکشی به «صرخد» شد. وی در سال‌های پایانی عمرش نابینا گردید.<sup>۱</sup>

#### جعفر بن علی، نابینا

جعفر بن علی بن موسی، کنیه‌اش ابومحمد، نابینا، قاری قرآن، اهل بغداد، یکی از مشهورترین عالمان دینی بود. او به عنوان امام جماعت در مسجد «منصور» نماز عصر روز جمعه را اقامه می‌کرد. او بر پدرش و بر حمزه بن عماره بن الحسن قاری قرآن، و ابی بکر احمد بن العباس بن مجاهد و ابی بکر بن احمد بن ابی قتاده و ادریس بن عبدالکریم الحداد، قرائت کرد. و ابوالفضل محمد بن جعفر خُزاعی و قاضی ابوالعلاء محمد بن علی بن یعقوب واسطی، بر او قرائت کردند. وی افزون بر آن، از قاضی ابوالعلاء حدیث روایت کرده است و کمی هم از ابن مجاهد و ابی محمد عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله زهری، نقل حدیث کرده است. وی در سال ۳۷۳ ق چشم از جهان فرو بست.<sup>۲</sup>

#### سعد بن ابی وقاص، نابینا

سعد بن ابی وقاص، مالک بن اُهیّب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب القرشی الزهری، ابواسحاق، هفتمین نفر از هفت نفری که به اسلام گرویدند. وی در سن نوزده سالگی اسلام آورد. خود گفته است پیش از وجوب نماز اسلام آورده است. در جنگ‌های بدر، خُدیبه و سایر جنگ‌ها حضور داشت. او یکی از اعضای شش گانه شورایی بود که عمر بن خطاب، انتخاب کرد. نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام مرگ، از وی راضی بوده است. همچنین گفته شده که وی یکی از ده نفری بوده که به بهشت بشارت داده شده و مستجاب الدعوه بوده است. علت مشهور بودن به این امر، این است که پیامبر درباره‌اش فرموده باشند: خداوند ا دعای سعد را به هدف اجابت برسان.

مشهور است که سعد علیه فردی از اهل کوفه که به او دروغ بسته بود و گفته بود: «در حکم صادق نیست، در تقسیم، مساوات را رعایت نمی‌کند و در سرّیه شرکت ندارد»، نفرین کرد و گفت: خداوند! اگر او دروغگوست دیده‌اش را کور، عمرش را طولانی گردان و او را در معرض فتنه‌ها قرار ده. از عبدالملک بن عُمیر منقول است که گفت: مردی از اهل کوفه را دیدم که در کوچه‌ها به آزار و اذیت کنیزان مشغول بود. از او علتش را جويا شدم؟ پاسخ داد، پیری گرفتار که نفرین سعد در او اثر کرده است. در روایت دیگری آمده است که وی بعد از کوری از دنیا رفت. راهش را کورمال کورمال و با تکیه و لمس به دیوارها طی می‌کرد. شدت فقر، او را به تکدی وادار ساخت. فتنه مختار را درک کرد و در آن به قتل رسید.

منقول است که سعد به علت جراحاتی که در جنگ قادسیه برداشته بود در فتح آن حاضر نبود. مردی از بَجِیله درباره وی چنین سرود: آیا نمی‌بینی که خداوند چگونه دینش را غلبه داد در حالی که

۱. همان، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۲۵.

سعد بر در قادسیه پناه برده بود. سپاهیان، زنان بسیاری را به کنیزی بردند ولی کنیزی در میان زنان سعد نبود چون در جنگ حضور نداشت. سعد نفرین کرد و گفت: خدایا! ما را از دست و زبانش حفظ کن، ناگاه یک تیر غیبی به او خورد و لال شد و دستانش خشکید.

سعد اولین کسی بود که در راه خدا تیر انداخت. در جنگ بدر دو نفر را اسیر کرد. در جنگ اُحد ثابت قدم ماند. وی یکی از دایی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می‌شد. او را فارس الاسلام نامیدند. در فتح عراق، پیش قراول لشکر بود. عمر فرماندهی جنگ با فارس را به او سپرد. در فتح مدائن حضور داشت. سردار جنگ قادسیه بود. کوفه را کوفی کرد مخصوص کوفیان قرار داد و غیر عرب‌ها را از آنجا اخراج کرد. در زمان عمر و عثمان والی کوفه بود.

سعد از اختلاف مردم درباره قتل عثمان دوری کرد و از خانواده‌اش درخواست کرد که او را از آن قضایا با خبر نسازند. تا هنگامی که اُمت بر انتخاب یک نفر اتفاق نظر پیدا کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش سعد را به مکه فراخواندند و به او فرمودند: شاید تو گماشته شوی، تا اقوامی از تو سود برند و عده‌ای زیان بینند. همانگونه که پیامبر فرمودند، مسلمانان از وجود سعد بهره بردند و مشرکان متضرر گشتند.

وی در اواخر عمرش انزوا اختیار کرد و در قصری که در منطقه حمراء الأسد بنا کرده بود ساکن شد و در آنجا زمینی فراهم کرد و در همان جا دیده از جهان فروبست. بنا به قول اصح به مدینه برده شد و در سال ۵۵ق در مدینه به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

### سُوْتای (سودای)، نابینا

سُوْتای، التَّوین، همان کسی که بر دیار بکر حکومت کرد. بعد از مرگ «النوبین ایک باصمیش» وارد «توماث» شد و از اوایل حکومت سلطان الجایتو، تا نهایت حکومت فرزندش، سلطان ابوسعید، حکومت کرد. وی در سال ۷۳۲ق در شهر بَلَد که یک شهر ویران در نزدیکی موصل بود، از دنیا رفت. سپس جنازه‌اش از بَلَد به موصل انتقال داده شد و در مقبره‌ای که خود در داخل شهر موصل کنار دجله، بنا کرده بود، به خاک سپرده شد. وی بسیار عمر کرد حتی از یکصد سالگی هم گذشت. به دلیل اینکه خود گفته است در واقعه سقوط بغداد با هولاکو، حضور داشته و در آن زمان بالغ بوده است. وی چهار پشت از فرزندانش را دیده است تا اینکه تعدادشان بیش از چهل پسر و دختر بوده است. نامدارترین فرزندانش یکی «بارنبای» و سپس «طغای» هستند.

وی اقطجی یعنی چیزی به منزله داروغه بود. ذاتاً فرمانروایی بود که از اراده و دوراندیشی و تدبیر و سیاست نیک، برخوردار بود. مردم او را دوست می‌داشتند و برایش دعای خیر می‌کردند. وی همواره نزد پادشاهان مغول، مورد احترام بود. چند سال پیش از مرگش نابینا شد و سه ماه مریض گردید و سرانجام از دنیا رفت. زمانی که «قراستنقر و الافرم و بهادر زردکاش» به فرات تجاوز کردند و در قلمرو مغولان درآمدند، نزد «سوتای» سکنی گزیدند. او هم از آنان پذیرایی کرد و گرمی‌شان داشت و برایشان چادری زد که از مسلمانان در واقعه غازان به دست آورده بود. آنان به زیر چادر نگاه کردند و القاب سلطان ناصر محمد بن قلاون را دیدند. همان کسی که از دستش گریخته بودند. آنگاه یکی از ممالیک افرم به آن‌ها گفت: اگر خداوند این مرد را بر شما مسلط کند، شما در کشور

۱. همان، ص ۱۴۷-۱۴۹؛ دانشنامه دانش گستر، ج ۹، ص ۷۳۷.

دشمنانش چه خواهید کرد در حالیکه نام او بالای سر شماست؟ آن‌ها او را لعنت کردند. افرم گفت: راست می‌گویید.<sup>۱</sup>

### شافع بن علی، نابینا

شافع بن علی، بن عباس بن اسماعیل بن عساکر، الکنانی العسقلانی، و مصری، نوۀ قاضی رشیدالدین بن عبدالظاهر، امام، کاتب، ملقب به ناصرالدین، در سال ۶۴۹ق دیده به جهان گشود و در سال ۷۳۰ق به رحمت خدا رفت. مدتی در مصر محرر بود تا اینکه نابینا شد، زیرا در سال ۶۸۰ و در جنگ بزرگ حمص، تیری به او اصابت کرد و به شقیقه‌اش خورد و سپس کور شد و خانه نشین گردید تا سرانجام به رحمت ایزدی پیوست.

از شیخ جمال الدین بن مالک و سایرین روایت کرده است و شیخ اثیر الدین، ابوحنان و شیخ علم الدین برزالی و جمال الدین ابراهیم غانمی و سایرین از او روایت نقل کرده‌اند. وی نظم و نثر بسیاری دارد و کتاب‌های بسیاری را جمع‌آوری می‌کرد. شهاب بوتیجی معروف به زُحل برایم نقل کرد که او هجده گنجینه نفیس کتب ادبی به جای گذاشت. همسرش بهای هر کتابی را می‌دانست. تا وقتی که من در سال ۷۳۹ق که از قاهره بیرون آمدم، هنوز همسرش از آن کتاب‌ها می‌فروخت. همان منبع نیز برایم نقل کرد که شافع بن علی وقتی کتابی را لمس و برانداز می‌کرد، می‌گفت: این همان فلان کتابی است که در فلان وقت به دست آوردم. و هر جلدی را که می‌خواست، بلند می‌شد و به سمت گنجه‌ای که در آن بود می‌رفت و آن را جواری برمی‌داشت که گویا همین الآن آن را در آنجا گذاشته است.

سراج وراق به او نامه نوشت و از او خواست نزد فتح الدین بن عبدالظاهر، برای او شفاعت بطلبد. وی نوشت: ای یاریگر دین! مرا یاری کن. چه بسیار که از یاری تو با جاه و مال، کامیاب شده‌ام. شفاعت کننده باش و بدان که خدا تو را شافع نامیده است و تو این نام را با بهترین عمل مطابقت داده‌ای. ارزش تو نزد محمد صلی الله علیه و آله پنهان نمی‌ماند، زیرا ابن عباس از صحابه و اهل بیت است.

صفدی بارها در خانه‌اش با او ملاقات کردم. وقتی در سال ۷۲۸ق در قاهره بودم به او نامه نوشتم. استدعایی داشتم که کاملاً آن را در زندگی نامه‌اش در «تاریخ کبیر» آورده‌ام. وی پاسخ داد و به من اجازه اعطاء کرد. آن پاسخ نیز به صورت نظم و نثر بود و من آن را هم در کتاب تاریخ گنجاندم. وی تألیفاتی که اجازه نقل آن را به من داد ذکر کرد و آن‌ها عبارت‌اند از: دیوان شعرش و مناظرۀ فتح بن خاقان موسوم به «شَنف الآذان فی ممانلة تراجم قلائد العقیان» و سیرۀ سلطان ملک ناصر محمد بن قلاون و سیرۀ سلطان ملک منصور قلاون و سیرۀ ملک اشرف خلیل و «نظم الجواهر فی سیرة الملک الناصر» به صورت نظم و «مایشرح الصدور من أخبار عکا و صور» و «الإعراب عمّا شتم علیه البناء الملکی الناصری بسریاقوس من الإعراب» و «إفاضة أبهی الخُلل، علی جامع قلعة الجبل» و «قلائد الفرائد وفرائد القلائد، فیما للشعراء العصریین من الأمجد» و «مناظره ابن زیدون فی رسالته» و «قراضات الذهب المصریة فی تقریظ الحماسة البصریة» و «المقامات الناصریة» و «ممانلة سائر ما حل

۱. نکت الهمیان فی نکت العمیان، ص ۱۵۳-۱۵۴.

من الشعر وتضمن الآية الشريفة والأحاديث النبوية من المثل السائر» و«المساعي المرضية، في الغزوة الحمصية» و«ما ظهر من الدلائل، في الحوادث والزلازل» و«المناقب السرية، المنتزعة من السيرة الظاهرية» و«الدر المنتظم، في مفاخرة السيف والقلم» و«الأحكام العادلة فيما جرى من المنظوم والمنثور من المفاضلة» و«الرأي الصائب فيما لا بد منه للكاتب» و«الإشعار بما للمتنبي من الأشعار» و«تجربة الخاطر في مماثلة فصوص الفصول» و«عقود العقول مما كتب به القاضي الفاضل في معنى السعيد بن سنا الملك» و«عدة الكاتب» و«عمدة المخاطب» و«شوارد المصائد فيما لحل الشعر من الفوائد» و«مخالفة المرسوم في الوشى المرقوم». و خود برايم اجازه ای سرود.<sup>۱</sup>

### ساروجا، أمير صارم الدين مظفري، نابينا

ساروجا، امير صارم الدين مظفري، امير مصر بود. بعد از آنکه سلطان ملك ناصر امير سيف الدين تنكز فرماندهی «عشیره» از واحدهای نظامی ممالیک را پیش از رفتن به کرک، به او سپرد، امير صارم الدين، آغاله را انتخاب کرد تا با او درباره املاکش صحبت کند. وی به تنكز خدمت و احسان نمود. سپس وقتی که سلطان از کرک آمد، او را بازداشت کرد. بعد از گذشت زمان، حدود ده سال او را آزاد کرد و او را به عنوان امير منطقه صفد برگزید و تجهیز کرد. وی نزدیک دو سال آنجا بود و امير سيف الدين او را به دمشق در کنار تعدادی از امیران منتقل کرد و در آنجا نزد او بهره برد و حق خدمتگذاری را در حق او ادا کرد. وقتی او را مورد خطاب قرار می داد، به او می گفت: یا صارم! پیوسته در دمشق بود تا اینکه امير سيف الدين در ذیحجه سال ۷۴۰ق در دمشق گرفتار شد. پس از آن، امير سيف الدين بشتاک، آمد و امير صارم الدين ساروجا را بازداشت کرد و در زمره سایر بازداشتیان هوادار تنكز قرار گرفت. سپس فرمانی از مصر آمد تا چشمانش را میل بکشند کور کنند اما امير علاء الدين «الطنبغا» نائب یوئیمات از او دفاع اندکی کرد، ولی ترسید و سکوت اختیار کرد تا اینکه آخر الأمر به فرمانش، چشمان او را میل کشیدند و کور شد. بامداد همان روز فرمان عفو او آمد. علاء الدين حقوق ماهیانه ای در حد کفایت برایش مقرر کرد و او را به قدس فرستاد. مدتی در آنجا بود و سپس به دمشق بازگشت و تا اواخر سال ۷۴۳ق در آنجا اقامت گزید و به رحمت خدا رفت.<sup>۲</sup>

### طفتمر، نابينا

طفتمر، امير يوسف الدين شريفی، سلاح دار، یکی از امیران طبیل خانه های دمشق بود که بینایی اش ضعیف شده بود و در جلوییش یکی از ممالیکش حرکت می کرد تا مردم را به او معرفی کند و او به آنان سلام گوید. سپس چهار سال، پیش از مرگش کاملاً کور شد و خانه نشین گشت. سرانجام در یازدهم شوال سال ۷۵۰ق به رحمت خدا رفت.<sup>۳</sup>

### عبدالله بن الأرقم الكاتب، نابينا

۱. همان، ص ۱۵۵-۱۵۹.

۲. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۳. همان، ص ۱۶۶.

عبدالله بن الأرقم، کاتب، از افرادی بود که در فتح مکه مسلمان شد. و کاتب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ابوبکر و سپس عمر بود. برای مدتی خزانه دار بیت المال در دوران عمر و عثمان بود. از فاضلین و صالحین صحابه به شمار می رفت. عثمان به او اجازه داد سی هزار درهم از بیت المال برداشت کند ولی نپذیرفت. سرانجام حدود سال ۶۰ هجری وفات یافت. بخاری و مسلم و ابو داود و ترمذی از او روایت نقل کرده اند.<sup>۱</sup>

### عبدالله بن علی، نابینا

عبدالله بن علی، امیرالمؤمنین، المستکفی بالله<sup>۲</sup>، در ماه صفر سال ۳۳۳ ق پس از برکناری برادرش، با او بیعت شده. در جمادی الآخره سال ۳۴ دستگیرش کردند و چشمانش را کور نمودند و به زندان انداختند تا سال ۳۳۸ ق که در سن چهل و شش سالگی از دنیا رفت.

سفید رو بود و زیبا، بلند قامت بود و بالا بلند، سبک موی بود با چشمانی به غایت سیاه. فرزند کنیزی بود به نام «غصن». خلافتش تداوم نیافت. پس از «المطیع لله الفضل بن المقتدر» با او بیعت کردند. ملقب بود به «الوسیم» خوش سیما، و امام الحق نامیده می شد. به نام «المستکفی» برایش خطبه می خواندند. کنیه اش «ابوالقاسم» بود.

پیش از او از بین بنی عباس، کسی مسن تر از او و منصور، خلافت را به دست نیاورد. «معزالدوله، احمد ابن بویه» او را برکنار کرد و پیوسته در دارالسلطان، زندانی ماند تا مُرد. خلافتش یک سال و چهار ماه و دو روز بیشتر به طول نیانجامید. سه سال و چهار ماه و چهارده روز در زندان ماند.

کاتبانش عبارت بودند از: «ابوالفرج محمد بن أحمد سامری» سپس «الحصین بن ابي سلیمان» سپس «أبو أحمد الفضل بن عبدالرحمن بن جعفر شیرازی». تدبیر امورش در دست مشاوران ماند «محمد بن یحیی ابن شیر آزاد» بود. دربانش «أبو العباس أحمد بن خاقان مفلحی» بود. بر روی مُهرش کلمه «لله الأمر» نقش بسته بود. کسی که بر حکومتش تسلط داشت زنی بود که به او سُورور شیرازی گفته می شد. او کدبانوی سرایش بود. او همان کسی بود که برای به خلافت رسیدن او نزد توزون تلاش کرد تا به انجام رسید. وقتی عبدالله به سبب باز گذاشتن دست او در حکومت و نفوذش در دولت، مورد عتاب و سرزنش قرار گرفت، گفت: سخت نگیرید، چون او را در سختی با خود یافتیم و شما را در آسایش و راحتی. این دنیایی که در اختیارم دارم، نتیجه تلاش او بوده است. آیا به سبب برخی از کارها بر او خرده گیرم؟

در بیشتر اوقات، نزدیکان و خواصش، به علت نگرانی و بی تابی زیاد، او را رنگ پریده می دیدند و این امر را به او گوشزد می کردند. وی می گفت: چگونه زندگی می تواند خوشایند من باشد با اینکه شخصی که عمو زاده ام را برکنار کرد و چشمانش را کور نمود، روزانه چندین بار او را می بینم، و مرگ را در برق نگاهش می بینم؟ کمتر از یک ماه از این سخن نگذشته بود که «توزون» مسموم شد و مرد.

۱. همان، ص ۱۶۹-۱۷۰.

۲. ابن المستکفی بن المعتضد بن طلحة الموفق بن جعفر المتوکل بن المعتصم بن الرشید بن المهدي بن المنصور.

سپس «معز الدوله» فرزند بویه بر او چیره شد و او را برکنار نمود و کور کرد. و حکومت ترک‌ها پایان یافت و دولت به دست دیلمیان رسید.<sup>۱</sup>

### عبدالله بن محمد (ابوسعبد تمیمی)، نابینا

عبدالله بن محمد بن هبة الله بن المطهر بن علی بن ابی عَصْرُون بن ابی السری، قاضی القضاة، شرف الدین، ابوسعبد تمیمی، اهل موصل، فقیه شافعی و یکی از ائمه اعلام بود. فقه را نزد قاضی مرتضی بن شهرزوری و ابو عبدالله حسین بن خمیس موصلی فرا گرفت. قرائت سبعة را نزد ابو عبدالله بارع و قرائت عشره را نزد ابوبکر مزرفی و علم نحو را نزد ابو حسن بن دبیس فرا گرفت. به حلب رفت و در آنجا به درس مشغول شد. دوستش نورالدین، متوجه او شد و زمانی که به دمشق رفت با وی وارد دمشق شد. و در غزالیه تدریس کرد. سپس به حلب بازگشت و متولی امر قضاوت در سنجار و حَرّان و دیار ربیعه شد. سپس به دمشق برگشت و امر قضاوت آنجا را بر عهده گرفت. نورالدین، مدارس در حلب، حماه، حمص و بعلبک برای وی، بنا کرد. خودش هم مدرسه‌ای در حلب و مدرسه‌ای در دمشق بنا نمود. در اواخر عمر با اینکه قاضی بود، نابینا شد، لذا بابی را در قضاوت شخص نابینا و جواز آن نگاشت. البته در خصوص این مسأله، در مقدمه کتاب به تحقیق آن پرداخته شد. وی در سال ۵۸۵ق درگذشت.

سلطان صلاح الدین به خط خودش نامه‌ای به قاضی فاضل نوشت و گفت: قاضی گفته است که قضاوت نابینا جائز است. حال شما، با شیخ ابوطاهر بن عوف اسکندری بنشینید و از وی از احادیثی که در باب قضاوت نابینا وارد شده سؤال کنید.

از آثار وی: «صفوة المذهب فی نهایة المطلب» در هفت جلد. «الإتصار» در چهار جلد. «المرشد» در دو جلد. «الذریعة فی معرفة الشریعة» و «التیسیر فی الخلاف» در چهار جلد. و «مآخذ النظر» و «مختصر فی الفرائض» و «الارشاد فی نصره المذهب» که تمام نشده است. و «التنبیه فی معرفة الاحکام» و «فوائد المذهب» در دو جلد و چند کتاب دیگر.

قاضی فاضل رحمة الله علیه در جواب کسی که درباره موت قاضی شرف الدین، به او نامه‌ای نوشته بود، چنین نوشت: نوشته حضرت قاضی که خداوند اوضاع به هم ریخته او را سامان بخشد و به آن، اهلش را مسرور نماید و راه رسیدن به امور خیر را بر او آسان کند و قول و فعل او را در راه طلب رضوان الهی، قرار دهد، واصل شد. در آن نوشته، که همان خیر مرگ قاضی است، زیاده‌ای است و آن نقص و شکاف و ثلمه وارد شدن بر اسلام و خلق خداست که به حد انهدام و نابودی رسیده است. چیزی که قضا و قدر الهی بدان تعلق گرفته عبارت است از وفات امام شرف الدین بن ابی عَصْرُون رحمة الله علیه. با مرگش، زمین از جهات مختلف، دچار نقص و کاستی شد. هم کیشان او، ناراحت و مخالفانش، خوشحال شدند.

او پرچم برافراشته علم بود و باقی مانده گذشتگان صالح، محسوب می‌شد. خداوند از غم و ناراحتی من در فقدان وی، و از ترس و وحشتم به سبب اینکه زمین از برکت وجود او خالی شده، و از توجهم نسبت به از دست دادن بهره بسیارم از دعای خیر او، آگاه است.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۷-۱۷۹.



## العلاء بن الحسن، نابینا

العلاء بن الحسن، بن وهب بن الموصلايا. معروف به ابوسعید بغدادی یکی از کاتبان معروف که مصدر ضرب المثل شده‌اند. مسیحی بود. هنگامی که خلیفه در چهاردهم صفر سال ۴۸۴ ق اهل ذمه را به پوشیدن لباس معیار مجبور کرد. و آنان را به رعایت شروطی که عمر بن خطاب برای آنها وضع کرده بود، ملزم ساخت، جانانه پای به فرار گذاشت. ولی ابوغالب الأصبغی وابن الموصلايا، صاحب دیوان انشاء و پسر خواهرش «صاحب الخبر» به دست خلیفه مسلمان شدند.

العلاء از دوران «القائم» منصب دیوان رسائل را عهده‌دار بود و قائم مقام وزارت گردید. در اواخر عمرش نابینا شد. مدت خدمتش ۶۵ سال به طول انجامید که در هر روز آن بر و جاهتش افزوده می‌گشت. قائم مقامی وزارت را نیز بر عهده گرفت. چندین بار بینایی‌اش را از دست داد. پسر خواهرش «هبة الله بن الحسن» از جانب او انشاءات را می‌نوشت. و بسیار صدقه دهنده و نیکوکار بود. تولدش در سال ۴۱۲ ق بود و در روز هجدهم جمادی الاولی سال ۴۹۷ ق دیده از جهان فروبست. خلیفه لقب «امین الدوله» به او داد. محمد بن عبدالملک همدانی گفته است: کسی که دانش سیره شناسی را مطالعه کند، می‌فهمد که خلیفه و ملوک دیگر به هیچکس مانند «امین الدوله» اطمینان نداشتند و مشورت دادن و نصیحت هیچکس مانند نصیحت اوست نبوده.<sup>۱</sup>

## علی بن اَبی القاسم (القاضی تاج الدین القزوینی)، نابینا

علی بن اَبی القاسم، بن احمد، قزوینی، شافعی مذهب، قاضی، امام و دانشمند فاضل، پاکدامن و متقی، بزرگ و با طول عمری بسیار. ملقب به تاج الدین ابوالحسن، ساکن بغداد، متدین و بی‌نهایت متواضع و فروتن، با محبت، خوش تیپ، خوش اندام، خوش اخلاق، بشاش و با وقار، زاهد و باعفت و باحیاء و سرشار از فضائل. حدود پنجاه سال در ناحیه شرقی بغداد عهده‌دار امر قضاوت شد. مدتی در مدرسه نظامیه تدریس کرد تا اینکه کمی بعد از نابینا شدنش در سال ۷۴۰ ق از دنیا رفت.

دوستدار مردم و حکام بود و مردم اعتقاد زیادی به او داشتند. امام الدین افتخاری قزوینی، حاکم بغداد، محلی را برایش درست کرد که مدرسه‌ای بود در شرق بغداد در آستانه فراشا، ساختمانش را بازسازی و به خوبی تعمیر کرد و او را در آنجا اسکان داد و امر تدریس آنجا و متولی اوقاف آن را به او تفویض کرد. و او معروف به همان مدرسه است.

در نظم و نثر و ادب، نوشته‌های بسیاری دارد و کتب تصنیف کرده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: شرح المصابیح، شرح المقامات الحریره، کتاب المحیط بفتاوی أقطار البسیط، کتاب العُجاب مع شرحه فی النحو، کتاب الإعجاز مع شرحه فی النحو، کتاب الرُّغاب مع شرحه فی التصریف و کتاب اللطائف و غیره.<sup>۲</sup>

## علی بن محمد ابوالفتح ابن العمید، نابینا

۱. همان، ص ۱۹۶-۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

علی بن محمد بن الحسین بن محمد بن ابی الفضل، وزیر، ابو فتح بن عمید، پدرش وزیری بلند پایه و مشهور بود و پس از پدرش، بیست و دو ساله بود که وزیر رکن الدوله شد. فردی بود هوشمند و حاضر جواب و ادیبی در حد متوسط که از نظم و نثر برخوردار بود. ولی در ناز و نعمت بزرگ شد و خودپسند و متکبر بود. نفس خود را وادار به انجام کارهایی می کرد که خصلت جوانی ایجاب می کرد، لذا نظر عضدالدوله از وی برگشت. هنگامی که رکن الدوله از دنیا رفت و مؤید الدوله از اصفهان به سمت ری روان شد، کاتبش صاحب بن عباد را با خود برد و ابو الفتح ابن العمید را واداشت تا به همراهانش قرائت یاد دهد و به او رتبه و مقام قدرت و اختیار داد. سپس به تکبر و خودرایی و عادت خود ادامه داد. مؤید الدوله از وی ترسید و بین او و عضدالدوله نوشته‌هایی درباره اش ردوبدل گردید. سپس در ماه ربیع الأول سال ۳۶۶ ق او را دستگیر کرد و شکنجه‌اش داد و چشمانش را از حدقه درآورد و بینی اش را برید و ریشش را چید. وی یغۀ رداء خود را شکافت و از آن تکه نوشته‌ای که شامل اموال ذخیره و به ودیعت نهاده شده او بود، درآورد و در آتش انداخت و به گماشته‌اش گفت: هر کاری می‌خواهی بکن. به خدا قسم حتی یک دانه از اموال پنهان من به شما نخواهد رسید. پس از آن همواره شکنجه شد تا از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

#### علی بن مسهر، نابینا

علی بن مسهر، ابوالحسن، قرشی و از موالی قریش، حافظ، قاضی موصل و برادر عبدالرحمن قاضی جُئَل. از ثقات شمرده می شد و فقه و حدیث را گردآوری کرد. قضاوت ارمنستان را بر عهده داشت. هنگامی که به آنجا رفت از چشمش اظهار ناراحتی می کرد. فردی که پیش از او قاضی آنجا بود، به چشم پزشک گفت: میل به چشمش بکش تا کور شود، من هم پولی به تو می‌دهم. او هم چنین کرد و بینایی اش از دست رفت و نابینا به کوفه بازگشت. وی در سال ۱۸۹ ق از دنیا رفت. بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی و نسایی و ابن ماجه، از او حدیث و روایت نقل کرده‌اند.<sup>۲</sup>

#### عمر بن میمون، نابینا

عمر بن میمون، از خاندان بحر بن الرماح، ابوعلی، فقیه و قاضی بلخ، حدود بیست سال قضاوت بلخ را به عهده گرفت. در این امر مورد ستایش دیگران بود و از او به صبر و علم و نیکی یاد می شد. و در واپسین عمر خویش نابینا گشت. ابو داوود گفته است: وی ثقه و مورد اعتماد است. وی در سال ۱۷۱ ق از دنیا رفت.<sup>۳</sup>

#### عمرو بن قیس، نابینا

عمرو بن قیس بن زائده بن الاصم، قرشی عامری، وی فرزند ام مکتوم نابینا، مؤذن رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. نام مادرش «ام مکتوم» عاتکه، دختر عبدالله بن عاتکه بن عامر بن مخزوم است. در مورد نام عمرو اختلاف نظر است، گفته می شود که نام وی عبدالله است. همچنین گفته

۱. همان، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲. همان، ص ۲۱۵.

۳. همان، ص ۲۱۷.

می‌شود که نامش عمرو است. البته احتمال نام دوم بیشتر است. او پسر دایی خدیجه، یعنی برادر مادرش، می‌باشد. وی یکی از کسانی است که به همراه مصعب بن عمیر قبل از رسول خدا صلی الله علیه وآله وارد مدینه شد. واقدی گفته است: اندک زمانی بعد از جنگ بدر وارد مدینه شد و پیامبر صلی الله علیه وآله در غزوه‌های خویش، وی را سیزده مرتبه به عنوان جانشین خویش در مدینه قرار داد. همچنین در هنگام خروج برای ادای آخرین حج «حجة الوداع» نیز او را جانشین خود قرار داد. وی در جنگ قادسیه حضور داشت و در حالیکه پرچم را در دست داشت به شهادت رسید. واقدی می‌گوید: به مدینه بازگشت و در سال ۱۵ ق در آنجا از دنیا رفت. ابو داود و نسائی و ابن ماجه از او روایت کرده‌اند. در مقدمه این کتاب علل نزول آیه {عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ اُنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى} را ذکر نمودیم.<sup>۱</sup>

#### غازی بن القاضی، نابینا

قاضی بن القاضی، شهاب الدین حلبی، کاتب، مشهور به ابن واسطی در حلب به دنیا آمد و در دیوان مالیات به عنوان نایب رئیس و سپس به عنوان کاتب سپاه، به خدمت مشغول شد. پس از آن به مصر رفت و در سمت‌های متعددی خدمت کرد. سپس به حلب بازگشت و در حکومت الظاهر بیبرس به عنوان دریافت کننده مالیات منصوب شد. پس از عزل شدن، به مصر بازگشت و در دیوان انشاء منصوب گشت. خطی زیبا داشت و نسخه‌ای از کتاب المثل السائر را دیدم که با خط بسیار زیبای وی نگاشته شده بود. پس از آن در عصر پادشاهی منصورى منصب مشاوره را بر عهده گرفت. در سال ۶۸۲ ق با امیر بدرالدین بکتوت افرعی، ملازم گشت و اموال مردم را مصادره و آن‌ها را مجازات کردند تا جایی که خبر آزارشان به قضات رسید. سپس تا سال ۷۰۲ ق عهده دار سمت مشاوره حلب، در دولت ناصری شد و پس از برکناری، منصب مشاور حکومتی، در دمشق را بر عهده گرفت. مجدداً عزل شد و در حالی که چشمانش بسیار ضعیف شده بود، به حلب بازگردانده شد. وی در سال ۷۱۲ ق از دنیا رفت. وی انسان با فضیلتی بود و اشعار و تألیفاتی نیز دارد.<sup>۲</sup>

#### محمد بن احمد، ابوجعفر سمنانی، نابینا

محمد بن احمد، ابوجعفر سمنانی، قاضی موصل، شیخ حنفی و ساکن بغداد بود. از «مرجی و دار قطنی» حدیث نقل می‌کرد. خطیب بغدادی گفته است: من درباره او نوشته‌ام، وی بسیار راستگو، حنفی مذهب، فاضل و باورمند به عقیده اشعری بود و دارای تألیفاتی است. ابن حزم از او یاد کرده و می‌گوید: سمنانی روشن دل، قاضی موصل، از بزرگترین یاران باقلانی و از پیشتازان مذهب اشعری در زمان خود بود، ولی بعداً به تقبیح او پرداخت. وی در سال ۴۴۴ ق از دنیا رفت.<sup>۳</sup>

#### محمد بن احمد، الظاهر بالله، نابینا

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۲۳۴.

محمد بن احمد، امیرالمومنین، ابونصر، الظاهر بالله، بن الامام الناصر، بن المستضی، پدرش با او بیعت کرد سپس آن را برکنار نمود. هنگامی که برادرش از دنیا رفت، برای دومین بار پدرش با او بیعت کرد، و هنگام مرگ پدرش، جانشین او شد. وفات او سال ۶۲۳ ق بود. مدت خلافتش نه ماه و نیم بود. با اجازه پدرش از او روایت می کرد.

ابن اثیر گفته است: وقتی الظاهر بالله عهده دار حکومت شد، چنان عدالت و احسان به پا کرد که گویی سیره و روش عمرین را تجدید نموده است. به گونه‌ای که اگر گفته شود: پس از عمرین عبدالعزیز کسی مانند او خلافت نکرده، دروغ نگفته است. او بسیاری از مال و اموال غصب شده و به زور گرفته شده در زمان پدر و قبل از آن را، به صاحبانش برگرداند. هر گونه مالیات و خراج را در سراسر بلاد آزاد کرد و دستور داد در تمام عراق، مالیات قدیم اعاده شود و قوانینی که پدرش در این زمینه وضع کرده بود را بردارند. زندانیان را آزاد کرد و برای قاضی ده هزار دینار فرستاد تا سختی‌هایی که متحمل شده بود، جبران شود. به او گفته شد: این همان کسی است که از اموال مردم چنان خراج می گیرد که کسی جرأت بعضی از آن را ندارد. گفت: من بایی را در این زمان گشودم، پس مرا به حال خود گذارید تا کار خیر انجام دهم. وی در میان علماء و صلحاء صد هزار دینار، توزیع کرد.

کاروانسرای «اخلاطیه» و کاروانسرای «الحریم» و مشهد «عبدالله» و قبر «عون و معین» و قبر مادرش و مدرسه‌ای که در کنار آن بود، و کاروانسرای مقابل آنکه خانه مادرش بوده و مسجد «سوق السلطان» و کاروانسرای «المزبانیه» و میهمان سراهای همه نواحی و میهمان خانه حاجیان را تعمیر کرد. و هزینه هنگفتی صرف این اماکن نمود. کتب نفیس و گران بها را با خطوط منتسب به آن‌ها به اماکن یاد شده انتقال داد.

عبدالله بن یونس و ابن حدیده و ابن قصاب و یحیی بن الزبیده و القمی، وزارت او را عهده دار شدند. وی خوزستان و شوشتر که دارای چهل قلعه بود، و همدان و اصفهان که مالیاتش را می برد، و تکریت و دقوقا و الحدیثه، را فتح کرد.

رخساری زیبا، منشی نیک، و خصائل شایسته داشت. و از نیروی بدنی قوی برخوردار بود. سخنانش با «جاموس» در محضر پدرش معروف است. وی در محرم سال ۵۷۰ ق متولد شد و پدرش در سال ۵۸۵ خطبه ولایتعهدی او را بر منابر اجرا کرد. در سال ۶۰۱ ق او را برکنار کرد و مجبورش کرد که به برکناری خود شهادت دهد. سپس در سال ۶۱۸ ق او را به ولایتعهدی بازگرداند. بعد از آنکه پدرش ناصر در سال ۶۲۲ ق از دنیا رفت، نزدیک به پنجاه و دو سال داشت که به خلافت رسید. بر جنازه پدرش نماز خواند و سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

بعد از آنکه پدرش او را از ولایتعهدی برکنار کرد، نامش را در سراسر بلاد از خطبه منابر حذف کردند، ولی خوارزم شاه نام او را حذف نکرد و گفت: ولایتعهدی او در نزد من صحیح و ثابت است ولی دلیلی که موجب برکناری اش باشد برایم ثابت نشده است. همین امر حجت لشکرکشی به عراق برای رد خطبه او شد.

الناصر فرزندش الظاهر را در خانه‌ای که از همه جوانب سفید بود و رنگی جز سفیدی نبود، زندانی کرد. نگهبانانش گوشت‌ها را بررسی می کردند که مبادا چیز سبز رنگی در آن باشد و به موجب آن بینایی اش تقویت شود. تا اینکه «ابن ناقد» که بعد از آن وزیر شد، حيله‌ای به کار برد و با شلواری سبزرنگ وارد اتاق او شد و اظهار داشت که نیاز به توالد دارد، لذا وارد دستشویی شد و شلوارش را در

آنجا گذاشت. الظاهر با زیرکی فهمید و بلافاصله به مستراح رفت و آن را پوشید و همواره خود را مشغول آن کرده بود تا نور دیده اش برگردد.<sup>۱</sup>

#### محمد بن احمد میزی، نابینا

محمد بن احمد بن عبدالرحیم، امام جماعت موقت مسجد اموی، پیشوای موشکاف، شمس الدین ابوعبدالله میزی، در نزد شیخ شمس الدین بن ابراهیم بن ساعد اکفانی، درس خواند. شیخ شمس الدین، او را به خاطر ذهن سرشارش، بسیار ستایش می کرد. وی «الشاطبیه» را حفظ بود. انواع قرائت‌ها را نقل می کرد. کمی از علوم عربی، در ذهن داشت. در قرار دادن اُسْطِرلاب و الارباع چنان مهارت داشت که بهتر و با ظرافت‌تر از قرار دادن او ندیدیم. در زمان حیاتش، اسطرلابش به دویست درهم و بیشتر معامله می شد و ارباعش به پنجاه درهم و بیشتر به فروش می رسید. مردم در طول زندگی اش تا حد ازدحام، به او رجوع می کردند. شاید بعدها قیمت آن بیشتر شده باشد. در نحوه روغن زدن به کمان و ساخته و پرداخت کردن آن، چیره دست بود. مردم در تعریف کردن از یک کمان خوب می گفتند این کار میزی است. قصدشان این بوده که شمس الدین آن جلا داده است. عموماً کمان‌های ساخت وی از ساخت دیگران بیشتر به فروش می رفت. به دلیل در معرض نور خورشید بودن، از چشمانش آب می ریخت، لذا چشمانش آسیب دید و بایک چشم، کمی دید داشت. وی ابتدا امام جماعت موقت الربوه بود. سپس به مسجد جامع منتقل شد. برخی از زیرکی و حيله‌بازی‌های یهودیان را می دانست و به کار می برد. وی نوشته‌هایی در اُسْطِرلاب دارد. رساله‌ای دارد که آن را «کشف الريب فی العمل بالجیب» نامیده است. وی شعر هم می گفت. سرانجام در اوائل سال ۷۵۰ق در شصت سالگی درگذشت.<sup>۲</sup>

#### محمد بن سالم قاضی جمال الدین، نابینا

محمد بن سالم بن نصرالله بن سالم بن واصل، قاضی جمال الدین، قاضی شافعی شهر حماه بود. یکی از امام جمعه‌های مشهور که در دوم شوال سال ۶۰۴ق در حماه به دنیا آمد و روزگاری طولانی زیست و در سال ۶۹۷ق به رحمت خدا رفت. در علوم دینی و عقلی، اخبار و روزهای مهم تاریخی، مهارتی خاص داشت. کتاب تألیف می کرد و درس می داد و برای مردم فتوا صادر می نمود و بسیار کار می کرد. آوازه اش در دور دست‌ها منتشر شد و مشهور گشت. وی یکی از باهوش‌ترین افراد جهان محسوب می شد. مدت زمان طولانی امر قضاوت را بر عهده داشت. از حافظ زکی الدین برزالی در دمشق و حماه، روایت نقل کرد. عده‌ای از طریق وی به درجات علمی رسیدند. پیوسته بر کار کردن حریص بود. چنان در تفکر و اندیشه فرو رفته بود که از اوضاع و احوال خود و کسانی که با او هم‌نشین بودند، غافل گشته بود. هنگامی که در روز جمعه ۱۴ شوال سال یاد شده، در ۹۴ سالگی از دنیا رفت، پیکرش در مقبره‌ای در بیترین دفن شد.

۱. همان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۲. همان، ص ۲۴۱-۲۴۲.

در علم هیئت و تاریخ، کتاب نوشت و آغانی را خلاصه کرد که یک نسخه بزرگ از آن خلاصه را در سه جلد به دست آوردم که پس از کوری با دست خط خود روی آن نوشته است: این نوشته کسی است که نابینا شده است. کتاب مختصر الاربعین و شرح الموجز اثر افضل خونجی از جمله کتاب‌های او است. همچنین کتاب هدایة الألباب فی المنطق و شرح قصیده ابن حاجب در عروض و قافیه و البارع الصالحی و مختصر الادویه اثر ابن بیطار از جمله نوشته‌های او می‌باشد.

گفته شده است که یکی از پادشاهان مصر که گمان می‌رود صالح باشد، وی را برای رفتن به سمت «أنبرور» حاکم فرنگ در رسلیه، تجهیز کرد. وی او را به حضور پذیرفت و بزرگ داشت. یک روز «أرغل» را در مقابل او احضار کرد و در برابر او به زدنش پرداخت. با این کار، می‌خواست او را خفیف کند. گفته شده که وی حرکتی نکرد و تکانی نخورد و ثابت در جای خود ماند و برایشان شادمانی نکرد. اما وقتی بلند شد، زیر پایش نقطه خونی یافتند که گفته‌اند باسن‌هایش به زمین می‌مالید تا خونین شد. با این کار مقامش نزد «انبرور» بالا رفت. سپس به او گفت: ای قاضی! من در فقه و عربی چیزی برای پرسش ندارم، اما سی سؤال از علم مناظر از او پرسید. آن شب را تا صبح بیدار ماند و در بامداد پاسخ آن‌ها را تقدیم کرد. انبرور آن را در مقابل صورت خود آویزان کرد و گفت: قسیس مسلمین این‌گونه است، چون قاضی در این سفر کتابی همراه خود نداشت و پاسخ‌ها را از حفظ نوشته بود.

وی همچنین کتابی دارد به نام «مفرج الکرוב فی دولة بنی ایوب» و چند کتاب دیگر. گفته شده که در حلقه شاگردان وی سی انسان سرشناس حضور داشتند. نجم الدین دبیران کاتبی، در حلقه درس او حاضر شد و در منطق اشکالی از او گرفت. شمس الدین بن الاکفانی سخنانی شگفت‌انگیز از حافظه و ذکاوتش برای من حکایت نمود. حکیم گرانقدر دمیاطی یهودی نیز در خصوص وی برای من حکایت کرد و گفت: در یکی از سفرهای خود به قاهره، شبی به نزد شیخ علاء الدین بن نفیس رفت و شب را نزد او خوابید. نماز عشا را خواند، و بین آن دو باب بحث و گفت‌وگو باز شد و تا طلوع صبح ادامه یافت. شیخ علاء الدین بدون ناراحتی با وی گفت‌وگو می‌کرد و قاضی جمال الدین محکم در بحث وارد شده بود و صورتش سرخ شده بود. هنگامی که خورشید طلوع کرد، به شیخ علاء الدین رو کرد و گفت: ای شیخ! ما نکته‌ها و مسائل و حواشی، بسیار داریم، اما ذخائر علمی این چنین نزدمان نیست. علامه اثیرالدین ابوحنیان به من گفت: وی با مظفر در قاهره نزد ما آمد و من از او حدیث و دیگر مطالب علمی شنیدم. او هم به من اجازه داد تا تمامی روایات و تألیفاتش را نقل کنم. این قضیه در روز پنجشنبه بیست و نهم محرم سال ۶۹۰ق اتفاق افتاد. او یکی از بقایای اهل علمی بود که در پایان سدهٔ هفتم او را دیدیم.<sup>۱</sup>

### مرزبان صمصام الدوله، نابینا

مرزبان، ملک صمصام الدوله، ابوکالیجار بن عضدالدوله، پس از پدرش به سلطنت رسید. هنگامی که پدرش از دنیا رفت، نزدیکان و خواص او مرگش را مدتی پنهان و کتمان نمودند. سپس صمصام الدوله را به مرکز خلافت فراخواندند و عهدنامه‌ای از عضدالدوله ارائه کردند که وی را به جانشینی و سلطنت سفارش کرده و نوشته بود: «ما به ابوکالیجار مرزبان پسر عضدالدوله امور را واگذار کردیم. خداوند به ما و به او حسن انتخاب عطا بفرماید». سپس بر اساس عهدنامه با او بیعت شد. آنگاه از

۱. همان، ص ۲۴۸-۲۵۰.

خلیفه الطائع، برایش عهدنامه و لوازم سلطنت از قبیل خلعت و لواء و القاب، درخواست کردند. خلیفه هم همه را برایش فرستاد. سپس صمصام الدوله به تخت نشست و در مقابلش، عهدنامه خوانده شد. پنهان نگاه داشتن مرگ عضدالدوله همچنان استمرار یافت تا همه مقدمات برای حکومت صمصام فراهم شود و اتحاد کلمه به وجود آید.

صمصام الدوله از برادرش ابوالحسن احمد بییم داشت، لذا او را بازداشت کرد. مادر او دختر نادر، پادشاه دیلم بود. صمصام آنان را بیمناک ساخت. مادرش تصمیم گرفت پنهانی با لباس مبدل مردانه و چند مرد به کاخ صمصام وارد شود و فرزندش را نجات دهد. صمصام الدوله از موضوع با خبر شد و او را رها کرد و حکومت شیراز و منطقه فارس را به او سپرد و به او گفت: پیش از آنکه شرف الدوله به آنجا برسد، خود را به آنجا برسان. سپس مقداری پول و چند مرد جنگی به او داد، اما شرف الدوله زودتر به شیراز رسید و حاکم آنجا شد. ابوالحسن در اهواز ماند و با برادرش صمصام الدوله مخالفت کرد و به خود لقب «تاج الدین» داد و برای خویش خطبه خواند. اما صمصام الدوله سپاهی از ترک و دیلم علیه او تجهیز کرد و آن‌ها را شکست داد و گروهی از آن‌ها کشته شدند و صمصام بر اهواز مستولی شد. وی در آنجا چهارصد هزار دینار و سیصد هزار و پانصد لباس ابریشم و چهارصد رأس دام و مقداری شتر و پارچه به دست آورد و همه را مالک شد.

هنگامی که ترکان و دیلمیان آمدند، به آنان خدمت کرد و عطایایی به آن‌ها بخشید. آنان نیز به او عشق ورزیدند. سپس به سمت بصره حرکت کرد و آن را تصرف نمود و برادرش ابوطاهر را در آنجا منصب داد و به ضیاء الدوله ملقب نمود.

در سال ۳۷۰ق سپاهیان علیه صمصام الدوله شورش کردند و بیشترشان از او جدا شدند و سرانشان به سمت شرف الدوله گریختند که یکی از آن‌ها ابونصر بن عضدالدوله بود. صمصام الدوله آهنگ رفتن به عکبرا کرد. همانجا بود که خانه‌اش را محاصره کردند و به سود شرف الدوله فریاد می‌زدند و هیبت و هیمنه او را شکستند. صمصام به تنهایی به سمت شرف الدوله رفت. شرف الدوله او را پذیرفت و گرمی داشت و او را در خیمه‌ای قرار داد که مقابل خیمه خودش بود و اطرافیان به او خدمت کردند. وقتی روز عید فرارسید، به مناسبت عید بار عام داد و نزول اجلال فرمود و طبقات مختلف مردم شرفیاب می‌شدند تا اینکه صمصام الدوله آمد و زمین را بوسه داد و در سمت راست تخت ایستاد و شعراء آمدند و مدیحه‌های خود را خواندند و یکی از آن‌ها در شعرش به او اشاره تحقیر آمیز نمود. شرف الدوله از این عمل خوشش نیامد و بلند شد و از مجلس بیرون رفت.

پس از این زمان بود که دیگر از صمصام الدوله خبری نبود. برخی گفتند به فارس برده شد و در قلعه بازداشت گردید و میل به چشمانش کشیده شد. مدت زمامداری او در عراق سه سال و یازده روز بود.

شرف الدوله به علت بیماری ورم و آماس که موجب تشنگی می‌شود، در سال ۳۷۹ق از دنیا رفت و صمصام الدوله از قلعه‌ای که به همراه برادرش ابوطاهر در آنجا مدتی زندانی بودند و هیچ یک از آن دو از دیگری خبر نداشت، آزاد شدند. وقتی صمصام الدوله از بازداشتگاه رهایی یافت به منطقه فارس رفت و حاکم شیراز شد و تا سال ۳۸۸ق پادشاه آنجا بود تا اینکه دیلمیان در آن منطقه بسط ید یافتند و دارایی‌هایی که در اختیار داشت، موجب راضی کردن آن‌ها نشد و دیلم بر تیول مادر صمصام و اطرافیان دست‌اندازی کرد ولی هزار نفر از مردانش کشته شدند. سپس به سمت ابونصر سہفیروز و

ابوالقاسم، فرزندان عزالدوله بختیار که در یکی از دژهای فارس زندانی بودند رفتند و مسئولان دژ را فریب دادند و آنجا را در اختیار گرفتند و کردها نیز به آن دو پیوستند. آنگاه فرزندان عزالدوله با سپاهی گران حرکت کردند و زمام امور «اُزجان» را به دست گرفتند.

در همین اوضاع و احوال فرزند برومندی از صمصام الدوله به نام ابوشجاع از دنیا رفت. او بر مرگش بسیار در غم و اندوه فرو رفت و در شیراز کسی نبود که بدین سبب لباس سیاه نپوشیده باشد. صمصام الدوله از گوش‌هایش بر او اشک می‌ریخت که از عجایب روزگار است. سپس آهنگ فتح دژ یاد شده را نمود، اما دژیان آنجا اجازه ورود به نداد. وی کردها را فراخواند و از آن‌ها پیمان گرفت و اموال و جواهرات و همه دارایی‌های آنان را گرفت و به سمت اهواز روان شد. چندان از شیراز دور نشده بود که تمام آنچه را همراه داشت، غارت کردند. ابونصر از این حادثه با خیر شد و گروهی از دیلمان را به سمت او گسیل داشت و او را در چهاردهم ذیحجه سال ۳۸۶ ق کشتند. وی در هنگام مرگ سی و پنج سال و هفت ماه و هفده روز داشت و نه سال و هشت روز بر منطقه فارس حکمرانی کرد.<sup>۱</sup>

#### یعقوب بن داود، نابینا

یعقوب بن داود بن عمر بن عثمان بن طهمان، با ولای سُلَمی، غلام ابوصالح، عبدالله بن حازم سُلَمی، حاکم خراسان. یعقوب، کاتب ابراهیم بن عبدالله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام بود. پدرش داود و برادرانش، کاتبان نصر بن سیار، کارگزار خراسان بودند. وقتی منصور بر ابراهیم یاد شده غلبه یافت، یعقوب را در زیر زمین زندانی کرد.

یعقوب انسانی کریم و باگذشت بود، بسیار نیکوکار و زیاد صدقه می‌داد و فضل و احسان فراوانی داشت. مراد و مقصود مردم بود و از سوی مردم مدح و ستایش می‌شد. وقتی «منصور» از دنیا رفت و «مهدی» جانشین او شد، به او تقرب جست تا اینکه از نزدیکان او قرار گرفت و مورد اعتماد او واقع شد و شأن و منزلتش در نزد او بالا رفت تا حدی که کاتبانش به دیوان نوشتند که امیر مؤمنین با یعقوب بن داود عقد اخوت بسته است، لذا «سَلَم خاسر» در این باره سرود: به امامی که خلافتش به حق به او هدیه شد و از او گرفته نخواهد شد، بگو: چه خوب همنشین تقوا پیشه‌ای برگزیدی و معین خود ساختی! او برادر دینی تو یعقوب بن داود است.

مهدی به حج رفت و یعقوب همراه او بود. هیچ یک از نوشته‌های مهدی بدون نوشته وزیر یعقوب خطاب به امینش برای اجرا، اجرایی نمی‌شد. منصور شصت و یک میلیون درهم در بیت المال باقی گذاشته بود. وزیر ابوعبیدالله به مهدی سفارش می‌کرد که در هزینه کردن و حفظ اموال، اعتدال و اقتصاد را مد نظر داشته باشد. هنگامی که او را برکنار کرد، یعقوب بن داود را به جای آن گمارد. سپس مهدی از روی هوی و هوس اموال را خرج لذات و شرب خمر و مجالس غنا می‌کرد و یعقوب به تدبیر امور می‌پرداخت تا جایی که بشار بن برد گفت: ای بنی امیه! بیدار شوید، خواب شما طولانی شد و اکنون خلیفه یعقوب بن داود است. ای قوم! خلافت شما از بین رفت. خلیفه الله را در بین آلات موسیقی و نی و عود بجوید. یعقوب از آنچه پیش آمده بود ضجر می‌کشید، لذا از مهدی خواست او را برکنار کند ولی مهدی قبول نکرد.



رشید اموالش را به او باز گرداند و او را آزاد گذاشت هر کجا که می خواهد برود. او هم مکه را برگزید و به آنجا رفت و در مکه اقامت داشت تا در سال ۱۸۷ق و یا به گفته‌ای ۱۸۲ق از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

#### نوح بن دَرّاج (درگذشت ۱۸۲ق/۷۹۸م)، نابینا

نوح بن دَرّاج نخعی قاضی و از یاران ابوحنیفه و ساکن کوفه بود. مدتی قاضی و والی کوفه بود. وقتی قاضی بود نابینا شد و به رغم نابینایی به قضاوت ادامه داد. حتی سه سال از نابینایی او گذشت ولی کسی نمی داشت او نابینا شده است.<sup>۲</sup>

#### عبدالصمد العباسی (۱۰۴-۱۸۵ق)، نابینا

عبدالصمد بن علی بن عبدالله بن عباس ملقب به هاشمی و عباسی، عموی خلیفه عباسی، منصور و عاملش در مکه و طائف بود. سپس به عنوان والی مدینه در سال ۱۴۷ق تعیین شد. مهدی عباسی در سال ۱۵۹ او را عزل کرد ولی در سال ۱۶۲ق به عنوان والی الجزیره منصوب نمود. سپس در سال ۱۶۳ق عزل و زندانی شد. سپس در سال ۱۶۶ق آزاد و به عنوان والی دمشق تعیین گردید. در آخر عمرش نابینا شد. در شرق بغداد، خیابانی به نام او عبدالصمد است.<sup>۳</sup>

#### علی بن مُسهر (درگذشت ۱۸۹ق/۸۰۵م)، نابینا

ابوالحسن علی بن مُسهر قرشی کوفی قاضی و حافظ حدیث و فقیه بود. در حدیث ثقه شمرده شده است.

مدتی ولایت قضاء موصل و چند سال همین سمت را در ارمینیه بر عهده داشت. در همین جا نابینا گردید و به کوفه بازگشت. احادیثی به نقل او در کتب سته اهل سنت آمده است.<sup>۴</sup>

### در پایان

چند شخصیت با اتکاء بر منابع متقن تاریخی معرفی شد تا عیناً نشان داده شود در طول تاریخ کسانی در رأس امور بوده‌اند و معلولیت هم داشته‌اند. از این رو بر خلاف تصور برخی معلولیت با مسئولیت تعارض ندارند بلکه این دو می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

نابینایان، ناشنوایان، معلولان حرکتی و ذهنی که بخش مهم از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند نیاز به تقنین، نیاز به مناسب‌سازی و صدها مسئله اجتماعی دیگر دارند. از طرف دیگر مسائل آنان کاملاً تخصصی است و می‌توان گفت از هر مسئله اجتماعی پیچیده‌تر است. از این رو لازم است افرادی از

۱. همان، ص ۲۹۸-۳۰۰.

۲. الاعلام، زرکلی، ج ۸، ص ۵۰.

۳. الاعلام، زرکلی، ج ۴، ص ۱۱؛ نکت الهمیان، ص ۱۹۳؛ تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۳۷.

۴. الاعلام، زرکلی، ج ۵، ص ۲۲؛ نکت الهمیان، ص ۲۱۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۸۳.

جنس خودشان که اطلاعات و تجربه کافی هم دارند در مجلس شورا یا در شورای شهر حضور داشته و به طرح مسائل آنان بپردازند.

حل مشکلات معلولین و فعال کردن آنان در عرصه‌های اجتماعی و نجات آنان از هزاران مشکلی که گریبان‌گیر آنان است، بستگی به سپردن امور به دست خودشان و راه را برای آنان گشودن تا در عرصه‌های اجتماعی حضور یافته و خودشان با درایت و عقلانیت به حل مشکلات جامعه خود بپردازند. و همه اینها منوط است به اینکه نمایندگانی از آنان در رأس کارها و در نهادهای تصمیم‌ساز مدنی حضور داشته باشند.

فصل پنجم  
بازتاب‌های اجتماعی

معلولان در ایران از جهات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی رشد یافته و نسبت به یکصد سال قبل، توانسته‌اند توانمندی‌های خود را نشان دهند و در فضای جامعه به عنوان انسان‌های مؤثر معرفی شوند و جایگاه ویژه داشته باشند.

در واقع مثل گروه‌ها و قشرهای اجتماعی همچون معلمان، دانشجویان، جوانان و کارگران، معلولین هم به مثابه بخشی از جامعه آن هم قشر مؤثر و دارای اهداف راهبردی برای سازندگی ایران مطرح شده‌اند.

مهم‌ترین نمود و بازتاب این قشر اجتماعی، حضور آنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر بوده است. در واقع در مهم‌ترین فرایندهای انتخاباتی ایران حضور یافته و خود را نشان داده‌اند.

جامعه‌شناسان، تحلیل‌گران اجتماعی و اصحاب رسانه‌ها، پدیده حضور اجتماعی معلولان را زیر نظر گرفته و به مطالعه آن پرداخته و گاه مطالب و مقالاتی در این باره منتشر کرده‌اند. بعضی از این نوشته‌ها در این فصل می‌آوریم. هدف این است که بدون توجه به ابعاد اجتماعی معلولان ایران، نمی‌توان حقوق مدنی آنان و از جمله انتخاب شوندگی و نامزدی آنان را بررسی کرد.

## گفت‌وگو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا<sup>۱</sup>

«توانش» (صفحه ویژه مباحث معلولیت و معلولان روزنامه ایران) در گفت‌وگو با برخی از نامزدهای دارای معلولیت شوراهای شهر و روستا از برنامه‌هایشان پرسیده و نظرات آنان را ثبت کرده است. این گفت‌وگو و تدوین آنها بر عهده خانم راضیه کباری بوده است. خانم کباری درباره اهمیت حضور معلولان در انتخابات شورا می‌نویسد:

### عزم معلولان برای ساختن شهرهایی دسترس‌پذیر

شورای شهر؛ عرصه رویارویی نظرات متنوع برای رسیدن به شهری ایده‌آل در راستای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. این شوراها وقتی می‌توانند کارآمد باشند که نمایندگانی از قشرها و نظرات متفاوت در آن حضور داشته باشند تا با رویکرد توسعه‌ای، شهری متناسب با نیازهای همه افراد جامعه بسازند. گرچه معلولان در شوراهای پیشین نیز در رقابت‌های انتخاباتی شوراهای شرکت داشتند ولی شاید شورای چهارم تهران با حضور دو چهره نابینا در آن؛ وجهی متمایز از این تعامل را نمایش داد. تجربه حضور دو نابینا در شورای شهر تهران و هم‌رویکرد اجتماعی جامعه برای سازندگی سبب شده این بار معلولان و نابینایان بسیاری از شهرهای دیگر نیز خود را در معرض انتخاب شدن برای نمایندگی مردم و معلولان بگذارند. مروری بر انگیزه‌های این افراد و دید آنها نسبت به توسعه شاید بتواند چراغ روشنی برای انتخاب نمایندگان اصلح شوراها باشد. از آنجا که درج نام و عکس کاندیدای انتخابات شهر و روستا خلاف قانون انتخابات است «توانش» تنها به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه حضور افراد دارای معلولیت اقدام به درج این گزارش بدون ذکر نام افراد کرده است. باشد که راه‌های حضور افراد دارای معلولیت در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بیش از پیش هموار شود.

در ادامه نظریات کاندیداهای شهرهای مختلف را آورده است:

### در شهر ما هیچ کاری برای معلولان نشده است (کاندیدای در مشکین شهر)

کارشناس جغرافیای طبیعی و معلول جسمی - حرکتی و عضو علی‌البدل شورای مشکین شهر است. او می‌گوید: در شهر ما؛ تاکنون هیچ اقدامی برای معلولان انجام نشده. دغدغه او مناسب‌سازی فضای شهری برای استفاده معلولان است.

### جامعه معلولان تریبونی برای طرح خواسته‌هایش ندارد (کاظم رضایی از تهران و ری و

شمیرانات)

دکترای جامعه‌شناسی علوم سیاسی و معلول است. او می‌گوید: متأسفانه جامعه بزرگ معلولان تاکنون تریبون در خوری برای بیان مطالبات و خواسته‌های خود نداشته‌اند. این مهم باعث شده است

۱. روزنامه ایران، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۶.

مدیریت شهری نیز آن گونه که باید توجهی به کمبودهای این حوزه نداشته باشند. نیک می‌دانیم که با تکرار روش‌های همیشگی، به نتایج متفاوت نخواهیم رسید. لذا پازل قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، اشخاص توانمند و با تدبیری را نیاز دارد که با جامعه بزرگ معلولان آشنا و نیازهای آنان را به طور ملموس بشناسد. به نظر بنده روح و اندیشه‌های بزرگ در کالبد هر انسانی که باشد، شگفتی می‌آفریند.

### معلولیت محدودیت نیست (از پاکدشت)

معلول جسمی - حرکتی و استاد ژنتیک دانشگاه آزاد است از حوزه پاکدشت آمادگی خود را برای حضور در شورای این شهر اعلام کرده است تا نشان دهد معلولیت محدودیت نیست. وی می‌افزاید: من با اعلام آمادگی برای حضور در شورا؛ قصد آن دارم که به هموعانم بگویم ما هم می‌توانیم در تعیین سرنوشت خود نقش داشته باشیم.

### فرصت‌های برابر معلولان با دیگران (محمدحسن پارسائیان از یزد)

کاندیدای نایب‌ای یزدی که کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دارد؛ انگیزه خود را برای شرکت در این میدان رقابت، در درجه اول تثبیت اصل و خواسته فرصت‌های برابر بین معلولان و دیگر قشرهای جامعه و نهادینه کردن این فرهنگ عنوان می‌کند. او می‌افزاید: در برخی از شهرها، هنوز حضور نمایندگان معلول یک پدیده غیر منتظره به نظر می‌رسد. در درجه دوم؛ اگر ما بتوانیم وارد یک مرکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شویم، می‌توانیم صدای معلولان را به مسئولان برسانیم. شعار او در این انتخابات «شهر دسترس‌پذیر برای همه» است. وی ادامه می‌دهد: البته منافع دسترس‌پذیری همه افراد جامعه را بهره‌مند می‌سازد. او در مورد برنامه دیگرش که تلاش در جهت رسیدن معلولان به مسکن مناسب خود است، می‌گوید: مسکن مناسب برای همه افراد جامعه یکی از اصول قانون اساسی ماست. قوانینی که در این باره هست گاه متناقض‌اند و این دسترسی را محدود کرده است.

### فرهنگ‌سازی عمومی با استفاده از امکانات شهری (علیرضا حیدری رامشه از اصفهان)

کارشناس ارشد روانشناسی و نامزد نایب‌ای اصفهانی که دبیر آموزش و پرورش است، معتقد است: از بیرون شورا، یک فعال مدنی تنها می‌تواند طرح و برنامه خود را برای پیشبرد امور ارائه دهد اما از درون شورا؛ می‌تواند به صورت عملی تصویب و اجرای آن را پیگیری کند. من آمده‌ام تا به صورت عملی نشان دهم اگر شرایط برابر اجتماعی فراهم باشد سایر معلولان نیز می‌توانند در اجتماع حضور یابند و خود را اثبات کنند. حضور نایب‌ایان در شوراها، چند نتیجه دارد اول اینکه فرهنگ‌سازی می‌شود و مردم با توانمندی‌های این افراد آشنا می‌شوند. این فرهنگ‌سازی نشان می‌دهد اگر شرایط برای حضور اجتماعی نایب‌ایان دیگر هم فراهم باشد می‌توانند تا همین اندازه توانمند ظاهر شوند. از طرف دیگر نماینده نایب‌ای معلول؛ امکانی پیدا می‌کند تا عملاً از حقوق هموعان خود دفاع کند و سوم اینکه در کلان‌شهرها، حضور نماینده معلول، این امکان را فراهم می‌سازد که به صورت عملی از فضاهای شهری به نفع فرهنگ‌سازی عمومی استفاده کنند. این کاندیدای شورای شهر برنامه‌های خود را برای هموعان نایب‌ای این گونه توصیف کرد: مثلی را در نظر بگیرید یک ضلع این مثلث، فرهنگ‌سازی و آموزش با استفاده از ظرفیت شهرداری است. آموزش در مورد نایب‌ایان و آموزش به

نابینایان. در این فضاها می‌توان خدمات حرفه آموزشی به نابینایان را مد نظر داشت. ضلع دوم این مثلث؛ مناسب‌سازی و دسترس‌پذیر ساختن اماکن شهری از نظر فیزیکی است و در ضلع سوم؛ تسهیلگری استفاده معلولان از خدمات شهری می‌گنجد که می‌تواند شامل سیاست‌های تخفیفی به معلولان برای استفاده از اماکن فرهنگی و... باشد. وی در پایان افزود: حمایت معلولان از کاندیداهای معلول خیلی مهم است. به علاوه وقتی فرد معلول وارد شورا شود تازه معلولان دیگر باید به او طرح و برنامه بدهند و از او اجرای آنها را بخواهند.

### سه‌م معلولان از بودجه شهرداری لحاظ شود (محمود سلوکی از تهران)

کارشناس ارشد برق و کاندیدای کم‌بینای پردیس؛ اولویت اول کاری خود را مناسب‌سازی معابر، بوستان‌ها، مبلمان شهری، وسایل حمل و نقل، کتابخانه‌ها و اماکن عمومی می‌داند. او معتقد است باید شورای راهبردی معلولان در شهرداری شهرهایی چون پردیس هم ایجاد شود. او می‌گوید: باید ساختاری با عنوان مشاور مدیرعامل در امور معلولان در شهرداری وجود داشته باشد البته این ساختار باید در همه دستگاه‌ها دیده شود که بتواند حقوق معلولان را از آن دستگاه‌ها مطالبه کند. در برنامه‌ای که من برای معلولان ارائه داده‌ام، حداقل ۱۰ درصد بودجه شهرداری یعنی معادل سه‌م جمعیتی معلولان، باید به این حوزه اختصاص یابد. رسیدگی به خانواده‌های دارای چند معلول، مناسب‌سازی معابر جلوی منازل این افراد، تعمیرات منازلشان، نصب آسانسور و ارائه خدمات درمانی مانند ویلچر نیز از دیگر برنامه‌های سلوکی برای دسترسی بهتر معلولان و برابر سازی فرصت‌ها برای آنان است.

### مشارکت در امور شهر (امیدعلی میرزایی از خرم‌آباد)

کارشناس جامعه‌شناسی و نامزد نابینای خرم‌آبادی نیز معتقد است ما هم مثل سایر مردم برای اداره شهر خودمان ایده و فکر داریم و می‌توانیم در اداره شهر مشارکت داشته باشیم به علاوه معلولان در شورای شهر کسی را می‌خواهند که صدایشان باشد و حقوق آنها را مطالبه کند. او به مواردی چون مناسب‌سازی اماکن عمومی و معابر و حذف موانع شهری برای تسهیل حضور معلولان در شهر اشاره می‌کند و می‌افزاید: به نظرم ما می‌توانیم با ایجاد تسهیلاتی چون امکان حضور معلول به همراهی یک یا دو نفر به صورت رایگان در اماکن تفریحی و تاریخی زمینه حضور این افراد را بیشتر مهیا سازیم. این کاندیدا در پایان ضمن انتقاد از تشکل‌های معلولان می‌افزاید: متأسفانه تشکل‌های ما کم‌جان هستند و از این‌رو نمی‌توانند کاندیدای خودشان را حمایت کنند.

### دستاورد حضور نابینایان در شورای چهارم تهران (از تهران و ری و شمیرانات)

جانباز نابینا که سابقه عضویت در شورای شهر تهران را هم دارد؛ در زمینه دستاورد حضور نمایندگان نابینا در این شورا می‌گوید: نخستین مصوبه شورای چهارم در تهران، رایگان شدن هزینه ایاب و ذهاب معلولان بود. بودجه‌ای که در سال اول به این امر اختصاص یافت سه و نیم میلیارد تومان بود که در سال چهارم به ۱۲ میلیارد تومان رسید. او ضمن اشاره به اینکه، با حضور دو نماینده نابینا در شورا و مطالبه حقوق معلولان، بسیاری از نیازهای معلولان در شورا دیده شد، می‌افزاید: اگر چه شهر دسترس‌پذیر یک بحث راهبردی است اما امروز این ایده مراحل خوبی را در فرآیند شکل‌گیری طی

کرده است. او ادامه می‌دهد: بخشی از قوانین مطروحه در این بحث، مربوط به آیین‌نامه‌های سازمان نظام مهندسی است و اینکه در هر ساختمانی که ساخته می‌شود ضوابط مربوط به عبور و مرور معلولان رعایت شود و در بوستان‌ها ضوابط دسترس‌پذیری برای معلولان شکل بگیرد. در حال حاضر هم نمونه‌هایی از این بوستان‌ها آماده شده است. این جانباز نابینا ادامه می‌دهد: ما مسئولان مترو را موظف کردیم در زیرساخت‌هایی که طراحی می‌کنند برای ورود افراد با ویلچر، آسانسور تعبیه کنند و محل ورود و خروج معلولان را به صورت صحیح طراحی کنند. البته در مورد مناسب‌سازی مترو، بحث استفاده از سنسورها شکل نگرفت چون لوکوموتیوهای موجود هوشمند نیستند و به صورت انسانی اداره می‌شوند و نمی‌توانند در نقطه مشخص بایستند. تلاش ما این است که مترو، «بی آرتی» و معابر شهری تا حد امکان قابل دسترس شوند. البته از موضوع دسترس‌پذیری همه قشرها هم کودکان و هم سالمندان بهره‌مند می‌شوند. دیگر عضو نابینای شورای تهران نیز می‌گوید: دسترس‌پذیری نسبت به مناسب‌سازی، معنای عام‌تری دارد و مصداق‌های آن را می‌توان در حمل و نقل عمومی، خرید از فروشگاه‌ها، خدمات اینترنتی، دسترسی به اداره‌های شهرداری‌ها و... یافت. این نامزد اما به شورای تهران، برای کار در حوزه معلولان، نمره بالاتر از متوسط می‌دهد. این حقوقدان ادامه می‌دهد: کار بزرگی که شورای تهران انجام داد این بود که دسترس‌پذیری را در ادبیات مدیریت شهری وارد کرد و از این پس نمایندگان شوراها را دیگر؛ باید آن را پیگیری کنند. در این شورا کاری که شد این بود که هر قانونی که تصویب شد اگر به معلولان مرتبط بود، واژه «دسترس‌پذیری» مستقیم یا غیرمستقیم در آن به کار گرفته شد.

امروز در تبصره دو قانون بودجه سالانه شهرداری، دسترس‌پذیری پیوست طرح‌های شهری شده است. به این ترتیب از نظر ادبیات موضوعی و تئوری به جاهای خوبی رسیده‌ایم.

عضو نابینای شورای شهر در مورد برنامه آینده خود در صورت حضور در شورای پنجم، می‌گوید: خود معلولان باید ایده‌های نو را تولید کنند چون کسی بهتر از آنها نسبت به مشکلاتشان مطلع نیست. معلولان همچنین باید در فرآیند عملی شدن این ایده‌ها هم نظارت داشته باشند تا کار به درستی انجام شود. وقتی معلولی در عمل نشان می‌دهد که حضورش برای دیگران هم راهگشاست، در واقع خواسته ما که مشارکت معلولان در همه امور اجتماعی است خود به خود برآورده شده است. او با استقبال از حضور معلولان برای نامزدی شوراها در سراسر کشور می‌افزاید: به نظر من در دوره آینده شوراها، دسترس‌پذیری باید شعار محوری همه دوستان باشد و معلولان در هر شهری، همه برنامه‌های خود را حول و حوش این موضوع قرار دهند.

با کمی کنکاش در فهرست شرکت‌کنندگان در انتخابات شوراها با حضور گسترده معلولان مواجه شدیم. آنچه در بالا آمد تنها قطره‌ای از این دریا بود که آمد. اما حال که با این استقبال مواجه شده‌ایم و کسانی از بین معلولان، خود را در معرض انتخاب برای شوراها شهر و روستا گذاشته‌اند و در این گرما گرم حزب و باندبازی، کاش جامعه بزرگ معلولان با یک تصمیم جمعی و برای رسیدن به شهرهایی ایمن برای همه مردم، عزم خود را برای فرستادن نمایندگان لایق و فرهیخته به شوراها شهر و روستا جزم کنند تا هر روز بیش از پیش، شاهد شهرهایی باشیم که همه امکاناتش برای همه قشرهای کم توان و ناتوان قابل دسترس باشند و ای کاش احزاب مورد قبول و مورد نظر مردم نیز به این موضوع توجه ویژه داشته باشند و در انتخاب فهرست‌های خود سهمی ویژه برای معلولان قائل شوند.



## انعکاس انتخابات شوراها در نگاه روزنامه‌ها<sup>۱</sup>

«مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان» و «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان» از جمله محورهای اصلی تحولات انتخاباتی در روزنامه‌های یکشنبه ۱۷ اردیبهشت به شمار می‌رود. خبرگزاری ایرنا با مطالعه همه روزنامه‌ها، قسمت‌های مهم گزارش هر روزنامه را در این مبحث آورده است. این گزارش به کوشش مهسا شریفی و شهربانو جمعه تهیه شده است.

### مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر (روزنامه صبح امروز)

روزنامه‌های صبح امروز در ارتباط با انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا عنوان‌هایی چون «مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان»، «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان»، «تحقق «گام سوم» در گرو وحدت دوباره»، «شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد»، «شهروندان دارای معلولیت حق دارند»، «صدای ما به هیچ جا نمی‌رسد»، «حضور کاندیداها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد»، «سه‌م ۳۰ درصدی می‌خواهیم»، «تعیین تکلیف نامزدهای شوراها در ایستگاه پایانی»، «شیشه‌های خاکستری ساختمان بهشت» و «مطالبات زنان و انتخابات» را بازتاب دادند.

### مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر (روزنامه آفتاب یزد)

روزنامه «آفتاب یزد» در گزارشی با عنوان «مسئولیت فرا سازمانی شورای شهر»، نوشت: بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ اداره امور کشور باید به اتکای آرای عمومی انجام شود. در اصل یکصدم قانون تأکید شده؛ «برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان، یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراها، مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند.»

### تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان (روزنامه رسالت)

روزنامه «رسالت» در مطلبی با انتشار عنوان «تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان»، نوشت: شورا و شهرداری ارتباط متقابل و دوسویه با هم دارند و تعامل شورا و شهرداری به نفع شهر و شهروندان است. سهیم کردن و مشارکت مردم با انتخاب شوراها در جهت اجرای تصمیمات و توسعه و

1. www.irna.ir (۱۷ اردیبهشت ۹۶)

آبادانی شهر و روستا امری بسیار مهم و ضروری است و مردم با انتخاب افراد اصلح در شوراهای شهر نقش بسزایی در اجرای طرح‌ها و رفع مشکلات و معضلات سطح جامعه ایفا می‌نمایند.

### توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان (روزنامه همدلی)

محسن مهرعلیزاده در یادداشتی در روزنامه «همدلی» با درج عنوان «توسعه پایدار شهری و ایمنی شهر و شهروندان»، نوشت: اهمیت و جایگاه مدیریت به عنوان یک موضوع محوری مهم در توسعه شهری کاملاً آشکار است. شهرها به عنوان سکونتگاه‌های اصلی بشر امروز، ویژگی‌هایی دارند که برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌گرایکی از الزامات اصلی مدیریت آنها به شمار می‌رود. شهروندان در طول حیات خود همواره در معرض مخاطرات مخرب مختلفی هستند که در بسیاری از موارد خسارات عمده جانی و مالی را در پی دارد. بر این اساس توجه به «مخاطرات انسان‌ساز» و «مخاطرات طبیعی» در محیط زندگی بشری بسیار حائز اهمیت است.

وقوع پدیده‌های مختلفی نظیر زلزله، سیل، نشست زمین، آلودگی هوا و خاک، افزایش جمعیت، ترافیک و غیره همواره مانع اصلی توسعه پایدار جوامع مختلف به ویژه جوامع شهری است. در این مسیر اولین قدم، شناسایی انواع مخاطرات و زمینه‌ها و بسترهای آن است تا در ادامه، متولیان امر بتوانند با انتخاب راهکارهای مناسب در جهت رفع یا کاهش خسارت حاصل از آن مخاطره اقدام کنند.

### تحقق «گام سوم» در گرو وحدت دوباره (روزنامه ابتکار)

روزنامه «ابتکار» در گزارشی با درج عنوان «تحقق «گام سوم» در گرو وحدت دوباره»، نوشت: مدت زمان زیادی تا آغاز تبلیغات کاندیداهای دوره پنجم انتخابات شوراهای شهر باقی نمانده است. در شهرهای مختلف اما شرایط تأیید صلاحیت‌ها به یک شکل و میزان نیست؛ در شهرهایی همچون اهواز، اصفهان و کرج اصلاح‌طلبان بسیاری قربانی رد صلاحیت گسترده کاندیداهای این جناح شده‌اند، در حالی که وضعیت پایتخت کمی متفاوت است. تعداد زیادی از کاندیداهای اصلاح‌طلب و چهره‌های سیاسی در تهران توانستند از سد هیئت نظارت بر انتخابات شوراها عبور کرده و خود را در معرض رأی مردم بگذارند.

### شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد (روزنامه ایران)

روزنامه «ایران» در گفت‌وگویی با محمود میرلوحی عضو شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان با انعکاس عنوان «شهرداری ۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد»، نوشت: من فکر می‌کنم اعضای شورای شهر در دوره اول عزمشان را برای اجرای قانون و به فعل درآوردن اصول قانون جزم کردند، البته شرایط مساعدی هم برای قرار گرفتن شوراها در جایگاه خودشان به عنوان پارلمان محلی فراهم شد تا مسائل شهری را مدیریت کنند. به‌ویژه با توجه به ساختار اقتصادی و سیاسی کشور که تمرکزگرا است و میزان مشارکت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که مدیریت غیر دولتی آن طور که باید محقق نشده است. بنابراین شوراها می‌توانند ما را به مدیریت و حاکمیت محلی نزدیک کنند، متأسفانه حاکمیت محلی به علت مسائل مختلفی که در کشور ما وجود دارد، تاکنون اجرایی نشده، اما در

کشورهای توسعه یافته و از جمله در مهد دموکراسی دنیا یعنی هندوستان هم نظام فدراتیو اجرا می‌شود، یعنی ایالت‌ها اختیارات لازم را دارند و حکومت‌های محلی تصمیم گیرنده‌اند.

### شهروندان دارای معلولیت حق دارند (با قلم مرتضی الویری روزنامه همدلی)

روزنامه «همدلی» در یادداشتی با قلم مرتضی الویری با عنوان «شهروندان دارای معلولیت حق دارند»، نوشت: امروزه اصل تساوی حقوق معلولان و افراد سالم، مورد توجه همه جوامع قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که عقب ماندگی‌های اجتماعی معلولان عمدتاً ناشی از عدم سازگاری وضعیت معلولان و محیط آنهاست و این امر هنگامی روی می‌دهد که معلولان با موانع فرهنگی، اجتماعی و کالبدی مواجه می‌شوند.

از دیدگاه برنامه‌ریزان شهری، شهر سالم، شهری است که تمامی شهروندان بتوانند از فضاهای آن بهره‌مند شوند. این فضای شهری باید ارائه‌دهنده خدمات بیشتر به اقشار آسیب‌پذیر باشد تا این گروه از صحنه جامعه محو نشده و به فراموشی سپرده نشوند. آن بخش از جامعه که به سبب ناتوانی جسمی - حرکتی، عملاً استفاده از فضاهای شهری محروم شده است، علت را نه در «معلول بودن شهر» که در «معلول بودن خویش» جستجو می‌کند و خود را از نزدیک شدن به این فضاهای شهری باز می‌دارد.

### صدای ما به هیچ جا نمی‌رسد (روزنامه ایران)

روزنامه «ایران» در گزارش میدانی درباره مطالبات راننده‌های تاکسی از اعضای شورای شهر تهران با انتشار عنوان «صدای ما به هیچ جا نمی‌رسد»، نوشت: از میان همه اقشار جامعه راننده‌های تاکسی بیشتر از همه با شورای شهر سر و کار دارند. بهبود خدمات سازمان تاکسیرانی، نحوه و ساز و کار تبدیل به احسن کردن خودروها، تعیین نرخ برای آنها، وضعیت ساماندهی آسفالت خیابان‌ها و اموری از این دست سبب می‌شود گذر راننده‌های تاکسی بیش از سایر شهروندان به شورای شهر بیفتد. حال که انتخابات شوراها پیش رو است به میان آنها رفتیم تا دریابیم مطالباتشان از اعضای شورای شهر چیست؟

راننده‌های تاکسی‌های خطی بر خلاف مردم کوچه و بازار کاندیدای شورای شهر تهران را به خوبی می‌شناسند. آنقدرها که حتی می‌توانند نام تعدادی از آنها را بگویند. آنها معتقدند تصمیمات شورا در حل مشکلاتشان بسیار مؤثر است.

### حضور کاندیدها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد (از محسن هاشمی

#### در روزنامه ابتکار)

روزنامه «ابتکار» در مطلبی با عنوان «حضور کاندیدها در انتخابات شورای شهر باید بر اساس لیست باشد» به نقل از محسن هاشمی مدیر پیشین مترو تهران، نوشت: برای موفقیت در انتخابات شوراها باید راهبرد ثبت نام حداکثری به انصراف حداکثری تبدیل شود تا لیست نهایی با قدرت وارد شورای شهر شود. در این دوره حدود سه هزار نفر ثبت نام کرده‌اند که از این تعداد ۸۰۰ نفر برای حضور در لیست امید اعلام آمادگی کردند و از این تعداد قرار است ۲۱ نفر وارد لیست نهایی بشوند،

بنابراین برای موفقیت در این انتخابات باید راهبرد حضور و ثبت نام حداکثری به انصراف حداکثری تبدیل شود تا لیست نهایی با قدرت وارد شورای شهر شود.

### آخرین خبرها از لیست اصلاح طلبان (از حسن رسولی در روزنامه همدلی)

روزنامه «همدلی» همچنین در گفت‌وگو با حسن رسولی عضو شورای عالی اصلاح طلبان، عنوان «آخرین خبرها از لیست اصلاح طلبان شورای شهر» را بازتاب داد و نوشت: اصلاح طلبان ظرف سال‌های اخیر و از ابتدای دهه ۹۰ و پس از عبور از حوادث انتخابات سال ۸۸ به دلیل دور بودن از مسئولیت‌های دولتی و حکومتی فرصتی پیدا کردند تا با انجام کار کارشناسی دقیق نسبت به آسیب‌شناسی عملکردهای گذشته این جریان در دهه ۸۰ اقدام کنند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این آسیب‌شناسی رسیدن به این باور راهبری بود که اتحاد و یکپارچگی همه ظرفیت‌های اصلاح طلبی شرط اصلی و اساسی اثرگذار بودن در سپهر سیاسی ایران است. به همین دلیل تلاش‌هایی صورت گرفت و نقشه راهی ترسیم شد و متناسب با وقایع و رویدادهای سیاست داخلی پروژه‌هایی به مرحله اجرا درآمد.

### تأخیر در تصمیم (روزنامه آرمان)

روزنامه «آرمان» نیز در گزارشی با عنوان «تأخیر در تصمیم شورای عالی اصلاحات»، نوشت: همزمان با تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، تبلیغات انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا هم از چند روز دیگر آغاز خواهد شد. این احتمال وجود دارد که با آغاز رقابت شورای شهر فضای جامعه بیشتر انتخاباتی شود. البته به‌رغم اینکه اعلام شده بود شنبه لیست شورای عالی اصلاحات اعلام خواهد شد، اما برخی از تأخیر در اعلام آن خبر می‌دهند و این احتمال وجود دارد که حتی تا روز اول مهلت قانونی شروع تبلیغات شورای شهر اعلام لیست از سوی شورای عالی به تأخیر بیفتد، زیرا در ابتدا حدود ۷۰۰ نفر درخواست حضور در لیست شورای شهر تهران را داشتند که بعدها اعلام شد حدود ۱۵۰ نفر به مرحله بعد راه یافتند.

### سه‌م ۳۰ درصدی می‌خواهیم (روزنامه شرق)

روزنامه «شرق» در گزارشی با عنوان «سه‌م ۳۰ درصدی می‌خواهیم» به مطالبات زنان از شورای شهر پرداخت و نوشت: ایمن‌سازی فضای عمومی و بی‌دفاع یا متروک شهری و تغییر کاربری فضای ناامن برای زنان از طریق نورپردازی معابر، ایجاد بازارهای محلی - منطقه‌ای امن برای دست‌فروشان به ویژه دست‌فروشان زن و توقف سیاست کنونی مدیریت شهری مبتنی بر اولویت وسایل نقلیه به انسان‌ها و سپس حذف بیلبوردهای تبلیغاتی از پل‌های عابر پیاده به منظور ایمن کردن آن برای رفت‌وآمد زنان، اختصاص فضایی متناسب برای زنان در وسایل حمل و نقل عمومی به منظور تسهیل تردد و تحرک زنان در فضای شهری، تلاش برای نفی رویکرد متهم انگاری زنان در زمینه بروز آزار خیابانی از طریق فرهنگ‌سازی، پیام‌رسانی عمومی و تبلیغات بخش‌هایی از مطالبات زنان در این بیانیه بود.

تعیین تکلیف نامزدهای شوراها در ایستگاه پایانی (روزنامه جام جم)

روزنامه «جام جم» در گزارشی با عنوان «تعیین تکلیف نامزدهای شوراهای شهرها در ایستگاه پایانی»، نوشت: فرصت بررسی صلاحیت نامزدهای پنجمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا رو به پایان است و نتایج اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات شوراهای امروز اعلام می‌شود. بر اساس اعلام هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای، نتیجه بررسی صلاحیت نامزدها در این مرحله توسط هیئت‌های استانی نظارت بر انتخابات شوراهای به شخص داوطلب اعلام می‌شود و امروز به مدت یک روز یعنی تا پایان روز ۱۸ اردیبهشت، فرصت دریافت اعتراض‌ها در هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهاست.

#### شیشه‌های خاکستری ساختمان بهشت (روزنامه شهروند)

روزنامه «شهروند» در گزارشی با عنوان «شیشه‌های خاکستری ساختمان بهشت»، نوشت: از میان ۲۱ نماینده شورای شهرمان، چند تن را در حد تمییز چهره و صدا می‌شناسیم و از میان آنها، مواضع چند تن را می‌دانیم و بر کار چند تن از نمایندگان که به آنها رأی داده‌ایم، نظارت داریم. آیا اگر نماینده ما که صاحب یکی از صندلی‌های شورا است، چند جلسه به شورا نیاید، متوجه ماجرا خواهیم شد؟ سؤال اینجاست که حق شهروندان از دانستن جزئیات جلسات علنی شورای اسلامی شهر تهران چقدر است و وظیفه رسانه ملی در گسترش این شناخت چقدر؟ شفافیت یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی است و بنابراین هر چه شفافیت در یک جامعه بالا برود آن جامعه از نظر توسعه‌یافتگی در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد و شفافیت به پیشرفت فرآیند توسعه کمک می‌کند.

#### مطالبات زنان و انتخابات (از فاطمه ذوالقدر در روزنامه شرق)

روزنامه «شرق» در یادداشتی به قلم سیده فاطمه ذوالقدر با انتشار عنوان «مطالبات زنان و انتخابات»، نوشت: ایران امروز بیش از پیش نیاز به جامع‌نگری در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود دارد و در نتیجه، تشویق زنان به حضور در انتخابات و حمایت از نمایندگان زن و نیز تشویق زنان برای حضور و مشارکت فعال در عرصه انتخابات سیاسی، به ویژه انتخابات شورای شهر پیش‌رو فرصتی مناسب برای حمایت از موضوع است.

حضور فعال زنان در مقام‌های تصمیم‌گیری در نسبت‌هایی وسیع‌تر از پیش، مشروط بر اینکه این زنان نمایندگان طبقات و اقشار مختلف زنان در ایران و نمایندگان طیف‌های متنوع سیاسی و فرهنگی باشند، می‌تواند قوانین را به نفع زنان و در جهت کاستن از شرایط تبعیض‌آمیز علیه زنان در سایر حوزه‌ها (نظیر آموزش، بهداشت، اقتصاد و اشتغال) تغییر داده یا ارتقا بخشد. امید است در عرصه انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدای اصلح و منتخب، این خواست نیمی از جمعیت را در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار دهد و در رأس امور و دستور کار خویش موضوع مطالبات حقوق زنان از جمله عرصه سیاست را مدنظر قرار دهد و در عرصه انتخاب شورای شهر نیز کاندیداهای زن بیشتری را بر کرسی شوراهای شهر ببینیم.

## حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر نوید بخش شهری پویا<sup>۱</sup>

این گزارش به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ در پایگاه خبری همدان ورزش چاپ و منتشر شده و شامل مجموعه گفت‌وگوهایی با معلولان شهر همدان است. ابتدا توضیحی آورده و در ادامه مصاحبه‌ها درج شده است.

در رقابت‌های سنگین پنجمین دوره شورای اسلامی شهر حضور کاندیدای جامعه معلولان در این رقابت‌ها نشان از شهامت و شجاعت و نوید بخش شهری پویا و استانداردهای لازم برای این قشر را فرامی‌دهد.

برگزاری انتخابات در ایران اسلامی، نشان بلوغ سیاسی و تجلی وحدت و همدلی مردم در تقویت توان ملی و قدرت سیاسی کشور در سطح بین‌المللی دارد.

وسایل نوین ارتباطی در سال‌های اخیر جای تبلیغات انتخاباتی سنتی همانند چسباندن تصاویر نامزدها در خیابان‌ها و راه‌های عمومی و انتشار بیلبوردهای تبلیغاتی را گرفته است و بسیاری از هواداران نامزدها برای تبلیغ نامزد مورد نظر خود به صفحات شبکه‌های الکترونیکی به جای تبلیغات کاغذی متوسل می‌شوند و برخی دیگر نیز به روش نقد طنزآمیز در تبلیغات خود استفاده می‌کنند که بی‌تأثیر بر تصمیم رأی‌دهنده هم نیست.

امسال هم همانند ادوار گذشته برگزاری یک انتخابات سالم، بی‌طرفانه و پرشور را شاهد خواهیم بود و باید شاهد صیانت از آرای تک‌تک آحاد مختلف مردم و دوری از هرگونه تخلف باشیم. حضور حماسی و پرشور مردم در انتخابات پشتمانه‌ای بزرگ برای نظام اسلامی به شمار می‌رود که زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت کشور است.

این روزها با نزدیک شدن به زمان برگزاری پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر تب و تاب ستادهای انتخاباتی نامزدها در همدان بالا گرفته است.

بسیاری از اقشار مختلف نمایندگانی برای انتخابات این دوره از شورای اسلامی انتخاب کردند که می‌توان گفت بعضی از آنان وابسته به کانون‌های قدرت و ثروت هستند اما در میان تمام تبلیغات پرهیاهو جامعه معلولان منتخب خود را برای پارلمان محلی آماده کردند که بتوانند در تمام این سال‌ها حق از دست رفته خود را محقق کنند. که در این میان به گفتگوی مردمی در خصوص حمایت از کاندیدای جامعه معلولان پرداختیم.

### زهرا مرادی، دانشجوی حقوق

بعضی از اعضای شورای چهارم به دنبال منافع شخصی و تیتیریک خود در صفحه اول روزنامه بودند اما این در حالی است که برخی دیگر خود را واقعاً نماینده مردم می‌دانستند. وی با بیان اینکه یکسری سیاسی بازی در شورای چهارم عملکرد آنان را مختل کرده است، افزود: به طوری پیگیری‌های برخی از اعضای شورا به خاطر سیاسی بازی نتیجه نمی‌دهد.

۱. پایگاه خبری همدان ورزش، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶.

در خصوص استانداردسازی و مناسب‌سازی برای معلولین شورای چهارم نمی‌تواند عملکرد قابل قبولی ارائه بدهند به طوری که کیوسک‌های تلفن و عابر بانک‌ها برای افراد معلول و کوتاه قامت مناسب‌سازی نشده است.

زمانی که نامزد انتخاباتی جامعه معلولان پا به عرصه رقابت بگذارد به دلیل اینکه با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده است به طور قطع مطالبه‌گری آنان را به حداکثر می‌رساند.

#### افشین سالاری، شهروند همدانی

با توجه به اینکه یک سوم جامعه‌ای ما را قشر معلول تشکیل می‌دهند اما خدمات شهری، مناسب‌سازی و استاندارد سازی برای این اقشار در نظر گرفته نشده است.

قشر معلول هم به عنوان شهروند این شهر محسوب می‌شوند یا بعضاً در ادارات و مراکز خرید جای خالی رمپ برای این افراد ملموس است. در حال حاضر کاندیداتوری آقای افشار نشان از شجاعت و شهامت آن دارد که پا به عرصه رقابت گذاشته است.

در دوره‌های گذشته از شورای اسلامی شهر همدان مشاهده می‌شود که برخی از اعضای شورا تنها به شعار اکتفا کردند و پای عمل نبودند که امیدواریم با حضور برخی از کاندیدا در این دوره شاهد هم‌گرایی آنان باشیم.

#### زهرا غلامی، کارمند دستگاه‌های اجرایی

شورای چهارم عملکرد قابل توجهی از نظر فرهنگی در مناطق محروم نداشته است. بارها این دوره از شورا اعلام کردند که فرهنگسراهایی در مناطق حاشیه شهر به بهره‌برداری رسیده است اما از امکانات لازم برخوردار نیستند. به نظر بنده اگر شورای شهر اقدام به احداث و افتتاح یک مکان فرهنگی می‌کنند باید از صفر تا ۱۰۰ آن آماده خدمت‌رسانی برای مردم باشد.

با نگاهی به پیرامون شهر می‌توان دید که شورای شهر برای سهولت و دسترسی معلولان و جانبازان به خدمات شهری اقدامات شایسته‌ای انجام نداده است. حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای شهر برای این قشر خاص از می‌تواند برکات فراوانی همراه داشته باشد.

#### صغری صیفی از مادران و شهروندان همدان

شورای چهارم شهر از وجود افراد متخصص بهره برد اما با این وجود گاهی دچار روزمرگی شدند و به همین دلیل نتوانستند کارایی لازم را داشته باشند. اگر هر قشری از جامعه نماینده‌ای خود را برای پارلمان محلی برگزینند قطعاً از تخصص لازم برخوردار هستند و بنابراین می‌توانند مطالبه‌گری حوزه خود را افزایش دهند.

همانطور که در پنجمین دوره شورای اسلامی شهر نامزد انتخاباتی از جامعه معلولان درخواست کرده است خود نوید از شهری پویا و بانشاط و استانداردهای لازم می‌دهد.

#### سبحان جعفری از جوانان همدان

معلولان هم شهروندان این شهر محسوب می‌شوند اما مناسب‌سازی برای آنان از جمله سرویس‌های بهداشتی وجود ندارد. مسئولان استانی باید بودجه‌ای ویژه‌ای برای این قشر از جامعه اختصاص دهند و امیدوارم کاندیدای جامعه معلولان دغدغه‌ای اصلی این شهروندان را حل و فصل کنند.

### معلولان هم می‌توانند نمایندگان خود را به مجلس بفرستند (امیر خجسته، نماینده همدان)

امیر خجسته، نماینده مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در نشست صمیمی با اعضای هیئت رئیسه جامعه معلولین و جمعی از معلولان اظهار داشت: معلولان و توانمندان همانند سایر اقشار مختلف مردم می‌توانند نمایندگان خود را در راستای احقاق حقوق و مطالبه‌گری به مجلس شورای اسلامی بفرستند.

وی بیان کرد: قانون برای اقشار معلول هم اولویت‌هایی در نظر گرفته است به طوری که استخدام جامعه هدف در ادارات دولتی به نوعی توجه به این قشر خاص می‌باشد. وی افزود: در هیچ یک از قانون جمهوری اسلامی حضور معلولان برای ثبت نام در ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای شهر منع نشده است و در غیر این صورت موردی مشاهده شده باشد بررسی و پیگیری‌های لازم در کمیسیون شورا انجام می‌شود. وی با اشاره به اینکه شاهد خریدن رأی توسط برخی از کاندیدا هستیم، تصریح کرد: خریدن رأی با دادن وعده‌های غذایی و توزیع پول در بین مردم امری غلط و خلاف قانون به شمار می‌رود که اگر سرنخی از این موضوع به دست آید قطعاً برخورد قانونی می‌شود. لازم است که همه آحاد مردم به ویژه جامعه معلولان نماینده‌ای خود را به شورای اسلامی شهر همدان بفرستند تا پیگیر مطالبات آنان شوند.

#### اظهار نظر آقای وکیلی نایب‌الریاست حاضر در جلسه

یکی از نایب‌الریاست حاضر در جمع به نام وکیلی نیز ابراز کرد: با توجه به اینکه ۱۰ درصد از جمعیت کشور را معلولان تشکیل می‌دهند اما همچنان مناسب‌سازی در شهرها انجام نشده است که حضور یک نماینده منتخب از جامعه معلولان در شورای شهر الزامی می‌باشد. وی با بیان اینکه مسئولان باید به نیازهای توانمندان و معلولان توجه ویژه کنند، اظهار داشت: متأسفانه در حال حاضر شاهد کم‌رنگ شدن توجه مسئولان به این قشر از جامعه هستیم و حضور کاندیدای جامعه معلولان در شورای اسلامی شهر ضروری است. افراد معلولی در سطوح بالای علمی وجود دارد که این نشان دهنده توانایی این افراد در کسب علم به رغم وجود ناتوانی در برخی ابعاد جسمی، ذهنی، حرکتی و... است.

معلولان از ظرفیت، پتانسیل و توانمندی‌های بالای برخوردارند و باید بسترهای لازم برای فعالیت کودکان معلول و سالم در کنار هم فراهم کنیم که این امر لازمه حضور کاندیدای جامعه هدف به شورای اسلامی شهر است.

#### دیدگاه محمدعلی افشاری، رئیس هیئت مدیره جامعه معلولان استان همدان

علاوه بر اینکه مناسب‌سازی در شهر استاندارد نیست در حال حاضر قشر معلول هزینه‌های زیادی را در بخش‌های مختلف اعم از درمانی و... پرداخت می‌کند. برای احقاق حقوق جامعه توانمندان باید یکی از کرسی‌های شورای اسلامی شهر همدان در اختیار جامعه هدف قرار بگیرد. جامعه معلولان استان همدان از سال ۷۸ پایه‌ریزی شد که هدف از تشکیل آن نقش حمایتی در کنار سازمان بهزیستی استان است تا حق و حقوق معلولان را مورد پیگیری قرار دهد.



اجرای طرح مناسب‌سازی و ایجاد رمپ برای معلولان یکی از برنامه‌هایی است که برای تردد معلولان باید مورد توجه قرار گیرد که از سال ۸۳ تاکنون با وجود تشکیل کمیسیون‌های مناسب‌سازی در سطح استان و کمیسیون تخصصی در بهزیستی، این طرح با کندی پیش رفته است.

## شورای شهر و حقوق معلولان<sup>۱</sup>

وحید نوروزی استاد دانشگاه، عضو حزب ندای ایرانیان و کاندید دوره پنجم شورای شهر تهران درباره انتخاب معلولان نکاتی را مطرح کرده است. او می‌گوید: شورای شهر و شهرداری باید خود را ملزم به مناسب‌سازی اماکن عمومی برای جامعه معلولین کند. معمولاً در برنامه‌های نامزدهای شورای شهر هیچ توجهی به ۱۵ درصد از مردم شهر نشده و اشاره‌ای بر آن نمی‌شود.

مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد:

۱. طبق آمار بهداشت جهانی ۱۵ درصد از جمعیت کشورها را افراد ناتوان تشکیل می‌دهند شامل افراد دارای معلولیت، کهنسالان و...
۲. طبق مفاد کنوانسیون بین‌المللی افراد دارای معلولیت، وظایف زیادی در این خصوص به عهده شهرداری و تصمیم‌گیران شهری است.
۳. طبق قانون جامع حمایت از حقوق معلولین مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی تکالیف مهمی در مورد مناسب‌سازی معابر، اماکن عمومی و کلیه ساختمان‌ها و حمل و نقل معلولان و مبلمان شهری بر عهده شهرداری گذاشته شده است که تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری آن بر عهده شورای شهر است.

برنامه‌هایی که می‌توان در شورای شهر برای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مورد بررسی قرار داد به شرح زیر می‌باشد:

۱. در مجموعه شورای شهر و شهرداری مناسب‌سازی اماکن عمومی برای تردد راحت جامعه معلولان باید در دستور کار قرار بگیرد و در این راستا در مناطق مختلف شهر اقداماتی باید انجام شود.
۲. وظیفه شهرداری و شورای شهر تأمین بهترین امکانات برای رفاه و افزایش رضایتمندی شهروندان در بهره‌مندی از خدمات عمومی است که در این راستا جامعه معلولان نیز باید به حق و حقوق واقعی خودشان در این زمینه دست پیدا کنند.
۳. ارتقاء شأن و منزلت انسانی افراد دارای معلولیت به عنوان شهروندانی برابر با سایر افراد و کوشش در راه تخصیص امکانات برابر با سایر افراد جامعه برای آنها در محیط شهری.
۴. تلاش در جهت مناسب‌سازی صد درصدی امکانات و فضاهای شهری از جمله معابر، ساختمان‌ها، محیط‌های تفریحی، فضاهای ورزشی، وسایل حمل و نقل عمومی و غیره جهت استفاده افراد دارای معلولیت.

بسیاری از معلولان جامعه ما در توانمندی‌های فکری، اعتقادی و انجام کارهای خلاقانه حتی از سالم‌ترین افراد نیز کارآتر هستند به طوری که ما به صورت روزانه با چنین افراد توانمندی روبه‌رو هستیم که با ابتکار و خلاقیت‌های بی‌نظیر سعی می‌کنند فضای شایسته‌ای را در مسیر افزایش توانمندی‌ها فراهم آورند.

1. [www.entekhabkhabar.ir](http://www.entekhabkhabar.ir) (۵ اردیبهشت ماه ۹۶)

### لزوم حضور کاندیدای جامعه معلولان در عرصه رقابت انتخابات شوراهای

جواد کرمی یکی از اعضای جامعه معلولان استان همدان، درباره انتخابات و نقش معلولان در آن اظهارنظرهایی مطرح کرده که عیناً نقل می‌شود:

در پنجمین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر همدان کاندیدای جامعه معلولان به دور از هرگونه شائبه سیاسی، قدرت و ثروت وارد عرصه رقابت شده است. قانون حمایت از معلولان تمهیداتی برای برآوردن حقوق معلولان اندیشیده که نیاز به تبیین بیشتر دارد.

متأسفانه برخی از قوانین مانند بحث مناسب‌سازی و استفاده برابر از امکانات برای معلولان از طرف برخی از مسئولان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

افراد معلول همانند هر شهروندی نیازمند استفاده از خدمات عمومی و رفاهی می‌باشد که متأسفانه هیچ‌گونه مناسب‌سازی برای تسهیل در تردد آنان در نظر گرفته نشده است. یکی از دغدغه‌های موجود معلولان دسترسی غیر آسان برای دریافت پول نقد از عابر بانک‌های سطح شهر، پمپ بنزین و مطب پزشکان و... می‌باشد که توجه کمتری به این قشر از جامعه از سوی مسئولان شده است.

افراد معلول همانند هر شهروندی نیازمند استفاده از خدمات عمومی و رفاهی می‌باشد که متأسفانه هیچ‌گونه مناسب‌سازی برای تسهیل در تردد آنان در مناطق عمومی و... انجام نشده است. مناسب‌سازی ورودی‌ها، رمپ‌ها و آسانسورها به ویژه در دستگاه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. یکی از دغدغه‌های موجود معلولان دسترسی غیر آسان برای دریافت پول نقد از عابر بانک‌های سطح شهر، پمپ بنزین و مطب پزشکان و... می‌باشد که توجه کمتری به این قشر از جامعه از سوی مسئولان شده است.

در مجلس شورای اسلامی نمایندگان لایحه‌ای را به موجب دسترسی آسان معلولان و توجه بیش از پیش به این قشر از جامعه را به شرط بودجه به تصویب رسانده است که بنابراین شرط عملاً این قانون ماهیت خود را از دست می‌دهد.

جامعه معلولان استان همدان به طور قاطع حمایت خود را از آقای افشاری کاندیدای پنجمین دوره شورای اسلامی شهر اعلام می‌کند که حضور این فرد اصلح به شورای اسلامی شهر مطالبه‌گری جامعه هدف به حداقل می‌رسد. این در حالی است که کاندیدای جامعه معلولان به دور از هرگونه شائبه سیاسی، قدرت و ثروت در این عرصه وارد شده است تا مشکلات و مسائل جامعه هدف را در کنار سایر مشکلات شهر مطرح و حل و فصل کند.

آحاد مختلف جامعه باید به دور از ترحم و دلسوزی‌های بی‌مورد به کاندیدای جامعه هدف رأی بدهند تا این قشر از جامعه همانند سایر شهروندان بتوانند از خدمات عمومی و رفاهی به آسانی

استفاده کنند. از آن جایی که تردد برای معلولین به سختی انجام می‌شود و در این دوره از انتخابات مسئولین باید یکی از صندوق‌های رأی را به معلولین اختصاص دهند.

### نیاز به حضور کاندیدای جامعه معلولان

آقای زارعی مسئول انجمن روشندان استان همدان درباره انتخاب همدان و نقش معلولان مسائلی را مطرح کرده که عیناً نقل می‌گردد.

نهاد قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، نیازمند حضور اشخاص توانمند و با تدبیری از جمله کاندیدای جامعه معلولان است. متأسفانه جامعه بزرگ معلولان تاکنون تریبون در خوری برای بیان مطالبات و خواسته‌های خود نداشته‌اند که این مهم باعث شده است مدیریت شهری نیز آن‌گونه که باید توجهی به کمبودهای این حوزه نداشته باشند.

نهاد قدرتمند و با اهمیت شورای شهر و مدیریت شهری، اشخاص توانمند و با تدبیری را نیاز دارد که با جامعه بزرگ معلولان آشنا و نیازهای آنان را به طور ملموس بشناسد.

جامعه معلولان از وضعیت کنونی راضی نیستند و امیدواریم کاندیدای انتخاباتی جامعه هدف با پیگیری‌های لازم و اجرای برنامه‌های مدون مطالبه‌گری این قشر از جامعه را به حداقل برسانند.

به طور یقین زمانی که آقای افشاری کاندیدای جامعه معلولان در پارلمان محلی حضور داشته باشند بسیاری از مشکلات جامعه هدف حل و بررسی خواهد شد. در راستای شهری آباد باید سایر شهروندان به جهت پیگیری‌های مطالبات خود، هم‌نوعان و تمامی معلولان می‌توانند به کاندیدای مورد نظر جامعه معلولان رأی دهند. این مسیرها باید از سطح پیاده‌رو بالاتر و برجسته‌تر باشد تا نابینایان و کم‌بینایان بتوانند آن را لمس کنند.<sup>۱</sup>

## کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای مصداق بارز موفقیت توانمندسازی<sup>۱</sup>

این مطلب به هنگام انتخاب شورای شهر در سال ۱۳۹۲ توسط رئیس سازمان بهزیستی بیان شده است.

همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی با اشاره به حضور ۱۵۰ نفر از معلولان و جانبازان به عنوان کاندیدای شورای اسلامی شهر و روستا گفت: کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای مصداق بارز موفقیت نهضت توانمندسازی در سازمان بهزیستی است. این حرکت و حضور معلولان در شوراهای شهر قطعاً به تسهیل اجرای قانون جامع حمایت از معلولان منجر شده است و می‌تواند اثرات غیرقابل انکاری در تحقق آرمان شهرهای بدون مانع داشته باشد. مناسب‌سازی محیط، تسهیل در رفت و آمد و طرح‌های ویژه شهری برای معلولان نمود تأمین عدالت در دسترسی بوده است و اثرات روانی فوق‌العاده مثبتی خواهد داشت. وقتی در آرایش عناصر و توزیع امکانات به نیازهای خاص معلولان توجه شود، دیگر کمتر نیازی به کمک یا مداخله دیگران در زندگی روزمره آنها خواهد بود. دیگر زمان آن رسیده است که به جای ترویج فرهنگ ترحم به معلولان، وظیفه خود در قبال بهینه‌سازی و مناسب‌سازی محیط شهری برای تسهیل رفت و آمد و زندگی اقدار خاص عمل کنیم. بدون شک حضور قابل توجه معلولان به عنوان در کاندیدای چهارمین انتخابات شوراهای شهر و روستا، نشان از بلوغ اجتماعی جامعه هدف سازمان بهزیستی داشته و همچنین حاکی از توان و اثرگذاری این سازمان در عرصه اجتماع است.

کاندیداتوری معلولان در انتخابات شوراهای شهر و روستا مصداق بارز موفقیت نهضت توانمندسازی در سازمان بهزیستی است زیرا بالغ بر ۱۵۰ نفر از معلولان و اعضای جامعه هدف سازمان بهزیستی در سراسر کشور به عنوان کاندیدا در چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاها ثبت نام و احراز صلاحیت شده‌اند.

حضور معلولان و اعضای جامعه هدف سازمان بهزیستی در انتخابات شوراهای شهر و روستا نشانگر خود شکوفایی و توانمندی این قشر از جامعه است که با تلاش و اعتماد به نفس خود توانسته‌اند بر موانع و مشکلات غلبه کنند و خود را به عنوان اعضای مولد مورد نیاز جامعه معرفی کنند.

حضور معلولان در چهارمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستاها می‌تواند گام محکم و بلندی در جهت احقاق حقوق معلولان و جلب توجه و نگاه ویژه مسئولان به این گروه باشد که برای بهبود شرایط زندگی و تغییر نگرش جامعه به توانمندسازی آنان، بی‌وقفه می‌کوشند و باور دارند که معلولیت، محدودیت نیست.

1. [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com) (۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۲)

## انتظار جامعه معلولان از ۱۷۴ معلول منتخب شورای شهر و روستا<sup>۱</sup>

اشاره

در آخرین ساعاتی که مشغول نهایی کردن این کتاب برای چاپ و نشر بودیم، خبر ملاقات آقای نحوی نژاد و آقای ربیعی با منتخبین شوراها منتشر گردید. این خبر اهمیت بسیار دارد و خود این رخداد هم، ابعاد مهم و قابل تأمل دارد.

حسین نحوی نژاد معاون توانبخشی سازمان بهزیستی در نشست معلولین منتخب پنجمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا گفت: آرزویمان این است که توانمندی معلولان را به جامعه نشان دهیم و شاهد حضور آنها در مناصب مدیریتی باشیم و اینکه این افراد در ایاب و ذهاب، دسترسی به ادارات، دانشگاه‌ها، اماکن تفریحی و بسیاری اماکن دیگر دچار مشکل باشند به معنی عدم برابری با سایر شهروندان است.

وی با بیان اینکه با موانعی روبرو هستیم که زمینه حضور معلولان را در جامعه محدود می‌کند گفت: ۱۷۴ نفری که دارای معلولیت بودند به شوراهای شهر و روستا راه یافتند که از این تعداد ۴۰ نفر منتخب شوراهای شهر و مابقی منتخبان شوراهای روستا هستند.

طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه، ۳۰ سال است که اجرا می‌شود که سال گذشته ۴۳۰ هزار معلول روستایی را تحت پوشش قرار دادیم و امسال همان برنامه را در شهرها و حاشیه شهرها اجرا خواهیم کرد. ۳۰ شهر محروم را در نظر گرفته‌ایم که ۱۰ شهر در سیستان و بلوچستان، هفت شهر در کرمان و مابقی در سایر استان‌هاست. همچنین حاشیه کلان‌شهرهایی چون مشهد را مورد توجه قرار می‌دهیم.

امیدواریم روزی بیاید که هیچ دانشگاه و هیچ مرکز تفریحی و اداره‌ای نباشد که به علت عدم مناسب‌سازی مانع حضور معلولان باشد.

هیچگونه انزوا و جداسازی را نمی‌پذیریم. امروز دنیا قبول نمی‌کند که اماکنی چون پارک معلولین بسازیم، بلکه باید همه پارک‌ها برای استفاده معلولین مهیا و مناسب باشند. امروز تأکید ما در شوراها این است که از قید و بند شهر خود خارج شویم.

اولین خواسته ما از اعضای منتخب شوراهای شهر پنجم ایجاد یک شبکه مرتبط و به هم پیوسته است تا یک تفکر و اندیشه در کل کشور به بار بنشیند.

وی خطاب به معلولین منتخب شوراهای شهر و روستا افزود: از نوع ارتباط خود با نمایندگان مجلس استفاده کنید تا قوانین راهگشا و اثربخش در کل کشور برای ارتقای وضعیت همه معلولان تصویب و اجرایی شود.

بیمه سلامت و تأمین اجتماعی خدمات فیزیوتراپی را به شکل محدود ارائه می‌دهند و خدماتی چون کاردرمانی و... در شمول بیمه نیست و مشغول پیگیری‌هایی در این زمینه هستیم.

1. www.farsnews.com (۷ مرداد ماه ۱۳۹۶)

طرح‌های بسیاری در مناطق روستایی شهرها و حاشیه‌ها قابل اجراست. دو، سه سال است که طرح‌های مناسب‌سازی را برای گروه‌های مختلف معلولان شروع کردیم و درخواست می‌کنیم شما پس از ورود به شوراهای شهر این طرح‌ها را حمایت کنید و در این موضوع مداخله کنید. از شهرداری‌ها فقط انتظار مناسب‌سازی فیزیکی را نداریم بلکه مناسب‌سازی اجتماعی هم یک اصل است و شهرداری‌ها نباید نسبت به آسیب دیدگان اجتماعی بی تفاوت باشند. امید است با تشکیل یک شبکه منسجم گام‌های خوبی در آینده برداریم.

#### از نظر آماری در وضعیت مطلوبی به لحاظ مناسب‌سازی قرار نداریم

همچنین کاظم مؤمن سرایی، رئیس دبیرخانه پیگیری مناسب‌سازی کشور نیز در این نشست گفت: خوشبختانه امروز معلولان وارد شوراهای شهر شده‌اند و مستقیم می‌توانند پیگیر مطالبات باشند. از نظر آماری در وضعیت مطلوبی به لحاظ مناسب‌سازی قرار نداریم، در حالی که زیست شهری در محیطی آرام و بدون دغدغه از انتظارات منطقی و از حقوق همه مردم است. متأسفانه برخی افراد مناسب‌سازی را به معلولیت گره می‌زنند و معتقدند این قشر جامعه آماری محدودیتی دارد و باید به مسائل اساسی و کلان‌تر شهری پردازیم و به همین خاطر مناسب‌سازی را در اولویت‌های پایین قرار می‌دهند در حالیکه این باور غلط است. کمبود بودجه از علل عدم مناسب‌سازی بهینه شهری است و قانونگذار ۱۲ وظیفه قانونی به شهرداری‌ها محول کرده که اگر به درستی انجام شود می‌توانیم بگوییم بسیاری مشکلات در حوزه مناسب‌سازی حل می‌شوند البته اقداماتی مانند اختصاص ردیف مناسب‌سازی سال گذشته که با پیگیری بهزیستی در بودجه شهرداری‌ها اعمال شد.<sup>۱</sup>

#### حضور ۱۷۴ منتخب معلول در شوراهای شهر و روستا، تلنگری بر وجود صدای گروه‌های خاموش<sup>۲</sup>

علی ربیعی در نخستین نشست معلولین پنجمین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستای کشور در محل سازمان بهزیستی افزود: وجود ۱۷۴ فرد دارای معلولیت در شوراهای شهر و روستای کشور که توانایی‌های ذهنی و اندیشه‌های بزرگی دارند می‌تواند در فصل جدیدی در سیاست‌گذاری‌های شهری و روستایی برای افراد دارای معلولیت و نیازهای خاص باشد. وی ادامه داد: امروز متأسفانه صدای افراد دارای نیازهای خاص کمتر شنیده می‌شود و کسانی که بلندگوهای بیشتری دارند صدای خود را به جامعه منتقل می‌کنند؛ بلندگوها حقانیت می‌آورد و برخی‌ها با تکرار کردن و بلند صدا کردن، واقعیت‌نمایی می‌کنند بنابراین باید شرایطی ایجاد کنیم تا صداهای کمتر شنیده شده، بازتابانده شوند و با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بر مشکلات غلبه کنیم. امروز در تعاریف توسعه یافتگی، "توجه به اقشار خاص" یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی به شمار می‌رود اما فراتر از آن باید به این شاخص به عنوان یکی از شاخص‌های جامعه اخلاقی و دینی توجه داشت.

1. www.farsnews.com (۷ مرداد ماه ۱۳۹۶)

2. www.irna.ir (۷ مرداد ماه ۱۳۹۶)

میزان توجه به اقشار خاص به عنوان خط کش انسانی و اخلاقی جوامع محسوب می‌شود بطور مثال توجه به سالمندان یکی از این شاخص‌ها است اما متأسفانه در دوره‌های اخیر، سالمندان دارای ناتوانی به نوعی از خانواده‌ها دور می‌شوند.

منظور از "توجه" این است که چقدر در سیاست‌گذاری‌ها به افراد دارای نیازهای خاص توجه می‌شود. میزان حرکت روان و فقدان انسدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای افراد دارای ناتوانی، شاخص توسعه یافتگی یک جامعه محسوب می‌شود. عدالت در این است که برای افراد دارای نیازهای خاص، تبعیض مثبت قائل شویم.

اکنون با نابرابری‌های منطقه‌ای روبرو هستیم و باید بکوشیم نابرابری‌های حاشیه شهرها را نیز از بین ببریم؛ قابل قبول نیست که فردی از خانواده‌ای فقط ارزش لباسی که پوشیده، یکصد میلیون تومان باشد اما فرد دیگری با ۱۲ میلیون تومان بدهی به سختی زندگی کند. کاهش فقر و محو نابرابری‌های مختلف نیاز به برنامه‌ریزی دارد.

وی در ادامه سخنانش به لایحه حمایت از حقوق معلولان اشاره کرد و گفت: این لایحه در دولت تصویب اما در مجلس با مشکلاتی روبرو شد و اکنون تلاش داریم آن را احیا کنیم و نخستین کار ما این است که این لایحه را دنبال کنیم و در صحن مجلس به تصویب برسانیم تا بودجه سال ۹۷ بر اساس آن بسته شود.

#### حرکت با ویلچر همانند حرکت عابر پیاده شد

اقدام بعدی ما این است که شهر باید مناسب حرکت معلول و سالمند شود. ما در کمیسیون اجتماعی مصوبه‌ای گرفتیم که طبق آن حرکت با ویلچر همانند حرکت عابر پیاده تلقی شود چرا که قبل از این حرکت با ویلچر به عنوان حرکت با خودرو تلقی می‌شد و تا سه هفته دیگر آن را در هیئت وزیران مصوب خواهیم کرد.

همچنین باید روی "بردن آموزش به خانه‌های کودکان ناتوان" کار کنیم البته ترکیب خانه و محیط اجتماعی و عادی سازی حضور کودکان در سایر افراد جامعه نیز مهم است.

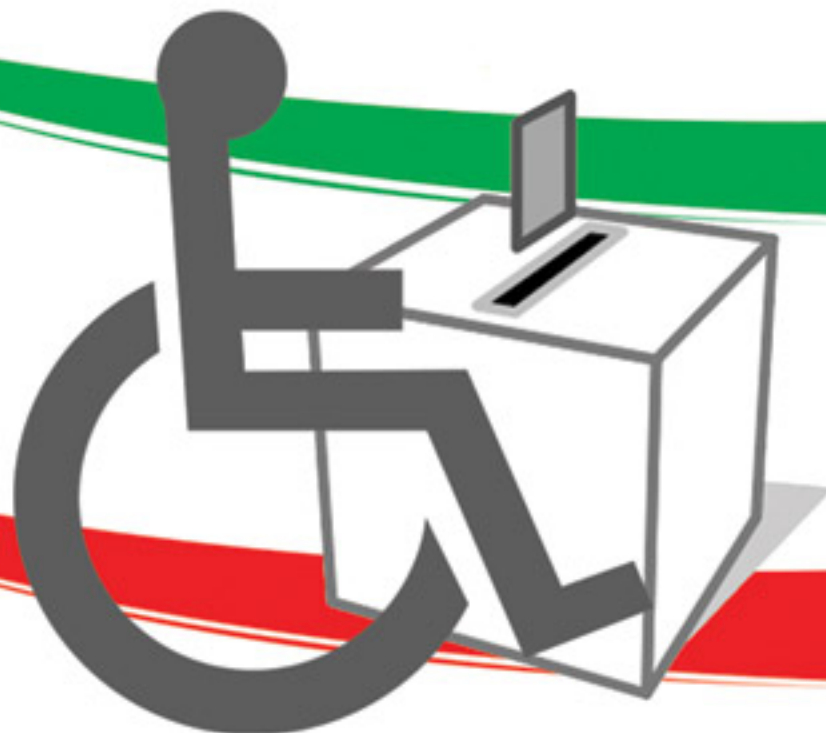
وی در ادامه با اشاره به اهمیت اشتغال برای افراد دارای معلولیت گفت: اولویت برنامه‌های اشتغال به ویژه اشتغال روستایی برای گروه‌های هدف سازمان بهزیستی و کمیته امداد است. همچنین از این به بعد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید متناسب با فیزیک معلولین نیز باشد و نخستین مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای با این هدف در هرمزگان افتتاح شده است.<sup>۱</sup>





دفتر فرهنگ معلولين  
دار الثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center

# انتخابات و معلولان



به كوشش  
دفتر فرهنگ معلولين